

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

سال اول؛ شماره اول؛ شماره مجوز ۲۴۶/ک ن ش

جبهه واحد

جبهه واحد
ضد آمریکایی
و ضد صهیونیستی
دانشجویان جهان اسلام

با نوشتار و گفتارهایی از :

لئونید ساوین (مدیر بنیاد نظارت و پیش بینی توسعه فضاهای فرهنگی روسیه)

ماریا پومیه (مستندساز و استاد دانشگاه پاریس)

لوسین سربیس (فارغ التحصیل فلسفه، زبان شناسی، علوم اطلاعات و ارتباطات از دانشگاه های پاریس و ریمز فرانسه)

سید عبدالله حسینی (معاون دبیر کل اتحادیه سازمان های بین المللی غیر دولتی حامی فلسطین)

علی عباسی اصل (رئیس مرکز پویش جهانی رفرا ندوم سرنوشت ساز مردم فلسطین (جرس))

حسن عابدینی (کارشناس مسائل بین الملل و قائم مقام خبرگزاری صداوسیما)

احمد رضا روح الله زاد (دبیر کمیسیون سیاسی جمعیت دفاع از ملت فلسطین)

پرویز شیخ طادی (کارگردان سینما)

محمدرضا فصاحت (مدیر موسسه نور قدس جوان)

رضا منتظمی (کارشناس مطالعات صهیونیسم در اروپا و آمریکا)

احمد سروش نژاد (کارشناس خاورمیانه و مدیر مسئول موسسه زیتون)

علیرضا کمیلی (دبیر اتحادیه بین المللی امت واحده)

سرباز روح الله رضوی (مسئول کمیته بین المللی امت واحده)

به همراه یادداشت های رسیده به دبیرخانه کنفرانس

دانشجویی حمایت از انتفاضه فلسطین...

فلسطین
قطعا آزاد خواهد شد...

کنفرانس دانشجویی حمایت از انتفاضه فلسطین

﴿The Student Conference Supporting the Palestinian intifada﴾
﴿المؤتمر الطلابي لدعم الانتفاضة الفلسطينية﴾



محورهای کنفرانس

۱. بررسی ابعاد حقوقی قدس به عنوان پایتخت فلسطین
۲. آزادی قدس، طلیعه تمهیدن نویسن اسلامی
۳. راهبردها، ظرفیتها و تعاملات جنبش دانشجویی مسلمان در قبال مسئله فلسطین
۴. مسئله قدس، محور وحدت جهان اسلام
۵. نگاهی به آینده فلسطین با توجه به تحولات اخیر منطقه

بهمن ماه ۱۳۹۶ - مشهد مقدس

IRAN. MASHHAD - JANUARY 2018

ایران. مشهد المقدس - جمادی الاول ۱۴۳۹

INT.MOSTAGHEL.IR



سِرِّ السَّيِّئِ خَيْرٌ مِنْ
سِرِّ الْبَرِّ



فهرست مطالب

- ۳/ بغض تاریخی؛ مأموریت تاریخی
- ۴/ فلسطین از نگاه سه سید
- ۹/ کنفرانس دانشجویی حمایت از انتفاضه فلسطین
- ۹/ مأموریت ممکن
- ۱۱/ فلسطین مجروح غفلت‌ها
- ۱۲/ ۱۰۰ سال فلسطین و صهیونیست
- ۱۴/ نامه هنیه، اعلام آمادگی جامعه فلسطین برای انتفاضه فراگیر مسلحانه
- ۱۶/ رفراندوم، سرنوشت‌سازترین تصمیم مردم اصلی فلسطین
- ۱۷/ ملزومات تشکیل جبهه مجازی دانشجویان مسلمان ضد استکبار
- ۱۸/ چرا تحریم اسرائیل مهم است؟
- ۱۹/ امروز حقوق بشر ابزار اصلی برای نفوذ است
- ۲۱/ چالش بیت‌المقدس
- ۲۳/ فلسطین کربلای امروز
- ۲۷/ چالش ایران با صهیونیسم بین‌الملل (نبرد آخرالزمانی)
- ۲۹/ معرفی کتاب
- ۳۰/ کاریکاتور
- ۳۱/ نابودی اسرائیل و جنگ نرم که مغفول مانده
- ۳۲/ بهمن ۱۳۵۷؛ سالروز تسخیر سفارت اسرائیل در ایران
- ۳۴/ ورود به حوزه صهیونیست را منطقه ممنوعه اعلام کرده‌اند
- ۳۶/ آنچه باید در مورد خبررسانی در فلسطین بدانید
- ۳۸/ توثیترانه
- ۴۰/ یادداشت‌های دانشجویی

جبهه واحد

گاهنامه فرهنگی سیاسی اجتماعی اقتصادی

صاحب امتیاز:	انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شیراز
مدیر مسئول:	محمد طاهری
سردبیر:	علیرضا مظفری
هیئت تحریریه:	محمد طاهری آصف سعادت‌ی محمد رئوف امینه آموزگار علیرضا فیروزی سجاد ایام علیرضا مظفری علی پیروی‌نژاد محمد رضا خلیل آزاد زهرا یاحقی محدثه اسماعیلی مجیب دهش
طراح و صفحه‌آرا:	محمد مهدیان‌فر
راه‌های ارتباطی با ما:	

www.mostaghel.ir
www.int.mostaghel.ir
www.anjomanshu.ir
int.anjoman.shu@gmail.com
@jebhevahed
۰۹۱۷۸۳۶۳۷۲۶





سخن مدیر مسئول

بغض تاریخی؛ مأموریت تاریخی

مأموریت تاریخی به خوبی نشان می دهد که دیدبان انقلاب، برای دانشجو و جنبش دانشجویی شأن اثرگذاری بین المللی متصور ست و عمیقاً بر این باور ست که دانشجو می بایست نسبت به فضای بین المللی دارای نظر در حوزه اندیشه و عمل در حوزه عملیاتی باشد. نکته حائز اهمیت دیگر این ست که با توجه به فضای حساس دنیای اسلام می بایست دانشجویان دنیای اسلام در ساز و کارهای مناسب گرد هم جمع گردند و جبهه ای واقعی علیه جبهه عظیم استکبار تشکیل بدهند.

در جهت لبیک به فرمان و مأموریت تاریخی رهبری انقلاب، بر آن شدیم تا در نشریه ای تحت عنوان «جبهه واحد» یک هویت تازه و مطبوعه ای را برای جوانان دانشجوی دنیای اسلام و همچنین آزادی خواهان ضد استکباری دنیا تشکیل دهیم. در این راه پر فراز و نشیب، یاری همه دلسوزان و دغدغه مندان آرماتخواه برای پیشبرد این نهال نوپا و هویت جوان، لازم و ضروریست. لذا از همه بزرگوارانی که تمایل به همفکری و همکاری دارند دعوت به عمل می آید.

امید که از زمینه سازان ظهور و از یاوران حضرت بقیه الله الاعظم (ارواحنا له الفداء) در عصر موعود باشیم.

وَتَرِيدُ أَنْ نَمُنَ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

سراسر جهان علیه ظلم و غارت و جنایت جریان استکبار به پا خاسته اند و چهره شوم و کثیف استکبار بیش از پیش عیان شده است.

امروز یک فرصت تاریخی ست که مردم مسلمان جهان در کنار احاد آزادیخواهان جهان، بزرگ ترین شکست ویران گر را بر نظام سلطه وارد نمایند. امروز بیش از پیش به وحدت و انسجام و مقاومت و جهاد نیازمندیم. ما آرمان های بزرگی داریم و می بایست همت هایمان در طراز آرمان هایمان باشد. یکی از آرمان های مهم ما مسئله آزادسازی قدس شریف و فلسطین از نهر تا بحر است که به فضل الهی در نهایت ایمان و مقاومت و جهاد ما به سرانجام خواهد رسید.

در این راه مقدس و پرافتخار دانشجویان دنیای اسلام می توانند نقش برجسته ای را ایفا نمایند. جوان دانشجو به سبب روحیه پر نشاط جوانی، آرماتخواهی و عدالت طلبی بیش از همه گروه ها و جریان ها می تواند در مسیر مبارزه علیه استکبار گام موثر بردارد و جامعه پیرامونی اش را با خود همراه سازد. رهبری معظم انقلاب حضرت امام خامنه ای (دامت برکاته) در مأموریتی مهم به جنبش دانشجویی مطالبه خود را جهت تشکیل یک «جبهه واحد ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی دانشجویان جهان اسلام» از دانشجویان بیان فرمودند. این

ما مسلمان ها بغض فروخته ای به وسعت یک تاریخ پر از ظلم و تجاوز و جنایت و آوارگی و سیاهی در سینه داریم. در این تاریخ پر بغض، هیچ قصه ای به اندازه قدس و فلسطین پر غصه نیست. مگر می شود مسلمان بود و ادعای آن دین عزت آفرین را داشت و از قصه پر غصه پاره تن خود، ننالید و در فکر مبارزه بی امان با دشمنانش نبود؟!

امروز جریان استکبار به رهبری آمریکا و اسرائیل در مواجهه ای کم نظیر در پیشگاه انظار عمومی جهانی، بیشترین خیانت ها و دشمنی های خود را به کار گرفته است تا ضربه کاری خود را بر پیکر اسلام و جریان مقاومت وارد نماید. فلسطین و مردم شریف ش نشان داده اند که راهبرد اساسی مبارزه علیه استکبار، مقاومت ست. مردم شریف ایران، لبنان، عراق، سوریه، یمن و ... نشان داده اند که رمز پیروزی نهایی ما علیه جبهه استکبار مقاومت ست. امروز اگر استکبار به دنبال ضربه کاری و نهایی ست ملت های مقاوم منطقه نیز با تجربه موفق تاریخی شان در مسئله مقاومت، تا آخر خواهند ایستاد و قطعاً با توجه به وعده خداوند متعال، پیروزی از آن آنان خواهد بود که وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَبْغُ ...

موضوع قدس و فلسطین دیگر یک موضوع محدود به جغرافیای اسلامی نیست؛ امروز آزاداندیشان آزادیخواه بیشماری در



محمد طاهری
دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی هوافضا
مدیر مسئول نشریه جبهه واحد

کسانی که در مقابل جنایات اسرائیل ساکتند نوبتشان خواهد رسید



■ کردم که باید مقاومت منفی کنند و از معاملات با آنها احتراز جویند.

■ اگر مسلمین مجتمع بودند هر کدام یک سطل آب به اسرائیل می ریختند او را سیل می برد.

■ مادامی که آمریکا این طور است و آن طور عمل می کند و اسرائیل هست، ما با آنها نمی توانیم زندگی بکنیم.

■ خیال ابلهانه اسرائیل بزرگ (نیل تا فرات)، آنان را به هر جنایتی می کشاند.

■ ملت های برادر عرب، و برادران لبنان و فلسطین بدانند که هر چه بدبختی دارند از اسرائیل و آمریکاست.

■ بر هر مسلمانی لازم است که خود را علیه اسرائیل مجهز کند.

■ کسانی که از اسرائیل حمایت می کنند باید بدانند که افعی گزنده را در حمایت خود قوی می کنند.

■ از اسرائیل، این دشمن اسلام و عرب جانبداری نکنید، که این افعی افسرده اگر دستش برسد بر صغیر و کبیر شما رحم نمی کند.

■ اسرائیل مطرود ماست و ما برای همیشه نه نفت به او می دهیم و نه آن را به هیچ وجه به رسمیت می شناسیم.

■ تا ملت های اسلامی و مستضعفان جهان بر ضد مستکبران جهانی و بچه های آنان، خصوصاً اسرائیل غاصب قیام نکنند، دست جنایتکار آنان از کشورهای اسلامی کوتاه نخواهد شد.

■ اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود.

■ فلسطین پاره تن اسلام است.

■ ما همواره در کنار ملت فلسطین خواهیم بود.

■ دولتهای ممالک نفت خیز اسلامی لازم است از نفت و دیگر امکاناتی که در اختیار دارند، به عنوان حربه علیه اسرائیل و استعمارگران استفاده کنند.

■ آیا برای مسلمین و حکومت های کشورهای اسلامی ننگ نیست که آمریکا از آن طرف دنیا بر مقدراتشان حکومت کند و به دست اسرائیل کافر و غاصب همه را به دام اندازد و به خاک سپاه نشاند.

■ چه بهتر که دولت های منطقه تمام نیروی خود را برای محو اسرائیل از جغرافیا تجهیز کنند.

■ چه چیز بهتر از این که دولت های منطقه دست در دست هم نهند و منطقه را از شر اسرائیل و حامی آن یعنی آمریکا نجات دهند.

■ الان تمام گرفتاری های ما از آمریکاست تمام گرفتاری مسلمین از آمریکاست از آمریکایی که صهیونیسم را تقویت می کند تا برادران ما را فوج فوج بکشند.

■ امروز همه قدرتها و ابرقدرتها دست به دست یکدیگر داده اند که نگذارند فلسطینی های مسلمان به هدفشان برسند.

■ کسانی که در مقابل جنایات اسرائیل ساکتند نوبتشان خواهد رسید.

■ هان ای مسلمانان جهان و مستضعفان گیتی بپا خیزید... تا کی باید قدس شما در زیر چکمه تفاله های آمریکا و اسرائیل غاصب پایکوب شود.

■ چه ننگ است برای دولت های اسلامی که با در دست داشتن شریان حیاتی ابرقدرتهای جهان بنشینند و تماشاگر باشند که آمریکا ابر جنایتکار تاریخ یک عنصر فاسد بی ارزش را در مقابل آنان علم کند و با عده ای ناچیز عبادتگاه مقدس و قبله گاه اول آنان را از آنان غصب نموده و با کمال وقاحت در مقابل همه آنان قدرت نمایی کند.

■ اکیداً شایسته و بلکه واجب است که قسمتی از وجوه شرعی مانند زکات و سایر صدقات به مقدار کافی به این مجاهدان راه خدا اختصاص داد؛ کمک به آنان با تمام نیروها و امکانات واجب است.

■ شما از خواب هایی که برای این کشورها دیده اند اطلاع ندارید، اینجانب کرارا خطر دولت اسرائیل و عمال آن را به ملت گوشزد

تقدیر خداوند این است که ملت فلسطین آزاد خواهد شد

شده‌اند. آن‌ها دیروز از لبنان عقب‌نشینی کردند، امروز مجبور به خروج از غزه شدند و ان شاء الله ملت فلسطین و گروه‌های مقاومت، اشغالگران را فردا از بیت المقدس نیز بیرون خواهند کرد.

آمریکا نیز با وجود قدرت‌نمایی‌های ظاهری و دروغین در خاورمیانه با شکست مواجه شده و در حال عقب‌نشینی است و ملت فلسطین و گروه‌های مقاومت باید با توجه به این شرایط و حفظ هوشمندی به مسیر جهادی خود ادامه دهند.

شما می‌خواهید ملت فلسطین را با سابقه‌ی چند هزار ساله‌ی تاریخی، از عرصه‌ی معادلات منطقه و معادلات سیاسی حذف کنید؛ مگر ممکن است؟ لذا شکست می‌خورید و سرتان به سنگ می‌خورد.

اگر صهیونیست‌های افزون‌طلب گرفتار انتفاضه نبودند، بدون تردید برای سیطره بر مصر و سوریه و لبنان و دیگر کشورهای خاورمیانه وارد عمل می‌شدند.

فهمیده‌اند که راه نجات فلسطین آماده شدن برای فداکاری است. شهادت را تجربه کرده و فهمیده‌اند که دشمن در مقابل شهادت و شهادت‌طلبی و ترسیدن از مرگ ناتوان است.

اگر شما در این مبارزه دچار درد و الم می‌شوید، دشمن هم دچار درد و الم می‌شود؛ او هم زخم می‌خورد، سخت‌تر از شما. تفاوت در این است که ملت فلسطین افق روشنی در مقابل دارد؛ لکن غاصب صهیونیست این افق روشن را ندارد. ملت فلسطین افق روشنی دارد که می‌تواند خودش را به آن جا برساند؛ با تلاش و سعی و کوششی که همه بکنند.

مبارزه امروز دو خصوصیت دارد که در هیچ یک از زمان‌ها این دو خصوصیت در مبارزات فلسطینی‌ها و مبارزه برای فلسطین، با هم وجود نداشته است: یک خصوصیت، اسلامی بودن این مبارزه است؛ و خصوصیت دوم، مردمی شدن و همه‌گیر شدن آن است. اجتماع این دو خصوصیت با هم، زانوان رژیم صهیونیستی را به لرزه درآورده است.

تأکید بر مبارزه، نفی کامل قراردادهای سازش، اصرار بر اتحاد گروه‌های فلسطینی و محکوم کردن تلاش برخی کشورهای مرتجع

امروز دفاع از فلسطین، دفاع از حقیقت است؛ حقیقتی بسیار گسترده‌تر از مسئله‌ی فلسطین. امروز مبارزه‌ی با رژیم صهیونیستی مبارزه با استکبار است، مبارزه با نظام سلطه است.

فاجعه‌ی فلسطین از روز اول تاکنون، ترکیبی از کشتار و ترور و ویرانگری و غصب و تعرض به مقدسات اسلامی بوده است.

ما به آزادی قدس شریف و تمامی سرزمین فلسطین می‌اندیشیم؛ این است آن جرم بزرگ ملت ایران و جمهوری اسلامی

مردم فلسطین و مردم غزه، نام خودشان را در تاریخ به عنوان مقاوم‌ترین ملت‌ها ماندگار کردند.

پیروزی ملت فلسطین در بازگرداندن حق خود، دشوارتر نیست از پیروزی‌ای که ملت ایران در ایجاد جمهوری اسلامی در ایران داشت.

نجات فلسطین با دیروزی از سازمان ملل یا از قدرتهای مسلط و به طریق اولی از رژیم غاصب به دست نمی‌آید، راه نجات فقط ایستادگی و مقاومت است.

انرژی عظیم امت اسلامی می‌تواند مشکلات جهان اسلام و از جمله، مشکل حاد و فوری فلسطین را حل کند.

امروز همه‌ی دنیای اسلام باید قضیه‌ی فلسطین را قضیه‌ی خود بداند؛ این، کلید رمزآلودی است که درهای فرج را به روی امت اسلامی می‌گشاید.

امروز ملت فلسطین از اسلاف شصت سال قبل خود، زنده‌تر و شجاع‌تر و کارآمدتر است. این روند که در سایه‌ی ایمان و جهاد و انتفاضه‌ی افتخارآفرین پدید آمده، باید ادامه یابد و وعده‌ی خداوند تحقق یابد که فرمود: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ».

دشمنان ملت فلسطین امروز گرفتار مشکلات فراوان سیاسی و اقتصادی خود



- برای سازش با دشمن، از مفاد مهم طرح ۱۰ ماده‌ای جنبش جهاد اسلامی برای وحدت و مقاومت در مقابل صهیونیست‌ها است.
- اگر مسلمانها متحد باشند، وضع فلسطین آن‌چنان که امروز مشاهده میکنیم نخواهد بود؛ امروز وضع فلسطین، وضع سختی است؛ غزه یک‌جور، ساحل غربی آن یک‌جور. ملت فلسطین، امروز زیر فشار شدید روزانه است.
- عامل اصلی مشکلات فراوان منطقه «مستکبر اعظم و شیطان اکبر» یعنی آمریکا است. هدف همه‌ی آنها این است که مسئله‌ی فلسطین در افکار عمومی منطقه کمرنگ شود و از یاد ملت‌ها برود.
- دشمن سعی‌اش این است که آرمان فلسطین را از بین ببرد؛ آرمان فلسطین باقی است. مسئله‌ی فلسطین، مسئله‌ی اول دنیای اسلام است.
- دنیای اسلام باید از انگیزه‌ی خود در مسئله‌ی فلسطین لحظه‌ای کوتاه نیاید و عمل غاصبانه‌ی گرگهای درنده‌ی صهیونیست و حامیان بین‌المللی آنها را محکوم کند.
- سعی میکنند دنیای اسلام را مشغول کنند. امروز همین قضایای فلسطین در سایه‌ی مشغول شدن دنیای اسلام به مسائل فرعی دارد اتفاق می‌افتد.
- امت اسلامی یک جراحی بزرگی را در وجود خود دارد و آن، مسأله‌ی ملت بزرگ فلسطین و سرزمین تاریخی و مقدس فلسطین است.
- مسئله‌ی غزه مسئله‌ی یک تکه سرزمین نیست؛ مسئله‌ی فلسطین فقط مسئله‌ی جغرافیا نیست؛ مسئله‌ی بشریت و انسانیت است.
- ما در جمهوری اسلامی فلسطین برایمان یک مسئله‌ی تاکتیکی نیست، یک استراتژی سیاسی هم نیست، مسئله‌ی عقیده، دل و مسئله‌ی ایمان است.
- امروز مسئله‌ی فلسطین شاخص میان پایبندی به اصول انسانی و ضدیت با اصول انسانی است.
- مسئله‌ی فلسطین، مسئله‌ی اسلامی است؛ عرب و عجم ندارد.
- مسأله‌ی فلسطین، مهمترین مسأله‌ی دنیای اسلام است. هیچ مسأله‌ی بین‌المللی‌ای در دنیای اسلام از این بالاتر نیست.
- دنیای اسلام باید - به معنای واقعی کلمه- مسأله فلسطین را مسأله‌ی خود بداند.
- مسأله‌ی فلسطین فقط مسأله‌ی یک ملت نیست؛ مسأله‌ی حاکمیت دیکتاتوری بین‌المللی و حاکمیت زور است.
- آن وقتی که سرنوشت قضیه فلسطین، دست چند نفر سیاستمدار باشد، مردم را کنار گذاشتند؛ انگیزه‌های حقیقی‌ای که مردم را جذب می‌کند - یعنی انگیزه ایمانی - فراموش کردند و دهها سال مسأله فلسطین را عقب انداختند.
- علاح نهایی منحصر به فرد خلع ید از صهیونیستهای غاصب و تحویل فلسطین به فلسطینیان از هر مذهب و ملت است.
- رژیم صهیونیستی ۲۵ سال آینده را نخواهد دید.
- مسأله‌ی فلسطین، شوخی و سرسری نیست؛ امروز اساسی‌ترین مسأله‌ی دنیای اسلام است.
- مسئل مهم این دوران، مسئل فلسطین است که انتفاضه بزرگ فلسطین و بیت‌المقدس همچنان ادامه دارد.
- تنها راه ریشه‌کن کردن این‌غده سرطانی خطرناک، مقاومت و مبارزه است.
- مسأله‌ی فلسطین از لحاظ اسلامی برای همه‌ی مسلمانان از جمله برای ما یک مسأله اساسی و یک فریضه است.
- صهیونیسم و دولت غاصب و مجعول صهیونیستی در فلسطین، محکوم به فناست.
- محور اصلی انتفاضه اقصی، بیت‌المقدس است.
- رژیم صهیونیستی در سرزمین مغضوب فلسطین یک رژیم نژادپرست است.
- فلسطین آزاد خواهد شد و در این هیچ شبهه‌ای نداشته باشید.
- تقدیر خداوند این است که ملت فلسطین آزاد خواهد شد.



در کنار جمهوری اسلامی ایران باشید در کنار فلسطین باشید مگر این که

■ مایه‌ی تأسف و حزن آن است که فلسطین نه تنها از دایره‌ی اهتمام کشورها، دولت‌ها و نظام‌ها بلکه از دایره‌ی اهتمام ملت‌ها نیز خارج شده است. چون امروز همه‌ی ملت‌های منطقه معضلات، نبردها، جنگ‌ها، مصیبت‌ها و فاجعه‌های خود را دارند.

■ قضیه‌ی فلسطین بالاتر از سیاست، ملیت، منفعت، فرقه‌ها، مذاهب، نژادها، احزاب، جنبش‌ها، گروه‌ها و مناطق است.

■ این نبرد (با اسرائیل و آزادی قدس) نیازمند اخلاص شدید است. همچنین به چشم‌پوشی ویژه از منافع، حساسیت‌ها و تقسیم‌بندی‌های حزبی، گروهی، مذهبی، فرقه‌ای، ملی، نژادی و تا چه برسد به شخصی، نیاز دارد.

■ ملت‌های این منطقه با جدیت، صداقت و اخلاص این مسئولیت را بر عهده گرفته‌اند. چیزی که کم دارند روحیه‌ی فداکاری نیست بلکه رهبری واحد، اصلی، مخلص، صادق و برنامه‌ریزی است که نیروهای امت را تجمیع کند. اگر این‌گونه بود به تناسب فداکاری‌های ارتش‌ها، جنبش‌های مقاومت و ملت‌های این منطقه، فلسطین سال‌ها پیش آزاد شده بود.

■ نه ما در لبنان و نه هیچ کس در خط مقاومت یا هر جای دیگر در جهان نمی‌تواند به فلسطینی‌ها چیزی را دیکته کند. فلسطینی‌ها همیشه پیش‌تازان مقاومت، رویارویی‌های مردمی، انتفاضه و بزرگ‌آموزگاران این مکتب بوده‌اند. این خود فلسطینی‌ها هستند که تصمیم می‌گیرند چه باید بکنند. این خود فلسطینی‌ها هستند که می‌گویند و ما نیز با آن‌ها تکرار می‌کنیم و مسئولیت می‌پذیریم.

■ ان شاءالله تصمیم ترامپ، آغاز پایان اسرائیل خواهد بود.

■ چیزی که از آن می‌ترسیم و باید هم بترسیم این است که در سایه‌ی مشغولیت عرب به مشکلات داخلی‌اش، اسرائیل فرصت را غنیمت بشمارد و کار بیت المقدس را بسازد.

■ به مردم فلسطین می‌گوییم که اگر بر قدس به عنوان پایتخت ابدی فلسطین تاکید کردید، هیچ کس نخواهد توانست آن را از شما بگیرد.

■ برادران ما در غزه این مساله را تجربه کرده‌اند؛ هر تظاهرات و هر تحصنی با هر تعدادی در سراسر جهان نشان می‌دهد که ما تنها نخواهیم بود.

■ محاصره، تحریم‌ها، جنگ‌ها و... همه در اصل به خاطر فلسطین هستند.

■ اسرائیل به فریاد خواهد آمد و از آمریکایی‌ها خواهد خواست راهی برای خروج از بن‌بست برایش بکشایند.

■ بگویید رافضی، مجرم و...؛ هر چه که می‌خواهید به ما بگویید و ما را بکشید، ما شیعه علی بن ابی طالب (ع) هستیم و فلسطین را رها نمی‌کنیم؛ من در روز قدس به همه دشمنان و دوستان می‌گویم که ما شیعه علی بن ابی طالب (ع) هستیم و از فلسطین، قدس و مسأله فلسطین دست نمی‌کشیم.

■ بنده به تحلیل‌گران سیاسی و سخنران‌ها مخصوصاً در خط خودمان عرض می‌کنم این راهپیمایی‌ها، جنبش‌ها و موضع‌گیری‌ها را سبک نشمارند و اندازه‌ی واقعی‌اش را در نظر بگیرند. قاعدتاً درست است که این فعالیت‌ها کافی نیستند اما در این برهه بسیار پراهمیت، مطلوب و واجب‌اند؛ به‌ویژه پس از این سال‌های خشک‌سالی و فتنه و مصیبت در جهان عرب و اسلام‌ها؛ سال‌هایی که اراده کرده بودند ملت‌های ما در طی آن‌ها فلسطین و قدس را فراموش کنند و در دردها، غم‌ها، نبردها، فتنه‌ها و درگیری‌های داخلی‌شان غرق شوند.

■ نمی‌توانید در کنار فلسطین باشید مگر این که در کنار جمهوری اسلامی ایران باشید و اگر دشمن جمهوری اسلامی ایران باشید پس دشمن فلسطین و قدس هستید. چرا؟ این یک ادعا نیست. چون تنها امید باقی‌مانده پس از خداوند (سبحانه و تعالی) برای بازگرداندن فلسطین و قدس، این جمهوری اسلامی و پشتیبانی و حمایت آن از ملت‌ها و جنبش‌های مقاومت این منطقه و در رأس آن‌ها ملت فلسطین است.





Seyed Hasan Nasrollah
The leader of Hizbullah

یک پنجم یا یک دهم آن را [برای فلسطین] خرج کرده بودند فلسطین آزاده شده بود و ملت آن متحمل این همه رنج و بدبختی نمی شد.

اسرائیل از آن چه در منطقه ای ما، جهان عرب و اسلام ما، می گذرد خوشوقت است؛ یعنی کشتار، نبرد، خون ریزی و جنگ هایی که میان کشورها و در درون هر کشور و جامعه در جریان است. و اسرائیل هم به این سو تحریک می کند.

اسرائیل با هر گونه توافق که جلوی جنگ را در منطقه بگیرد مخالف است. اسرائیل چه می خواهد؟ جنگ در منطقه.

تصورات غلط است. اسرائیل است که برای آمریکا کار می کند. بله، با فاصله و در حاشیه. ولی سرور و تصمیم گیر، آمریکاست.

فرض ما این است که وقتی ما تصمیم گرفتیم شکستش دهیم شکست می خورد. ولی اگر دشمن را رها کردیم و بی طرف نشستیم یا مانند آن چه در جهان عرب و اسلام رخ داد بعضی از ما کمکش کردیم دیگر این طور نخواهد بود و دشمن می تواند موفق شود.

اتفاق فکری سیاه ده ها سال است که می کشد هیچ پیوند و علقه ای میان لبنانیان، سوریه ای ها، اردنی ها، مصری ها و... با فلسطینی ها باقی نماند.

این خاطرات جرح بوش و خاطرات کاندولیزا رایس و این هم شما که چگونه در دو هفته ای آخر ایهود اولمرت تماس می گرفته و می گفته است اگر جنگ ادامه پیدا کند اسرائیل از بین خواهد رفت.

نباید از اسرائیل چشم برداشت.

بنده ادعا نمی کنم ما به عنوان حزب الله با امکانات موجودمان می توانیم اسرائیل را نابود کنیم. این هدف امکانات عظیمی می خواهد. ولی می توانیم بگویم ما می توانیم زندگی میلیون ها صهیونیست اسرائیلی در سراسر فلسطین اشغالی را به یک جهنم واقعی تبدیل کنیم.

متأسفانه حکومت هایی که همیشه به فلسطینیان و همه ای ما فشار می آوردند که کوتاه بیاوریم و چشم پوشی کنیم، از شرطها بکاهیم و ته مانده ها را بپذیریم، امروز خود را فرمانده جهان عرب جا می زنند. ولی فرمانده کدام جنگ؟ جنگ علیه اسرائیل؟ نه، جنگ داخلی و فتنه در سوریه، عراق، لبنان یا هر کشور دیگری.

نبرد مواجعه با صهیونیسم برای ما در اولویت مطلق خواهد ماند.

فلسطین و غزه تنها همدردی، محبت و بازدید شما را نمی خواهند بلکه فقط به سلاح، پول ها، حمایت و کمک حقیقی شما نیاز دارند.

با این نبرد اخیر (۲۰۱۲) جنگ هشت روزه غزه بار دیگر تأکید شد که اسرائیل واقعا از لانه ی عنکبوت سست تر است.

هر کس در هر کجای منطقه ای ما و جهان و به هر وسیله ای در برابر پروژه صهیونیسم می ایستد و در برابر آن مقاومت می کند، همچنان که در حال دفاع از فلسطین و ملت آن و قدس است، در حال دفاع از میهن، ملت، کرامت و آینده ی فرزندان و نسل خود است.

هشت سال به جنگ با ایران پرداختند و برخی کشورهای عربی صدها میلیارد دلار در آن پول خرج کردند که اگر یک چهارم،

(تجربه از لبنان برای فلسطین) ما از سال ۱۹۸۲ شخصا وارد کار شدیم. منتظر سازمان ملل، اتحادیه عرب، سازمان کنفرانس اسلامی و هیچ کس دیگر نماندیم. با اراده، عزم، جوانان، مردان، زنان و امکانات محدودمان ایستادیم، جنگیدیم، شهید دادیم و خاک، اسرا و کرامتمان را برگرداندیم. و با مقاومت خود از خاک، کرامت، آبرو و کشورمان در برابر بدخواهی هر کسی در جهان دفاع خواهیم کرد.

اکثر ما از نسلی هستیم که پس از ۱۹۶۷، یعنی پس از اشغال و از دست رفتن قدس، به سن تکلیف رسیدند. پس در مسئولیت از دست رفتن و اشغال آن شریک نیستیم. ولی قطعاً مسئولیت تحت اشغال باقی ماندن آن تا امروز بر عهده ی همه ی ماست و در این باره از ما سؤال خواهد شد.

ما به این اعتقاد داریم و تحولات عظیم منطقه که پیروزی و شکل گیری آن ها برای جنبش های مقاومت بسیار پر منفعت بوده و تحولات عظیمی که در زمینه های مختلف در جهان در حال وقوع است، این احساس را به ما می دهد که ما بیش از همیشه به تحقق هدف آزادسازی قدس نزدیک هستیم.

می توانیم در سایه ی یک اسرائیل قدرتمند درباره ی این که قدس به امت یا به ملت فلسطین باز خواهد گشت صحبت کنیم. بلکه اصلاً نمی توان در سایه ی وجود اسرائیل درباره ی آینده ی قدس صحبت کرد.

قدس نقطه ای اتفاق اسرائیلیان، راستی و چپی، متدین و سکولار، اشکنازی و سفاردی و... است. وقتی به قدس می رسند، اختلافات تمام می شود. چنان که باید وضع عرب و مسلمانان این باشد که البته وضع عرب و مسلمانان این طور نیست.

کنفرانس دانشجویی حمایت از انتفاضه فلسطین

علیرضا فیروزی

دبیر کنفرانس دانشجویی حمایت از انتفاضه فلسطین



آن، برگزاری چنین برنامه هایی به تجمیع تجربیات، برقراری ارتباط مستقیم و رو در روی پژوهشگران، اساتید و فعالان جنبش دانشجویی مسلمان در سطح بین المللی ختم خواهد شد که خود کمک شایانی را جهت ایجاد زمینه های جدید برای فعالیت های جمعی می نماید.

بر این اساس، اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه های سراسر کشور به عنوان مجموعه ای اثر گذار و پویا در جنبش دانشجویی مسلمان، در تلاش است «کنفرانس دانشجویی حمایت از انتفاضه فلسطین» را به عنوان نقطه عطفی در تشکیل جبهه جوانان حامی مقاومت و ضد آمریکایی و ضد اسرائیلی رقم بزند.

معظم رهبری مبنی بر ورود تاثیرگذار تشکل های دانشجویی در عرصه های بین المللی و ارتباط و تعامل دانشجویان جهان اسلام و نیز تأکیدات معظم له در خصوص اهمیت مسئله فلسطین به عنوان مسئله اصلی جهان اسلام، برگزاری نشست ها و برنامه هایی با موضوع حمایت از انتفاضه فلسطین در سطح ملی و بین المللی در گروه هدف دانشجویی به عنوان آینده سازان و قشر نخبگانی جامعه، تلاشی در راستای اغناء روحیه استکبار ستیزی و کاوشگری جامعه دانشگاهی برای کسب معلومات و تحلیل و بررسی پیرامون راه حل های جدید در عرصه انتقال روحیه مبارزه و غلبه بر مسئله عادی سازی موضوع پر اهمیت بیت المقدس در جوامع دانشجویی است. علاوه بر

در طول حیات پر برکت انقلاب اسلامی، همواره فلسطین به عنوان یکی از مسائل مهم سیاست خارجی نظام و به عنوان مسئله ای مهم در سطح جهان اسلام مطرح بوده و بر همین اساس سیاست منطقه ای جمهوری اسلامی بر حمایت های همه جانبه از کشور و ملت فلسطین و نیز تأکید بر عدم مشروعیت رژیم صهیونیستی استوار بوده است. این نگرش ارزشی به عنوان ارزشی راهبردی مطرح است و مقاومت و قیام های مردمی و به تعبیری انتفاضه ملت فلسطین در جهت بازپس گیری فلسطین و قدس به عنوان حق اساسی آن ملت حق طلب و امت جهان اسلام نیز همواره مورد حمایت انقلاب اسلامی ایران بوده و خواهد بود. باتوجه تأکیدات مکرر و ارزشمند مقام

مأموریت ممکن

تا به نام اسلام و به کام دشمنان اسلام، مسلمان کشی به راه اندازند و مسلمانان را درگیر جنگ های فرسایشی ناگواری سازند. تروریست های خطرناکی را سازمان دهی کردند که اگر جبهه مقاومت آن ها را تار و مار نمی کرد، مأموریت خود را در جهت تأمین امنیت رژیم صهیونیستی، تمام و کمال اجرا می کردند. اسفناک آن که برخی دولت های اسلامی هم ضمن هم نوایی با پیاده نظام آمریکا و صهیونیسم به تأمین مالی-تسلحاتی این گروه های خطرناک روی آوردند. رشد و تکثیر گروه های تروریستی در سوریه، عراق، لیبی، افغانستان و دیگر کشور های اسلامی خدمت شایانی به ایجاد حاشیه امن برای غده سرطانی جهان اسلام و به فراموشی سپردن مسئله قدس کرد و دولت های اسلامی را به جای ایجاد اتحاد و همدلی با یکدیگر به تفرقه و دشمنی وادار نمود.

قریب به سه سال است که مردم مظلوم یمن در میان سکوت مدعیان حقوق بشر و حاکمان کشور های اسلامی، تنها به جرم طلب استقلال و اسلام حقیقی و دشمنی با دشمنان اسلام، زیر شدیدترین بمباران و جنایت های رژیم سعودی قرار دارند. سکوت مرگبار بسیاری از کشور های اسلامی نشان دهنده عمق فاجعه ی بی تفاوتی و منفعت طلبی در میان حاکمان کشور های اسلامی است. مردم مظلوم بحرین که تنها به جرم



رو به فراموشی است. امروز خیانت به آرمان های مقدس اسلامی از جانب آن هایی صورت می گیرد که خود را خادم الحرمین می نامند اما پنهانی در پی توافق با رژیم صهیونیستی و به رسمیت شناختن این غده سرطانی جهان اسلامند. عمق خیانت این حاکمان را می توان در تجهیز و تأمین مالی و تشجیع رژیم صهیونیستی در ارتکاب جنایت علیه مردم بی دفاع و مظلوم فلسطین جست که از هیچ تلاشی در راستای خوش خدمتی به اربابان صهیونیست خود فروگذار نکردند. کمی آن طرف تر آمریکایی ها با همراهی نوکران دولتی خود از جمله برخی دولت های خودفروخته کشور های اسلامی دست به ایجاد گروه های تروریستی خطرناکی زدند

تحولات سریع، پرمخاطره و پیچیده دنیای امروز و به خصوص منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، پیچ تاریخی خطرناکی را نمایان می کند که عبور از آن نوید بخش حاکمیت اسلام در سراسر گیتی خواهد بود. عبور توأم با سلامت و امنیت از این پیچ تاریخی، مستلزم درک عمیق و صحیح از شرایط حاکم بر دنیا و در پی آن بروز کنش های صحیح سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و با نظامی است. امروز متأسفانه دنیای اسلام با مصائب دردناک و پر دامنه ای در گستره حاکمیت دولت های اسلامی روبروست. مهم ترین مسئله جهان اسلام یعنی فلسطین به دست حاکمان مستبد برخی از کشور های اسلامی و با نقشه شوم آمریکایی-صهیونیستی

محمد رئوف

کارشناسی ارشد مهندسی شیمی
دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شیراز



دانشجویان مسلمان در سراسر دنیا در راستای اثرگذاری بر جوامع اسلامی، یقیناً زمینه ساز بهره مندی از ظرفیت ناب ارتباط با دانشجویان خارجی مسلمان در ایران اسلامی است. تشکیل جبهه واحد ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی نقش بارزی را در روشنگری نخبگان جهان اسلام در جوامع اسلامی ایفا می کند و اعلام موضع جریان دانشجویی مسلمان در دنیا یقیناً تأثیر مهمی را در تغییر مناسبات دشمنان اسلام خواهد داشت. امید است «جبهه واحد ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی دانشجویان مسلمان دانشگاه شیراز» که به همت کمیته بین الملل انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شیراز، فعالیت خود را آغاز کرده است طلیعه ای بر تشکیل این جبهه در دیگر نقاط کشور و نهایتاً شکل گیری آن در دنیای اسلام باشد. انقلاب اسلامی ایران به ما آموخت که می توان به پشتوانه اسلام هر آنچه را که ناممکن و دست نیافتنی به نظر می آید ممکن ساخت. انقلاب اسلامی ایران به ما آموخت که قرن، قرن اسلام است و ملت های مسلمان با پیداری و روشنگری خود تمامی مأموریت های محوله را با موفقیت به انجام خواهد رساند و لَو کَرِهَ الْمُشْرَکُونَ.

رهبری معظم انقلاب اسلامی به دانشجویان در جهت تشکیل «جبهه واحد ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی در سطح دانشجویان جهان اسلام» می گذرد. مجموعه های مختلف و البته معدود و اندک در راستای انجام این مأموریت نورانی و امکان پذیر درست به کار شده اند. اما هنوز آن تلاش حداکثری و همگانی که در جهت لبیک به فرمان رهبری معظم انتظار می رود، رخ نداده است. آنچه مشخص و میرهن است انگیزه سرشار و عزم جدی جریان دانشجویی به منظور تحقق این مأموریت مهم و پر دامنه است. برقراری ارتباط مجازی و صد البته غیرمجازی با دانشجویان غیر ایرانی مسلمان دانشگاه های کشور، گام مهمی در راستای شکل گیری این جبهه است. برگزاری جلسات هم فکری و هم اندیشی پیرامون موضوعات مختلف دنیای اسلام با رویکرد تکیه بر دغدغه های مشترک دانشجویان جهان اسلام، برانگیختن انگیزه اثرگذاری و مبارزه با خمودگی و بی تحرکی نسبت به وقایع کشور های اسلامی، انتقال تجربیات بسیار مفید جمهوری اسلامی در مقابله با دشمنان اسلام و مقاومت در برابر حمله های آنان، ایجاد مواضع مشترک نسبت به مسائل روز دنیای اسلام، گسترش حلقه ی ارتباط

مطالبه حقوق قانونی خود مورد ظلم دولت حاکم در بحرین و نیز رژیم سعودی و در بایکوت خبری قرار دارند و مسلمانان را باکی نیست! زنگ مظلومیت مسلمانان در میانمار و نیرجیه هنوز نتوانسته است دنیای اسلام را از خواب عمیق بی تفاوتی بیدار کند. به راستی دنیای اسلام را چه شده است؟ طنین کلام دل نشین رسول خدا (ص) در گستره گیتی جاودان است که فرمود: «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يَجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» مگر مسلمین این ندای پر صلابت را نمی شنوند؟

صدای استغاثه ملت مظلوم فلسطین و ملت های مظلوم بحرین، میانمار، سوریه، عراق، لیبی، نیرجیه، یمن و دیگر مسلمانان سوی آسمان است؛ پس چرا مسلمین قیام نمی کنند؟ ندای وحی الهی است که مومنین را خطاب می کند و آن ها را از کفار و مشرکین برحذر می دارد که «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» مسلمانان را چه شده است که در بسیاری از امور خود کفار و دشمنان حربی اسلام را مسلط کرده اند؟ چرا قدرتی را که خدا به مومنین عطا کرده را باور ندارند. آنجا که فرمود: «أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ أَنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» و چرا آن احساس اعتماد به نفس را که اسلام عزیز پر قدرت در مومنین ایجاد کرد بی حس کرده اند؟

اگر مسلمانان در پناه اتحاد، همدلی و یکرنگی با یکدیگر و با تأکید بر اشتراک های متفق خود یکپارچه در مقابل دنیای کفر و ظلم و استکبار بایستند، یقیناً پیروزی نهایی را از آن خود خواهند کرد. یقیناً مسلمانان می توانند در راستای ایجاد تمدن نوین اسلامی که بدون احتیاج به سلطه گران، راه پر صلابت خود را امتداد می دهد، قدرت نمایی کنند. چرا ملت های مسلمان در راستای مجازات دشمنان خود دست به اقدامی نمی زنند؟ چرا آن ها که ملت های مسلمان را به جرم استقلال طلبی، تحت شدیدترین تحریم ها قرار می دهند از سوی ملت های مسلمان تحریم نمی شوند؟ نفت و گاز و منابع انرژی مورد نیاز آن ها را بدون منت و با قیمت نازل در اختیارشان می گذاریم و آن ها بر سر ملت های مسلمان آتش فتنه و اختلاف و جنگ و خونریزی نازل می کنند.

سألهاست که امید به بسیاری از حاکمان کشور های اسلامی ناامید شده است و هر آنچه که باید صورت بگیرد از جانب ملت های مسلمان است. نقش دانشجویان به عنوان نخبگان جوان جهان اسلام در این زمینه بسیار برجسته است. رسالت بین المللی دانشجویان در مراکز علمی و دانشگاهی خود بسیار سنگین است و البته نمی توان از بار مسئولیت شانه خالی کرد. یک سال و اندی از ابلاغ مأموریت مهم



فلسطین مجروح غفلت‌ها

سجاد ایام

عضو هیئت تحریریه نشریه جبهه واحد



به شکایت کشانده که غیرمسلمان و سایر حق طلبان عالم را به میدان مبارزه با رژیم جعلی صهیونیستی کشانده اما هنوز خواب مشغولیت به دنیا خواب ترس از مستکبرین و خواب گسستگی و تکفیر و مبارزه با برادران مسلمان خویش بر برخی سرزمین های اسلامی سایه افکنده است.

فلسطین امروز مجروح غفلت مسلمانانی است که ولایت حاکمانی را بر خود میپذیرند که اگر امروز به خاطر خوشی ها و راحتی هایشان، چشم از ملت فلسطین میبندند فردا روز به خاطر حفظ حاکمیت خود، چشم بر تجاوز و ذلت و مرگ بر ملت خود نیز خواهند بست، چنانچه حاکم بحرین سال هاست که سرکوب مردم ش را توسط سربازان عربستانی به نظاره نشسته است.

یمن، میانمار، بحرین و... همه و همه امروز فلسطین است و گرفتار ظلم و نعمتی است که از سکوت ۱۹۴۸ ملت‌های مسلمان در خصوص فلسطین، امروز دامنگیر کل جهان اسلام شده است.

اگر دیدگان حقیقت یاب کمی موشکافانه تر به مسائل منطقه بنگرند خواهد دید که امروز آرامش در هیچ کجای جهان اسلام قابل مشاهده نیست ملت هایی که روزگاری سفره ی خود را از مردم فلسطین جدا میکردند و مشکل فلسطین را مشکل مردم فلسطین میدانستند امروز با همان شیوه ها به درد پنجه های چندی استیکار آلوده شده اند و رهایی خود را از این شرایط ناممکن میدانند.

امروز اسلام نیازمند رهایی از تمام تعلقات، رقابت ها و آرمان های غیراسلامی و بازگشت به همان عهد پ رسول مکرم اسلام(ص) وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا است و امروز و در دنیای تکثر یافته ی از مشغولیات، آرمان های غیرالهی، فلسطین هنوز همان نقطه ی مشترکی است که ظرفیت یادآوری و آزادی مسلمانان را در تمام نقاط جهان داراست. و امید است که جوانان حق طلبی که هنوز به مرزهای وابستگی آلوده و گرفتار نشده اند به عبور از تمام خیانت های عده ای در نقاب مسلمانی و تجربه اندوزی از شکست ها و پیروزی های گذشته در تمامی جبهه ها علیه جبهه استیکار و رژیم جعلی صهیونیستی، آزادکننده ی نسل آینده مسلمانان از گرداب فراموشی مفاهیم و آرمان های بلند اسلام باشند که اسارت فلسطین نتیجه اسارت ملت های مسلمان و آزادی هرمسلمانان و تمامیت ارضی فلسطین، زمینه پایان ظلم در کل جهان خواهد شد.

ندارد مسلمانی باشد و سایه ی سنگین نگاه های آلوده به تهمت تروریست و رفتارهای تحقیرآمیز ضداسلام را درک و لمس نکرده باشد. حال آنکه ببینیم با تمام این رفتارها و نگرش های ظالمانه، حاکمانی با ظاهر همین دین و آیین، دست در دستان نابودگران نسل مسلمان، با آنها معاهده صلح و سازش امضاء و یا به رقص و پایکوبی میپردازند. این ظلم، ظلم مضاعف است. آنچه برخی حکام کشورهای اسلامی با چهره ی اسلام و به وسیله ی این ارتباط تنگناک با آمریکا و اسرائیل میکنند، تأیید این رفتار مستکبرین است که اسلام همانی است که کشورهای مستکبر-سال ها با تبلیغات گسترده خود-آن را اسلام تروریست، اسلام خشونت، اسلام جهل و خرافه، اسلام ناتوان و ذلیل و اسلام عقب ماندگی میخوانند.

فلسطین امروز سند روشن و یادگاری به جا مانده از ترکیب نقشه های حریصانه مستکبرین با همین ظلم مضاعف خودی هاست. از همین خوی معامله گری برخی حکام اسما مسلمان منطقه است که سال ها با اعتبار عنوان مسلمانی شان بر مسلمانان حکومت کرده اند و در اصل واسطه گری سلطه ی استیکار غرب را بر امت خویش میکنند و اسناد بردگی مسلمانان را در ازای رفاه و پایداری حکومت خویش امضا میکنند؛ اینان قطعاً اسلام و مسلمانی را بازپچه ای برای فروش خون مسلمانان و دریافت دنیای راحت خود -و نه ملت خود - میکنند. سال هاست صدای درد پاره ی تن اسلام در گوش تمامی مردمان عالم میپیچد و نه تنها مسلمانان حقیقی را

عدم رشد کشورهای اسلامی در سال های متمادی و طی قرون گذشته علل مختلفی داشته و دارد؛ چه در آن زمان که اختلاف در خلافت مطلق در سرزمین های اسلامی باعث تضاد و دشمنی هایی مابین حکومت های عثمانی و ایران و در نهایت تضعیف هر دو ملت و در نهایت طعمه ی کشورهای غربی آن زمان شدند؛ چه در زمان حال که هنوز هم کشورهایی به خیال خلافت بر کل جهان اسلام به رقابت با دیگر برادران خود در کشورهای اسلامی پرداخته و دست به دامان کشورهای غربی شده اند.

در تمامی این سال های درگیری و تضاد مسلمانان با یکدیگر، غرب با خیالی آسوده به تکامل و پیشرفت خود پرداخت و حتی از اندیشه دانشمندان مسلمان چه ایرانی، چه عراقی، چه سوری، چه لبنانی و مصری و... که در قرون پرشکوه علمی اسلام به دستاوردهایی ارزشمند در ابواب مختلف علوم رسیده بودند در راه پیشرفت علمی خود استفاده کردند.

همواره در تمام دوران افول اسلام و سرسپردگی و به تاراج رفتن سرمایه های طبیعی، ژئوپولیتیک و انسانی سرزمین های اسلامی، نقش حاکمان فاسدی که با خناسی و در سایه ی حمایت کشورهای استیکاری، به نقاط افتراق دامن زده و سبب ایجاد کینه ها و دشمنی ها شده، پررنگ و مشهود است. چنانچه سایه بازی حاکمان کشورهای به اصطلاح مسلمان و ترقیب کنندگان آنان در حمایت های مالی، تسلیحاتی و میانجی گری های آنان در جهت نابودی ملت های مسلمان درسالهای اخیر آشکار و عیان است. آنچه در این سال های اخیر نمایان شده است، بازشدن درپچه بصیرت و آگاهی به روی مردان و زنان مسلمانی است که رنج وارد شده از سال ها خدعه و نیرنگ ملت های سلطه جوی غیرمسلمان را در نسل های قبل از خود درک و نتایج آن را در زندگی امروز خود و سایر مسلمانان جهان به وضوح مشاهده میکنند. حیلۀ های هوشمندانه ای که سال ها در ظاهری آراسته به فریب افکار عمومی در سطح جهان اسلام پرداختند و با همراهی مزدورانی به اسامی مختلف اسلامی از جمله خادم حرمین شریفین آن اهداف شوم را عملی کردند. امروز همگی چشم های بینا و دل های حقیقت طلب، نمود و بروز آن را در وضع اسف بار ملت های مسلمان به نظاره نشسته اند.

فرقی نمیکند که امروز مسلمان چه نقطه ای از دنیا باشیم؛ از شرق آسیا تا کرانه ی غرب دنیا، شاهد آن هستیم که امکان

۱۰۰ سال فلسطین و صهیونیست



آصف سعادت

دانشجوی دکتری رشته فیزیک دانشگاه شیراز
عضو هیئت سردبیری نشریه جبهه واحد

■ اعلامیه بالفور ۱۹۱۷

درخواست رهبران یهودی انگلیس به مجلس این کشور جهت تشکیل دولت یهود و سرزمینی مختص آنها در اواخر سال ۲۰۱۷ مورد قبول واقع شد و توسط آرتور بالفور به اطلاع سران یهود رسید. این نامه در واقع جرقه اشغال فلسطین توسط یهودیان را زد.

■ قیمومیت انگلستان بر فلسطین ۱۹۲۲

پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراطوری عثمانی مرزهای فعلی فلسطین که با کشورهای مصر، اردن، سوریه و لبنان همسایه است، در سال ۱۹۲۲ میلادی توسط انگلستان که قیمومت آن را به عهده گرفته بود تعیین شد.

■ تأسیس رژیم صهیونیستی، کشتار دیربایسن و جنگ اول اعراب و اسرائیل ۱۹۴۸

در ۱۴ مه ۱۹۴۸ انگلستان از اقتدار خود در فلسطین چشم پوشید و همزمان با خروج کمیسر عالی انگلیس از فلسطین، یهودیان این کشور به فرماندهی «دیوید بن گورین» رسماً به نام «اسرائیل» اعلام موجودیت کردند. بلافاصله آمریکا و شوروی آن را به رسمیت شناختند.

■ جنگ با مصر بر سر کانال سوئز ۱۹۵۶

ارتش اسرائیل در صدد اشغال شرم الشیخ و تصرف راه عبور کشتی های اسرائیلی به بندر ایلات به مصر حمله کرد. در خلال این جنگ تقریباً ۷۵۰ هزار فلسطینی از سرزمین های خود آواره شدند.

■ تشکیل سازمان آزادی بخش فلسطین ۱۹۶۴

در مه ۱۹۶۴ میلادی در بیت المقدس پس از یک توافق بنیادین کشورهای عربی در اجلاس سران اتحادیه عرب سال قبل، توسط مجلس ملی فلسطین تأسیس شد.

■ جنگ ۶ روزه (جنگ ژوئن) ۱۹۶۷

سومین جنگ میان طرفین (اعراب

و اسرائیل) شش روز به طول انجامید. ارتش رژیم صهیونیستی به فرماندهی موشه دایان، توانست بخش های وسیعی از اراضی اعراب اعم از صحرای سینا، بلندیهای جولان، کرانه باختری، غزه و بیت المقدس شرقی را اشغال کنند.

■ جنگ کرامه

۲۱ مارس ۱۹۶۸ میلادی، نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی به بهانه سرکوب نیروهای فدائی فلسطین، با حمله به اردوگاه «کرامه» در ۵ کیلومتری مرز اردن و سرزمین های اشغالی، قصد تضعیف مقاومت فلسطین را داشتند اما تنها پس از گذشت ۱۶ ساعت از آغاز جنگ، شکست بزرگی در تاریخ جنگ های رژیم صهیونیستی رقم خورد.

■ جنگ های فرسایشی

مصر و سوریه از اوت سال ۱۹۶۸ تا اوت سال ۱۹۷۰ جنگی فرسایشی علیه رژیم صهیونیستی تدارک دیدند و شرکت در چندین نبرد محدود و انجام چند حمله تاکتیکی تا حدودی اعتماد و خودباوری را در ارتش های سوریه و مصر تقویت کرد.

■ جنگ مصر و سوریه (جنگ اکتبر) ۱۹۷۳

در روز ششم اکتبر ۱۹۷۳، کشورهای مصر و سوریه حمله ای غافلگیرانه ای را علیه اسرائیل آغاز کردند. اما اسرائیل با کمک های نظامی سریع آمریکا پیروزی های اولیه مصر را به شکست مبدل کردند و نیروهای مصری را تا غرب کانال سوئز به عقب راندند. در پایان این جنگ، منطقه جولان از سوریه و سینا از مصر، کماکان در اختیار صهیونیست ها باقی ماند.

■ پیمان صلح کمپ دیوید

اولین پیمان صلح بین طرفین جنگ اعراب و اسرائیل بود که به صلح میان مصر و اسرائیل انجامید. «انور سادات» و «مناخیم بگین»

■ جنگ لبنان و رژیم صهیونیستی

تهاجم اسرائیل به لبنان در ژوئن ۱۹۸۲، به تعبیری به پنجمین نبرد

اعراب و اسرائیل شهرت دارد. در ۳ ژوئن ۱۹۸۲م. رژیم صهیونیستی به منظور درهم شکستن استخوان بندی سازمان آزادی بخش فلسطین و اخراج آنان از لبنان، روی کار آوردن یک دولت دست نشانده حمله ی برق آسایی را از طریق تهاجم گسترده ی هوایی، زمینی و دریایی به لبنان آغاز کرد. عملیات نظامی با عنوان «تأمین امنیت جلیله» با بمباران اردوگاه های فلسطینی در اطراف بیروت آغاز شد و نیروی زمینی صهیونیست ها نیز تجاوز خود را به سوی شمال ادامه داد.

در ادامه تجاوز یاد شده، نیروهای صهیونیستی در پی قتل بشیر جمیل، در روزهای ۱۶ و ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۲ به اردوگاه های فلسطینی صبرا و شتیلا حمله بردند و ۳۲۹۷ نفر از سکنه آنها را قتل عام کردند. بدین ترتیب برگ سیاه دیگری به تاریخ صهیونیسم و برگ خونین بر تاریخ ملت فلسطین افزوده شد.

■ شکل گیری حزب الله لبنان

گروه حزب الله با الهام از انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی و با معیار های «ایمان به اسلام - مقاومت در برابر اسرائیل - پذیرش رهبری ولی فقیه» در لبنان ظهور کرد. سه تشکل اصلی شیعیان یعنی گروه اهل اسلامی، حزب الدعوة لبنان و تجمع علمای مسلمین از شکل دهندگان اصلی آن بودند. حزب الله در سال ۱۹۸۲ میلادی به وجود آمد اما تا دو سال فعالیت های خود علیه اشغالگران صهیونیستی را مخفیانه ادامه می داد.

■ انتفاضه ی اول مردم فلسطین (انتفاضه استقلال یا انتفاضه ی سنگ) ۱۹۸۷-۱۹۹۳

ضعف اعراب و عدم تصمیم دولت

های وابسته و مرتجع عربی برای مبارزه با اسرائیل و در طرف مقابل سودجویی اسرائیل از همین ضعف ها نظیر انتقال پایتخت خود به قدس موجب شد تا جرقه شروع حرکت های مردمی خورده شود.

انتفاضه اول مردم فلسطین در دسامبر ۱۹۸۷ و پس از آنکه یک راننده کامیون

در ادامه تجاوز یاد شده، نیروهای صهیونیستی در پی قتل بشیر جمیل، در روزهای ۱۶ و ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۲ به اردوگاه های فلسطینی صبرا و شتیلا حمله بردند و ۳۲۹۷ نفر از سکنه آنها را قتل عام کردند. بدین ترتیب برگ سیاه دیگری به تاریخ صهیونیسم و برگ خونین بر تاریخ ملت فلسطین افزوده شد.

■ شکل گیری حزب الله لبنان

گروه حزب الله با الهام از انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی و با معیار های «ایمان به اسلام - مقاومت در برابر اسرائیل - پذیرش رهبری ولی فقیه» در لبنان ظهور کرد. سه تشکل اصلی شیعیان یعنی گروه اهل اسلامی، حزب الدعوة لبنان و تجمع علمای مسلمین از شکل دهندگان اصلی آن بودند. حزب الله در سال ۱۹۸۲ میلادی به وجود آمد اما تا دو سال فعالیت های خود علیه اشغالگران صهیونیستی را مخفیانه ادامه می داد.

■ شکل گیری حماس

نخستین بیانیه جنبش مقاومت



اسلامی (حماس) روز ۱۵/۱۲/۱۹۸۷ صادر و بدینسان مرحله دیگری از مبارزات مردم فلسطین علیه اشغالگری تجاوزکارانه صهیونیستی آغاز گردید. در این مرحله جریان و طیف اسلامی به اسم حماس تشکیل شد. «حماس» نام اختصاری «حرکت المقاومة الاسلامیه» بوده که جنبش مقاومت

اسپانیا و با حمایت ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی برگزار شد. این کنفرانس برای بررسی و در صورت امکان خاموش کردن آتش انتفاضه اول فلسطین منعقد شد. کنفرانس مادرید از ۳۰ اکتبر ۱۹۹۱ آغاز شد و سه روز ادامه داشت. این کنفرانس در زمره اولین تلاش‌های بین‌المللی برای به جریان انداختن روند به اصطلاح صلح خاورمیانه بود. در این کنفرانس اسرائیلیان، سازمان آزادی‌بخش فلسطین و همچنین کشورهای عربی از جمله سوریه، لبنان و اردن حضور داشتند.

■ قرارداد اسلو ۱ ۱۹۹۳

پیمان اسلو یا قرارداد اسلو اولین توافق مستقیم ساف(سازمان آزادی‌بخش فلسطین) با اسرائیل محسوب می‌شود. این پیمان در پی انتفاضه اول فلسطین منعقد شد. این قرارداد گزینه مذاکرات را در مقابل مقاومت خلق کرد و زمینه تشکیل دولت خودگردان را فراهم نمود.

■ پیمان غزه - اریحا؛ طرح سازش

در چهارم ماه مه ۱۹۹۴، یاسر عرفات و اسحاق رابین در قاهره، موافقت‌نامه‌ای موسوم به غزه - اریحا امضاء کردند. در این موافقت‌نامه علاوه بر آنکه پایگاه‌های نظامی و حق رفت و آمد نیروهای صهیونیست در غزه و اریحا به رسمیت شناخته شد، طرف فلسطینی هیچگونه اختیاری در برقراری نظم عمومی و داخلی و همچنین روابط بین‌المللی نخواهد داشت، حق حکومت نظامی رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخت و در مقابل آن اختیارات محدود و امتیازات نامتوازنی به طرف فلسطینی داد.

■ کنفرانس مادرید- ۱۹۹۱

کنفرانس خیانت
کنفرانس مادرید به میزبانی

■ توافقنامه شرم الشيخ

پس از متوقف شدن اجرای توافق نامه های قبلی توافقنامه‌هایی نظیر مریند و وای(میان یاسر عرفات و بنیامین نتانیاها، نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی) میان طرفین به امضاء رسید که در نهایت آن دو توافقنامه به نوعی به سال ۱۹۹۹ و توافقنامه‌ی شرم الشيخ ختم می‌شوند.

■ انتفاضه‌ی دوم مردم فلسطین (انتفاضة الاقصى)

عدم اجرایی شدن توافقات فی مابین رژیم صهیونیستی و فلسطینی ها بخصوص در قضیه ی استقلال فلسطین مردم بار دیگر به انتفاضه روی آوردند و تا ۵ سال به طول انجامید. به اعتقاد مردم فلسطین، این انتفاضه در واقع مسیر ملت فلسطین و قضیه آنها را اصلاح کرد و مقاومت را وارد فاز و مرحله جدیدی کرد تا با اطمینان و امیدواری بیشتر به مبارزه خود علیه اشغالگران صهیونیست ادامه دهد و دستاوردهای متعددی تا سال ۲۰۰۶ برای طرف فلسطینی به همراه داشت.

■ جنگ ۳۳ روزه ۲۰۰۶

از روز ۱۲ ژوئای سال ۲۰۰۶ تجاوز همه‌جانبه رژیم صهیونیستی به لبنان آغاز شد. جنگنده‌های صهیونیست روزانه چندین نوبت وارد حریم هوایی لبنان می‌شدند. در پی حملات اسرائیل به مناطق مسکونی جنوب لبنان، حزب الله شهرک نشینان صهیونیست در شمال فلسطین اشغالی را هدف حملات موشکی قرار داد به طوری که این حملات مقامات تل‌آویو را وادار کرد تا از شهرک نشینان بخواهند، به پناهگاه‌ها بروند.

■ محاصره‌ی غزه ۲۰۰۷

از سال ۲۰۰۷ و با پیروزی حماس در انتخابات، رژیم صهیونیستی به نخست وزیر یهود اولمرت تلاش کرد با محاصره کردن نوار غزه و بستن گذرگاه‌های منتهی به آن، به حماس فشار آورد. شخص حسنی مبارک نیز تا لحظه‌ی سقوط، از هیچ کمکی برای بستن مرزهای منتهی به غزه از طرف مصر در راستای مشارکت در جنایات رژیم صهیونیستی، فروگذار نکرد. بالاخره پس از چندین سال در سال ۲۰۱۱ و

پس از سقوط حکومت نامشروع مصر، از شدت آن کاسته شد.

■ جنگ ۲۲ روزه ۲۰۰۸

در ۲۷ دسامبر سال ۲۰۰۸ میلادی رژیم صهیونیستی، غزه‌ی در محاصره و قحطی را زیر باران موشک‌های خود گرفت و جنگی نابرابر و غیرانسانی را آغاز کرد. پس از سه هفته تهاجم بی وقفه رژیم صهیونیستی به مردم غزه و مقاومت مثال زدنی مردم غزه، این جنگ با شکست مفتضحانه دشمنان مردم فلسطین به پایان رسید.

■ حمله به کاروان صلح کمک رسانی به غزه ۲۰۱۰

حمله نیروهای ارتش رژیم صهیونیستی به کاروان کشتی صلح کمک رسانی حامل ۸۰۰ فعال بین‌المللی از ۴۰ کشور دنیا و در نتیجه کشته شدن بیش از ۱۰ نفر از سرنشینان کشتی و زخمی شدن ۶۰ نفر از آن‌ها از فجایع رژیم صهیونیستی در عرصه بین‌المللی نیز پرده برداری کرد.

■ جنگ هشت روزه ۲۰۱۲

رژیم صهیونیستی با عملیاتی موسوم به ستون ابرها حملات گسترده هوایی علیه نوار غزه را آغاز کرد و طی ۸ روز حملات بیش از ۱۸۰ فلسطینی را شهید و ۱۴۰۰ نفر را زخمی کرد. اقدامات متقابل نیروهای مقاومت فلسطینی: ناامن ساختن شهرهای صهیونیست نشین با موشک‌های فجر ۵، منهدم ساختن یک بالگرد و ۲ جنگنده هوایی، حمله به ناوچه‌های رژیم صهیونیستی.

■ جنگ غزه ۲۰۱۴

پس از چندین درگیری اولیه میان رژیم صهیونیستی و مقاومت، جنگ سوم علیه غزه آغاز شد. رژیم اسرائیل حمله خود را تحت عنوان صخره سخت علیه نوار غزه آغاز کرد و گروه‌های فلسطینی در قالب عملیات بنیان مرصوص و العصف الماکول پاسخ دادند. این تجاوز ۵۰ روزه نزدیک به ۲۲۶۰ شهید و نزدیک به ۱۱ هزار مجروح بر جای گذاشت.

■ فلسطین ۲۰۴۰



نامه هنیه، اعلام آمادگی جامعه فلسطین برای انتفاضه فراگیر مسلحانه



احمد رضا روح الله زاد

دبیر کمیسیون سیاسی جمعیت دفاع از ملت فلسطین



جدید در مناطق اشغالی ۱۹۶۷ و خصوصاً منطقه بیت المقدس و تشدید سیاست های تجاوزگرانه این رژیم درباره حرم شریف قدس، همچنین تقسیم زمانی این مکان اسلامی در همین چارچوب تعریف می شود. هر چند جوانان کرانه باختری با شجاعتی مثال زدنی و البته در نهایت مظلومیت از اول اکتبر ۲۰۱۵ انتفاضه ای را با دستان خالی شروع کرده و امیدار بودند ضمن افزایش هزینه های امنیتی و کند سازی سیاست های تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی، سلاح غزه از خاموشی خارج شود و انتفاضه مظلومانه شان ابعاد گسترده تری یابد. اما دریغ!

- نشست رهبران بیش از ۵۰ کشور عربی و اسلامی در ریاض و مواضع مطرح شده در آن علیه ایران و حزب الله و حماس از سوی رئیس جمهور آمریکا و انفعال کامل رهبران حاضر، نشانه یک توطئه بزرگ علیه محور مقاومت و آرمان فلسطین بود. توطئه ای که با بیانیه ترامپ درباره بیت المقدس، همچنین اعلام «معامله قرن» و یا «قرارداد نهایی» از سوی وی، ابعاد آن آشکار تر شد. توطئه ای که عملاً در صدد یکسره سازی فلسطین به نفع رژیم صهیونیستی است.

- ایالات متحده آمریکا سال هاست که به عنوان یک قدرت موثر در تحولات منطقه نقش آفرینی داشته است. هر چند آمریکا از دوره جیمی کارتر خود را به عنوان یک میانجی در قضیه فلسطین نمایش داده است. اما در سال های اخیر در سطح منطقه جایگاه خود را تا حد زیادی از دست داده است. کاهش نفوذ آمریکا در سطح منطقه همزمان با افزایش نفوذ سیاسی و اقتصادی رقبای سنتی آن (چین، روسیه و اتحادیه

جنگ علیه تروریسم تکفیری تحت فرماندهی محور مقاومت ایثارها داشته اند) هدف از این فریب با استفاده از بحران سوریه، جداسازی مقاومت فلسطین از ایران بود. مدیریت بردبارانه ایران در این قضیه و نیز پیروزی های محور مقاومت در سوریه و عراق، عملاً این توطئه خطرناک غربی، عربی و عبری را خنثی کرد. کارشناسان تغییر در حوزه های رهبری حماس و انتقال ریاست دفتر سیاسی از خارج به داخل فلسطین، همچنین سفر چندین هیأت حماس و خصوصاً هیأت همراه صالح العاروری به تهران را در همین چارچوب ارزیابی می کنند.

- توافق آشتی ملی یک ضرورت جامعه فلسطینی است. اقدامی که حماس انتظار داشت با تحقق آن محاصره تقریباً ۱۲ ساله غزه مرتفع گردد و شرایط اقتصادی این زندان بزرگ رو به بهبودی نهد. غافل از آن که طرف مقابل به رهبری محمود عباس، اهداف دیگری را از فعال سازی روند توافق آشتی ملی دنبال می کند که مهمترین آن امیدوار نگه داشتن حماس به آینده و معلق نگه داشتن مقاومت و به عبارت دیگر خنثی سازی سلاح مقاومت بود. علی رغم همه امتیازاتی که حماس از آن چشم پوشید و در اختیار محمود عباس قرار داد، نه تنها هیچ تغییر مثبتی در شرایط محاصره غزه حاصل نشد بلکه، غزه در آستانه فروپاشی کامل اقتصادی قرار گرفته است. این افق ناپیدای توافق آشتی ملی ایجاب می کند تا حماس در راهبردهای خود تجدید نظر کند.

- در دوره زمانی که سلاح حماس، عملاً خاموش شده بود، رژیم صهیونیستی از فرصت نهایت بهره را برده و سیاست های اشغالگرانه خود را تسریع کرد. ساخت شهرک های

نامه اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس، به مقام معظم رهبری و قدردانی از مواضع ثابت و حمایتی جمهوری اسلامی ایران در باره فلسطین از ابعاد مختلف قابل بررسی است. این نامه در زمانی ارسال شده است که هم فلسطین و هم منطقه شرایط جدیدی را تجربه می کنند. هر چند این نامه اندکی پس از صدور بیانیه «بالفور دوم» ترامپ در باره بیت المقدس ارسال شده است اما در زمانی منتشر شد که کشور ایران نیز اغتشاشاتی را پشت سر گذاشت که به اذعان تحلیلگران، طراحی و مدیریت آن از مدت ها قبل توسط برخی کشورهای غربی با همکاری رژیم صهیونیستی و دول مرتجع عرب انجام شده بود. آقای هنیه در این نامه صراحتاً از مردم و نظام اسلامی ایران و ثبات ارزشمند کشور تمجید کرده است. ثباتی که بی تردید حاصل همدلی مردم و نظام است. در باره این نامه نکاتی با توجه به این سوال؛ اساساً حماس بر پایه چه نیازهایی - داخلی، منطقه ای و بین المللی - نامه ای با این محتوا را برای ایران، آن هم برای عالی ترین مقام ایرانی ارسال داشته است؟ معروض داشته می شود:

- بحران سوریه نقطه عطفی در روابط ایران و حماس محسوب می شود. بخشی از جریان حماس متأثر از این بحران و تحلیل نادرست از تحولات حوزه بیداری در برخی کشورهای عربی، سیاستی غیر همسو با ستون اصلی محور مقاومت را اتخاذ کرده و عملاً در دام سازمان های اطلاعاتی کشورهای مصر و عربستان و قطر گرفتار شدند. (هرچند عقلای حماس خردمندانه نسبت به این زاویه گیری از ایران هشدار می دادند و بخشی از نیروهای فلسطینی در سوریه نیز در

این توطئه ایران را نشانه رفته است و ایران می داند که حمایت قوی تر و آشکارتر از مقاومت فلسطین کاملاً در راستای منافع و امنیت این کشور است.

- در نامه هنیه بر آمادگی جامعه فلسطینی برای مقابله با توطئه طراحی شده آمریکا و رژیم صهیونیستی تأکید شده است. در واقع آقای هنیه بر آمادگی ذهنی فلسطینیان کرانه باختری برای دست زدن به یک انتفاضه مسلحانه اشاره می کند. نکته ای که مقام معظم رهبری به عنوان یک راهبر در تاریخ یک مرداد ۱۳۹۳ برای افزایش فشار به رژیم صهیونیستی و یکسره کردن سرنوشت این رژیم مطرح کرده بود. بر این اساس این اعلام آمادگی در بطن خود یک مطالبه مهم دارد و آن حمایت از این قیام مسلحانه سراسری است. اهمیت این راهبرد وقتی بیشتر آشکار می شود که تنها در انتفاضه مسجد الاقصی اقتصاد اسرائیل از رشد ۶+ درصد به ۶- درصد تنزل یافت و هزینه های امنیتی اسرائیل تصاعدی افزایش یافت و مهاجرت جامعه یهودی معکوس گشت. این در شرایطی بود که انتفاضه مسجد الاقصی فراگیرانه مسلحانه نبود و غزه هم مانند امروز از قدرت نهاجمی موثر برخوردار نبود. اگر کرانه باختری وارد مرحله انتفاضه مسلحانه شود با حمایت غزه مسلح هم اقتصاد اسرائیل ضربه سهمگینی دریافت خواهد کرد و هم هزینه های امنیتی آن شدیداً افزایش خواهد یافت و هم این انتفاضه تأثیر ویرانگری بر سیاست های جمعیتی رژیم صهیونیستی وارد خواهد ساخت.

- این نامه نشان داد که جریان سلطه به رهبری آمریکا در سیاست های منطقه ای خود که بر پایه جدا سازی مقاومت فلسطین از ایران و محور مقاومت شکست خورده اند. نکته ای که محمود الزهاری یکی از رهبران همیشه دور اندیش حماس نیز بر آن تأکید کرده است. حماس نشان داد که بیشتر از گذشته به ایران نزدیک شده است و البته این نزدیکی یک اقدام تاکتیکی نیست بلکه همانگونه که اسماعیل رضوان از اعضای حماس نیز اشاره کرده است، اقدامی راهبردی است. زیرا زمان تاکتیک گزینی آن هم در ارتباط با ایران نیست. ارسال این نامه خود گویای راهبردی بودن رابطه با ایران است.

- سلطه فلسطینی به رهبری محمود عباس و به تعبیری جنبش فتح و سایر جنبش های عضو ساف باید صف خود را آشکارا مشخص سازند. انتقاد از اسرائیل در زمانی که در همه ابعاد با آن همکاری می شود جز یک خدعه و نفاق نیست و در واقع خیانت به ملت فلسطین است. اساساً توقف همکاری با دشمن صهیونیستی به تشدید

های منطقه ای محسوب می شوند و استمرار این حرکت می تواند نظم نوینی را در سطح منطقه و بین الملل ایجاد کند و معادلات منطقه ای و بین المللی آرایش جدید پیدا کنند. از این روی جامعه فلسطینی احساس می کند که می تواند با روسیه یک سری منافع متقابل تعریف کرده و بر اساس آن همکاری هایی را تعریف کند که وزنه روسیه در بحران فلسطین را به نفع جامع فلسطین سنگین کند. کارشناسان سفر آتی محمود عباس به فلسطین را در همین چارچوب ارزیابی می کنند. کما اینکه همکاری موثر



و مفید روسیه با محور مقاومت، با توجه به نگاه خاص ایران به بحران فلسطین، می تواند در عرصه فلسطین نیز ورود داشته باشد.

- عملکرد درخشان محور مقاومت در مدیریت بحران های منطقه ای، پایان بخشی به بحران خلافت داعش در عراق و سوریه و نیز موفقیت هایش در تقابل با تروریست های تکفیری در سوریه و لبنان، نشان داد که این محور موثر ترین بازیگر منطقه ای است. بازیگری که با اضافه شدن روسیه دارای توان بیشتری نیز شده است. بر این اساس و با توجه به رفتار بی فراز و فرود ایران در باره فلسطین، علی رغم کژ راهی که بخشی از حماس پیمود، حماس احساس می کند که ایران بهترین و مناسب ترین انتخاب برای عبور از توطئه بزرگ غربی، عبری و عربی است. خصوصاً که دور نمایی

اروپا) موجب از دست رفتن جایگاه این کشور در سطح بین المللی شده است. این مسئله و مواضع اخیر ترامپ در باره فلسطین و قدس که تردیدها را در باره میانجی صادق بودن آمریکا از بین برده است، جامعه فلسطین را به سمت انتخاب های دیگر در سطح منطقه و بین الملل سوق داده است. - رژیم های عربی بعد از نشست ریاض آشکارا در مسیر تضاد با جامعه فلسطین حرکت کردند. بیانیه رسمی عادل الجبیر وزیر امور خارجه رژیم سعودی پس از نشست ریاض و قرار دادن حماس در فهرست تروریسم، نشانه روشنی از این روند است. حماس به این درک رسیده است که دل بستن به این رژیم ها اساساً اشتباه بوده است و دیگر نباید در شرایطی که آنها تعریف می کنند خود را قرار دهد. از این روی باید در انتخاب های خود دقت بیشتری داشته باشد.

- در سطح بین المللی اروپا با آنکه صراحت و افراط دولت آمریکا را در ارتباط با قضیه فلسطین ندارد اما نشان داده که نمی تواند حامی خوبی برای جامعه فلسطین محسوب شود. زیرا آنها از هر راه حلی که بتواند بحران فلسطین را به گونه ای به پایان برساند که موجودیت و امنیت اسرائیل حتی فراتر از مرزهای اشغالی ۱۹۴۸ تأمین کند، استقبال می کند، حتی اگر عدالت در باره جامعه فلسطینی نادیده گرفته شود. این رفتار ثابت اتحادیه اروپا در باره فلسطین بوده است. بر این اساس حماس نمی تواند اروپا را یک انتخاب مناسب بداند. هر چند تلاش می کند به گونه ای با اروپا که اکنون به صورت یک رقیب تقریباً جدی آمریکا در ابعاد اقتصادی مطرح است، همکاری کند. - چین هم جدی ترین رقیب اقتصادی آمریکا محسوب می شود. رقیبی که در آینده می تواند در قامت یک رقیب بسیار جدی امنیتی هم مطرح شود. اما چین فعلاً حرکت بی حاشیه را در پرونده های بین المللی آمریکا انتخاب کرده است و از ورود مستقیم به بحران فلسطین مانند همیشه خودداری می کند. از این روی حماس نمی تواند امید چندانی به چین در خنثی سازی توطئه بزرگ قرن داشته باشد.

- روسیه تا کنون سعی کرده در بحران فلسطین به گونه ای رفتار کند که منافع منطقه ای آن به خطر نیفتد. اما با شروع بحران تکفیری در منطقه و آشکار شدن افق های فعالیت این جریان تروریستی برای منافع و امنیت روسیه، این کشور خود را ناگزیر از ورود به معادلات منطقه ای دید. حضور روسیه در سوریه در کنار محور مقاومت به رهبری ایران در همین چارچوب تعریف می شود. روسیه و ایران نشان داده اند که یک ظرفیت بسیار موثر برای حل بحران

انتفاضه کمک خواهد کرد. اینک جریان سازش فلسطینی باید خود را از ننگ همراهی و خیانت به ملت فلسطین، جدا کند. اقدامی که هر چه سریعتر باید صورت بگیرد زیرا در غیر این صورت جامعه فلسطینی خود را آماده انتقام از خائنان ساخته است و انتفاضه آتی دو هدف را توأمان دنبال خواهد کرد، دشمن صهیونیستی و خائنان به آرمان و ملت فلسطین!

- مقاومت مسلحانه و تهاجمی آن گونه که محمود الزهاری نیز به آن به عنوان تنها راه حل، اشاره می کند؛ باید به عنوان راهبرد اصلی و محوری از سوی جامعه فلسطین انتخاب شود. اینک زمان سهم خواهی در حوزه رهبری انتفاضه نیست. مقاومت فلسطینی بخشی از محور مقاومت منطقه ای است و باید خود را تحت رهبری واحد این محور تعریف کند تا هم دچار اختلافات داخلی نشود و هم با اتخاذ سیاست های واحد نتایج بهتری را در نیل به اهداف کسب کند.

- کارشناسان تأکید دارند در صورت تحقق انتفاضه مسلحانه سراسری، پیروزی نهایی حتمی است. زیرا دشمن صهیونیستی علی رغم همه ادعاهایی که می کند؛ در ضعیف

ترین و آسیب پذیر ترین شرایط خود از زمان تشکیل در سال ۱۹۴۸ قرار گرفته است. قدرت های حامی آن نیز دیگر شرایط گذشته را ندارند. امریکا به عنوان حامی راهبردی اسرائیل، اکنون در سراسیمگی سقوط قرار گرفته است و در حال از دست دادن جایگاه جهانی خود است تا جاییکه امروزه از آن با عنوان یک دولت منزوی یاد می کنند. مخالفت با بیانیه ترامپ در باره قدس هم در شورای امنیت با ۱۴ رای از ۱۵ رای و هم در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، با ۱۲۸ رای، همچنین مخالفت شورای امنیت با پیشنهاد مداخله در امور داخلی ایران شاخص مهمی در این ارتباط محسوب می شود.

- علی رغم همه خیانت هایی که سران برخی رژیم ها انجام داده اند - هم خیانت به آرمان فلسطین و هم خیانت به منافع امت در کل و حتی خیانت به منافع ملل خود - امروزه جهان اسلام در قدرتمندترین شرایط خود قرار دارد. محور مقاومتی که علیه دشمن صهیونیستی و جریان سلطه از ایران، و عراق و سوریه و لبنان و تا یمن شکل گرفته است و موفقیت های آن در جنگ های نیابتی با دشمن صهیونیستی

و امریکا و دولت های مزدور عربی را کارشناسان شاخص مهمی در این باره به شمار می آورند. قدرتی که ایران در کسب آن نقش بی بدیلی دارد و اشاره اسماعیل هنیه در نامه به ثبات ایران هم به همین موضوع بر می گردد؛ زیرا اگر نبود تلاش ایران برای گسترش حوزه های نفوذ خود، امنیت و ثبات امروزه با توجه به طرح های تفکیکی جریان سلطه برای منطقه، تنها در رویا برای ایران متصور می بود.

- بر این اساس در چنین شرایطی که دشمن در کلیت خود یعنی محور غربی، عربی و عبری در ضعیف ترین و آسیب پذیر ترین شرایط خود قرار دارد و جهان اسلام هم با محور مقاومتی که به عنوان بازوی آن عمل می کند در بهترین شرایط ممکن قرار گرفته است، همه ملت ها باید با همه امکانات و ظرفیت های موجود، وارد میدان شوند. به عبارت دیگر انتفاضه از مردم فلسطین، حمایت لجستیکی از محور مقاومت و حمایت های دیگر از مردم منطقه می تواند مسئله فلسطین را به نفع جهان اسلام یکسره سازد.

«رفراندوم» سرنوشت سازترین تصمیم مردم اصلی فلسطین

علی عباسی اصل



رئیس مرکز پژوهش جهانی رفراندوم سرنوشت ساز مردم فلسطین (جرش)

کسی یهودی ها را به دریا بیندازد. چگونه است که رفراندوم برای همه جهان خوب است، اما برای فلسطینی ها و یهودی ها تصمیم گیری برای آینده آن ها خوب نیست؟!

این فحواى صحبت رهبر جمهوری اسلامی، رهبر مبارزه با اسرائیل در جهان است. شاید اگر همان زمان مجامع بین المللی به این صحبت ها توجه بیشتری می کردند تا بحث های جانبی دیگر در مورد ایران، امروزه مشکل فلسطینی ها و اسرائیلی ها حل شده بود و بسیاری از مشکلات دیگر در منطقه خاورمیانه به وجود نیامده بود.

عملای توان گفت ایران نسخه ای را برای دیگران پیچیده که ابتدا خود امتحان کرده؛ بدیهی است که اگر کشورهای جهان همه دست به دست هم دهند تا این رفراندوم میان فلسطینی ها و اسرائیلی ها برگزار گردد و سپس همین رفراندوم را به بقیه کشورها تعمیم بخشند، تکلیف همه روشن می شود و دیگر نیازی به جنگ و خونریزی نمی باشد.

روزی که «آرتور جیمز بالفور» وزیر خارجه وقت انگلیس با ارسال نامه ای خطاب به «بارون والتیر روچیلد» رهبر جامعه یهودیان انگلیس و عضو مجلس عوام بریتانیا که از سیاستمداران برجسته یهودی تبار بود، از جانب دولت بریتانیا به یهودیان، ایجاد میهنی ملی در سرزمینی دیگر را وعده داد. همان وعده ای که بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی، عملی شدن آن را موجب تأسیس این رژیم می داند و سراغ از همه مشکلات در غرب آسیا آری...

به هر مشکلی در منطقه خاورمیانه بنگریم، یک طرفش به اسرائیل ختم می شود. پس اگر این مشکل حل شود، بسیاری از مشکلات دیگر نیز حل خواهد شد.

حدود شانزده سال پیش، آیت الله خامنه ای پیشنهادی را برای حل بحران میان فلسطینی ها و اسرائیلی ها مطرح کردند و آن اجرای «رفراندوم» بود.

ایرانی ها به هیچ وجه مخالف یهودی ها نیستند و هیچ وقت به دنبال این نیستند که



ملزومات تشکیل جبهه مجازی دانشجویان مسلمان ضد استکبار



علیرضا خمیلی
دبیر اتحادیه بین المللی امت واحد



بعدی هر ارتباطی است. اینجا است که گام های قبل نیز به کار می آیند. اگر واقع بینی در مشاهده رخ داده باشد خواهیم دانست که مثلاً مخاطب ما سولاتی درباره مسأله سوریه دارد لذا سعی می کنیم آن را تمهید نماییم. طبعاً اگر گفتمان انقلاب بر ما حاکم باشد، مسأله وحدت و کار مشترک با اهل سنت نیز برای ما حل شده است و افراطیون در میان ما جایی نخواهند داشت. این اعتماد نه یک شبه که در یک فرآیند شکل می گیرد.

۶. عدم تعجیل در عملیات: برخی بخاطر روحیات عملگرایانه ای که دارند سعی دارند که فوراً به اقدامی عملیاتی و مشترک دست بزنند ولی طبعاً بدون طی مراحلی که اعتماد مخاطبان را جلب کند و نوعی پایداری در ارتباط را ثمر بدهد نمی توان اقدامات گسترده و موثری را انجام داد و به مثابه برخی کمپین ها که اسم بین المللی دارند فقط در حیطه ارتباطات ایرانی یا شیعی باقی می مانند!

۷. ایجاد نگاه بین المللی: و نهایتاً اینکه بدون داشتن نگرش بین المللی و شناخت مقتضیات آن نمی توان در این عرصه موفق شد. برخی تصور می کنند که کار بین المللی همان کار داخل دانشگاه خودشان بعلاوه زبان خارجی است! حتی برخی تولیدات را به صرف زیرنویس شدن دارای اثر جهانی می پندارند حال آنکه ذائقه و فهم مخاطب بیرونی در خیلی از مسائل با ما فرق دارد و نمی توان با همین روش و منطق داخلی بنا او نیز به مفاهیم رسید.

شناخت چیزی نیست که با یک بار سفر به یک کشور حاصل شود! حتی با نشست و برخاست با سه چهار دانشجوی آن کشور نیز پدید نمی آید. شایسته است که تیم هایی با فرآیندهای میان مدت سعی در درک واقعی از جریانات و پدیده های هر کشور بنمایند و سعی نکنند با ذهنیات تیپیکالی، تفکرات خود را بعنوان واقعیت موجود در هر کشور جا بزنند!

۳. واقع نگری تعاملی: وقتی واقع نگری حاکم شد دیگر انتظار نداریم که مثلاً همه جوانان مسلمان مانند ما اعتراض کنند و مثلاً پرچم آمریکا را آتش بزنند یا ادبیات شان نیز مانند ادبیات ما باشد. شاید در یک کشور، مسأله جنایات آمریکا با ادبیات دینی و در کشوری دیگر با ادبیات انسانی مطرح شود و این تمایزات نباید باعث بروز تعارض گردد.

۴. ارتباطات گسترده: بدیهی است که تشکیل یک جبهه نیازمند ارتباط گیری است. خوب است که در این نکته، توجه کنیم که به سراغ رابطین همیشگی و مهمانان ثابت برخی همایش های بین المللی نرویم! چرا که آنان نوعاً محدودیت هایی را در کشورشان دارند یا برای ما دروازه خوبی برای وصول به همه ظرفیت ها نیستند. چنانچه رهبری تأکید کردند خود فضای مجازی بهترین بستر برای ارتباط با همه نوع رویکرد و جریانات فکری است.

۵. اعتمادسازی تدریجی: مهمترین نکته پس از ارتباط گیری، ایجاد «اعتماد» است. این مسأله مهمترین رکن برای تحقق اهداف

رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویی سال ۹۵، صریحاً بر لزوم استفاده از این ظرفیت جهت تشکیل «جبهه جهانی ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی» در میان «دانشجویان جهان اسلام» تأکید نمودند. این توصیه حکیمانه البته اگر به مانند توجه به برخی دیگر از توصیه های ایشان بدون توجه به واقعیات و ملزومات آن باشد و با شتابزدگی و بدون تدبیر صورت گیرد، طبعاً موفقیت آمیز نخواهد بود ولی در صورت وجود طمأنینه و تدبیر لازم می تواند به نتایج موثری منجر گردد. جمع میان آرمانخواهی و واقع بینی، اصلی است که می تواند ضامن موفقیت این اقدام شود.

در این مجال به برخی ملزومات تشکیل این جبهه اشاره خواهد شد:

۱. گفتمان قابل تطبیق: دانشجوی مسلمان انقلابی باید علاوه بر شناخت صحیح گفتمان انقلاب اسلامی، قابلیت بومی سازی آن برای مخاطب بیرونی را نیز داشته باشد. طبعاً کسی که خودش گفتمان انقلاب را بدرستی شناسد نمی تواند نماینده خوبی برای فکر انقلاب باشد. در ضمن نباید تصور کنیم که همه مفاهیم موجود در ذیل گفتمان انقلاب قابلیت ارائه به بیرون را دارد. چنانچه رهبر هوشمند انقلاب چند سال قبل تأکید کردند که ما به دنبال صدور ولایت فقیه نیستیم و همین که اسلامیت و جمهوریت در بیداری اسلامی تضمین شود کفایت می کند.

۲. شناخت واقعی مخاطب: از ملزومات بدیهی این امر، شناخت مخاطب است. این

چرا تحریم اسرائیل مهم است؟



احمد سروش نژاد
کارشناس خاورمیانه و مدیر مسئول موسسه زینون



این نهضت جدید چند ویژگی دارد:
- این حرکت مبتنی بر ایده مقاومت منفی است
- مبتنی بر اقدامات غیر خشونت طلبانه است
- مرز نمی شناسد و از همگان برای پیوستن به این حرکت دعوت به عمل می آورد
- داوطلبانه و بر اساس آگاهی و دانش صورت می گیرد
- بر وجدان های آگاه تکیه می کند
- کم هزینه و پرتاثیر است
- حساس ترین نقطه دشمن را نشانه گرفته است
- دشمن قدرت مقابله به مثل ندارد

این مقاله در پاسخ به نظرات کسانی که از نتیجه مندی این حرکت مطمئن نیستند یا آن را حرکتی جدی تلقی نمی کنند معتقد است که عدم مشارکت در این نهضت جهانی و فراگیر مشکلات متعددی را برای دنیای اسلام بوجود می آورد که به طور خلاصه به بخشی از آنها اشاره می کنیم و تذکر می دهیم؛ در صورت عدم مشارکت در تحریم کالاهای اسرائیلی و آمریکایی، با چنین چالش هایی مواجه خواهیم شد:

الف) افزایش قدرت نظامی رژیم صهیونیستی، چه در بعد تسلیحات و چه در زمینه ساخت و مدرنیزه کردن و تملک تکنولوژی های مربوط به آن در تمام زمینه های فضایی، هوایی، هسته ای، دریایی و خشکی و در مقابل تضعیف قدرت دنیای اسلام و توانایی های ایشان در این زمینه و ناتوان و تابع نگهداشتن و محاصره یا تحریم آنها و جلوگیری از فروش هر نوع سلاح، حتی سلاح های سنتی و معمول به آن ها مگر به خاطر دستیابی به ثروت های جهان اسلام نه برای تحقق هر گونه موفقیت و پیروزی برای ایشان. این موضوع شامل جلوگیری از دستیابی یا تملک هر گونه سلاح پیشرفته یا تکنولوژی که بتواند در آن سلاح ها را تولید نماید، نیز می شود.

ب) از بین بردن تحریم رژیم صهیونیستی توسط اعراب و عمق استراتژی اقتصادی این رژیم را انقدر افزایش دهیم تا تمام جهان اسلام را در بر گیرد و استفاده از طرف های امضاء کننده موافقتنامه ها و پیمان های کمپ دیوید و اسلو- قاهره و وادی عربیه به عنوان پل های ارتباط آمریکا و اسرائیل در جهان عرب و اسلام، تحت این عنوان که آنها واسطه هایی هستند که هر کس ایشان را تأمین کند، در خدمت او خواهند بود تا اینکه از خدمات ایشان بی نیاز شوند. در آن

اقتصادی داشته و لذا باید با آن از همین منظر مقابله کرد.

د) ایجاد تفرقه در امت اسلام و غلبه بر تمام اشکال همبستگی و تفاهم و همگونی و هماهنگی میان سیستم ها و نظام ها و حاکمانش و مشغول داشتن هر بخش این امت به اینکه در پی منافع خاص خویش باشد و بدین وسیله تضعیف گردد و با دید بسته و متأثر و مفصلی که دارد، به ضعف، گوشه گیری و محدودیت نظری و دیدگاه و فعالیت های کمک شود، نباید در این کشورها در خدمت جهان اسلام باشند، باید هر یک به دنبال منافع شخصی و گروهی خویش بوده و جز دستیابی به این منافع هدف دیگری نداشته باشند تا اعتماد و تکیه ایشان به رژیم صهیونیستی و غرب استعماری افزایش یابد.

ه) کمک هر چه بیشتر به رشد و تثبیت ارزش های جامعه مصرف گرا در جهان اسلام که باعث افزایش ضعف عمومی جامعه و آشفتگی روابط اجتماعی و سست شدن پایه های خانوادگی و از بین رفتن ارزش های فردی، روحی، وجدانی و مبارزاتی می شود و تمام اینها به شیوع فساد اجتماعی می انجامد که فرد و جامعه را به وادی هلاکت می کشاند و چشم داشت ها، خواسته و معیارهای اسامی فرد در جامعه را تغییر می دهد.

و) تحریف معنای مقاومت ملی در قبال اشغالگری و مترادف نمودن معنای آن با تروریسم و تخریب و تضعیف پیوندهای جامعه با آن به گونه ای که هر کس به دنبال چنین مقاومتی باشد، دشمن حق و حقیقت

صورت روی به سیاستی خواهند آورد که رژیم صهیونیستی کلید شکوفایی اقتصادی یا رکود اقتصادی شود و این میسر نمی گردد، جز از طریق حمایت کشورهای صنعتی از این رژیم و هم گاهی برخی از گروه ها و جریان های عربی در فروش استقلال اقتصادی میهن خویش به آنها... برخی از مخالفان راهکار تحریم عنوان می کنند، نمی توان داد و ستد خویش را با اسرائیل متوقف نمایند و یا قطع کنند، چون این بخشی از موافقتنامه صلح است و تحریم کامل کالاهای اسرائیلی به معنای نقض موافقتنامه های صلح و بازگشت به وضعیت عدم ثبات و جنگ است. این موضوعی است که در سخنان قانونگذاران و دولتمردان مصری و برخی از کشورهای عربی نیز مشاهده می شود، وقتی از ایشان خواسته شد، سفیر اسرائیل را از کشور خویش طرد نمایند آنها به این دستاویز متوسل شدند. اما مطمئناً نمی توان با این گونه بهانه های واهی از موضوعی به این اهمیت به راحتی عبور کرد.

ج) گرایش به سمت فرض نظام مالی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی خاورمیانه ای که این باعث نفی شخصیت های عربی- اسلامی و مقولات و ارزش های آن می شود.

در این نظام مراکز، سازمان ها و جوامع عربی امروزی از بین خواهند رفت و به گفته شیمون پرز، به جای جامعه نفرت و کراهت باید جامعه خاورمیانه ای به جای آن را بگیرد، در این جامعه، اسرائیل رهبر و راهبر منطقه و حاکم بر سیاست، امنیت و اقتصاد خاورمیانه خواهد بود. شروع این حرکت خاستگاهی

تلقی گردد. این موضوع شامل تحریف حقایق و قوانین و عرف های بین المللی و بشری نیز می شود.

اهداف تحریم

چالش های فوق الذکر در صورتی که با آن ها مقابله نشود، امت اسلام را به جامعه ای فروپاشیده، مصرف گرا، اشغال شده، جامعه ای که در آن چهل و نادانی و عقب ماندگی روحی و روانی حاکم است، تبدیل می کند. در چنین جامعه ای شاهد مرگ آرزوها و رویاها و خواسته های بزرگ هستیم. و این ما را می دارد تا فقط دهان و دستی باشیم که بخوریم و به دشمن خدمت کنیم. در این میان دشمن در رأس هرم و ما در قاعده هرم قرار خواهیم گرفت. آیا فرهیختگان و اندیشمندان جهان اسلام معنای این خطرات و چالش ها و برخورد با آن ها را می فهمند. از طریق مدنظر قرار دادن و دیدن آینده و اتخاذ برنامه های درست

تربیتی و فرهنگی و ادات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی، به صورت علمی و عملی که هدف آنها تغییر واقعیت ها و تشویق جهت سیر در راه مقاومت و ایستادگی است، می توان به مقابله با این چالش ها پرداخت.

سپس گام بعدی باید برداشته شود و آن مبارزه با عقب ماندگی و ناتوانی وضع است و انتقال به مرحله تملک ایمان، اطمینان، علم، تکنولوژی و تمام امکاناتی که به تحقق برنامه ها و طرح های نجات دهنده و مبارزاتی ما کمک کند و حد و حدودی برای طرح های مخالف و متناقض با برنامه های ما قائل شود پیش از پاسخ به این سوال سعی خواهیم کرد، اهداف تحریم را مشخص نماییم و سپس رو در رویی با چالش ها منتقل شویم.

تحریم سلاح قوی و قدرتمندی است، اما در عین حال سمبلیک به شمار می آید که اهداف آن بر حسب اهمیتش خود را نمایان می سازند و می توان بطور خلاصه آنها را در

موارد ذیل بیان کرد:
الف- اهداف سیاسی: تحریم رسالتی سیاسی است، به این معنا که امت اسلام وجود صهیونیست ها در سرزمین فلسطین را رد می کند، همچنین سیاست آمریکا در قبال جهان اسلام را نیز محکوم می نماید و عزم خود را جزم می کند تا با تمام قدرت مقابل متحد صهیونیستی آمریکا ایستادگی کند. غیر از آن تحریم به معنای تحقق علمی گروهی و بسیج سیاسی و برداشتن گامی جمعی از سوی جهان اسلام پیرامون یک مسئله مورد توافق ملی است.
ب- اهداف اقتصادی: وارد ساختن ضرر و زیان اقتصادی به شرکت های آمریکایی و صهیونیستی همچنین تحریم دشمن به معنای حفظ ثروت های بشری و طبیعی جهان اسلام و به کار گرفتن آنها به بهترین وجه در خدمت دین امت است.

امروز حقوق بشر ابزار اصلی برای نفوذ است

لوسین سرینس



فارغ التحصیل فلسفه، زبان شناسی، علوم اطلاعات و ارتباطات از دانشگاه های پاریس و ریمز فرانسه

قدرت عمده در ایالات متحده ی آمریکا دقیقاً چیست؟ وال استریت، واشنگتن یا هالیوود است؟ قدرت عمده ی این کشور چیست که ما به آن داستان سرایی میگوییم. قدرت عمده ی ایالات متحده، گفتن داستان اصلی در رسانه های جمعی جهان است. این ارتباطی به حقایق و واقعیت سیاسی ندارد و منجر به اخبار جعلی و سیاست های پساواقعی و پسا حقیقی می شود.

برای بسیاری از مردم، این موضوع که آمریکا داستان سرایی و قصه گوئی را به واقعیت ترجیح می دهد امری عجیب است. برای ما نیز ترسناک است، حداقل برای آنچه که جهان کوچک لابی ها در خیابان k واقع در واشنگتن اهمیت می دهد. بیشتر سخنرانی های رسمی کاخ سفید و پنتاگون این لابی ها را باید به عنوان پیش فرض برای امر دیگری درک کنند. به عنوان مثال، حقوق بشر صرفاً قصه ای است که برای تضعیف دولت هایی که به آن ها «دولت سرکش» یا «دولت های تجدیدنظر طلب» می گویند استفاده می شوند. با این اتهام که این کشورها به «حقوق بشر» احترام نمی گذارند، کشورهایی مثل ایران، سوریه، کره شمالی، روسیه و چین از این جمله هستند. و گاهی برای نابودی کامل کشورها به اسم آزادی و برابری استفاده می شود، کشورهایی مثل یوگوسلاوی و لیبی بر این گونه اند. در واقع، قدرت ایالات متحده

«دولت عمیق (نهان) ایالات متحده» [شامل مجموعه ی نظامی-صنعتی، سیا و لابی ها می شود] همه ی این شبکه مافوق و مادون ترامپ در واقع اهمیتی برای «حقوق بشر» قائل نیستند و صرفاً برچسبی جعلی برای به راه انداختن «جنگ های ترکیبی» بر علیه حقوق بشر حقیقی و بشریت است. البته داستان حقوق بشر پازلی از یک نقشه وسیع تر است که میتواند از لحاظ مهندسی اجتماعی وصف شود.

مهندسی اجتماعی چیست؟ یک رویکرد علمی در برخورد با پدیده های اجتماعی با چشم انداز «مدیریت تغییر» است، که از سایبرنتیک کاربردی و روانشناسی در محدوده ی مدیریت، بازاریابی و امنیت و ایمنی و سیستم گرفته می شود. این کار «روش هک کردن اجتماعی» نام دارد که اجازه می دهد به شکل پنهانی، استراتژیک و دراز مدت (پایدار) اصلاح رفتار شخصی و اجتماعی (شرکت، سازمان، جمعیت) انجام گرفته و بیشترین زمان نابودی آن اندازه گیری شود. در هر صورت این روش تغییرات را، حتی در صورتیکه فرد مورد نظر احساس به این تغییرات نکند اعمال می کنند. هردوی مفاهیم کلیدی مهندسی اجتماعی به نوعی «فیشینگ» (نفوذ) گونه ای از «غشاشات مگر بار» و «درگیری با واسطه» یا نبرد نیابتی (جنگ نیابتی و نیروی نیابتی) هستند. این مفاهیم، کاربردهای ژئوپولتیک را در ترانزیت شناسی پیدا می کند. این شیوه

ای است که توسط محور آمریکا/اسرائیل برای کشتن بی رحمانه ی دشمنان به اسم حقوق بشر استفاده می شود که برای بسیاری از مردم ناشناخته و مخفی مانده است. شیوه هایی مثل انقلاب رنگی، کودتاها، جنگ روانی، تروریسم دروغین، جنگ های ترکیبی و تغییرات رژیم، عواقب دراماتیکی که در افغانستان، اوکراین، عراق و ... واضح و عیان است. این شیوه، راه اصلی حکومت بوسیله هرج و مرج است.

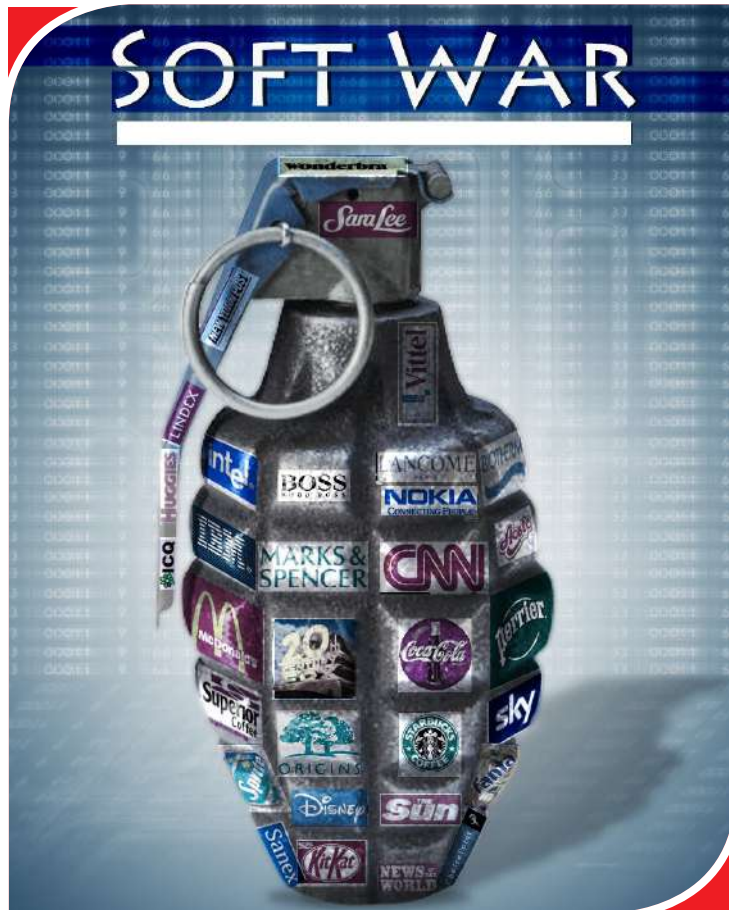
در این روش شناسی داستان حقوق بشر در کجا واقع شده است؟ حقوق بشر ابزاری برای «فیشینگ» (نفوذ) است. چیزی است که خلاف علاقه شماست و حتی ممکن است شما را بکشد اما شما از انجام یا پیروی از آن لذت خواهید برد. این فرایندی است که به آن «هک کردن» میگوییم. نیازی به اتصال به کامپیوتر جهت هک کردن ذهن نیست، کلمات یا تصویرهای تلویزیون کافی هستند. این روش شباهت زیادی با پروپاگاندا، مدیریت ادراک و جنگ روانی دارد اما با هیپنوتیزم متفاوت است. زمانی که یک نفر هک می شود در واقع اغفال میگردد اما کماکان هوشیار است. به یک ماهی در آب فکر کنید؛ می بیند یک کرم در جلوی او در حال تاب خوردن است. باور کنید با خود فکر میکند یک شام خوب خواهد داشت. کرم را می بلعد و در درون قلاب گرفتار می شود و به عنوان شام در بشقاب ماهیگیر زندگی اش پایان میابد.

جلب اطمینان یا حداقل سهل انگاری او نیاز دارید تا استحکامات شخصی اش را زمین گذاشته و به شما اجازه ورود دهد. اگر اعتماد نکنید، اگر بدگمانی شما برانگیخته شود، ذهن دفاع شخصی خود را برپا می کند همانند یک فایروال در کامپیوتر شما و شما نمیتوانید در آن نفوذ کنید. هک بوسیله مهندسی اجتماعی به معنی نفوذ و تغییر یک سیستم، نه بوسیله ی حمله به آن، بلکه بوسیله جلب اعتماد آن است.

حقوق بشر ابزار اصلی برای «فیشینگ» (نفوذ) است. قلاب اصلی برای نابودی شما بوسیله اعتماد شما در یک حال و هوای خوب است. این یک نوع شستشوی مغزی نرم است. نوعی داستان سرایی معیوب است که من می خواهم در چندجمله و چند مرحله بوسیله نوعی نشانه شناسی خلاصه کنم: اول، معنای حقوق بشر چیست؟ آن به معنی درخواست حقوق برابر برای تمامی انسان ها است، احترام گذاشتن و مدارا کردن با تمام انسان های روی زمین بویژه با اقلیت ها که بیش از اکثریت احترام خاصی برای برابری دارند چرا که ۱- شانس برای پیوستن به اکثریت ندارند (براساس تعریف) و از نابرابری و تبعیض رنج می برند. ۲- این رفتار مخصوص برای اقلیت های مورد تبعیض واقع شده «تبعیض مثبت» و «صداقت سیاسی» نام دارد و شامل ارائه حقوق ویژه و مزیت هایی به اقلیت ها در قیاس با اکثریت می شود. ۳- این نهاد نابرابری به اسم برابری است

و اگر شما به انتقاد از این استبداد جدید جرأت کنید، یک «مزدور» هستید که به گناه اقلیت های فقیری که از ابتدای زمان رنج کشیده اند مجازات می شوید. نتیجه این می شود که: برای جهانی شدن، تحمل و حمایت از حقوق بشر به معنی دادن حق کمتر به اکثریت ها و حق بیشتر به اقلیت هاست. پس معنی حقوق بشر اینگونه می شود: حقوق بیشتر برای عده ای از مردم. غالب مردم به اکثریت تعلق ندارند که به اسم حقوق بشر [ابزار فریب] باید بپذیرند که نسبت به بعضی دیگر، از حقوق کمتری بهره مند هستند که عده ی کمتری دارند تا مشروعیت اخلاقی کسب کنند که انسان با قلب و روح به حساب می آیند. زمانیکه جو بایدن (معاون اوباما) گفت که حقوق دگرپاشی فرای همه است و مهمتر از هر چیزی دیگری است چرا که اگر اینگونه نباشد، غیر انسانی است یک پیام واضح به مردم عادی ارسال کرد: شما حقوق کمتری نسبت به دگر باش ها دارید. حقوق بشر یک برچسب جعلی است که در واقع معنای «دیکتاتوری اقلیت ها» میدهد.

گام دیگر در این حمله ی حقوق بشری در نامگذاری آن ها، محیط زیست گرایی



با تمام شهرهایی است که در فاصله ای از شما واقع شده اند و به ملت های مجاور شما تعلق ندارند. با این حال در شهرهای ملت ها، خداوند شما را وارث قرا می دهد، هرگز چیزی که نفس می کشد را زنده نگذارید.

دو هزار سال بعد، جرج سوروس و بنیادهای جامعه باز یا میچل هودور کوفسکی و روسیه باز و بسیاری دیگر مثل جنبش بدون مرز (بسیاری از آنها توسط بانک روچیلدها پشتیبانی می شوند) از ما می خواهند جامعه و اذهانمان را به روی آن ها باز کنیم تا ما را بوسیله ی نابودی مرزهایمان و استحکاماتمان به آسانی نابود کنند و ما را به سمت تجارت آزاد، جهانی سازی، مهاجرت گسترده و وحشی و جایگزینی سوق دهد. داستان حقوق بشر این هدف را دنبال می کند: مردم با کنار گذاشتن استحکامات دفاعی شان و توقف دفاع از تمامیت شان و لذت ناپدید شدن به نام بازار یا عشق به بشریت یکدیگر را به قتل برسانند، تحمل می کنند و جامعه و عقل را برای هر چیز یا هر شخص باز بگذارند. همانگونه که میبینید برای هک کردن یک ذهن بدون اینکه به عنوان دشمن شناخته شوید، به

ماهی اغفال شده یا هک شده بود چرا که به چیزی اعتماد کرد که آزادانه و بدون هیچ جنگی توسط دشمن (ماهیگیر) او را به کام مرگ فرو برد. مهندسی اجتماعی راهی برای پیروزی در جنگ یا کشتن دشمن با جلب اعتماد و اطمینان او به خودتان بدون هیچ جنگی است. اولین نمونه استفاده از این روش در دنیای یکتاپرستی در متن تورات و کتاب پنج گانه عهد عتیق است که خود آن بخشی از انجیل است. در سفر تثنیه بخش ۲۰:۱۰ تا ۱۶ آمده است:

«هنگامی که برای حمله به یک شهر در حال پیشروی هستید به آن مردم پیشنهاد صلح دهید، اگر آنها پذیرفتند و دروازه ها برای شما باز کردند به همه آن مردم کار اجباری اعطا می شود و برای شما کار خواهند کرد اگر آن ها صلح را نپذیرفتند و شما را به جنگ مشغول کردند، آن شهر را تحت محاصره بگیرید. زمانی که خداوند آن شهر را در اختیار تو قرار داد تمام مردان آن را به شمشیر خود بسپار و تمام زنان و بچه ها و حیوانات و هر چیز دیگر را به عنوان غنیمت برای خود بگیر و شما اجازه استفاده از غنیمت را یافته ای. باشد که خداوند شما را از دشمنان حفظ کند این چگونگی برخورد

عمیق و ضد مظلومیت (گیاخواری) است. که این داستان سرایی اینگونه خلاصه می شود: بشریت برای حیوانات و طبیعت بسیار مضر است که شما باید بپذیرید، بشریت باید ناپدید شود تا فضا و حقوق بیشتری به حیوانات و طبیعت داده شود. این جنون با دادن حقوق به اقلیت جدید برای تبدیل شدن به تراشیر به اوج خود می رسد: جهش یافته ها، ابر انسان ها، ربات ها و ماشین ها از این نوع اقلیت جدید هستند. بر پایه ی ایدئولوژی حقوق بشر قدرت یک پیام ذهنی به مردم ارسال می شود: «شما گناه کارید و باید خودتان را بکشید تا کل دنیا جای شما را بگیرد.

دو راه برای کشتن یک دشمن در مهندسی اجتماعی، به صورت «ناخودآگاه» و بدون دیده شدن وجود دارد. اولی که ما شاهد آن هستیم این ست که شما او را مجبور به خودکشی می کنید و دومی به این صورت است که دو دشمن را به سمت نزاع با یکدیگر با کنترل خودتان تحت فشار می گذارید. من این را در فرانسه «conflittriangulé» مینامم که

در انگلیسی به «جنگ نیابتی» شناخته میشود. اولین بار مفهوم «قوای نیابتی» را در یادداشتی تحت عنوان «یک استراتژی جدید برای تضمین امنیت قلمرو» یافتیم که در سال ۱۹۹۶ بوسیله گروه مطالعات «استراتژی نوین اسرائیل در سال ۲۰۰۰» در موسسه استراتژی پیشرفته و مطالعات سیاسی اورشلیم و واشنگتن منتشر شده بود. در این مقاله ی کوتاه، برخی از نومحافظه کاران اسرائیلی آمریکایی (ریچارد پلر مشهورترین آنهاست) نوشتند که چگونه صهیونیست ها باید توسط نیروهای نیابتی خود به سوریه حمله کند:

«سوریه با اسرائیل در خاک لبنان مبارزه خواهد کرد. رویکرد موثری که آمریکا هم میتواند با آن همراهی کند، همچنین اسرائیل ابتکار عمل استراتژیک را در مرزهای شمالی با درگیر کردن حزب الله، ایران و سوریه به عنوان عوامل عمده ی نظامی در لبنان دست میاورد که شامل «رفتار موازی سوریه با ایجاد این سابقه که خاک سوریه از جانب نیروهای نیابتی اسرائیل که از جانب لبنان حمله و میشوند ایمن نیست؛

اسرائیل میتواند استراتژی محیطی خود را با همدستی اردن و ترکیه با تضعیف و تضمین عقب نشینی سوریه شکل دهد. این تلاش ها میتواند بر روی حذف صدام حسین از قدرت در عراق (یک هدف استراتژیک اسرائیل برای خود) به جهت نابود کردن جاه طلبی های منطقه ای سوریه متمرکز شود. مهمتر از همه، قابل درک است که اسرائیل از حمایت قابل توجه اردن و ترکیه در فضای دیپلماسی و نظامی برخوردار است که این رفتار ها همگی توسط اردن و ترکیه بر علیه سوریه است. همانند حمایت های اتحادیه های طایفه ای با قبایل عرب که به خاک سوریه پا می گذاشتند و علیه نخبگان سوریه فعالیت میکردند.

هربرت جورج ولز میگوید: «بگرد و بیاب» همانگونه که در عصر جدید این جمله را می خوانیم همه چیز باز است، همه ی دروغ ها در زیر چشم ما اتفاق می افتد اگر این یک توطئه است، این یک توطئه ی باز است.

چالش بیت المقدس

عنوان یک فرصت برای سازش با فلسطینی ها مورد استفاده قرار گیرد، متمرکز کند. بنابراین، ما دیدگاهی از موقعیت اسرائیل داریم.

منطقه E-۱ به مدت طولانی منجر به تشدید بین اسرائیل، فلسطین و جامعه بین المللی شد. پروژه ساخت شهرک های جدید بارها مورد انتقاد بسیاری از کشورهای اروپایی بوده است و در پاسخ به آن، اسرائیل چندین اقدام دیپلماتیک فعال انجام داده است. مانع اصلی، ایجاد فلسطین با پایتختش در شرق بیت المقدس است و رئیس جمهور فعلی فلسطین، محمود عباس، دقیقاً در مورد واحد ارضی متناظر مرز های ۱۹۴۷ صحبت میکند.

به گفته سیاستمداران اسرائیلی، ایالات متحده نیازهای استراتژیک اسرائیل را درک می کند اما مهم این واقعیت است که شهرک معاله آدومیم با بیت المقدس ارتباط دارد. به گفته ی استراتژیست های اسرائیلی، اسرائیل اصرار بر ساختن چنین راه رو هایی را دارد که به افزایش امنیت دامنه های دره ی اردن کمک میکند و مانع از تجزیه اردن میشود چرا که منطق اسرائیل این است که باید تحت کنترل کامل باشد)

به عبارت دیگر، اسرائیل از مشاهده ی نیازمندی های فلسطین خودداری می کند،

دور جدید از درگیری ها می رسد. مادامی که غرب درک صحیحی از منافع طرفین ندارد و نمیتواند بدون تحمیل دیدگاه هایش، میانجی قرار گیرد، هر راه حل به سوی روند صلح پذیرفته نخواهد بود.

۲- جغرافیای سیاسی اسرائیل

جنبه ی دیگری که وجود دارد، حاکی از آن است که هر تلاش در مذاکرات برای حل مسئله ی اسرائیل محکوم به شکست خواهد بود. اسرائیل الزامات ژئوپلیتیک خودش را دارد، بر این اساس که او باید فشار بین المللی را تحمل کند تا دره ی اردن را نگه دارد، تنها مرز آن در شرق است که محافظت شده است، زیرا تغییرات ناگهانی در خاورمیانه می تواند این مکان را مهم تر کند.

این نزدیکترین مرز به خاورمیانه (یعنی هسته) اسرائیل، مثلث اورشلیم - تل آویو - حیفا است - که ۷۰ درصد از جمعیت و ۸۰ درصد از زیرساخت های اقتصادی کشور است. اسرائیل همچنین باید ساختن منطقه E-۱ که دره را با اوشلیم تقسیم نشده مرتبط می کند، را ادامه دهد. اسرائیل باید تلاش های خود را برای حل مسائل در این مناطق استراتژیک و نه در مناطق دورتر بانک غرب - منطقه ای در غرب رودخانه ی اردن و شمال غربی دریای مرده - که می تواند به

بر اساس منطق قانون بین الملل، تعدادی راه حل پیرامون اشغال فلسطین و بلندی های جولان بعلاوه وضعیت ویژه ی اورشلیم وجود دارد. بنابراین تصمیم ترامپ نه تنها بازتاب تأثیر صهیونیست های متجاوز پشت سر او، بلکه موجب اختلال در روابط بین المللی و نظام (سیستم) قانونی است. اما این مورد به آسانی آنچه در نگاه اول به نظر می رسد، نیست.

۱- سایه ی پسا استعماری

پس از جنگ جهانی اول، منطقه ی خاورمیانه میان بریتانیا و فرانسه تقسیم شد. هر دو کشور، مجوز سازمان ملل متحد را دریافت کردند و بر اساس منافع ملی خود، در ساخت بازیگران جدید ژئوپلیتیکال (جغرافیای سیاسی) درگیر شدند. در ۱۹۴۷، زمانی که فرانسه مشکلات جدی در بازسازی پسا جنگ و رشد جنبش های آزادی ملی در مستعمرات خود داشت، اسرائیل ایجاد شد.

اگر چه هر کشور اتحادیه اروپا نمی تواند به طور آشکار از منافع خود در خاورمیانه دفاع کند، منازعات اسرائیل و فلسطین فرصتی را برای دستکاری سیاسی را فراهم می کند. چون این موضوع به نفع پرومثنوس (مداخله طرف سوم) می انجامد، روند مذاکرات میان فلسطین و اسرائیل به سطح بالایی از درگیری و در نتیجه به یک



لئوید ساوین
مدیر بنیاد نظارت و پیش بینی توسعه فضاهای فرهنگی روسیه، سردبیر پورتال اینترنتی Geopolitica.ru
کارشناس ارشد در مرکز تحقیقات ژئوپلیتیک، رئیس اداره اجتماعی بین المللی «جنبش یورو آسیا»



نه به طور مستقیم، بلکه به صورت پنهانی با اشاره به عوامل تاریخی، استراتژیک و مذهبی.

۳- چمن زنی و پستی مزمن

با اجازه ندادن به افزایش روابط با فلسطینی ها و سایر کشورهای همسایه برای تبدیل شدن به تهدید موجود، اسرائیل استراتژی خروج دشمن (در این مورد فلسطینی ها) را انتخاب می کند، در حالی که از اشغال دراز مدت و همچنین یک تصمیم سیاسی متمرکز بر مردم اجتناب میکند. این گزینه در میان نظامیان و سیاستمداران اسرائیل، «چمن زنی» نامیده می شود و این امر این است که فرصت حریف را برای انجام هر گونه اقدام تهاجمی علیه اسرائیل نابود کند.

لازم به ذکر است که آموزه «چیدن چمن» یک پیشینه کامل اطولانی تاریخی دارد، حتی اولین نخست وزیر اسرائیل، دیوید بن گوریون دکترین امنیتی اسرائیل را بر اساس دو فرضیه بنا کرد:

۱) دشمنی عرب نسبت به دولت اسرائیل احتمالاً برای چندین دهه ادامه خواهد یافت.

۲) اسرائیل از پیچیدگی مزمن رنج می برد؛ هم از منطقه و هم از جمعیت شناسی. عدم تقارن اصلی در منابع، همراه با خصومت های عرب، بن گوریون را مجبور کرد تا نتیجه بگیرد که اسرائیل نمی تواند شرایط قرارداد صلح را - حتی با استفاده از نیروی سرکوب کننده - به همسایگانش تحمیل کند. «پستی مزمن» نام برده شده ی مناطق، تنها به بی میلی اسرائیلی ها برای دست کشیدن از اشغال مناطق مربوط است.

اگر اسرائیل همچنان سیاست غیر قابل انعطاف خود را نسبت به فلسطینی ها ادامه میدهد، از تهدید منافع خود در جامعه بین المللی آگاه است. حتی مخفف BDS وجود دارد: بایکوت، سلب، تحریم! همانطور که Jonathan Reinhold از مرکز مطالعات راهبردی Begin-Sadat می گوید، با بررسی مشکل - که لیبرال های آمریکایی به اسرائیل نسبت به فلسطین دلسوزتر هستند، به جز کلیسای پروتستان اصلی در آمریکا - ریشه واقعی BDS در اروپای غربی است، این مبارزه برای مشروعیت سیاسی و نمادگرایی است. BDS قصد ندارد اسرائیل را به زانو درآورد، اما می تواند منجر به ایجاد زبان های دیپلماتیک، اقتصادی و حتی نظامی به اسرائیل شود. اگر مذاکرات صلح جاری با فلسطینی ها شکست بخورد، آنها به تحمیل تحریم هایی علیه اسرائیل از طریق سازمان ملل و دیگر سازمان های بین المللی خواهند پرداخت، علاوه بر این، آنها

سعی خواهند کرد از طریق دادگاه بین المللی کیفری، سرکردگان اسرائیلی را تعقیب قانونی کنند و این تهدید احتمالاً پیامدهای منفی برای بازدارندگی اسرائیل خواهد داشت.

۴- تقسیم بندی عرب-مسلمان

اما اعلامیه ی ترامپ به نوعی برای کشور های مسلمان و عرب در منطقه به نوعی یک آزمون است. از آنجایی که نخبگان سیاسی پروکسیهای آمریکا مانند عربستان سعودی، دنباله رو واشنگتن هستند، سوال پیرامون منطق ژئوپلیتیک این بازیگران ایجاد می شود. در دوره های پیش مدرن و اولیه مدرن، نوعی وحدت بین حاکمان مسلمان منطقه بر مبنای دانش عملی، ایده های محققان عرب و هویت دینی - که نقش گیره برای سایر عناصر را بازی میکند - وجود داشت. عصر جنگ سرد، با پارادایم دوگانه مواجه شد و سکولاریزم را تولید کرد. پس از ۱۹۹۰، دوران تسلط تک قطبی و یک پارچه

ی آمریکا بود. اکنون این دوران به اتمام رسیده و لفاظی های ترامپ نمی تواند زوال آمریکا را به تأخیر بیندازد. اما هنوز اعراب و مردم (امت) جهان از هم فاصله دارند و فقدان یک زمینه ی مشترک برای تصمیم گیری روشن، مشکل اصلی به شمار می رود. علاوه بر نیاز به حفاظت از حق مشروع مردم فلسطین و همچنان مقاومت مداوم در برابر تجاوز اسرائیل به اشکال جدید و سازگار، مسئله تغییر اساسی در رویکرد روابط بین الملل بسیار حاد است. ما همچنان در پارادایم جهانی جهان آنگلا ساکسون ها هستیم. این مفاهیم بیگانه است که هویت ما را از بین می برد و شرایط لازم را برای دستکاری ایجاد می کند. پیش از آزاد سازی اراضی، ما به آزاد سازی ذهن هایمان که هنوز تحت تأثیر اندیشه های زهرآگین روشنفکری غرب و مشتقاتش در اشکال گوناگون است، نیاز داریم.

فلسطین کر بلای امروز



سید عبدالله حسینی
معاون دبیر کل اتحادیه سازمان های بین المللی غیر دولتی حامی فلسطین

هواداران شان بعد ها به تیم باطل پیوستند. در تیم حق ممکن است حتی یک بازیکن بد اخلاق بشود ولی دلیل نمیشود کل تیم حق بد باشد.

خلاصه اینکه در یک بازی فوتبال دو تیم بیشتر وجود ندارد و تمام هواداران این دو تیم هم دو دسته بیشتر نیستند. شما که برای تماشای یک مسابقه حساس به استادیوم آزادی رفته اید یا هوادار تیم پیروزی هستید و یا اگر نیستید حتما هوادار تیم استقلالید. بیطرف در مسابقه فوتبال وجود ندارد.

تا الان در این بازی حساس تیم حق و باطل، مابازی را برده ایم. تیم حق با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ یگ گل تاریخی به تیم باطل زد.

بعد آنها با تحمیل جنگ ۸ ساله خواستند جبران کنند که تیم قهرمان ما با قدرت تمام نگذاشت دروازه تیم حق باز شود. از آن به بعد یکسره این تبادل گل ادامه داشته است.

حمله کاپیتان تیم باطل، آمریکا، به افغانستان و عراق دو گل تاریخی است که این تیم ناشی به خودشان زدند و به نفع ما به ثبت رسید. پیروزی حزب الله در جنگ ۳۳ روزه و پیروزی های پی در پی حماس در جنگهای ۲۲ روزه و ۱۱ روزه بهترین گلی هست که تا حالا زده ایم و هنوز تیم باطل نتوانسته آن را جبران کند.

دوباره تیم باطل در بازی سوریه در موقعیت گل قرار داشت. توپ درست پشت دروازه بود. از چند قدمی بطرف دروازه شلیک شد ولی دروازه بان کارگشته و ماهر ما سردار سلیمانی توپ را گرفت و دروازه ما را نجات داد.

در این بازی هر کدام از ما یا اینترفری هستیم یا آن طرفی. شق سوم قابل تصور نیست.

معیار های جبهه حق هم نماز و روزه و گریه و عزاداری نیست. ممکن است شما نماز هم بخوانید مثل عمر سعد، حافظ کل قرآن هم باشید مثل شمر و بیشترین قرآن را هم چاپ کنید مثل ملک عبدالله بزرگترین مسجد را هم بسازید مثل امیر قطر ولی در جبهه باطل باشید.

همانطور که معیار های جبهه باطل هم فرق میکند. ممکن است شخصی اصلا مسلمان هم نباشد ولی عضو جبهه حق باشد امثال ماندلا و گاندی. یا مسلمان باشد و به تکالیف شرعی دیگر خود عمل نکند اما در اصلی ترین موضوع از جانش مایه بگذارد.



و اگر نیست حتماً بسوی غروب کردن به پیش میرود.

انسان یا نفس می کشد که در این صورت هنوز زنده است و اگر نفس نمی کشد حتماً مرده است.

شما یا حرکت می کنید که در این صورت به شما متحرک اطلاق میشود اگر حرکت نمی کنید حتماً ساکن هستید.

ما نیز یا در راه حق گام برمیداریم که در این صورت سوار کشتی نجات هستیم و انشالله عاقبت بخیر خواهیم شد و یا اگر در راه حق گام بر نمی داریم قطعاً در مسیر باطل هستیم.

مبارزه حق علیه باطل درست مثل یک بازی فوتبال است. منتهی این بازی از روز اول خلقت شروع شده و تا پایان خلقت ادامه دارد. اولین گل را تیم باطل با کشتن قابیل زد و آخرین گل را هم انشالله حضرت حجت علیه السلام با فتح بیت المقدس، وارد دروازه باطل خواهند کرد و جام جهانی عشق و عدالت را به خانه خواهد آورد. در طول تاریخ بازیگران هردو طرف عوض شده اند اما تیم همان تیم است. حتی گاهی بعضی از بازیگرانی که عضو تیم حق بودند، رفتند در تیم باطل توپ زدند اما تیم عوض نشده است.

با رفتن یک بازیگر ممکن است بسیاری از طرفداران او هم که هوادار شخص او بودند و هویت تیم را در شخص خاصی میدیدند، با آنها رفتند و به تیم مخالف پیوستند اما تیم حق همچنان پا برجا ماند.

طلحه و زبیر یک روز بازیکن تیم حق بودند و شمشیر شان لبخند بر لبان پیامبر می نشانند اما همین بازیکنان نام آور با

ما از آغاز خلقت تا الان ۲ راه بیشتر نداشته ایم: حق و باطل. حتی در طبیعت هم همینطور است. در زمین ۲ قطب بیشتر وجود ندارد، شمال و جنوب. در جهان هم دو نیرو بیشتر نیست، خدا و شیطان. بر همین اساس در قیامت هم دو خط بیشتر نیست. بعد از محاسبه، هم آدم ها به دو جا منتهی می شوند، بهشت یا جهنم. نامه اعمال هم یا به دست راست داده می شود یا چپ، دست سومی در کار نیست.

بر اساس این طرز تفکر تمام انسانها و مکاتب مذهبی و قطب های فکری و نحله های اعتقادی در تمام عصرها و نسل ها به دو دسته تقسیم میشوند یا حق اند یا باطل. حد وسط نداریم. نسبتاً حق و نسبتاً باطل نداریم. بیطرف نداریم. تمام بیطرف ها در جبهه باطل هستند.

بوش پسر نیز در هنگام حمله به عراق یک جمله معروفی دارد:

In war on terror. Either you are with us or if you are not with us you are against us even if you are not with our enemy.

در جنگ با تروریسم یا شما در کنار ما هستید، یا اگر نیستید بر علیه ما هستید ولو با دشمنان ما نباشید.

این حرف در حقیقت حرف ماست. چون ما روح حقیقت هستیم.

ما باید بگوییم: در مبارزه علیه ظلم و استضعاف و استکبار جهانی، یا شما در کنار حسین زمان هستید یا اگر نیستید بر علیه حسین و آرمان های حسینید ولو اینکه با دشمن نباشید.

خورشید یا در حال طلوع کردن است

ماندلا بعد از پیروزی بر آپارتاید آفریقای جنوبی در یک جمله تاریخی گفت: پیروزی ما در آفریقای جنوبی بدون پیروزی برادران ما در فلسطین کامل نخواهد شد. تقریباً همزمان با او مفتی وهابیت در مکه مکرمه کمک به حماس و حزب الله را حرام اعلام کرد.

اگر از آقای ماندلا بپرسید که بین اسرائیل و فلسطین طرفدار کدام جبهه است قطعاً نمیتواند طرفدار اسرائیل باشد پس با اینکه اصلاً مسلمان نیست در جبهه حق محشور خواهد شد منتهی ممکن است مورد پرسش و پاسخ قرار گیرد که حیف نبود تو با اینهمه خدمات و مبارزات اسلام نیابودی ولی قطعاً مأجور خواهد بود.

امروز آگه بعد از خواندن این سطور بتوانیم صف بندی هایمان را مشخص کنیم، هم بزرگترین خدمت را به خودمان کرده ایم و هم اگر در مسیر حق هستیم بزرگترین گام را برداشته ایم.

همین الان ممکن است یک کسی در روضه امام حسین اشک بریزد، نذر هم بدهد، سینه هم بزند ولی عملاً در جبهه باطل باشد. همانطور که در زمان شاه، خود شاه مجلس روضه داشت. آخوندهای درباری هم برایش روضه می خواندند. در زمان ۸ سال دفاع مقدس هم خیلی ها مجلس روضه شان ترک نشد، نماز شب شان ترک نشد، مستحبات شان ترک نشد اما یک بار هم جبهه نرفتند.

در این جهان و آن جهان تکلیف پیروان جبهه باطل مشخص است. اعمال شان حیا منشورا است. اینان بدون هیچگونه محاسبه ای روانه جهنم خواهند شد. حتی نماز خواندن ملک عبدالله و قرآن چاپ کردن او و عمارت مسجدالحرام او هم تلاشی است منفی که همه ب جای تخفیف در عذاب برایش تشدید عقاب الهی را در پی خواهد داشت، و چون در جبهه باطل است در قیامت بر علیه او استفاده میشود. پیروان باطل اصلاً چیزی برای محاسبه در دست ندارند که مورد محاسبه قرار گیرند.

اگر در قرآن حرف از حساب و کتاب آمده است، درباره پیروان جبهه حق است. پیرو حق وجودش طلاست. جاننش از الماس است. این الماس حیف است تراشیده نباشد. این طلا حیف است زنگار داشته باشد. الماس و طلا را با دقیق ترین ترازوهایی که قیراط و گرمش را بدانند اندازه میگیرند.

باطل جنسش از کلوخ است. کلوخ ارزش تراشیدن ندارد خودش سراپا زنگار است. کلوخ ارزش قهان هم ندارد.

قرآن هم در طول تاریخ تنها دو خط فکری را برسمیت میشناسد. یکی راه روشن حق و دیگری مسیر تاریک باطل که از آنها گاه با تعبیر رشد و غی و گاه با تعبیر یمین





و یسار نام میبرد. در نزد خداوند بغیر ازین دوراه، راه میانه و سومی وجود ندارد. راه وسط که در حدیث آمده است (خیر الأمور اوسطها) در اختلافات درونی جبهه حق معنی پیدا میکند. آنجا که گاهی حتی خود اختلاف امت رحمت محسوب میشود. نسبی بودن خوب و بد هم تنها در درون جبهه حق قابل پیاده شدن است. هابیل و قابیل، ابراهیم و نمرود، موسی و فرعون، محمد و ابوجهل، علی و معاویه، حسین و یزید و خمینی و شاه و امروز نیز خامنه ای و آمریکا، ایران و اسرائیل، نمایندگان و امامان ایمان و کفر بوده اند. امروز نیز این دو خط همچنان امتداد دارد اما روشنتر و بی پرده تر هر کدام پیروانی دارند و مبارزه آنان همچنان ادامه دارد. شهید مطهری در تعلق تاریخی خود در سال ۵۲ فرمود:

والله و بالله ما در برابر این قضیه مسئولیم. به خدا قسم مسئولیت داریم. به خدا قسم ما غافل هستیم. و الله قضیه ای که دل پیغمبر اکرم را امروز خون کرده است، این قضیه است. داستانی که دل حسین بن علی را خون کرده، این قضیه است. اگر می خواهیم به خودمان ارزش بدهیم، اگر می خواهیم به عزاداری حسین بن علی ارزش بدهیم، باید فکر کنیم که اگر حسین بن علی امروز بود و خودش می گفت برای من عزاداری کنید، می گفت چه شعاری بدهید؟ آیا می گفت بخوانید: "نوجوان اکبر من" یا می گفت بگویید: "زینب مضطرب الوداع، الوداع"؟! چیزهایی که من (امام حسین) در عمرم هرگز به اینجور شعارهای پست و کثیف ذلت آور تن ندادم و یک کلمه از این حرفها نگفتم؟! اگر حسین بن علی بود می گفت اگر می خواهی برای من عزاداری کنی، برای من سینه و زنجیر بزی، شعار امروز تو باید فلسطین باشد. شمر امروز موشه دایان است. شمر هزار و سیصد سال پیش مُرد، شمر امروز را بشناس. امروز باید در دیوار این شهر با شعار فلسطین تکان بخورد. هی دروغ در مغز ما کردند که آقا این یک مسئله داخلی است. مربوط به عرب و اسرائیل است. ... تلاش ما مسلمانان در این زمینه چه بوده است؟ به خدا خجالت دارد ما خودمان را مسلمان بدانیم، خودمان را شیعه علی بن ابی طالب بخوانیم. ... آیا ما وظیفه نداریم که کمک مالی به آنها بکنیم؟ آیا اینها مسلمان نیستند، عزیزان ندارند؟ آیا اینها برای حق مشروع بشری قیام نمی کنند؟ «فضل الله المجاهدین باموالهم و انفسهم» (سوره نساء، آیه ۹۵) الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم» (سوره توبه، آیه ۲۰) به وسیله مال که می توانیم کمک کنیم، والله این اتفاق واجب است، مثل نماز خواندن و روزه

حماسی گفته است:

آنان که رفتند کاری حسینی کردند آنها که ماندند باید کاری زینبی کنند وگرنه یزیدی اند.

در منابع روایی مربوط به آخرالزمان بصورت واضحی از امام مهدی علیه السلام به عنوان فاتح بیت المقدس با شعار یا لشارات الحسین نام برده شده است. نگاهی اجمالی به این روایات نیز موید مطلب فوق است که آن حضرت انتقام امام حسین (ع) را از کسانی میگیرد که اگر در کربلا بودند در اردوی یزید شمشیر میزدند.

شک نداشته باشیم که اگر واقعه جانسوز اما بسیار زیبای عاشورا (به تعبیر حضرت زینب سلام الله علیها) امروز اتفاق می افتاد، اسرائیل در مقابل آن حضرت در اردوی یزید خیمه های حسین را بمباران میکرد. انسان که اگر امروز خدای نکرده جنگی میان عربستان سعودی و ایران اسلامی در بگیرد بدون هیچ شبهه ای اسرائیل به یاری عربستان خواهد شتافت همانگونه که در جنگ ۳۳ روزه حزب الله با اسرائیل و جنگ ۲۲ روزه اسرائیل با حماس و سال گذشته نیز در آن یورش ناجوانمردانه ۸ روزه، عربستان با اسرائیل بود.

یادمان نرود که در زمان جنگ ۳۳ روزه، شیوخ خرفت و وهابی عربستان هرگونه کمک به حزب الله را حرام و محاربه با خدا اعلام کردند.

بر اساس این نظریه، بدون شک در قیامت، شقاقی، خالد اسلامبولی و شیخ یاسین رمضان که همه از برادران اهل سنت بودند و امثال ماندلا و گاندی که در عمرشان نمازی نخوانده اند در اردوی حق و امثال ملک سلمان شیوخ بی مایه عربی در اردوی باطل محشور خواهند شد.

واقعه عاشورا آنقدر پتانسیل دارد که حتی حضرت مهدی علیه السلام از ظرفیت آن برای فتح جهان و تشکیل دولت جهانی عدالت محور خود استفاده خواهد کرد. اما ما در ارتباط با واقعه کربلا دچار یک کج فهمی تاریخی شده ایم. و این آفت بزرگی است که ما را از ظرفیت این واقعه عظیم محروم میکند.

در رابطه با عاشورا تمام تلاش مان تا اکنون صرف زنده نگهداشتن این نهضت شده. آن را الحمد لله تا الآن خوب زنده نگهداشته ایم. اما متأسفانه از ظرفیت عاشورا استفاده واقعی نکرده ایم. از این ظرفیت بزرگ استفاده های شخصی کرده ایم. دلهای مان را جلا داده ایم، گناهانمان را شسته ایم، شفا گرفته ایم، مشکلات مادی و معنوی مان را حل کرده ایم. این واقعه برای شستن گناهان امت نبود برای این نبود که مردم از حسین به عظمت یاد کنند.

گرفتن واجب است. اولین سوالی که بعد از مُردن از ما می کنند همین است که در زمینه همبستگی اسلامی چه کردید؟ پیغمبر فرمود: «من سمع مسلما ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم» هر کس بشنود صدای مسلمانی را که فریاد می کند یا للمسلمین مسلمانان به فریاد من برسید، و او را کمک نکنند، دیگر مسلمان نیست، من او را مسلمان نمی دانم. چه مانعی دارد که ما برای این ها حساب باز کنیم؟ چه مانعی دارد که مقدار کمی از درآمد خودمان را اختصاص به اینها بدهیم؟ ... مردم بیدار آن مردمی هستند که فرصت شناس باشند، دردشناس باشند، حقایق شناس باشند. من وظیفه خود را عمل کردم. وظیفه من فقط گفتن بود و خدا می داند جز تحت فشار وجدان و وظیفه خود چیز دیگری نبود. این کمک مالی را وظیفه شما می دانم و وظیفه خودم و هر خطیب و واعظی می دانم که این را بگوید، بر هر خطیب و واعظی واجب می دانم که چنین حرفی را بزند. مراجع تقلید بزرگی مثل آیت الله حکیم و دیگران رسماً فتوا داده اند که کسی که در آنجا کشته می شود، اگر نماز هم نخواند شهید در راه خداست. پس بیاییم به خودمان ارزش بدهیم، به کار و فکر خودمان ارزش بدهیم، به کتاب های خودمان ارزش بدهیم، به پول های خودمان ارزش بدهیم، خودمان را در میان ملل دنیا آبرومند بکنیم. علت این که دولت های بزرگ جهان چندان درباره سرنوشت ما نمی اندیشند، این است که معتقدند مسلمان غیرت ندارد. آمریکا را فقط همین یکی جری کرده است. می گوید مسلمان جماعت غیرت ندارد، همبستگی و همدردی ندارد. می گوید یهودی که برای پول می میرد، جز پول چیزی نمی شناسد، خدایش پول است، زندگیش پول است، حیات و مماتش پول است، به یک چنین مسئله حساسی که می رسد روزی یک میلیون دلار به همکیشان کمک می کند ولی هفتصد میلیون مسلمان دنیا کوچکترین کمکی به همکیش خود نمی کنند» شهید شریعتی نیز در آن جمله معروف و

سید میلارد تومان در سراسر جهان صرف اقامه عزای ابا عبدالله الحسین علیه السلام میشود. اگر بانیان این خیر بزرگ یک دهم آنرا صرف مبارزه با قاتلان فکری امام حسین کنند قطعاً در روند انتقام گیری از آنان تحول شگرفی روی خواهد داد.

الحمد لله با نیت خیر عاشقان اباعبدالله ملیون ها مجلس برای زنده نگهداشتن اصل عاشورا بر گذار شد اما متأسفانه در سالیان گذشته اکثر برنامه های ضد اسرائیلی که سالیانه در ایران اسلامی اجرا میشد به علت کمبود بودجه برگزار نشد.

خوشحال آنان که همچنان که بر شهدای کربلا اشک میریزند بر علی اصغر های فلسطین و علی اکبر های سوریه و ابالفصل های لبنان و قاسم های بحرین و یمن نیز گریه کنند و در صف بندی حق و باطل جانب اهل خدا را نگهدارند.

کسی که جانب اهل خدا نگهدارد
خداش در همه حال از بلا نگهدارد

زیرا آنان از حسینی دفاع میکردند که با چشم سر میدیدند و ما ندیده عاشق همان حسینیم.

ما در اصل انقلاب و در جریان دفاع مقدس از پتانسیل عاشورا استفاده کردیم و پیروز شدیم. در مبارزه امروز مان با اسرائیل هم باید ازین ظرفیت استفاده کرد. روزی که همه پیروان امام حسین به این درک از قیام امام حسین برسند و حسین زمانشان را بشناسند و بخواهند پاری کنند آقای ما و مولای ما چاره ای جز آمدن ندارند. زیرا ظهور هم مثل همه پدیده های تاریخی تابع فلسفه علت و معلول است.

امروز ارزش یک شعار مرگ بر اسرائیل و یک اقدام عملی بر علیه این شمر زمان، از ریختن یک مشک اشک برای حضرت سید الشهدا بالاتر است. نوشتن یک مقاله در دفاع از ملت فلسطین، مثل شمشیر زدن در رکاب امام حسین است. ساخت یک کلیپ در افشای جنایات اسرائیل به مثابه خطبه امام زین العابدین بر بالای چوب های دربار یزید است.

بنا بر برخی آمارها هرسال بیش از

برای این بود که ما در تاریخ گمراه نشویم. حق و باطل را همیشه تشخیص بدهیم. قرار بود شهادت امام حسین (ع) علت مبقیه اسلام و تداوم جبهه مقاومت علیه باطل باشد.

امروز که همان حسین بی هیچ کم و زیاد و همان یزید بی زیاد و کم وجود دارند، پیرو امام حسین بودن، یعنی اینکه یزید زمان را بتوانیم تشخیص بدهیم و بر علیه او بجنگیم و با جان و مال و هستی خودمان از حسین زمان مان دفاع کنیم.

اگر قرار است حضرت مهدی علیه السلام از ظرفیت عاشورا برای شروع انقلاب جهانی خود با فتح بیت المقدس استفاده کند چرا ما ازین ظرفیت در مبارزه با یزید و شمر زمان استفاده نکنیم.

امروز حتی گفتن جمله (یا لیتنا معک) معنی ندارد. چون همین الان اگر اراده کنید به سپاه امام حسین ملحق میشوید و در رکاب او شمشیر میزنید و اگر شهید شوید با او محشور میشوید. ثوابی که میتوان امروز از جنگیدن بر علیه اسرائیل برد قطعاً از ثواب شهدای کربلا اگر بیشتر نباشد کمتر نیست.



چالش ایران با صهیونیسم بین الملل (نبرد آخر الزمانی)



رضا منتظمی

کارشناس مطالعات صهیونیسم در اروپا و آمریکا



مطالعه مبانی فلسفی، فکری و شناسایی دقیق تحرکات همه جانبه جبهه فرهنگی معارض ایران، به مدرنیته و تمدن جدید غرب منتهی می گردد.

فاجعه بعدی که بشر پس از عصر تجدد با آن روبرو شد، این بود که صهیونیسم اتاق فرمان تمدن غرب را به کنترل در آورد و به سرعت امپراطوری شیطان را بر جهان مسلط کرد. به این ترتیب امروز مهمترین بخش های تمدنی غرب که کارکرد تخریبی در جنبه های پاک، اخلاقی، انسانی، ارزشی، معنوی و دینی بشر دارند، با رسانه، هنر، موسیقی، سینما، هالیوود و قدرت اینترنت مدیریت می شوند.

نکته کلیدی همان است که پروفیسور مایکل جونز نویسنده معناگرا و پژوهشگر الهیات آمریکایی در تحقیقات خود در کتابی با عنوان

Sexual liberation and Plotical control

(آزادی جنسی و کنترل سیاسی) به صورت مستند نشان داد، این یهودیان افراطی بودند که در آمریکا برای اولین بار نشریات جنسی، مجلات انحرافی و غیر اخلاقی را در اوایل قرن بیستم منتشر کردند. پروفیسور تاکید می کند که تصویب قانون همجنس گرایی در آمریکا طرح تکمیلی صهیونیسم برای فتح آخرین پایگاههای مسیحیت و کلیسا و زدن ضربه نهایی برای فروپاشی و از بین بردن آخرین آثار حیات معنویت، دین و اخلاق در جامعه مسیحی آمریکا بود که آثار آن به سرعت در اروپا و بقیه جهان منعکس خواهد شد.

اکنون یهودیان افراطی و صهیونیسم در برابر اسلام قرار دارند. صهیونیسم اکنون سوار بر عقاید، اندیشه وهابیت و سعودی از دل جهان اهل سنت آنچنان فرزند نا مشروعی بدینا تحویل داد که جهان شوکه شد. این فرزند به جز نیروهای مزدور آن، از دل جریان برخی از مبارزترین، انقلابی ترین و مخلص ترین جوانان اهل سنت که برای دین خدا جهاد و فداکاری می کردند، تحت عنوان داعش، النصره و احرار الشام زاده شد. تکان دهنده ترین رویداد تاریخ بشر زمانی رقم خورد که بخش مهمی از رهروان سه دین اصلی یهود (صهیونیسم)، مسیحیت (صهیونیسم مسیحی) و جهان اهل سنت (داعش، النصره، القاعده، احرار الشام و...) در کنار صهیونیسم برای نابودی انسان، مقابله با دین و فروپاشی اخلاق همداستان شدند. در این آشوب و گسترش و غلبه عالم غیر دینی بر جهان دینی، مکتب اهل بیت (ع) و تشیع با مدیریت ایران و هدایت خردمندانه و مقتدر

و ویژگی شرایط نبرد، شناسایی و طراحی برای مهار موثر دشمن را در اروپا و آمریکا ضروری می سازد. غیبت ایران از میدان اصلی نبرد که در غرب قرار دارد، موجب شده است که ایران در سه عرصه بین الملل، منطقه و داخل کشور کاملاً در حالت پدافندی به مبارزه ادامه دهد. فشارهای اقتصادی، سیاسی، رسانه ای، روانی، تبلیغاتی و تحریم های همه جانبه در عرصه بین الملل، جنگ در منطقه و بحران سازی در داخل کشور، ایران را به ادامه مقاومت در یک آرایش پدافندی در سه حوزه داخلی، منطقه ای و بین المللی قرار داده است. شرایط پدافندی ایران در داخل بیش از عرصه بین الملل و نبرد ایران در منطقه است، زیرا سرریز آنچه در عرصه بین الملل و منطقه می گذرد، برای ایجاد آشوب و بحران به داخل کشور سرراز می شود. امروز هزینه های امنیتی اسرائیل برای غرب قابل تحمل نیست. منافع صهیونیستی با منافع ملی و امنیتی غرب در تعارض قرار گرفته است. ایران منشاء این تضاد بوده است. تفسیر پایگاه تحلیلی المانیتور عمق چالش غرب

رهبری در کارزار و میدان بزرگترین نبرد تاریخ برای نجات بشر، تنها ماند. انقلاب اسلامی با درگیری با اسرائیل و صهیونیسم بین الملل آغاز به کار کرد، که تا این لحظه ادامه دارد. ایران در نبرد سنگین با اسرائیل از مبارزه با مرکز فرماندهی دشمن صهیونیستی که در غرب قرار دارد غافل ماند. غیبت از تمرکز و ادامه مبارزه با شبکه صهیونیستی در اروپا و آمریکا و انحصار مبارزه با اسرائیل در منطقه، هزینه های سنگینی را بر کشور تحمیل کرد. صهیونیسم یک پدیده یک پارچه و منسجم است که قسمتی از آن در خاورمیانه است اما بخش مهمترینش در اروپا و بویژه آمریکا مستقر است. برای ایران طراحی شهید باقری در جنگ می تواند یکی از الگوهای مؤثر در جنگ نرم با دشمن صهیونیستی در غرب باشد. او با ارائه ایده های سرنوشت ساز، کلیدی و طراحی عملیات ماهرانه و ابتکار شناسایی در تعیین وضعیت دشمن تغییر سرنوشت جنگ را رقم زد وقتی که تاکید می کرد که صد در صد شناسایی موقعیت دشمن، مساوی است با صد در صد پیروزی. باید توجه داشت که بعد از واقعه عاشورا این مهمترین، بزرگترین و سرنوشت ساز ترین نبرد شیعه در تاریخ است. حساسیت

با صهیونیسم را نشان می دهد. وی تاکید می کند که تشکیلات دفاعی و وزارت خارجه آمریکا از تل اوپو ناراضی هستند. از نگاه آنان اسرائیل خود را در جهت مخالف منافع استراتژیک آمریکا قرار داده است. محور دوم جریان ضد صهیونیستی در آمریکا و برخی از کشورهای موثر اروپایی در حوزه های مختلف، موجی بی سابقه از انتقاد و تقابل با لابی اسرائیل در غرب در قالب تولید فیلم های مستند، کلیپ، موسیقی، کارهای کمدی، مقالات، کتاب، کاریکاتور، رادیوهای مستقل و پایگاههای معتبر اینترنتی به جریان افتاد. محور سوم، ورود روسیه به سوریه بود که با اقدامات اشتباه اسرائیل در زدن هواپیمای مسافربری روسیه مستحکم تر شد. بی اعتباری آمریکا که نتوانست در برابر تهدیدات محکم روسیه اقدامی انجام دهد، به نارضایتی و خشم آمریکا از اسرائیل و سعودی تبدیل شد.

اینکه آمریکا از اسرائیل عصبانی و خشمگین است، روشن است. هنگامی که کنگره آمریکا تجاوز به کشور عراق را به دلیل «اغفال» آمریکا بر مبنای گزارش

های دروغ سرویس های کشورهای ثالث در ژوئیه ۲۰۰۴ در گزارش ۵۰۰ صفحه ای منتشر کرد و به کلمه manipulation سیاست خارجی آمریکا در صفحه ۳۴ اشاره نمود. روشن است که کنگره نمی تواند صراحتاً اسم اسرائیل را در گزارش ذکر کند. **هنگامی که المانیتور این خشم و نارضایتی آمریکا را از اسرائیل علنی می کند، فرصت های بازیگری ایران برای تعریف منافع و دشمن مشترک با بخش هایی از بدنه دولت آمریکا نمایان می شود.** وزارت خارجه کشورمان کلیدی ترین دستگاهی است که به لحاظ تماس مستقیم و حضور در تمام صحنه های اروپا و آمریکا می تواند، مهمترین نقش را در شناسایی موقعیت دشمن ایفا کند. بدیهی است که ایران به علت ضعف نداشتن اطلاعات از وضعیت شبکه لابی های صهیونیستی در اروپا و آمریکا، عدم شناسایی و ارتباط با رهبران جریان ضد صهیونیستی در غرب، بویژه عدم وجود تصمیم و اراده برای مقابله با شبکه صهیونیستی در غرب به عنوان اولویت های امنیتی، سیاسی و

فرهنگی کشور و در نتیجه عدم حمایت از این اقدامات نمی تواند، عملیات درستی با هدف زدن ضربه به پیکره صهیونیستی در غرب انجام دهد. کنفرانس افق نو یک طرح و برنامه ریزی طبیعی و بستر سازی برای شناسایی، شبکه سازی و ارتباط با این نیروها در اروپا و آمریکا است.

این کنفرانس الگو برداری از ایده و نبوغ شهید باقری برای تاسیس همان واحد اطلاعات و عملیات است که وی در جنگ ایران و عراق طراحی کرد. تا بر این اساس الگوی متناسب با جنگ نرم در غرب، در چارچوب شناسایی وضعیت عام یهودیان، قدرت و نفوذ شبکه لابی های صهیونیستی، حضور لابی های اسرائیل در تک تک کشورهای موثر غربی، چالش ها و آسیب پذیری های صهیونیست ها در اروپا و آمریکا به دقت با هدف راهبردی انجام عملیات جنگ نرم، برنامه ریزی و اجرای طرح های عملیات روانی، رسانه ای و دیپلماسی عمومی برای شکست صهیونیست ها در اروپا و آمریکا اجرایی و عملیاتی شود.





کتاب معرفی

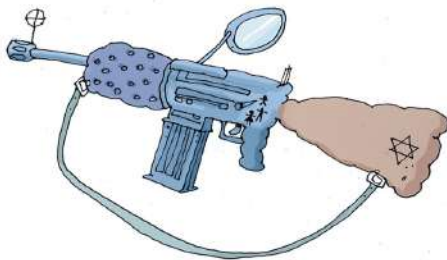
کتاب «فلسطین از منظر مقام معظم رهبری» شامل دیدگاه مقام معظم رهبری در مورد مسئله فلسطین و نیز بیانات ایشان در خطبه های نماز جمعه تهران در تاریخ ۵۹/۵/۱۷ (دومین روز قدس) است.

عناوین ۸ فصل این کتاب عبارتند از: «کلیات»، «شکست ها و پیروزی ها»، «مسئولیت ها»، «جنایات»، «راه حل ها»، «قهرمانان»، «روشنگری» و «آینده روشن» می باشد. نخست وزیر رژیم صهیونیستی در مجمع عمومی سازمان ملل، با نمایش این کتاب، آنرا حاوی نقشه راه نابودی اسرائیل از سوی مسئولان ایرانی دانسته بود.

در بخشی از این کتاب می خوانیم: «دولت بی اصل و نسب؛ دولت جعلی؛ ملت دروغی. از اطراف دنیا آدمهای شریر را گرد آوردند و میغمه ای به اسم «اسرائیل» درست کردند! این ملت است؟! هر جا یهودیهای شریر و خبیثی بودند، در آنجا جمع شدند. در اغلب کشورها، یهودیها هستند و زندگی می کنند - در کشور ما هم هستند که زندگی شان را می کنند - کاری به کار کسی ندارند، کسی هم به آنها کاری ندارد. کشورشان است و در آن زندگی می کنند. آنهایی که به سرزمینهای اشغالی رفتند، خبیثها، شریرها، طماعها، دزدها و آدمکشها بودند که از همه جای دنیا جمع شدند. این شد یک ملت؟! ملت و دولتی که اینطور به وجود آمده است و اسم خودش را اسرائیل گذاشته، غیر از راه ترور، راهی ندارد؛ حرف حسابی ندارد. آن وقت، چنین موجوداتی با این دنائت و پستی و پلیدی، میخواهند دولت و ملت نورانی و سرپلند و عزیزی مثل ایران را در افکار عمومی جهان متهم کنند. خود آنها از همه متهمتر، مجرمتر و روسپاه ترند.»

گفتنی است کتاب «فلسطین از منظر مقام معظم رهبری» توسط دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) به زبان های فارسی، انگلیسی و عربی منتشر شده است.

کاریکاٹور



نابودی اسرائیل و جنگ نرمی که مغفول مانده

سرباز روح الله رضوی

مسئول کمیته بین الملل امت واحد



سهل ممتنع، یعنی این جمله امام خمینی در مورد اسرائیل که: «اگر مسلمین مجتمع بودند، هر کدام یک سطل آب به اسرائیل می‌ریختند او را سیل می‌برد»؛ جمله‌ای که برای خیلی‌ها در دنیا تعبیری ساده و منبری در برابر قدرت آهنین غرب آسیا به نظر می‌آمد و از همین رو خنده‌دار. اما این جمله‌ی ساده و مشهور امام خمینی جای تأمل بسیار دارد. امام خمینی با همین یک جمله ساده در تقابل با رژیم صهیونیستی، راهبرد وصول به هدف و ابزار و تکنیک اصلی را بسیار دقیق روشن کرده‌اند.

هدف خیلی ساده و روشن، نابودی اسرائیل است؛ همانطور که سیل، ساختمانی بی‌ریشه را از جا می‌کند و ویران می‌کند. قرار نیست این ساختمان کج، نیمه اصلاح شود بلکه باید کاملاً تخریب شود. هدف ما نیز در مقابل رژیم صهیونیستی فتح فلسطین از رود اردن تا دریای مدیترانه است. همین یک جمله ساده امام، خط بطلانی است بر تمامی طرح‌های صلح و سازش و دو دولت در سرزمین فلسطین.

راهبرد رسیدن به این هدف هم مشخص است: وحدت مسلمین. تا مسلمین در کنار هم مجتمع و متحد نشوند هدف نابودی اسرائیل محقق نخواهد شد. برای همین است که پیش شرط و زمینه رسیدن به نابودی اسرائیل، اجتماع امت اسلامی است. هر گامی در راستای اجتماع مسلمین، قدمی در مسیر آزادی فلسطین و قدس شریف است و هر آنکه دغدغه‌ای برای وحدت و اتحاد مسلمین ندارد، بداند مسیری که می‌پیماید به آزادی و رهایی قدس و فلسطین منجر نخواهد شد.

فارغ از دو نکته‌ی فوق، شاید مهمترین تمرکز پیام ساده و عمیق امام خمینی، ابزاری باشد که امام تمثیل‌گونه از آن یاد می‌کنند: آب! آبی که نماد نرمی و لطافت است نه سختی و خشونت.

امام خمینی در جایی دیگر سخن از مسلسل‌های متکی بر ایمان به میان می‌آورد. این یعنی بدون شک سلاح مقاومت فلسطینی یکی از مهمترین ابزارهای ایستادگی در برابر دشمن صهیونیستی است؛ اما آیا تمام معرکه نابودی اسرائیل با سلاح به انجام و پایان می‌رسد؟ قطعاً برای پایان دادن به وجود نحس اسرائیل، تنها ابزار سخت، کارا نیست و این نکته مهم و مغفول این روزهای ماست.

رویکرد جبهه ما در مواجهه با مسائل جهان اسلام در پی رخدادهای منطقه و خصوصاً سوریه و یمن، رویکردی بشدت

سخت و نظامی شده است؛ امری که باعث می‌شود بخشی مهم از ابزار مبارزه با دشمن صهیونیستی نادیده انگاشته شود. هیچ شکی نیست که در برابر دشمن تا بن دندان مسلح باید دست به سلاح شد اما سوال اینجاست که آیا این تمام معرکه جنگ است؟

هدف نابودی اسرائیل زمانی محقق خواهد شد که امت اسلامی از سلاح نرم خویش و با بهره‌گیری از راهبرد وحدت و اجتماع مسلمین به درستی استفاده کند. آن روز زمانی خواهد بود که رژیم صهیونیستی به اندک ضربه‌ی سلاح مقاومت از هم خواهد پاشید.

این روزها وقتی سوال می‌شود که چرا جمع دانشجویان و طلاب انقلابی برای فلسطین هیچ دغدغه‌ای نداشته و اقدامی رقم نمی‌زنند، پاسخ می‌دهند که به فلسطین هیچ امکان دسترسی و حضور ندارد. بر خلاف سوریه که سال‌های قبل امکان و فرصت حضور ولو محدود در آن فراهم بود. چنین پاسخ و پاسخ‌های مشابه با آن، مبتنی بر پیش فرض‌های نظامی نسبت به مسأله فلسطین هستند که وقتی از حد و اندازه خود خارج شوند عملاً ما را از فرصت‌هایی طلایی ضربه زدن به دشمن صهیونیستی محروم می‌سازند.

نگاهی به رفتارها و اقدامات دشمن

صهیونیستی نیز این حقیقت را روشن می‌سازد که آنچه امروز اسرائیل را حمایت‌های کرده فقط سلاح و تجهیزات و حمایت‌های نظامی از آن نبوده است بلکه بخش قابل توجهی از قدرت دشمن، مربوط به برنامه ریزی‌های فرهنگی و جنگ نرمی که دشمن صهیونیستی علیه جبهه مقاومت در حال رقم زدن است. جنگی که متأسفانه آنگونه که باید و شاید در سمت ما نیروی جنگنده و مبارز آشنا به فنون خود را ندارد.

شاید بتوان بی‌توجهی به ابزار نرم مقابله با دشمن صهیونیستی را اصلی‌ترین و مهمترین عامل فاصله ما از رخدادهای فرهنگی و روشنگرانه در جهان در قبال مسأله فلسطین دانست. همین نوع نگاه است که گونه‌ای از اقلان را در میان بخش قابل توجهی از جوانان انقلابی ایران نسبت به مسأله فلسطین ایجاد می‌کند که: خب نهادهای رسمی ایران دارند کار خودشان را در قبال فلسطین انجام می‌دهند و اساساً چه نیازی به ما و حرکات ما وجود دارد؟

تا زمانی که به اهمیت و نقش آفرینی مجموعه‌ی اقدامات فرهنگی و جنگ نرم در راستای آرمان نابودی اسرائیل پی‌نبریم، میان اقدامات ما و واکنش‌های مردمی جهان برای فلسطین، فاصله بسیار خواهد بود و این دیگران هستند که برنده‌ی معرکه نبند نرم در برابر دشمن صهیونیستی خواهند بود.

۲۲ بهمن ۱۳۵۷، سالروز تسخیر سفارت اسرائیل در ایران



محمدرضا فصاحت
مدیر موسسه نور قدس جوان

این گروهان صهیونیست را سربازانی که از بلوچستان اعزام شده اند، در این روزها یک پایگاه کوچک نظامی نزدیک آبادان و بندرعباس که اسرائیل آن را اداره می کرد، محل تمرین عملیات ضدشورش شهری اسرائیل بود.

خبرنگار روزنامه لوموند نیز در گزارش خود در توصیف از جمعه سیاه در تاریخ ۱۷ سپتامبر همان سال نوشت: «شایعات در شهر حکایت از فرود آمدن سه هواپیمای حامل کماندوهای اسرائیلی در فرودگاه مهرآباد در چهارشنبه شب می کرد و آنهاعامل کار کثیفی بودند که سربازان ایرانی حاضر به انجام آن نشدند.»

حضور کماندوهای اسرائیلی نه تنها سودی برای آنها نداشت بلکه با پخش شدن خبر آن روحیه ضد صهیونیستی مردم شعله ور تر شد بطوری که حتی در تهران شایع شده بود شاه یهودی است و نام خانوادگی او پاپالوی است که به پهلوی تغییر داده است. این را خبرنگار فیگارو چاپ پاریس می گوید.

لذا حکومت پهلوی تدبیر امنیتی را جهت حفاظت از نمایندگی اسرائیل برقرار کرد. روزنامه هآرتس مورخ ۱۹ شهریور ۱۳۵۷ نوشت: در بلوار کاخ (خیابان فلسطین فعلی) در جوار نمایندگی سیاسی اسرائیل یک دستگاه تانک مستقر شده است. ولی محافل موثق اظهار داشتند که نمایندگی مذکور از دولت ایران درخواست نموده که اقدامات دفاعی ویژه ای بعمل آورد.

از آبان ماه ۱۳۵۷ سفارت اسرائیل در حالی بیش از ۱۵۰۰ خانواده اسرائیلی در ایران اقامت داشتند هواپیمایی ال ععال، شروع به تخلیه اتباع آن کشور نمودند. به رغم دوبار حمله به دفتر شرکت هواپیمایی ال - ععال، هواپیمایی اسرائیل همچنان به پروازهای عادی خود به ایران ادامه می داد تا هر چه بیشتر اتباع اسرائیل را تخلیه نمایند. اما کارمندان سفارت اسرائیل به رغم خطراتی که جان آنها را تهدید می کرد، به کارشان ادامه می دادند. اسرائیل به دو دلیل حاضر نبود پایگاهش را در ایران تعطیل کند. یکی اینکه معلوم نبود که اگر یوسف هارلمین سفیر اسرائیل و کارمندانش را به کشورشان احضار می کردند، دوباره اجازه بازگشت به ایران به آنان داده می شود و دیگر اینکه به رغم مهاجرت تعدادی از یهودیان ایرانی، هنوز ۵۰ هزار یهودی در ایران باقی مانده بودند.

از طرف دیگر اسرائیلی ها سعی داشتند که با ایجاد فضایی ساختگی، وضعیت یهودیان ایران پس از حکومت شاه را

حوادث ایران را پیگیری می کردند. روزنامه معاریو در ۱۹ شهریور ۱۳۵۷ طی مقاله ای نوشت: «اگر واقعا شاهنشاه ایران از سلطنت برکنار شود و به جای آن رژیم اسلامی جایگزین شود، در مورد میزان مصیبت سیاسی و استراتژیکی که به تمامی جهان آزاد و به خصوص آمریکا وارد می آید هر چه گفته شود اغراق نیست. اگر خدای ناکرده چنین واقعه ای روی دهد، به منافع حیاتی کشور اسرائیل نیز در آینده دور و نزدیک لطمه وارد خواهد آمد...»

اما اسرائیلی ها که به هیچ وجه حاضر نبودند طعمه ای مانند ایران را از دست بدهند کماندوهایی را به ایران اعزام کردند



تا کاری را که سربازان ایران حاضر به انجام آن نبودند، انجام دهند.

روزنامه های صهیونیستی از قتل عام مردم در ۱۷ شهریور را پرده بر می دارند: روزنامه هآرتس در شماره ۲۳ اکتبر ۱۹۷۸ و روزنامه داوود در شماره های ۱۰ و ۲۳ اکتبر و مجله نظامی سیکراهودشیت در شماره ۳ نوامبر ۱۹۷۸ نوشتند: اسرائیل یک پل هوایی از فرودگاه لود و فرودگاه نظامی «رامات داوید» در نزدیکی حیفا برای رساندن سلاح های ویژه در جهت مقابله با خیل گسترده تظاهرکنندگان علیه دیکتاتور، به ایران ایجاد کرد. همچنین یک گروهان کماندو و عامل ساپوتاژ و عملیات شهری با هواپیماهای شرکت «ال ععال» از اسرائیل به تهران فرستاده شدند.

این گروه تابع اداره اطلاعات ارتش اسرائیل بود شامل تعدادی از اسرائیلی ها بودند و همه افراد واحد، اونیفورم نظامی ارتش ایران را به تن داشتند. مقامات ایرانی

به مناسبت سالروز تسخیر سفارت اسرائیل در ایران مروری مختصر به دوران انقلاب که منجر به تسخیر سفارت (نماینده گی) اسرائیل شد، می اندازیم که به شرح ذیل می باشد: اسرائیلی ها در همه شئون کشور نفوذ کرده بودند و روابط گسترده ای با ایران داشتند؛ چنانچه رزب شیف روزنامه نگار اسرائیلی سال ۴۵ در گزارشی پیرامون سفر خود به ایران در روزنامه هآرتس می نویسد که: هر چند ایران در اسرائیل نمایندگی کامل سیاسی ندارد، اسرائیل نمایندگی سیاسی بزرگی در ایران افتتاح کرده است. هیأت نمایندگی اسرائیل در تهران یکی از بزرگترین هیأت های اسرائیلی

در خارج به شمار می رود. روزنامه یدیعوت اخرونوت مورخ ۳۰ تیر ماه ۱۳۵۱ می نویسد در ایران سفارت اسرائیل رسمی نیست ولی اگر با مشکلی روبرو شدید راننده تاکسی شما را مستقیماً به اداره اسرائیلی که از تمام سفارتخانه های رسمی فعالیت است خواهد برد.

در شهریور ماه ۵۷ که اسرائیل و مصر تحت نظارت آمریکا بصورت مخفیانه مشغول موافقتنامه کمپ دیوید بودند تهران در اوج تظاهرات بود. اسرائیلی ها در همان ایام به سازمان های اطلاعاتی آمریکا هشدار داده شده بود که رژیم شاهنشاهی ایران قریباً با بحران روبرو خواهد شد ولی سازمان های مذکور که نسبت به برداشت های آن سازمان (اطلاعات و امنیت اسرائیل)، مشکوک بودند، هشدار را جدی نگرفتند و بحران ایران را اغراق آمیز دانستند و عقیده داشتند که شاهنشاه قادر به کنترل آن خواهند بود. اسرائیلی ها با حساسیت فوق العاده ای



هنوز در ایران باقی مانده بودند در مخفیگاه خود از ژنرال سگف میخواستند با ارتش قریه باغی رئیس ستاد ارتش و سر تیپ پرورش معاون اطلاعات نظامی تماس بگیرد و ترتیب محافظت از چند اسرائیلی را که هنوز در ایران باقی مانده بودند بدهد. اما افسران ستاد از هراقدامی اظهار ناتوانی کردند.

دولت بازرگان در ۲۴ بهمن ارتشبد قریه باغی را برکنار و سرلشکر قرنی را به جای او منصوب کرد. سگف به رئیس دفتر قرنی تلفن کرد و از وی خواست ترتیب ملاقاتی با رئیس جدید ستاد ارتش را به منظور تسلیم اعتبارنامه‌اش به عنوان وابسته نظامی اسرائیل در ایران بدهد. افسری که در آن سوی خط بود پس از مدتی سکوت توصیه کرد که هر چه زودتر از ایران خارج شوند. این گروه در تماس دائمی با اسرائیل بودند و بطور مرتب کسب تکلیف می کردند. سرانجام مقامات اسرائیلی تصمیم گرفتند از مجرای دیپلماتیک برای نجات آنها اقدام کنند. نظر به اینکه هارلود براون وزیر دفاع آمریکا به منظور ارزیابی اهمیت سقوط شاه و پیروزی انقلاب ایران به خاورمیانه آمده و در بیت المقدس به سر می برد، موشه دایان، با وی مذاکراتی به عمل آورد و او موافقت کرد که اسرائیلیها همراه با اتباع آمریکا در ۲۹ بهمن از ایران خارج شوند. به همین ترتیب عمل شد و اسرائیلیها با یک هواپیمای مسافربری پان آمریکن به فرانکفورت و از آنجا به اسرائیل رفتند و بدین ترتیب چند دهه روابط بین شاه و اسرائیل خاتمه داده شد.

سخنگوی رژیم صهیونیستی نیز اعتراف می کند که قطع روابط سیاسی و اقتصادی میان ایران و رژیم صهیونیستی زیانهای فراوانی به اقتصاد این کشور وارد ساخته است.

روز ۲۲ بهمن تنها ساعتی پس از پیروزی انقلاب و اخراج شاه خائن، مردم به سفارت اسرائیل که از چند روز قبل اسرائیلیها آنجا تخلیه کرده بودند، هجوم می برند و پرچم فلسطین را بر سر در آن نصب، و آن را به مردم فلسطین هدیه می دهند و شعار «مرگ بر اسرائیل، زنده باد عرفات، اسرائیل گمشو» سر می دهند.

دولت جدید ایران نیز از همه اسرائیلیهایی که دارای مقام رسمی بودند خواستند که فوراً ایران را ترک کنند. این حکم اخراج شامل اعضای هیأت نمایندگی اسرائیل و آژانس یهود و اعضای هواپیمایی اسرائیل (العال) و نمایندگان شرکتهای مقاطعه کار اسرائیلی می شد. هارملین که همراه با ۳۳ اسرائیلی دیگر

وحشتناک توصیف کنند. تا بدین نحو آنها را مجبور کنند ایران را ترک کنند. اما همزمان تعدادی از بزرگان یهودیان ایران با آیت الله طالقانی دیدار کردند و گروههای یهودی، همراهی خود را با انقلاب اسلامی اعلام داشتند و رهبران انقلاب نیز اعلام داشتند که یهودیان و سایر اقلیتهای مذهبی نیز حق اظهار نظر درباره تعیین آینده کشور را دارند.

آذر ماه سال ۱۳۵۷ مصادف با ماه محرم بود. نمایندگی ایران در تل آویو در گزارشی در آستانه ماه محرم نوشت: «به نظر منابع آمریکایی اگر شاهنشاه ماه محرم را به سلامت بگذراند، امید موفقیت معظم له بیش از پنجاه درصد خواهد بود.»

در دی ماه ۱۳۵۷ که شاه به کلی در رفع بحران ناتوان شده بود، سپهبد ربیعی و طوفانیان به ژنرال سگف پیشنهاد کردند که با موشه دایان و یا عزروایزمن به تهران بیایند تا روحیه شاه را تقویت و او را وادار به اخذ تصمیماتی بنمایند. دولت اسرائیل به جای آنها پوری لوبرانی سفیر سابق خود را که دوستان و آشنایان زیادی در میان اطرافیان شاه داشت به تهران فرستاد. او در ۲۵ دی وارد تهران شد و با طوفانیان و سران ارتش به مذاکره پرداخت. اما گزارشی که در بازگشت به اسرائیل تسلیم کرد به هیچ وجه خوشبینانه نبود. او معتقد بود که کار رژیم شاه تمام شده است و انقلابیون با اسرائیل رابطه خوبی نخواهند داشت و اسرائیل دیگر نباید انتظار دریافت نفت از ایران را داشته باشد. و نهایتاً ۲۶ دی ماه فرار شاه از ایران، اسرائیلیها را به کلی نا امید ساخت.



ورود به حوزه صهیونیست را منطقه ممنوعه اعلام کرده‌اند



شکارچی شنبه پس از فیلم تحسین‌شده «بازمانده» (سیف‌الله داد / ۱۳۷۴) دومین فیلم جدی سینمای ایران در موضوع فلسطین است. نمایش درازدستی کاهنان صهیونیست، استفاده‌ی نادرست ایشان از فرمان‌های تورات، تعلیم به اطفال یهودی برای کشتن غریبه‌دیان، وحشی‌گری و شستشوی مغزی صهیونیسم و... از جمله نکاتی هستند که باید از منظر جنگ رسانه‌ای مورد بررسی قرار گیرند. همین نکته ما را بر آن داشت تا با «پرویز شیخ طادی» کارگردان شکارچی شنبه به گفت و گو بنشینیم:

هانان به نوه خود سفارشات اخلاقی می‌کند اما در جهت اهداف غیراخلاقی. اینجاست که قدرتی بالاتر و قوی‌تر از فطرت بر ارزش‌ها غالب می‌گردد؛ این قدرت همان نفس است. نفس جذاب و اگر اندکی رها شود پر زورتر از فطرت ظهور می‌کند، فطرت را نحیف می‌کند، حتی ارزش‌های فطری را به خدمت می‌گیرد؛ همان کاری که هانان در شکارچی شنبه با نوه خود بنیامین می‌کند. او را برای غلبه بر ارزش‌های اخلاقی آموزش می‌دهد تا نفس قدرت‌پرست را از بند ارزش‌های انسانی آزاد سازد. نفس بنیامین را تمرین می‌دهد، در موقعیت‌های انتخاب میان فطرت و نفس قرار می‌دهد و خود نقش جابر مشفق قرار ظاهر می‌شود.

۳. مهم‌ترین محورهای اندیشه‌ای که در فیلم‌نامه به دنبال آن بودید چه بود؟
شناخت و درک صحیح از اندیشه افراطی مذهبی صهیونیست که ادبیات غیر در آن رخنه کرده.

۴. شکارچی شنبه عکس‌العمل‌های بین‌المللی زیادی داشت. از این بازتاب‌ها بگوئید.
متأسفانه در کشورمان هنوز دستگاهی برای سنجش افکار عمومی در مواجهه با محصولات هنری و فرهنگی وجود ندارد. معمولاً اخبار و بازتاب‌ها آن هم به طور تصادفی به دستمان می‌رسد که البته در اغلب موارد این چنین است. نمی‌دانیم آثار مکتوب و هنری چه اثراتی داشته، به چه میزان، در کدام جغرافیا و ...
آن چه به دست رسید واکنش رسانه‌های رژیم صهیونیستی در جهت مخالفت و اعتراض بود. بازتاب قابل توجه داخلی در تردید نسبت به اطلاعات و شناخت پیش از شکارچی شنبه و بعد از شکارچی شنبه بود. این عدم شناخت یا کم‌شناختی یا صحت در شناخت باعث ایجاد سوال و شک در محتوای فیلم شد؛ شکی که باعث حرکت اهل تحقیق و کنج‌کاو برای شناخت و درک موثرتر از صهیونیست‌ها گردید، به خصوص

۱. چه شد که اصل موضوع صهیونیسم به عنوان جان مایه کار برای شما مسئله شد؟
همواره یک سوال بزرگ در ذهنم مدام بزرگ‌تر می‌شد؛ چرا صهیونیست‌ها پا به پای مسلمانان فلسطینی مقاومت می‌کنند؟ در شرایط ناامنی ایستاده‌اند، در شرایطی که ممکن است هر آن در یک معامله جهانی قربانی شوند باز هم مانده‌اند.
چرا؟ به خاطر پول، خانه، اتومبیل یا هر امکان مادی دیگری؟ چه‌طور می‌تواند جماعتی را از موطنشان مانند اروپا و آمریکا و آسیا جدا ساخته و در مکانی ذاتاً موقت و غصبی با میلیون‌ها صاحب آواره و از جان گذشته مواجه کند؟ چه‌طور امنیت خود و خانواده را به خطر می‌اندازد؟ برای چه؟ چه چیز عزیزتر از جان‌ش جایگزین شده که تن به خطر هفتاد ساله نسل اندر نسل می‌دهد؟
با این سوال مهم آغاز کردم، تحقیق و پژوهش طولانی، نه به قصد نگارش کتاب یا فیلم‌نامه، بلکه فقط برای خودم.

۲. چه می‌شود که یک کودک یهودی با فطرتی پاک، به یک جانی خشن تبدیل می‌شود؟
در خود فیلم پاسخ داده شده. تجربیات تاریخی گواه این است تمامی انسان‌ها داری فطرت الهی و چراغی برای هدایت اولیه می‌باشند. همه انسان‌ها در ذات و فطرتشان تمیز خوب از بد، خیر از شر مستقر و هم‌چون نیروگاهی بدون وقفه و تا پایان عمر به وظایفش عمل می‌کند؛ پس در انتخاب مسیر و شیوه عمل چه اتفاقی رخ می‌دهد؟
هیچ دیکتاتور یا مجرم خطرناک یا جنایتکار بین‌المللی را نمی‌یابید که به دروغ‌گو اعتماد کرده باشد. همه آن‌ها یاران وفادار و راستگو را انتخاب می‌کردند. دروغ می‌گفتند اما همسر و همکار دروغ‌گو را مجازات می‌کردند. وفادار نبودند اما اطرافیان بی‌وفا را مجازات می‌کردند.
در این‌جا به سکانس پایانی فیلم «شکارچی شنبه» ارجاع می‌دهم. جایی که



در جوامع دانشگاهی کاملاً هویدا بود.

۸. استقبال و حمایت خود مسئولین کشوری از ساخت این فیلم چه بود؟ استقبال و حمایت دستگاه دیپلماسی کشور از چنین آثاری در حد صفر است. دریغ از یک تشکر خشک و خالی! امتیازات سیاسی این آثار در ماشین حسابشان محاسبه نمی‌شود، متوجه آثار درازمدت آن بر افکار عمومی جهان نیستند، به اهرم قدرتمندی که آثار سیاسی می‌تواند بر مذاکرات و تعاملات سیاسی داشته باشد توجه نمی‌کنند؛ در صورتی که روی ایران اسلامی بسیار کار می‌کنند، حتی روی ایران پیش از اسلام هم کار کردند، آمادگی افکار برای زمینه سازی سیاست‌هایشان مهم و سرنوشت‌ساز است، قدرت‌های جهان افکار عمومی را یک سلاح سیاسی و اقتصادی بسیار پر قدرت می‌بینند. بدنام کردن و ترساندن در سرمایه گذاری‌های خرد کلان موثر است؛ این‌ها را تجربه کردند که هزینه می‌کنند.



صهیونیست است. به طور کل ورود به این حوزه را منطقه ممنوعه اعلام کرده‌اند و رسانه‌ها و محققین جهان را وادار به جدی گرفتن این هشدار نمودند. سال‌هاست نمونه‌های بسیاری از سیاست‌های تنبیهی لابی صهیونیست را در سراسر جهان شاهدیم. نویسندگان و روزنامه‌نگاران، محققینی که از کار بیکار و طرد شدند. به همین دلیل اسناد و محصولات مکتوب و نمایشی کم‌یاب است و همین امر مخاطب را در مواجهه با یک اثر مانند شکارچی شنبه به تردید می‌اندازد. در صورتی که داستان فیلم تماماً زندگینامه یک شخصیت حقیقی ست. البته به برکت حفره‌های موجود در فضای مجازی روز به روز جلوه‌های این اندیشه مخرب آشکارتر می‌گردد.

در این زمینه کتاب‌های زیادی چاپ شده، مصاحبه‌های زیادی که بعضی از سایت‌ها جمع‌آوری گردیده اما نایاب و ناممکن نیست. برخی کتب نیز شامل اعترافات شخصیت‌های درگیر در داخل لایبرنت خود صهیونیست‌هاست.

۷. شاید مهم‌ترین فیلم‌های این حوزه در ایران یکی «بازمانده» باشد و یکی «شکارچی شنبه». چرا سینماگران و هنرمندان آن‌طور که شایسته است در این حوزه ورود نکرده‌اند؟

یکی از دلایلی که فیلم‌سازان به این حوزه ورود نمی‌کنند احساس عدم نیاز به پرداخت در این موضوع است. دلیل دیگر آن عدم اعتماد به حمایت داخلی ست. دلیل دیگر نفوذ لابی صهیونیست در برخی حوزه‌های دیپلماسی و دوتابعیتی‌هاست. برخی هم نگران سفرهای خارجی هستند، برخی هم می‌گویند که به ما چه.

۵. علی‌رغم ایجاد مشکلات و هزینه‌های زیادی که این فیلم برای سازندگان و بازیگران داشت، مهم‌ترین انگیزه و هدف برای عوامل فیلم بود؟ مستندات کافی برای همکاری، پاسخی به حق به هجوم ناحق کمپانی‌های صهیونیستی هالیوود به مرزهای فرهنگی کشور، ادای دین به مظلومان فلسطینی، داستان فیلم، نقش‌های جذاب، فضای مناسب برای ارائه حرفه و از این دست

۶. با تماشای این فیلم، شاید برای مخاطب وقایع و صحنه‌ها از آن آداب و مشی صهیونیسم باورپذیر نباشد، لطفاً راجع به سندیت محتوای فیلم اشاره داشته باشید.

یکی از مهم‌ترین دلایل عدم شناخت صحیح و با جزئیات از اعتقادات و سیاست‌های صهیونیست‌ها خود لابی





حسن عابدی

کارشناس مسائل بین‌الملل و قائم مقام خبرگزاری صدا و سیما

آنچه باید در مورد خبررسانی در فلسطین بدانید



بی‌بی‌سی دارد. با این وجود مردم در غرب نسبت به گذشته تأثیر کمتری از به این رسانه‌ها می‌گیرند و خیزش افکار عمومی بر ضد رژیم صهیونیستی حکایت از این موضوع دارد. بررسی رسانه‌های آلمان و فرانسه نیز عملکرد مشابهی را نشان می‌دهد. مثلاً رسانه‌های آلمان به قول خودشان نمی‌توانند سامی ستیزی کنند. البته تاکتیک‌های خبری موضوع ثانویه است و اصل موضوع عدم پوشش واقعی جنایات رژیم صهیونیستی و نشان ندادن حقایق در رسانه‌های غربی است.

گروه دوم رسانه‌هایی هستند که به آنها پیرو می‌گویند. از این گروه می‌توان به رسانه‌هایی همچون الجزیره و العربیه نام برد. این رسانه‌ها پیرو سیاست‌های غربی هستند. العربیه که به رژیم سعودی وابسته است به الجزیره معروف است چون سیاست‌های رژیم صهیونیستی را به زبان عربی بیان می‌کند. شبکه الجزیره بنا به دلایلی که دولتش گرایش به اخوان المسلمین دارد مقداری از غزه حمایت می‌کند.

گروه سوم رسانه ملی کشورها هستند. این رسانه‌ها همانند شبکه‌های داخلی امارات و قطر در چهارچوب سیاست کشور خود عمل می‌کنند. گروه چهارم رسانه‌هایی هستند که در خارج از منطقه ما هستند همانند سی تی وی چین و یا کانال

سوم که درباره سیاست رسانه است نوع نگاه و زاویه دوربین رسانه‌های مختلف متفاوت است.

به طور کلی رسانه‌ها از نظر نحوه پوشش اخبار فلسطین بخصوص در زمان حملات رژیم صهیونیستی به ۵ گروه قابل تقسیم می‌شوند. نخستین گروه، رسانه‌های پیشرو هستند که از نظر تعداد خبرنگار، شمار دفاتر خبری، پوشش گسترده و امکانات و تجهیزات از توان بالایی برخوردارند. در این زمره می‌توانیم از سی‌ان‌ان و بی‌بی‌سی نام ببریم. این‌ها طبیعتاً در چهارچوب سیاست‌های مالکان و صاحبان خود عمل می‌کنند. مرام‌نامه این دو شبکه را هم خودشان به صورت رسمی اعلام کرده‌اند و هم واقعیت میدانی چنین چیزی را نشان می‌دهد که بازوی دیپلماسی عمومی انگلیس و آمریکا هستند. بودجه بی‌بی‌سی را وزارت خارجه انگلیس می‌دهد و این شبکه در چهارچوب سیاست دولت بریتانیا عمل می‌کند.

سیاست دولت انگلیس در برابر فلسطین از زمان انتشار اعلامیه بالفور در سال ۱۹۱۷ همواره حمایت از دولت صهیونیستی بوده است. بی‌بی‌سی در مقابل تحولات سرزمین‌های اشغالی همواره طرفدار اسرائیل است. شبکه‌های تلویزیونی آمریکایی به ویژه سی‌ان‌ان و فاکس نیز کاملاً در چهارچوب سیاست‌های آمریکا هستند. البته سی‌ان‌ان سیاست بازتری نسبت به

سردبیران رسانه‌های خبری برای آنکه هر رویداد خبری را در قالب تلویزیون قرار دهند، معمولاً سه موضوع را مد نظر قرار می‌دهند. نخست اصول حرفه‌ای است که آیا ارزش خبری دارد و یا خیر. دومین اصل برای بازتاب دادن یک رویداد، مد نظر قرار دادن مخاطب است یعنی آیا این رویداد، مخاطب دارد یا نه. مثلاً ممکن است در ساحل عاج رویدادی اتفاق بیفتد اما برای برخی کشورها اهمیت نداشته باشد. سومین اصل توجه به سیاست بنگاه خبری است. هر بنگاه خبری براساس سیاست‌ها و خط‌مشی خود، یک رویداد را گاهی پوشش نمی‌دهد، گاهی به صورت کم حجم و کم اهمیت به آن می‌پردازد و گاهی هم یک رویداد را برجسته می‌کند.

برای مثال در موضوع فلسطین و در زمان جنگ غزه، خبر رسانی آن در همه رسانه‌های دنیا پوشش داده می‌شود اما اینکه هر رسانه از چه زاویه‌ای به آن نگاه می‌کند و کدام قسمت آن را برجسته می‌کند در چهارچوب مرام‌نامه آن رسانه قابل ارزیابی است. مسئله غزه از نظر مخاطب محوری و ارزش خبری رویدادی است که تقریباً هر سردبیری با هر گرایشی در هر رسانه‌ای به آن می‌پردازد. چرا که در قرن ۲۱ جنگی اتفاق افتاده است که به شکل یک نسل‌کشی، قتل عام و جنگ نامتوازن است. به این جهت همه باید پوشش بدهند اما محور

فلسطین یک کانون خبری بین المللی است، شرکت‌های خدمات خبری فراوانی در غزه هستند. خبرنگاران از طریق اس‌ان‌جی اخبار خود را ارائه می‌دهند. اس‌ان‌جی دستگاه برقراری ارتباط زنده ماهواره‌ای است. در آن‌جا شرکت‌هایی موجود است که ماهواره برای پخش برنامه اجاره می‌دهند. گزارش‌ها هم از طریق اینترنت ارسال می‌شود. البته تصاویر شبکه‌های اجتماعی به دو دلیل برای تلویزیون کارآمد نیست. یکی اینکه امکان راستی آزمایی مکان و زمان آن وجود ندارد و دوم اینکه کیفیت تصاویر پایین است. در این سرزمین البته که محدودیت‌هایی هم برای خبرنگاران وجود دارد و تاکنون چندین خبرنگار به شهادت رسیده‌اند. نبود بنزین و برق و حتی تجهیزات یدکی کار را برای رسانه‌ها دشوار کرده‌است اما غیر ممکن نیست، خبرنگاری همواره با خطر مواجه است آنهم در جایی که رژیم صهیونیستی روزانه دهها تن بمب روی شهر می‌ریزد و به هیچ قانونی هم پای بند نیست.

مورد چنین مسائلی اختصاص می‌دهد. آن چه در مورد خبررسانی در مورد موضوعاتی همچون فلسطین عیان شده است این است که طلسم اطلاع رسانی در غرب شکسته یا دست کم ترک برداشته است و مردم جهان در مورد تحولات فلسطین چندان تحت تاثیر رسانه‌های بزرگ مثل بی‌بی‌سی و سی‌ان‌ان نیستند، بلکه شبکه‌های اجتماعی و اینترنت هم جایگاه قابل قبولی پیدا کرده‌است. یک نکته مهم دیگر در ارتباط با خبر رسانی فلسطین این است که خود آن‌ها در حوزه ارتباطات در زمره قوی‌ترین نیروهای عرب زبان هستند. الان عمده خبرنگاران حاضر در این کشور عموماً فلسطینی هستند. یعنی نه الجزیره قطر و نه العالم ایران، خبرنگار به غزه اعزام نکرده اند بلکه برای مثال ابراهیم احمد هم که خبرنگار صدا و سیما است اهل غزه است و از همان جا اخبار را پوشش می‌دهد. یکی از ظرفیت‌های فلسطین این است که نیازی به ورود خبرنگار خارجی نیست.

۲ آفریقای جنوبی و ... که خیلی به مسئله فلسطین نمی‌پردازند و برایشان از اولویت زیاد برخوردار نیست. گروه پنجم رسانه‌های نسبتاً مستقلی هستند که یا برای گروه مقاومت و یا همسو با آن هستند. این رسانه‌ها چندسالی است که آرام آرام به جایگاه کانونی برای پوشش تحولات مقاومت دست یافته‌اند. پیش قراول آن‌ها رسانه‌های برون مرزی ایران، المنار حزب الله، المیادین و ... است. این‌ها رسانه‌هایی هستند که تلاش می‌کنند واقعیات را به صورت زنده منتشر کنند. در مورد رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران با توجه به مواضع روشن رهبر معظم انقلاب اسلامی و دولت مردان آن، رسانه‌های ایرانی در چهارچوب همین سیاست عمل می‌کنند. البته در رسانه‌های ایران نیز میزان و عمق پوشش‌دهی این اخبار متفاوت است، اما شبکه العالم یک شبکه خبری است با محوریت جنوب غرب آسیا و کشورهای منطقه که به طور طبیعی زمان زیادی را به پوشش زنده و گفتگو محور در



توئیترا نه #قدس

Donald J. Trump

من اعلام می کنم اکنون زمان به رسمیت شناختن اورشلیم به عنوان پایتخت اسرائیل است. به وزارت امور خارجه دستور می دهم تا آماده انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به قدس باشند.

Benjamin Netanyahu

امروز روز تاریخی ست. اورشلیم امیدها، رویاها و نمازهای ما برای سه هزار سال بوده است. از دونالد ترامپ متشکرم.

مجاهد فرهنگی:

تا وقتی که نام فلسطین، یاد فلسطین و شعلهی فروزان مقاومت همه جانبه ای این ملت برافراشته بماند، امکان ندارد که پایه های رژیم اشغالگر، مستحکم گردد. امام خامنه ای (مدظله العالی)
#القدس_لنا
#مرگ_بر_اسرائیل

محمد یوسف حمید:

#قدس پایتخت #یهود نه بلکه #قبرستان شان خواهد بود!

وحیدالله جویا:

قدس پایتخت فلسطین؛ نام سه قلوبی فلسطینی خانواده ی فلسطینی در نوار غزه به منظور اعلام همبستگی با قدس شریف، ۳ نوزاد خود را «قدس، عاصمه، فلسطین» «#قدس پایتخت فلسطین» نامگذاری کردند.

محمد دامادی:

#تیکه_هیلی سازمان ملل رو با مدرسه اشتباه گرفته! وقتی گفت نام کشورهایی که به قطعنامه #قدس رای مثبت بدهند را یادداشت میکنم ناخودآگاه یاد مصرهای کلاس افتادم که نام بدان رو مینوشتند! جالبه با این تهدید فقط ۹ کشور از قبیل جزایر مارشال، میکرونزی و جزیره پائولو جزو لیست خوبان شدند!

عباس حذار:

امروز #حفظله_ها هفتاد ساله شدند، اگر هفتصد سال هم بگذرد دست از #مبارزه برنخواهند داشت
#حفظله #فلسطین #قدس #اورشلیم
#ترامپ
FreePalestine#

دانشطلب:

آمریکا قرار بود راه حل دو دولت رو اجرایی کنه اما سر فلسطینی ها کلاه گذاشت و



داریم یکی باید بیرون بماند. ماجرایی طرح #دو_دولت در مساله #فلسطین به همین دلیل ساده شکست خورده است؛ چرا که اگر بتوان سرزمین فلسطین را دو تکه کرد، قدس را نمی توان. قدس یکی است و مدعای طرفین برای پایتخت بودن.

Mohammad,soh:

ترامپ به نظرم داره نقش کاتالیزور رو در واکنش دولتها و ملت های بیدار برای نابودی اسرائیل اجرا میکنه، تو سخنرانی بعدی حضرت اقا گمونم بگن اسرائیل ده ساله دیگه رو نمیبینه #ترامپ #کاتالیزور ترامپ #فلسطین

یحیی بن زکریا:

از جناب #ترامپ تشکر می کنم که مسلمانان را دوباره متوجه #مسئله_اصلی #جهان_اسلام کردند.
#فلسطین
#قدس

صبرا:

#روز_قدس که جای خود؛ #ترامپ کاری کرد که جهان در روزهای دیگر سال هم به حمایت از #فلسطین به پا خاست و این یعنی خودزنی. به امید خدا #فلسطین_

حتی جلوی شهرک سازی رو نگرفت، حالا ترامپ اومده و #قدس رو یکپارچه و یهودی می خواد، این سیاست ترامپ نیست، آرزوی همه ی دولت های آمریکا بوده و هرگز جلوی زمینه سازی اش رو نگرفتند، ترامپ فقط برای تحقش عجله داره.

یک مداح اصفهانی:

#قدس فراموش شدنی نیست. فلائی میخواد #پایتخت خودش و بیاره قدس خب بگو عجله دارم اسرائیل زودتر محو بشه. فکر کن کاخ سفید بشه پایتخت #حسینیه ها

محمد یار محمودی:

#ولایة_خامنئی_تنتصر یعنی راه #قدس از #کریلا گذشت... ما دیگه الان پشت مرز اسرائیلیم.

taheri:

#قدس پایتخت #فلسطین است و #پایتخت فلسطین باقی می ماند، با آن آتش بازی نکنید.
#ابوشهاب #شهاب_الدین

سرباز روح الله رضوی:

اصل #لانه_کیوتری را در ریاضیات که خوانده اید؛ وقتی دو پرنده و یک لانه

نگاه کنیم. مردم، زندگی را اثبات می کنند
Palestine # Jerusalem ##

محمد الطلاع:

دهه ها قبل از اینکه آمریکا کشف شود،
اورشلیم پایتخت فلسطین بود. ترامپ! تو
خیلی کودکی

Xenia Koppen:

شما می گوید این امر در روند صلح کمک
خواهد کرد. خوب، من به شما فرصتی می
دهم آیا می توانید توضیح دهید وقتی همه
کشورها می گویند شرایط بدتر می شود
شما و تیم شما چه می دانید که هیچ
کس دیگری نمی داند؟

الشاعرة غدیر الغفري:

#فلسطین مثل عروس زیبایی می ماند؛ این
ماه صبحی را که قولش را داده بودند را نوید
می دهد.
#قدس
#پایتخت

ANONXACTXOFXGOD:

جهان متحد با فلسطین در برابر حرکت
غیرقانونی ترامپ در اورشلیم است.

ANONXACTXOFXGOD:

جهان در برابر حرکت غیرقانونی ترامپ
محکم میایستد.

رجب طیب اردوغان:

قدس خط قرمز مسلمانان است و هر تصمیمی
که از اسرائیل حمایت کند درحالیکه هنوز
خون زخمهای ملت فلسطین جاری باشد،
ضربه ی مهلکی بر ضمیر انسانی است.

عمر العمودی:

دولتی که ۲۰۰ سال عمر دارد شهری با
قدمت ۶۰۰۰ سال را به عنوان پایتخت
سرزمینی اربعایی (تروزیست) که ۶۹ سال
عمر دارد معرفی میکند!

Mohd.:

اگر آمریکا پرونده تروریست را درجهان ببندد
و از حمایت و تقویت آن دست بردارد بشریت
از نعمت امنیت و استقرار بهره مند می شود
اما آمریکا این را نمیخواهد زیرا این امر
برخلاف مصلحت ها و برنامه های تروریستی
اش است.

mohamed abdeltawab:

قدس بزرگتر تر از ترامپ و تصمیمش و
بزرگتر از اسرائیل میباشد، قدس پایتخت
فلسطین هست، بوده و خواهد بود حتی اگر
این را نخواهند.



این یعنی دقیقا جبهه در تقابل و تضاد
با دشمن، و تاریخ بارها ثابت کرده پیروز
اینگونه نبرد ها چه کسی بوده است..
#القدس لنا #القدس عاصمه فلسطین الابدیه

mohammad:

در #جعلی بودن #اسرائیل همین بس که
محتاج به رسمیت شناختن پایتختش توسط
دیوانه ای به نام #ترامپ است! #القدس لنا

هیچ هیچ هیچ:

#ترامپ، پایتخت #اسرائیل را #قدس اعلام
کرد نه #تل آویو چرا چون فک کنم
شنیدن میخوایم تل آویو رو با خاک یکسان
کنیم، میخوان اسباب کشی کنن! سلام ترسو!

محمد حسین سلطانی:

با توجه به این که #ترامپ #قدس را
پایتخت #اسرائیل اعلام کرد من هم
#پیونگ یانگ رو پایتخت #امریکا اعلام می
کنم

Christopher John George:

آیا شما گفتید «فلسطین وجود ندارد؟»
اجازه دهید فقط به این مرد صلح طلبی
فلسطینی که پاسپورت فلسطینی اش را از
سال قبل از سال ۱۹۴۸ نگه داشته است

آزاد خواهد شد #القدس لنا #القدس
عاصمه فلسطین الابدیه

Amir Hossein Vardooz:

ترامپ فک می کنه که اگه حرف نزنه
میگیم لاله نه عزیز من راحت باش لال هم
که باشی بهتر از اینه که حرف های پرت
و پرت بزنی پس گفتگوهای صلح چی شد
#بیت المقدس
#ترامپ
#فلسطین

Hamed Mehrabani:

#ترامپ با این کار یکی از مهلک ترین
اشتباهات دوران ریاست جمهوری خودش
را انجام داد. انتقال سفارت امریکا به قدس
اشغالی، حمایت جهانی از #فلسطین را
گرم تر می کند و مسئله فلسطین را- که
مدت تلاش شده بود تا از دستور کار خارج
شود - دوباره به صدر مسائل باز می
گرداند..
#مسئله اصلی

abolfazl.taghipour:

درست روزی که #ترامپ گفت پایتخت
اسرائیل من بعد #قدس خواهد بود، امام
المسلمین فرمود #فلسطین آزاد خواهد شد،

NOTE

دانشجو ها
يادداشت



من آواره نیستم...

برجس قربان زاده

این از حق فراتر است که برای داشتن این زندگی مجازی، زندگی مرا بگیرد؟ هرچند که حقیقتم را با جنگ و دندان گرفته‌ام و حتی اگر روزی هم در این دنیا نباشم، کابوسی هستم به جان زندگیتان، تا راحتی را در آن زندگی به عمق جان احساس کنید. هرچند که هر بار وقتی به چشمانتان نگاه می‌کنم، با آن همه افتخار و حمایتی که برای خود قائلید، از درون پوچید و هیچ به راستی احساس می‌کنم این من نیستم که برای یک لقمه غذا، یک جرعه آب، یک دم هوای پاک، یک حرف علم، یک لحظه امنیت و یک ذره لبخند می‌ایستم و دفاع می‌کنم یا سفر می‌کنم و با حتی هجرت؛ این من نیستم که آواره‌ام. ای به ظاهر قوم موسی... ظاهراً آواره تویی.

و وجود دارید، حداقل از خاکی که غصب کرده‌اید کمی هزینه کنید! هرچند که این عادت شماسست که کشورهای دیگر را برای داشتن آرامشتان از آزادی یغما می‌کنید! هر روز زمین‌های بیشتری را با زور سرنیزه‌هایتان اشغال و ساکنان آن‌ها را بیرون می‌کنید. قسم اعظم مالیات کشورهای رفیقتان را از آن خود می‌کنید تا بتوانید همچنان پوتین‌های کثیفتان را بر نیض این دنیا بفشارید. برای داشتن تمدن نداشته‌تان، حتی از یک سکه‌ی حلبی تاریخچه می‌سازید و در شیپور خفقان دنیا جارش می‌زنید. حتی بعد از یک عمر تلاش خونین نمی‌دانید که پایتختی را که در رویا، روزی متصور بودید، حال در این بیداری خیالین باز هم ندارید. درست است که حق گرفتنی است، اما

وقتی در میانه جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵-۱۹۳۹) تمامی یهودیان به دستور دمنندگان آتش جنگ، به اردوگاه‌های کار اجباری می‌رفتند، برخی از شما برای داشتن زندگی بهتر به خاورمیانه آمدید. به هوای داشتن یک سرزمین واحد از همکیشانان، همه‌ی آن‌ها را آواره کردید و هموطنان من را نیز، تا جایی میان دو رود، سکنی گزینید. هدیه‌ی کوچکی که برای اعلان موجودیتش هم ظاهراً جنگی نیاز بود (۱۹۴۸). چه جالب است که هر بار، هر اتفاقی افتاده است، غرامتش را به رسمیت شناختن می‌دانید، مگر شما هنوز خودتان، وجودتان را باور ندارید؟ اگر وجود داشتنتان را باور ندارید، پس چرا می‌جنگید؟ بهتر بیرسم؛ چرا در خاک خود نمی‌جنگید؟ مگر نمی‌گویید که هستید

مذهب اجتماعی، تمدن اسلامی، آزادی قدس

علی ایوبی :: دانشجوی کارشناسی تاریخ موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

۳. اختلافات [اعم از تاریخی-جغرافیایی-مذهبی-قومی]؛
۴. وجود گروه‌های منقط و ستیزه‌جو؛
۵. اختلاف میان نخبگان مسلمان در نگرش به مسائل.
از میان پنج منشأ فوق صرف نظر از پیشینه‌شناسی به جرأت می‌توان گفت عامل و علت پنجم سبب ادامه و دوام چهار عامل دیگر میگردد و هم چنین عامل آشفتگی جهان اسلام و ایجاد معضلات پسین و عدم قدرت مسلمانان در حل مشکلات پیشین نیز هست. اختلاف نگرش نخبگان مسلمان امروزه در قضایایی مانند سوریه یا مسئله یمن و بحرین و یا نحوه برخورد با آمریکا و غرب مانع از ایجاد وفاق همگرایی و دیدگاه مشترک دولت‌ها و نخبگان مسلمانی شده است که نه دست‌نشانده غرب هستند و نه دیکتاتور اند و لا اقل اندک اعتقادی به فرهنگ و تمدن نوین اسلامی دارند.
دلیل عدم اختلاف نگرش مسلمانان مبحثی بسیار مفصل است اما ریشه این اختلافات تا حد زیادی به دخالت دادن مذهب، بلکه اختلافات فرقه‌ای در نگرش به تمامی مسائل جهان اسلام توسط مسلمانان و دولت‌های اسلامی است، این مسئله سبب بروز اختلاف میان قدرت‌های مسلمان [اعم از قدرت‌های قومی و یا مذهبی و فکری و نظامی و غیره] می‌گردد و به جای حل مسائل پیشین سبب مشکلات پسین فراوانی می‌گردد؛ لذا با این وضعیت نه تنها مساله قدس و فلسطین حل نخواهد گردید بلکه به عیان شاهد تولد و زایش مصائب و مسائل دیگری در جهان اسلام هستیم.
از همین رهگذر به خوبی نمودار می‌شود که حل مشکلاتی همانند آزادی قدس احتیاج به وحدت نظری و فکری در جهان اسلام دارد؛ زیرا بازپس گیری قدس با پیشقدم شدن یک یا چند دولت مسلمان و کارشکنی علنی دولت‌های دیگر سازگار نیست یا حداقل باید کارشکنان به بخش کوچکی در جهان اسلام منحصر گردند.
باید دانست که هرچند عقیده و فقه در تشکیل تمدن اسلامی دارای سهم هستند اما پایه‌ی هر تمدنی را شیوه نگرش اجتماعی به واقعیت‌های هر جامعه [به اصطلاح جامعه‌ما یا جامعه خودی در برابر جوامع دیگری] تاسیس می‌کند به همین سبب است که هرچند جنبش‌های دین‌پرایی هم چون کالونیسم و یا پروتستان

اشغال فلسطین و تشکیل دولت صهیونیستی در مرحله‌ای از دوران پسامغولی-صلیبی قرار دارد که به آن مرحله قیمومیت و استعمار گفته می‌شود؛ باید دانست قیمومیت و استعمار حاصل نبود نظام فکری مستقر [ایدئولوژی حاکم] و ضعف نظامی مسلمانان پس از سقوط حکومت‌های مسلمان عثمانی و گورکانی است حکومت‌هایی که به مثابه پرده‌هایی آهنین در مغرب و مشرق جغرافیای جهان اسلام همواره به عنوان سپری در برابر نفوذ دولت‌های غربی به دارالاسلام [سرزمین مسلمانان] عمل می‌نمودند.
البته به جرات می‌توان گفت که ریشه تمامی مسائل زیر یعنی:
أ. سقوط عثمانی، گورکانی، صفویه و زنجبار؛
ب. تاسیس کشورهای جدید در پیکره‌هایی از سرزمین مسلمانان همانند اسرائیل و پیشتر از آن یونان و بلغارستان و غیره در بالکان و شرق اسلامی و آفریقا؛
ت. اشغال سرزمین‌های اصلی مسلمانان همانند عراق، ایران، شام، مصر، مغرب و هند و دست آخر نیز اشغال فلسطین؛
ث. عدم توانایی مسلمانان در آزادی مناطق از دست رفته؛
ج. توسعه اشغال‌گری دولت غاصب صهیونیستی و توسعه نفوذ دولت‌های غربی؛
ح. آشفتگی به واسطه طرفداران تفسیرهای غلط هم چون داعش، القاعده، طالبان و غیره؛
خ. عدم قدرت در کمک‌رسانی به اقلیم‌های مرزی جهان اسلام همچون: آرکان و میندانائو و بوسنی.
به عبارت دیگر تمامی مصائب امروزه جهان اسلام در واقع حوادث سلسله‌واری هستند که با یکدیگر رابطه علت و معلولی دارند و سر علت و منشأ تمامی این حوادث نبود تفکر معیار یا به عبارت بهتر مذهب اجتماعی است.
در توضیح‌گزاره فوق [مذهب اجتماعی] باید بیان داشت که تمامی مشکلات امروزه جهان اسلام منشأ یافته از پنج دلیل عمده هستند:
۱. دخالت خارجی؛
۲. حکومت‌های دیکتاتور و سلطه‌گرا؛

اصول اتحاد مسلمانان و نقد و بررسی بازگشت برخی مسلمانان به ادیان مندرس (ارتداد) و صدها مسئله دیگر از مسائل ضروری است. این همگرایی و بحث از دیدگاه تبیینی-تحلیلی به قضایا سبب زایش دانش جدیدی است که پایه تمدن نوین برای جامعه مسلمانان است؛ طبیعی است این علم زمانی از مشتی فرضیه به قوانینی کارآمد مبدل خواهد گردید که به بوته آزمایش نهاد شود؛ محل و مجرای آزمایشگاهی این دانش جدید نیز بدون شک مهمترین مسئله مشترک میان تمام مسلمانان است که همانا آزادی قدس و تشکیل دولت مستقل فلسطین است؛ لذا به تاکید آزادی قدس علاوه بر سرآغاز جنبش اجتماعی برای خیزش دوباره جوامع مسلمان، محلی برای راستی آزمایی و بنیان پی تمدن نوین اسلامی نیز هست.

امید است دانشجویان و دانش پژوهان علوم دینی در سراسر سرزمین اسلام با تمسک به رهنمود قرآن که ما را امتی یک پارچه^۱ می داند و با توجه به هشدار به هوشیاران در مقوله از هم گسیختگی این پیکره اجتماعی یک پارچه، فصلی نوین را بر تارک این امت مظفر رقم زنند:

این وطن مصر و عراق و شام نیست
این وطن جایی ست که او را نام نیست
گرچه هفتاد و سه مذهب یا هزاران ملتیم
نیک جز ماه جهان آرا ز ما اقدار نیست

۱. (هذا امتکم امة واحدة و انا ربکم فارهبون)

لوتری و انگلیکان نقشی در ساخت تمدن رنسانس اروپایی داشته اند؛ اما تشکیل آن تمدن را حاصل نگاه جامعه و جهت گیری انسان گرایی- سرمایه گرایی توسط نخبگان آن جامعه [جامعه غربی] می دانند.

این مسئله به تجربه و واقعیت عینی و تاریخی در جامعه اسلامی نیز محسوس است؛ لذا ایجاد گفتمان هایی هم چون تقریب مذاهب اسلامی و یا کنفرانس های حمایت از آرمان فلسطین (همانند کنفرانس مذکور) نیز از همین رهگذر و پاسخ فطری مسلمانان به این مشکل است و در واقع جرعه هایی برای ایجاد یک مذهب اجتماعی و یا همان دانش اجتماعی مسلمانان است.

مهمترین راه برای ایجاد این دانش مبارک و مقدس طرح مسائل علم توسط است؛ توضیح بیشتر یعنی اینکه نخبگان جهان اسلام بدل از نفی دیگری و اثبات خویشتن به تبیین مقوله مورد نظر اقدام کنند؛ مثال عینی آن یعنی کاری است که در اختلافات مذهبی انجام گردید تعدادی از نخبگان صالح امت بدل از ادله نفی و اثبات، اقدام به تبیین پدیده اختلاف مذهبی و روش همگرایی در این مقوله پرداختند و ثمره این تلاش آنان مسئله مهم تقریب است.

از این رو بسیار ضروری است که علاوه بر اختلاف مذهبی مسائلی دیگر نیز همچون ملی گرایی، نقد نگرش اقوام مسلمان به یکدیگر (همانند نگرش عرب های خلیج به فارس ها و ترک ها و نگرش ترک ها به ایرانی ها و کردها و یا نگرش کردها به دیگران)، روش برخورد با دیگری (روش برخورد با دانشگاه ها و علوم و آثار متفکرین غربی)، راهکارهای تقویت وحدت، تبیین نقش امت و ملت، باز تعریف نهادهای و خرده نهادهای اجتماعی در جهان اسلام و تبیین

Deleting
75%

امام خامنه ای (مدظله العالی)
رژیم صهیونیستی ۲۵ سال آینده را نخواهد دید

انتفاضه‌ی خروشان

رهرها مقدم منیل :: دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر دانشگاه قم



نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان چشم انداز خود قرار داده است «تأثیرپذیری فکری ملت ها از اسلام است». پیروزی ملت فلسطین در بازگرداندن حق خود، دشوارتر از پیروزی ای که ملت ایران در ایجاد جمهوری اسلامی داشت، نیست و این پیروزی با نابودی رژیم اشغالگر قدس علاوه بر اینکه می تواند نام مردم فلسطین را به عنوان مقاوم ترین ملت ها در تاریخ ماندگار کند، نمود واضح و مبرهن این تأثیرپذیری نیز خواهد بود. این پیروزی نیازمند اتحاد گروه های فلسطینی، مقاومت و مبارزه است. ذکر این نکته ضروری است که فلسطین تنها با اسرائیل مواجه نیست بلکه این رژیم بر ایالات متحده آمریکا و برخی دیگر از دولت های غربی تکیه زده است که با نابودی آن مشیت محکمی بر دهان سایر قدرت های استکباری جهان نیز خواهد خورد.

یک روزی مردم اروپا با استفاده از دانش و فلسفه ی مسلمانان تمدنی را برای خودشان شالوده ریزی کردند که به دلیل مادی بودن به سمت استعمار و مغلوب کردن ملت ها پیش رفت. تمدن غربی عرضه شده به دنیا در مسیر عدالت و خوشبختی پیش نرفت بلکه مسیری وارونه را پیمود و ثمره ی آن انسان ها و دولت های یک چشم امروزی هستند، دولت هایی که به گفته ی شهید آوینی تنها توسعه پیدا کرده اند و پیشرفتی در آن ها دیده نمی شود. منظور از انسان یک چشم انسانی است که سوار بر مرکب تکنولوژی دست به جهان ستانی می زند و تنها به بعد مادی زندگی نظر فکنده است. اما امروز نوبت اسلام است، ما باید به درب خانه ی همت و ابتکار خود برویم و با استفاده از دانش روز دنیا و استفاده از ابزار های جهانی به برپا کردن تمدنی با روح اسلام و معنویت بپردازیم. تمدنی که عدالت جزء لاینفک آن باشد و هیچ مظلومی در آن ظالم خوانده نشود و این تمدن سازی میسر نخواهد شد مگر با همت، نوآوری در تولید علم، مقاومت و مبارزه.

به امید روزی که ندای یا مهدی از مسجدالاقصی به عنوان پایگاه مقاومت به گوش برسد.

آیه ۱۲۰ سوره ی آل عمران: اگر نیکی به شما رسد آن ها را ناراحت می کند و اگر حادثه ی ناگواری برای شما رخ دهد خوشحال می شوند. اما اگر در برابرشان استقامت و پرهیزگاری پیشه کنید، نقشه های خائنه ی آنان به شما زینانی نمی رساند؛ خداوند به آنچه انجام می دهند احاطه دارد.

بیش از شش دهه از اشغال سرزمین فلسطین می گذرد و آنچه دشمن امروز برای رسیدن به آن تلاش می کند کم رنگ کردن مسئله فلسطین در افکار عمومی با ایجاد اختلاف میان مسلمانان و سرگرم کردن آن ها به جنگ های داخلی است. آنچه ملت مسلمان باید بداند این است که اتحاد همه ی مسلمانان رمز تغییر وضعیت سرزمین تاریخی و مقدس فلسطین به شمار می رود. با توری به تاریخ این مسئله روشن می شود که تاکنون هیچ یک از ملت های جهان با چنین رنج و اندوه و اقدام ظالمانه ای مواجه نشده اند؛ اقدامی که صاحب خانه ی مظلوم را تروریست و دشمن ظالم را مظلوم قلمداد کند. پر واضح است که مسئله ی فلسطین شاخص میان پایبندی به اصول انسانی و ضدیت با اصول انسانی است.

به گفته ی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) «مسئله ی فلسطین یک مسئله ی تاکتیکی، استراتژی سیاسی و یا مسئله ی جغرافیا و یک تکه زمین نیست بلکه مسئله ی بشریت و انسانیت است، مسئله ی عقیده و مسئله ی ایمان است.»

در جهادی که امروز بر دوش مردم فلسطین و دنیای اسلام قرار گرفته است، شرط اصلی موفقیت پای فشردن بر اصول است، باید در مقابل این فاجعه که از روز اول نیز چیزی جز کشتار و ترور و غصب و تعرض به مقدسات اسلامی نبوده با تکیه بر آیه ی ۱۲۰ سوره ی آل عمران ایستاد و مقاومت کرد.

اما آنچه مهم است این نکته است؛ که نباید از اهمیت سیاسی حمایت از مردم فلسطین غافل بود. حضور رژیم غاصب صهیونیستی و قدرت های غربی در منطقه مانع ثبات، استقرار و پیشرفت منطقه خواهد بود و ایران به عنوان قدرت سیاسی حاضر در منطقه، از این نتایج بی تأثیر نخواهد ماند.

امروزه تمام تمرکز دشمن در جهت جلوگیری از رسیدن جهان اسلام به جایگاه حقیقی خودش منعطف شده است. حاصل مطالعه، پژوهش و تحقیقات ۲۵ ساله یکی از محققین پیرامون اتاق های فکر و اندیشکده های اسرائیل ما را به این نتیجه می رساند که ۴۰ درصد از توانمندی این اندیشکده ها به برنامه ریزی علیه ایران اختصاص یافته است که این برنامه ریزی نه تنها زمینه سیاسی بلکه سایر زمینه ها مانند فرهنگ، طب، تغذیه و ... در بر می گیرد. به بیان دیگر برنامه های استراتژیکی با هدف ایجاد تغییر در سبک زندگی مردم تدوین شده است.

اما یکی از اهداف آن جایگاه تمدنی که

تسلیم کرانه باختری؛ کلید طلایی نابودی رژیم صهیونیستی

محمد زرچینی :: عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

بختی را تسهیل کند:
۱. سلاح های ضد نفر همچون کلاشنیکف و اسنایپر ها جهت ایجاد رعب و وحشت در دل دشمن صهیونیستی.
۲. سلاح های ضد زره؛ با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از توان زمینی ارتش رژیم صهیونیستی در قدرت زرهی و تانک های این رژیم تعریف می شود، لذا تسلیم کرانه باختری به سلاح های ضد زره همچون موشک میلان و کورنت می تواند موجب پیروزی مقاومت فلسطین در کرانه باختری شود. جنگ ۳۳ روزه و جنگ غزه نشان داد که دشت خیام در لبنان و منطقه شجاعیه در اطراف غزه با استفاده از موشک های ضد تانک، گورستان تانک های ارتش رژیم صهیونیستی شد.
۳. موشک های دوش پرتاب: موشک های دوش پرتاب می تواند قدرت مقاومت را در برابر حملات برق آسا و بی رحمانه نیروی هوایی ارتش رژیم صهیونیستی افزایش دهد.

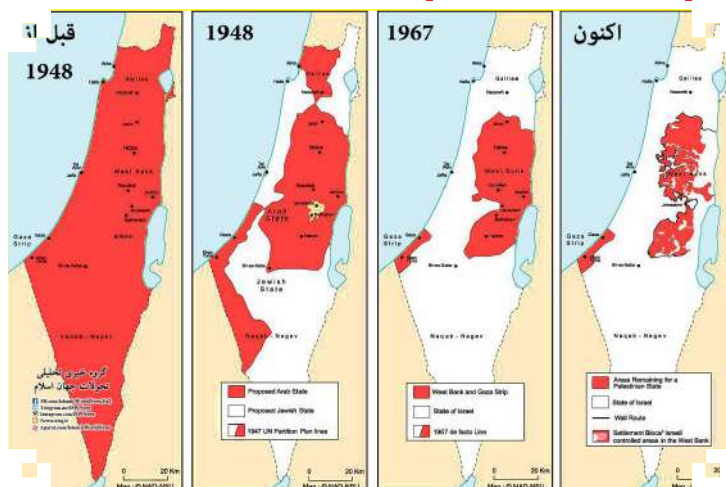
۴. موشک های کوتاهبرد با بردی معادل ۱۰۰ تا ۱۶۰ کیلومتر؛ تجربه جنگ های اخیر مقاومت نشان داد که هیچ سلاحی همچون موشک های زمین به زمین و راکت های کوتاهبرد در دل دشمن صهیونیستی ایجاد رعب و وحشت نمی کند. حملات برق آسای مقاومت در جنگ های اخیر به شهرک های صفد، نهاریا، طبریا، کرمنیل، کریات شمونه، مرون، عسقلان، سدروت و ... نشان داد که موشک های کوتاهبرد و راکت های قدرتمند دشمن اشغالگر را منفل خواهد کرد.

رژیم صهیونیستی ده ها سال است که با تئوری تئودور هرتزل به دنبال ایجاد یک سرزمین موعود بود که این سرزمین در سال ۱۹۴۸ با یک توطئه اروپایی در منطقه غرب آسیا به بار نشست. کشورهای عربی که در ابتدا این موضوع را نپذیرفتند با چند جنگ با ارتش رژیم صهیونیستی متحمل شکست های بیشتری شدند و صهیونیست ها در جنگ های متعدد دهه ۴۰ و ۶۰ و ۷۰ میلادی پیروزی ظاهری را کسب کردند.
در سال ۱۹۷۹ میلادی و با پیروزی انقلاب اسلامی، مقاومت اسلامی فلسطین به صورت جدی شکل گرفت و رفته رفته حد فاصل سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ میلادی مقاومت با سنگ، به مقاومت با موشک دست ساز و سپس موشک های کوتاهبرد پیشرفته تبدیل شد. صهیونیست ها به این نتیجه رسیدند که در نوار غزه وجود موشک و تسلیحات حماس پیشروی های نیروهای اسرائیلی را با مشکل مواجه می کند و لذا به نظر می رسد کلید طلایی شکست صهیونیست ها در سرزمین های اشغالی، تسلیم نوار غزه در وسعتی کمتر از ۱۵۰۰ کیلومتر مربع بود.

حال سوال اینجاست که آیا تسلیم کرانه باختری به وسعت بیش از ۵ هزار کیلومتر مربع می تواند در تحولات آینده فلسطین موثر باشد؟ پاسخ مثبت است؛ چرا که جنگ های سال های ۲۰۰۸، ۲۰۱۲، ۲۰۱۴ حماس و ارتش رژیم صهیونیستی با وجود تسلیحات مقاومت اسلامی فلسطین، پیروزی را برای مردم مظلوم غزه به ارمغان آورد.
به نظر می رسد تسلیحات زیر می توان ساز و کار تسلیم کرانه

بررسی نظری و فکری مسئله اشغال فلسطین

مرتضی پورسلطانی :: دانشجوی دانشگاه بیرجند



داخلی خود می باشد که با وجود آن ها کمک به مردمی که فرسنگ ها از ما دور هستند اولویتی ندارد و به قول معروف چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است!
از نظر عده های هیچ ملتیی نباید در دیگر کشورها و ملت ها دخالتی داشته باشد و باید تنها در ساختار کشور خود مشغول کار گردد با این ایده فکری جماعتی شعار

به عبارت دیگر اگر تنها بر جنبه تنفر از اسرائیل کودک کش و حامیانش تأکید کنیم ممکن است دشمن با دستگاه تبلیغاتی شومی که در دست دارد آن حرکت را تضعیف کند، همان گونه که اکنون با شعارهای ناسیونالیستی و ملی گرایانه در ذهن دانش آموزان، دانشجویان و قشر جوان می خوانند که کشور ما به اندازه کافی گرفتار مشکلات

قریب به ۸۰ سال از غربت مردم مظلوم فلسطین و مظلومیت این سرزمین مقدس اشغال شده می گذرد، به حمدالله در طول این سال ها تلاش ها و اقدامات مختلفی در جهت کمک به بازپس گیری حقوق حق این مردم گردیده است و شاید بتوان به عنوان یکی از مهم ترین این اقدامات را نام گذاری جمعه آخر ماه رمضان به عنوان روز جهانی قدس یاد کرد که از ابتکارات بسیار به جا و حکیمانه امام راحل بود که با تدبیر مقام معظم رهبری ادامه یافت.
در یکی دو دهه اخیر عمده تأکید بر مسئله فلسطین از جنبه احساسی آن بوده است که در مرحله اول بسیار به جا و تأثیر گذار است اما به علت خالی بودن از محتوا و عمق نمی تواند پایدار و ماندگار باشد لذا لازم است بر پشتوانه نظری و فکری این حرکت تأکید مضاعفی گردد.
حرکت هایی که تنها بر اساس هیجانات و عواطف مردم شکل می گیرد، از سوی دشمنان آسیب پذیر خواهد بود از این رو ضروری است در کنار حرکت های احساسی و عاطفی حرکت های علمی و فکری در راستای تقویت مبانی نظری آن حرکت صورت پذیرد.

مسلمان باوجود اینکه دارا فرهنگ‌ها، زبان‌ها و نژادهای مختلف هستند و باوجود اینکه مرزبندی‌های بین‌المللی بین آن‌ها فاصله انداخته است همگی بر یکدیگر حق دارند (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ) و این حق به هیچ وجه در بین قوانین و حقوق بین‌المللی که اموری توافقی هستند گم نخواهد شد.

امروزه دنیای اسلام با این واقعیت تلخ روبرو است؛ که یکی از کشورهای مقدس مسلمانان مورد تجاوز قرار گرفته است و میلیون‌ها مسلمان آواره شده‌اند. اسرائیل در ظاهر ادعاهای مذهبی را بهانه این تجاوز می‌کند اما کیست که نداند دولت جعلی اسرائیل توسط صهیونیست‌ها اداره می‌شود و نه یهودیان واقعی. صهیونیست‌ها درواقع یک گروه مذهبی یهودی نیستند بلکه یک حزب سیاسی برتری‌طلب و نژادپرست می‌باشند که به زور و تحت حمایت اسرائیل و سپس شیطان بزرگ (آمریکا) خود را صاحبان خاک فلسطین می‌دانند و دست به هر جنایتی می‌زنند.

روزی اسرائیل در منطقه ادعای تصاحب از نیل تا فرات را داشت اما اکنون که توسط مردان و زنان غیور فلسطین و لبنان از پای درآمده است ترجیح می‌دهد با دیوارکشی دور خود به فکر حفظ جان خودش باشد. این مسئله از اهمیت بسیاری برخوردار است و نشان از موفقیت و پیروزی جبهه مقاومت دارد.

در مسیر مقاومت ۸۰ ساله ملت مسلمان برای آزادی فلسطین برخی اشخاص و کشورها خسته شدند و با عقب‌گرد دست صلح به سمت اسرائیل دراز کردند، درحالی‌که هر کس به وعده خداوند در قرآن کریم ایمان داشته باشد خوب می‌داند که القدس لنا.

است. همچون پیامبران، ائمه اطهار، کتب مقدس آسمانی و مساجد که خانه‌های خدا در روی زمین و داری احترام ویژه‌ای هستند. در میان مساجد دو مسجد هستند که از احترام ویژه‌ای برخوردارند مسجدالحرام و مسجدالاقصی.

مسجدالاقصی زادگاه پیامبران و قبله اول مسلمین بوده است. پیامبر اکرم ۱۳ سال از عمر مبارکشان را با اینکه در مکه به سر می‌بردند به‌سوی مسجدالاقصی نماز می‌گذاشتند و بعداً در مدینه به دلایلی به دستور الهی تغییر قبله دادند.

«سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»

در شب معراج پیامبر اکرم ابتدا به مسجدالحرام و از آنجا به مسجدالاقصی سفر می‌کنند و از آنجاست که سیر ملکوتی آن حضرت آغاز می‌گردد این مهم مؤید این ادعاست که تا احترام این دو مسجد در زمین نگه‌داشته نشود نوبت به بزرگداشت شعائر آسمانی نمی‌رسد. قریب به ۸۰ سال است که صهیونیسم (و نه دین یهود) با غضب کشور فلسطین به دنبال ضربه زدن و تخریب این مسجد مقدس است چندین بار هم برای این امر تلاش کرده است و درباره مقاومت جانانه مردم آن مناطق و فریاد آزادیخواهان جهان روبروی شده است. ازجمله دیگر حقوقی که خداوند بر بندگان قرار داده حق گروه‌های اسلامی بر یکدیگر است و این حق ورای بر حق برادری و اخوتی است که در بین افراد وجود دارد. ما مسلمانان برخلاف فرهنگ الحادی که در صده اخیر جافتاده است؛ معتقدیم ملت‌های

آزادی فلسطین را مغایر با مصوبات سازمان ملل و اصول حقوق بین‌المللی می‌دانند و می‌گویند چون اسرائیل از طرف سازمان ملل به رسمیت شناخته شده است، دیگر تلاش و حتی طرح موضوع فلسطین اشغالی و اسرائیل غاصب ناصواب و مغایر قوانین است.

در میان مکاتب دنیا نظریات حقوقی مختلفی مطرح بوده و هست که هر کدام از جنبه‌هایی دارای نقص می‌باشند (که در اینجا قصد پرداختن به آن را نداریم) اما ازاین بین اتکا بر آرا و قرارداد اجتماعی از سوی اکثر فیلسوفان حقوق به عنوان بهترین نظریه انتخاب شده است. این قراردادها به دو صورت می‌باشند یا در داخل یک دولت و کشور بسته می‌شوند و یا در سطحی کلان‌تر جنبه بین‌المللی دارند و البته این قراردادها همواره از روی رضایت منعقد نمی‌شوند و بسیاریان جنبه اجبار دارند.

اما از منظر اسلام مسئله حق و تکلیف به گونه‌ای دیگری است و بر اساس جمیع آیات و روایت استفاده می‌شود که فلسفه حقوق اسلام بر جهان‌بینی توحیدی استوار است؛ یعنی جهان از آن خداوند است و هستی هر کس از آن اوست و هر دخل و تصرفی در جهان باید با اذن و اجازه صاحب صورت گیرد و لا غیر.

موجودات و آفریده‌های خداوند با توجه به وابستگی که به حق باری تعالی دارند از نعمت‌های او بهره‌مندند و در مقابل این نعمت‌ها تکالیفی به آن‌ها سپرده شده است که باید در انجام آن‌ها تلاش کنند.

حق خداوند بر بندگان در درجه اول اطاعت و بندگی اوست و در مرتبه بعد اطاعت و احترام به هرآن چه به او منسوب

جنگ اطلاعات، اندیشه‌ها و اراده‌ها

حسین قاسمی مارچوبه :: دانشجوی رشته علوم سیاسی دانشگاه نجف آباد اصفهان

حق و باطل، روز و شب، مرد و زن، مستضعف و مستکبر، سکوت و فریاد، خدا و ابلیس، هابیل و قابیل، خورشید و ماه، بالا و پایین، غروب و طلوع، جوان و پیر و ... نشان می‌دهد همیشه دو جبهه در تضاد هم وجود دارد و تقابل دائمی حق و باطل را اثبات می‌کند هیچگاه این دو به آشتی نمی‌رسند چون در ذات یکی خباثت محض و در ذات دیگری پاکی محض وجود دارد؛ امروزه ما نیز این تضاد و تقابل را می‌بینیم که البته این تقابل و تضاد جدید نیست ولی متدهای آن جدید است. تقابل و تضاد فلسطین و اسرائیل و بالاتر تقابل و تضاد اسلام ناب محمدی (ص) و دشمنان آن.

جبهه حق اسلام ناب محمدی که پرچم دار آن جمهوری اسلامی ایران است و علم آن در کشور فلسطین برپاست، جبهه باطلی به مدیریت و پرچم داری آمریکا با نصب پرچم و علم آن در کشور جعلی و غاصب اسرائیل به مقابله و ضدیدت با جبهه حق می‌پردازد و تمام امکانات خود را در این راه به کار بسته است و جنگ تمام عیاری را

جبهه دائمی حق و باطل

فلسطین

فلسطین (به عربی: فلسطین، به عبری: פלשתינה) کشوری است که به‌صورت تاریخی و از دوران روم باستان به ناحیه‌ای گفته می‌شده که بین دریای مدیترانه و کرانه‌های رود اردن واقع شده است. فلسطین در دوران‌های حتی قدیمی تر به ناحیه‌ای محدود تر در کنار مرز دریای مدیترانه اطلاق می‌شد. در معنی جغرافیایی گسترده تر آن فلسطین می‌تواند به منطقه‌ای اشاره کند که شامل بخش‌هایی از اردن، لبنان و سوریه باشد. و اما...

اگر به تاریخ خوب بنگریم در طول دوران حیات انسان‌ها همیشه دو جبهه علیه هم جنگیده اند، و برای خود ذات حق (خداوند) نیز وجود دارد که جبهه مقابل و باطل ابلیس است که قسم خورده است به فریب انسانها.



حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی) امتداد این وظیفه تا نبودی کامل جبهه باطل را این گونه می فرماید: مسئله مهم این دوران، مسئله فلسطین است که انتفاضه بزرگ فلسطین و بیت المقدس همچنان ادامه دارد.

جبهه باطل بر خلاف تبلیغات دروغین خود حتی به کمترین حد حقوق بشریت و دموکراسی نیز اعتقاد ندارد و با پیشنهاد دموکراسی گونه جمهوری اسلامی ایران یعنی برگزاری انتخاباتی در فضای منصفانه در فلسطین برای تعیین حکومت و حکم رانان (نمایندگان حکومت) به دست مردم آن کشور مخالفت می کنند مگر آنان مدعی دموکراسی نیستند! پس چرا با این پیشنهاد مخالف اند؟

نظام جمهوری اسلامی ایران برای کشور بحرین نیز دموکراسی با همان مردم سالاری را پیشنهاد می کند، برگزاری انتخابات در کشور بحرین و تعیین حکومت و نمایندگان حکومت به دست مردم.

جالب است که بدانید جبهه باطل یعنی آمریکا و اسرائیل با این پیشنهاد نیز مخالف هستند. جبهه باطل نه منطق دارد، نه انصاف دارد و نه قانون می فهمد با این جبهه جز مبارزه و مقاومت چه باید کرد، بعضی ها از روی کج فهمی و یا خدای ناکرده غرض ورزی در جبهه خودی سخن سخیف آشتی بر زبان می آورند با کسی که رحم ندارد می کشد، کار خودش چه کوتاه بیایی چه کوتاه نیایی می کند این سخن کاملاً مردود است.

آنان که هنوز بر این باورند و تحلیل می کنند که باید در سیاست و اصول و دیپلماسی خود تجدید نظر نماییم و ما خامی کرده ایم و اشتباهات گذشته را نباید تکرار کنیم و معتقدند که شعارهای تند یا جنگ سبب بدبینی غرب و شرق نسبت به ما و نهایتاً انزوای کشور شده است و اگر ما واقعگرایانه عمل کنیم، آنان با ما برخورد متقابل انسانی می کنند و احترام متقابل به ملت ما و اسلام و مسلمین می گذارند سخت در جهالت و گمراهی هستند، با تمام وجود درک کنید که تمعد جهانخواران به نابودی اسلام، مسلمین و جهان است، خطر آمریکا به حدی جدی است که اگر کوچکترین غفلتی کنید، نابود می شوید. این سخنان حضرت امام روح الله خمینی (ره) به خوبی تمام خلعت و ذات جبهه باطل را عیان و آشکار می کند.

جبهه باطل که حتی کوچکترین حق بشریت را قبول ندارد، قتل و کشتار می کند و با دموکراسی حقیقتاً مخالف است، کوچکترین مسامحه در برخورد با اسرائیل و آمریکا مساوی با نابودی قطعی است

بر علیه جبهه حق به راه انداخته است، ذات جبهه باطل سردمداری و استکبار بر تمام عالم را می خواهد و به کمتر از این هیچگاه راضی نخواهد شد.

جبهه باطل برای نابودی جبهه حق و استکباری بر تمام عالم هر کاری میکند جنگ اطلاعاتی راه می اندازد، در اندیشه ها نفوذ می کند و اراده ها را سست می نماید و برای مقابله با آمریکا و اسرائیل باید به هوش باشیم و بصیرت داشته باشیم، الزامی ندارد که کشورهای که پشتیبان جبهه حق می باشند مسلمان باشند و یا الزاماً این گونه باشد که کشورهای که در جبهه باطل هستند و گرفتار آنان شده اند مسلمان نباشند در صحنه بین الملل می بینید که کشورهای حامی جبهه حق کدام اند و کشورهای حامی جبهه باطل کدام.

حمایت از فلسطین، انتفاضه و مبارزه با صهیونیسم و حامانش از ارکان اصلی سیاستهای راهبردی جمهوری اسلامی ایران است. این سخن امام و راه بر نظام جبهه حق حضرت آیت الله خامنه ای است که به درستی و دقیق راهبرد جبهه حق یعنی مبارزه با جبهه باطل، را نشان می دهد.

با تجهیز کردن رسانه ها برای راه انداختن جنگ اطلاعاتی و نفوذ در اندیشه ها و رسیدن به غایت هدف سست کردن اراده ها می خواهند با جبهه حق کاملاً نرم مبارزه کنند.

جنگ نرم آنها در کنار جنگ سخت توأم خواهد بود امروز وقتی می بینند که از روی ناتوانی و زوال قادر به جنگ سخت با جبهه حق نیستند بیشتر تمرکز و بودجه خود را روی جنگ نرم قرار داده اند، جنگ نرم واقعیتی غیر قابل انکار است.

جبهه حق تا نابودی جبهه باطل بر حسب وظیفه قرآنی، شرعی و قانونی خود باید مبارزه کند، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) این وظیفه را اینگونه تشریح و بیان می کند: ای مسلمانان جهان و مستضعفان گیتی بها خیزید و مقدرات خود را به دست گیرید تا کی نشسته اید که مقدرات شما را وا شننگتن (جبهه باطل) تعیین کند تا کی باید قدس شما در زیر چکمه تفاله های آمریکا و اسرائیل غاصب پایکوب شود تا کی سرزمین قدس فلسطین و مسلمانان مظلوم آن دیار در سلطه جنایتکاران بسر برند و شما تماشاچی باشید و بعضی حکام شما آتش بیار معرکه باشند. و پرچم دار جبهه حق پس از رحلت آن امام خوبیها روح الله،

و تنها راه مبارزه و مقاومت است.

انتفاضه فلسطین

در پی قساوت و رذالت بی حد و مرز اسرائیل مردم فلسطین به مبارزه و مقاومت تحت عنوان انتفاضه با این رژیم غاصب پرداختند. انتفاضه های که ضرباتی را در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، امنیتی و... برای این رژیم غاصب به وجود آورد و خانه سست تر از عنکبوت آنان را محکم لرزاند، انتفاضه های که تداوم آن اسرائیل و جبهه باطل را به نابودی کامل نزدیک تر می کند به شرط آنکه موانع انتفاضه با هوشیاری از جلوی مردم مظلوم فلسطین با همت خودشان و یاری دیگر کشورهای منادی حق برداشته شود که این مواقع عبارتند از:

۱. اختلافات درونی فلسطینیان: یکی از مواردی که همواره مانع جدی در راه شکل گیری انتفاضه بوده، اختلافات میان رهبران و گروه های فلسطینی است؛ به ویژه جریانی در درون فلسطینیان وجود دارد که به دلیل داشتن روابط گسترده با غرب و اسرائیلی ها در ابتدا برای اخذ امتیازاتی سعی در همراهی با قیام مردمی می کند ولی بعد از تأمین منافع، به اختلاف افکنی میان گروه ها می پردازد و مردم نیز با مشاهده اختلافات رهبران و گروه های سیاسی در تداوم راه خود متزلزل می شوند.

۲. عدم وجود راهبرد واحد و مشخص: هر تحول سیاسی همچون انتفاضه، برای تداوم حرکت خود و نتیجه بخشی آن، نیاز به یک راهبرد واحد و مشخص دارد. اگر چه برخی از گروه ها مانند حماس و جهاد اسلامی راهبرد خود را همچون گذشته بر اساس افزایش موج مقاومت و مشارکت فزاینده در روند انتفاضه قرار داده اند و رسانه های جریان مقاومت نیز تلاش زیادی در این روند دارند، ولی شاهد یک راهبرد ویژه و مشخص از طرف تمام گروه ها نیستیم که این امر نیازمند هماهنگی و همکاری بیشتر گروه های مقاومت دارد

۳. فتنه گیری اسرائیلی ها: یکی دیگر از موانعی که انتفاضه سراسری

مردم فلسطین را تهدید می کند، فتنه گیری صهیونیست ها به وسیله دستگاه امنیتی و جاسوسی خود است. دستگاه اطلاعاتی و امنیتی رژیم اسرائیل، در قالب شاباک و موساد، دارای سابقه ی طولانی دستگاه جاسوسی و ضد جاسوسی و همچنین نیروهای متخصص امنیتی است. این دستگاه ها با بهره گیری از شبکه جاسوسی و رسانه های گسترده، حوزه فعالیت خود را در میان برخی از مقام ها و گروه های فلسطینی پراکنده کرده است که در صورت ساده انگاری، می تواند مانعی در راه انتفاضه ایجاد نماید که در این زمینه فلسطینیان باید با هوشیاری زیادی تحولات را دنبال کنند.

۴. عدم حمایت فراگیر جهان اسلام: عموماً تحولات بزرگی همچون انتفاضه می بایست توسط دولت های خارجی حمایت شود. از جمله می توان به حمایت در عرصه سیاسی و همچنین مجامع بین المللی و منطقه ای و تأمین مالی، سلاح و کالاهای ضروری و استراتژیک گروه های فعال در این عرصه اشاره کرد. انتفاضه اگر چه مورد حمایت برخی دولت های مستقل همچون جمهوری اسلامی ایران و سوریه است، ولی نیازمند حمایت گسترده تر کشورهای اسلامی به ویژه کشورهای عربی همچون عربستان سعود، مصر و اردن می باشد در حالی که شاهدیم که این کشورها به شدت در این چند سال اخیر نسبت به قضیه فلسطین منفعلانه برخورد می نمایند.

۵. عدم تمرکز بر آرمان فلسطین: در چند سال اخیر بعد از رشد گروه های تکفیری مسلح در کشورهای منطقه، بسیاری از ظرفیت های فلسطینیان همچون نیروهای انسانی و توان عملیاتی، به جای حرکت در قضیه فلسطین، صرف ضربه زدن به کشورهای اسلامی و عربی شده است. اکنون با به پایان رسیدن عمر گروه های تکفیری و داعشی که نطفه آن را اسرائیل آبیست کرد، آمریکا مسئول پرورش و بزرگ کردن آن را بر عهده گرفت و تمام هزینه های آن را عربستان سعودی پرداخت نمود به دست نیروهای جبهه حق، امید است تمرکز بر آرمان فلسطین مظلوم بیش از پیش گردد.

دشمن مشترک

محمد صالح زندی :: دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه علوم تحقیقات تهران



بود که عده ای با سخنان و شعارهای ناپهنجار و تفرقه برانگیز خود، سعی در کم اهمیت؛ یا بطور کلی بی اهمیت جلوه دادن موضوع فلسطین در نزد افکار عمومی کشور، داشته و با سخنان دشمن شادکن و سردادن شعارهایی هم چون «نه غزه، نه لبنان»؛ نه تنها دل مردم مسلمان ایران، بلکه دل هر

در داخل کشور، سعی در القای شک و شبهه در این موضوع اساسی جهان اسلام دارند و با طرح سؤالاتی نامربوط و بی اساس می کوشند که اذهان جامعه مسلمان ایران را از این مسأله مهم دور سازند.

نمونه بارز و عینی این امر، پس از راهپیمایی روز قدس سال ۸۸ کاملاً مشهود

«من از عموم مسلمانان جهان و دولت های اسلامی می خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب اسرائیل و حامیان آن بهم پیوندند و جمیع مسلمین جهان را دعوت می کنم که آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می تواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد را بعنوان روز قدس اعلام نمایند.»

جملات بالا بخشی از سخنان تاریخی حضرت امام (ره) است که سرآغاز جنبشی جهانی؛ علیه رژیم صهیونیستی بود و تا به امروز نیز افراد زیادی از سراسر جهان به این ندای معمار کبیر انقلاب، لبیک گفته و در این روز مقدس، با راهپیمایی های گسترده؛ انزجار و تنفر خود را از اقدامات و جنایات دهنمنشانه این رژیم منحوس اعلام می نمایند.

اما بسی جای تعجب دارد که برخی افراد

آزاده ای که از دیدن عذاب فلسطینیان رنج می کشد را نیز به درد آورند. اولین سؤال اساسی که در این مورد به ذهن می رسد این است که؛ مگر ممکن است در کشوری که داعیه حمایت از فلسطین را داشته و خود را از پیشگامان در این عرصه می داند، چنین اقدامات ضد انسانی رخ دهد؟

شاید برخی افراد بگویند که این تعداد هنجارشکن، عده ای قلیل و اندک بوده اند، اما همین عده کم نیز ممکن است با بسط و القای تفکرات التقاطی خود اذهان مردم؛ بالاخص جوانان ما را تخریب نموده و از آنها در جهت اهداف شوم خود استفاده نمایند. پس همین امر نیز وظیفه ما را در برابر این تفکر انحرافی، مضاعف می کند که با تبیین و تشریح صحیح مسائل و بالا بردن سطح آگاهی همگان در موضوع فلسطین، در جهت مقابله با آن برآییم.

شاید بسیار شنیده باشید سؤالاتی هم چون: - موضوع فلسطین به ما چه ارتباطی دارد؟

- چرا با وجود تمامی گرفتاری ها و مشکلات داخلی باز هم باید به فکر مسأله فلسطین باشیم؟

و سؤالاتی از این دست؛ که ما سعی در پاسخ گویی مناسب و دقیق به این شبهات و سؤالات غیر واقعی داریم:

۱- ما بعنوان یک مسلمان وظیفه داریم از هم کیشان و هم مذهبیان خود در مقابل دشمنان مشترک، سکوت را جایز ندانسته و از آنها دفاع نماییم. در این مورد چه در کتاب الله و چه در فرموده های پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع)، تأکید و سفارش فراوان شده است. دین اسلام، دین رحمت و عطا و حمایت بین دوستان است و گزایشات قومی و نژادی و گروهی در آن راه ندارد. پس سخن به میان آوردن از اینکه ما ایرانی هستیم و منازعه بین عرب و عجم مسبوق بوده و ما را چه به حمایت از اعراب؛ کاملاً مردود است. در قرآن خدا آمده است: «محمدا رسول الله الذین معوا اشداء علی الکفار رحماء

بینهم» (فتح/۲۹) که این آیه اشاره مستدل و مستقیم بر وحدت و یکپارچگی و مهربانی با هم کیشان و هم مسلکان و برخورد شدید و قاطع با کفار و ظالمان داشته و دارد که مصداق عینی «الکفار» در جهان امروزی آمریکا و اسرائیل غاصبند.

۲- هویت ملی ایرانیان در تضاد آشکار با موجودیت اسرائیلیان قرار دارد بطوری که هیچ وجه اشتراکی فی مابین ما و آنها وجود نداشته و ندارد. عقاید، افکار، آداب، سنن، اندیشه، اعتقادات، نگرش و در یک کلام منافع ایران و اسرائیل در برابر هم قرار دارند که این امر نیز لزوم مبارزه با آنها را دوجندان می کند. بعنوان مثال؛ ترویج ایران هراسی و نشان دادن چهره ای موحش از ایران و ایرانی در نزد افکار عمومی بین الملل؛ تجهیز و تعلیم گروهک های ضد انقلاب در جهت اقدامات خرابکارانه در ایران و قربانی کردن هموطنان بی گناه و هم چنین جای دادن فرقه ها، گروه ها و سازمان های معاند و مخالف با مردم و نظام جمهوری اسلامی؛ تنها گوشه ای از فعالیت های این رژیم در جهت ضدیّت با ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران است که می توان به آنها اشاره کرد. عده ای در داخل این شبهه را مطرح می کنند که مگر ما با اسرائیل در حال جنگ رودرو و مستقیم هستیم که در مواجهه با آن تا این حد شدیدالعمل برخورد می کنیم؟

در پاسخ به این افراد می توان به چند نکته ضروری اشاره کرد:

احتمالاً طی این سال ها در میان مردم و رسانه های گوناگون، واژه ای بنام «جنگ نرم» را زیاد شنیده باشید. همانطور که از نام آن نیز پیداست؛ جنگ نرم، جنگی تن به تن و مستقیم، همانند جنگ های معمول نیست بلکه هدف از این نوع مقابله، ایجاد انحطاط فکری و عقیدتی در میان مردم هر کشوری، بوسیله رسانه های دیداری و شنیداری مهاجم، می باشد. حال می بایست این نکته را متذکر شد که ما در عصر حاضر در

جنگ نرم با آمریکا و اسرائیل و هم پیمانان آنها بسر می بریم که جنگی حتی سخت تر و فرسایشی تر از ۸ سال دفاع مقدس است. از این رو باید با تمامی قوا و ابزارهای کارآمد موجود در مقابل این هجمه تهاجمات نرم ایستادگی کرد.

درست است که ما با اسرائیل مرز مشترک نداشته و ظاهراً از جانب این رژیم خطری را احساس نمی کنیم ولی واقعیت امر حاکی از تهاجم وسیع این رژیم بشکل نرم است.

زمانی که ما در کشور اسلامی خودمان مواردی چون شعارهای هنجارشکنانه «نه غزه؛ نه لبنان» را مشاهده می کنیم با اندکی تأمل درمی یابیم که درجنگ نرم کنونی جواب «تک» رسانه ای دشمن را با «پاتک» افزایش آگاهی عموم درباره وجوب دفاع از مقاومت مردم مظلوم فلسطین؛ نداده ایم. این امر مؤید آن است که دشمن صهیونیستی نه تنها تالب مرزها بلکه تا درون خانه و خانواده و اذهان ما نیز پیشروی کرده و ما هم چنان با موضع تساهل و تسامح به این قضایا می نگریم.

البته امروزه نمی توان گفت که ما با اسرائیل هم مرز نیستیم زیرا گزارش های موثق حاکی از ایجاد پایگاه ها و حضور نیروهای اسرائیلی در مرز مشترک ما با کشورهای چون؛ جمهوری آذربایجان، ترکیه، منطقه خودمختار کردستان عراق و... است. به هر حال بحث و بررسی پیرامون ابعاد تهاجم دشمن صهیونیستی احتیاج به زمان و مجالی فراوان دارد اما نوشته هایی از این دست، تلنگری به من و شماست که اندکی به فکر فرو رویم و بدانیم اسرائیل نه فقط غاصب سرزمین مسلمان فلسطینی، بلکه «دشمن مشترک» تمام مسلمانان عالم است و مطمئناً پس از فارغ شدن از موضوع فلسطین و براساس شعار کذابی؛ «از نیل تا فرات» آرام نخواهد نشست و لکه ننگ آن دامان تمامی بلاد اسلامی را آلوده خواهد کرد.

تحلیل آینده قدس

رضا باغچری :: دانشگاه علوم فنون دریایی خرمشهر

رهبری محمود عباس و با نام تشکیلات خود گردان پا به عرصه ی سیاست راهبردی فلسطین گذاشته است که حل بحران فلسطین را در گرو مذاکره و سازش با اسرائیل میدانند و این گفتمان در میان فلسطینیان طرفدارانی دارد.

اما نگرش و گفتمان دیگر که به نوعی در مقابل گفتمان اول که سازش باشد قرار گرفته است، گفتمان مقاومت و ایستادگی در مقابل زور و زور تروییر و رژیم غاصب صهیونیستی است که با الگوبرداری از انقلاب اسلامی ایران ایستادگی را رمز پیروزی میدانند.

امروزه مسئله ی قدس به یکی از مهمترین مسائل استراتژیک دنیا تبدیل شده است. شاید زمانی که لرد بالفور وزیر امور خارجه ی انگلیس در نوامبر ۱۹۱۷ طی اعلامیه ای تشکیل رژیم جعلی صهیونیستی را رقم زد، این تصور وجود نداشت که مسئله فلسطین به این حد از پیچیدگی و دشواری برسد. البته فلسطینیان در طول این سالها از خود ایستادگی و مقاومت نشان داده و انتفاضه هایی را از سوی گروه های مقاومت در فلسطین شاهد بوده ایم.

اما در بحث حل بحران موجود دو نگرش و گفتمان در میان فلسطینیان وجود دارد. نگرش اول گفتمان سازش و مذاکره است که



تا جبهه ی مقاومت با فرماندهی سردار حاج قاسم سلیمانی، مشیت محکمی بر دهان زورگویان بزنند و درس خوبی به مستکبرین عالم بدهند.

اما در مقابل، گفتمان سازش در این سالها با توجه به بدعهدی های آمریکا با شکست مواجه شده است که نمونه بارز آن برجام و از دست رفتن تدریجی مناطق زیر نظر دولت فلسطین و به اشغال در آمدن این مناطق توسط اسرائیل است.

آینده ی قدس

جبهه ی مقاومت با رهبری مدبرانه ی آیت الله خامنه ای و وجود دلاورانی همچون سید حسن نصرالله و حاج قاسم سلیمانی، در جوامع بین المللی روز به روز فراگیرتر و در صحنه های نبرد پیروزمندان ظاهر می شود.

قدرت نظامی و موشکی جمهوری اسلامی ایران بعنوان یک کشور تاثیرگذار در منطقه و همچنین همراهی گروه ها و جریان های مقاومت مانند حوثی ها در یمن و حشدالشعبی در عراق و همچنین حزب الله لبنان، جهاد اسلامی و حماس در فلسطین مولفه های موثر در این نبرد هستند که باید بیداری دیگر ملت ها را هم به این مولفه ها اضافه کرد.

اما در جبهه ی استکبار، آمریکا و ایادی اش دچار اضمحلال و انزوا شده اند. مبین این موضوع این است که هنگامی که ترامپ قدس را بعنوان پایتخت اسرائیل اعلام کرد موجی از نارضایتی جهانی از این تصمیم به راه افتاد. امروزه میتوان به صراحت اذعان کرد که سیاست های آمریکا در منطقه با شکست روبرو شده است.

اما فلسطینیان خود مهمترین نقش را ایفا میکنند، همه ی چشم ها به فلسطینیان است که با وحدت کلمه و اتحاد و کنار گذاشتن عقاید مختلف، یکدل و هم صدا علیه اسرائیل به پا خیزند. در آخر شما را با فرموده ی مقام معظم رهبری بشارت به پیروزی حق علیه ظلم میدهم.

((اسرائیل بیست و پنج سال آینده را نخواهد دید.))

کشورهای تاثیر گذار در موضوع فلسطین

الف) کشور های حامی اسرائیل:

این کشورها هم پیمانان همیشگی ایالات متحده آمریکا و اسرائیل هستند که میتوان از آنها بعنوان جبهه ی استعمار و استکبار جهانی نام برد که کشورهایی چون آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان، عربستان، امارات و... هستند.

از تلاش های غربی ها میتوان به هولوکاست ساختگی یهودیان توسط هیتلر اشاره کرد که سعی داشتند با این کار زمینه سازی مهاجرت یهودیان سراسر دنیا را به فلسطین فراهم کنند.

ب) کشورهای مخالف حضور اسرائیل در فلسطین و حامی استقلال فلسطینیان: کشورهای حامی ملت مظلوم فلسطین همواره بر حفظ تمامیت ارضی فلسطین و عدم اشغال سرزمین های این کشور توسط بیگانگان، تاکید کرده اند. از این کشورها میتوان بعنوان جبهه ی مقاومت که در راس هرم آن جمهوری اسلامی ایران و رهبری مدبرانه ی حضرت آیت الله خامنه ای، قرار دارند نام برد که کشورهای عراق و سوریه به تبعیت از جمهوری اسلامی ایران خود را در این جبهه قرار دادند. البته میتوان گروه های مقاومت را نیز در زمره ی این کشورها و حامیان آزادی فلسطین به حساب آورد.

تاثیر انقلاب بر انتفاضه فلسطین

تا قبل از انقلاب اسلامی، رابطه ی رژیم غاصب صهیونیستی با دربار پهلوی و در راس آن محمدرضا پهلوی بسیار خوب بوده و دربار پهلوی از اشغال فلسطین توسط یهودیان حمایت میکرد و همچنین در سطح بین الملل به دلیل عدم وجود حکومت اسلامی مقتدر که بتوان بر محور آن با استکبار جهانی مقابله کرد؛ کشورهای اسلامی و مسلمانان در انزوا و گوشه گیری به سر می بردند.

اما با محقق شدن انقلاب اسلامی به رهبری بنیان گذار کبیر آن، حضرت امام خمینی(ره)، امیدها برای داشتن حکومتی که بتوان به پشتوانه ی آن با دشمنان جامعه ی اسلامی مقابله کرد در دلهای مسلمانان زنده شد.

انقلاب اسلامی معادلات همه ی سیاستمداران، اندیشمندان و جهانیان را به هم ریخت و ورق را به نفع مستضعفان برگرداند و همچنین این پیام را به جهانیان صادر کرد که میتوان با پشتوانه ی مردم و با مقاومت در برابر زورگویان به پیروزی رسید و این پیام سرمنشا بیداری ملت های اسلامی شد و انتفاضه فلسطین یکی از برکات انقلاب اسلامی است. حضرت امام خمینی(ره) که از شخصیت های تاثیر گذار در حمایت از انتفاضه ی فلسطین بوده است فرمودند: ((اگر ملت اسلامی بیدار نشوند و به وظایف خود آگاه نگردند و اگر علمای اسلام احساس مسئولیت نکنند، روزهای سیاه و نکبت باری برای جامعه ی اسلامی در پیش است.)) از دیگر اقدامات حضرت امام، اعلام کردن آخرین جمعه ی ماه مبارک رمضان بعنوان روز قدس است که ایشان اعتقاد داشتند که روز قدس روز جهانی است، روز مقابله ی مستضعفین و مستکبرین است، روز حیات اسلام است. همچنین ایشان در جمله ای تاریخی فرمودند: ((فلسطین پاره ی تن اسلام است.))

برنامه ریزی غربی ها برای خاور میانه

با توجه به اینکه، مسئله ی فلسطین و قدس بعنوان مسئله ی جهان اسلام قلمداد شده است غربی ها بر آن شدند تا جهان اسلام را از این مسئله دور کنند که این امر با تشکیل داعش محقق شد. البته با طرح های دیگری همچون خاورمیانه جنگ و خاورمیانه صلح نیز اهدافی را ترسیم کرده بوده اند که به لطف بیداری ملت های اسلامی و البته رهبری آیت الله خامنه ای ناکام ماند.

مقاومت یا مذاکره، کدام راه حل؟

پیروزی بزرگ جبهه ی مقاومت در نبرد علیه داعش در منطقه که به نوعی نبرد مقابل اسلام و کفر بود و همچنین شکست آمریکا و غرب که با دلارهای سعودی از داعش حمایت میکردند، باعث شد

انتفاضه

رهرا حیدری :: دانشجوی دانشگاه صنعتی شیراز

هستند و ما یعنی امت واحد اسلامی باید به فرماندهی ولی امرمان مسلح به سلاح ایمان و معتقد به کلام خدا که زمین را میراث صالحان دانسته است بپا خیزیم و در تمامی عرصه ها مواضع خود علیه رژیم غاصب صهیونیستی و حامیانش را اعلام نماییم و به خاطر داشته باشیم اسرائیل همان است که به فرموده ی امام خمینی (ره) اگر هر مسلمان یک سطل آب بر روی آن بریزد آب آن را خواهد برد و به گفتار روشن و امید بخش رهبر عزیزمان ۲۵ سال آینده را نخواهد دید مسلح به نور ایمان و متحد به کلمه ی واحده الله امت اسلامی می تواند نابودی این غده ی سرطانی را رقم بزند و زمینه ساز حکومت عدل علوی به دست مهدی موعود (عج) شوند.

به امید فرج
حضرت حجت ارواحنا له الفداء

ی جهانی است به سفارش شیطان لعین در تلاش برای حذف تمامی نوع بشر و انحصار جامعه ی انسانی به نژاد یهود، قدرتی که به هیچ کس به جز خود رحم نکرده و برای قطع نسل سایر نژاد ها برنامه بلند مدت دارد.

رژیم غاصب صهیونیستی تنها دشمن مردمان شریف و غیور فلسطین نیست و اگر بر روی نقشه غضب و هجوم آن به فلسطین محدود می شود در سایر عرصه ها قصد بر اندازی کل جامعه انسانی را دارد به فرماندهی شیطان رجیم.

و اگر ولی امرمان بارها و بارها فلسطین را مسئله ی اول جامعه مسلمان می دانند برماست که بدانیم و آگاه باشیم که هدف دشمن تنها غصب یک سرزمین نیست؛ مردمان شریف فلسطین با دست های خالی به جنگ با رژیم صهیونیستی برخاسته اند و خط مقدم دفاع از حریم اول قبله ی مسلمین

حرکت جوهره هستی انسان همراه با نیرو و سرعت ناشی از رنج و ظلمی که جماعتی شبیاد روا داشته اند می شود انتفاضه؛ اما در لغت در دنیای امروز که مظلومان عالم شاهد جهان خواری اسرائیل و حامیانش هستند در سیاستی که آمریکا را کدخدای دهکده جهانی میدانند جایی که گروه های تکفیری از طالبان تا داعش همه از یک منبع تاریک ظلمت به ارث می برند انتفاضه یعنی عملکرد معترضان و شجاعانه مستمر اعتراض به حق خورده شده و شجاعت ناشی از جهان بینی والای اسلامی دیدگاه کامل و بی نظیر حضرت خاتم المرسلین که عدالت و برابری شیوه ی آن و ظلم ستیزی از مظاهر دیانت در آن است. قیام مردم با دست های خالی از سلاح و قلب های مسلح به نور ایمان در مقابل نماد ظلم و جلوه گاه جور قدرتی از جنس تار عنکبوت که در اندیشه ی تسلط بر جامعه

احتضار صهیونیسم؛ اضمحلال اسرائیل

محمد صالح زندی :: دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه علوم تحقیقات تهران

اضمحلال صهیونیست ها مثل روز روشن و ناکارآمدی اسرائیل بر همگان مبرهن است. رژیمی که قرار بود نشان نجم داوودی را بین نیل تا فرات بگسترده، اینک به اندک نیز قانع شده و در همان زمین های مغضوب جا خشک کرده است.

شکست ننگین در جنگ ۳۳ روزه با حزب الله لبنان، عدم توفیق در جنگ ۲۲ روزه غزه، از دست رفتن بزرگترین حامی عرب اسرائیل در منطقه، تظاهرات و نا آرامی های مردمی در سرزمین های اشغالی و الی ماشاءالله... از جمله ضربات مهلکی بودند که دیگر رمقی برای این رژیم منحوس باقی نگذاشته اند.

داستان اما به همینجا ختم نمی شود. بسی ساده انگارانه خواهد بود اگر تصور کنیم که دشمن صهیونی به همین سادگی گوساله سامری را سر بریده و دو دست خویش را به علامت تسلیم بالا خواهد برد. دانشوران ماسونی و صهیونی به سادگی میدان را خالی نخواهند کرد چراکه سیاست های شیطانی آنان ابعاد وسیع تری را در برمی گیرد.

صهیونیست ها دریافته اند که در مقابله رودرو و مستقیم توفیقی نخواهند یافت، لذا معارضه را به دیگر میادین کشانده و محاربه را در سایر جبهه ها دنبال می کنند. مقصود آنان از این عمل، تحلیل قوا و تضعیف توان ملت های حوزه مقاومت اسلامی ست.

یکی از این میادین، «جبهه سوریه» است. آنها برای انتقام از موج بیداری اسلامی، غائله سوریه را به راه انداختند چراکه این کشور بعنوان متحد اصلی محور مقاومت، از مهمترین مخاطرات اسرائیلیان بشمار می رود. همزمان با وقوع حوادث سوریه رسانه های غربی به پوشش خبری وسیع آن پرداخته و با بزرگنمایی، تظاهرات مسالمت آمیز مردمی که تنها خواهان اجرای اصلاحاتی مختصر بودند را به خیزشی سراسری برای سرنگونی نظام سوریه تعبیر و تفسیر نمودند. این اقدام درحالی انجام گرفت که همزمان با بحران در سوریه و یا حتی پیشتر از آن، مردم کشورهای چون بحرین، اردن و عربستان



ضرری مضاعف وارد خواهد آورد. تدابیر دشمن صهیونی در مقابل جبهه مقاومت به حوزه های ملموس خلاصه نشده و آنان در سطوح نامحسوس نیز برنامه های گسترده ای را تدارک دیده اند. بنی اسرائیل پس از قطع امید از تسخیر «ارض نیل تا فرات» به تسخیر «قلوب اهالی نیل تا فرات» روی آورده اند. «جنگ نرم» رژیم اسرائیل و متحدانش با کشورهای مسلمان و بالاخص ایران اسلامی در همین راستا تعریف و تحلیل می شود. هدف از این نوع مقابله نیز ایجاد انحراف فکری و عقیدتی در اذهان مردم به وسیله رسانه های دیداری و شنیداری مهاجم است. رسانه هایی که تمام تلاششان سوق دادن افکار عمومی به سمت و سوی مسائل فرعی و دست پندم است تا «ارزش ها را بی ارزش» و «آرمان ها را دست نیافتنی» جلوه دهند. «توهم توطئه» ای در کار نیست؛ چراکه تمامی اینها حقیقت اند و از واقعیت های موجود نتوان چشم پوشی کرد. زنگ خطر مدتهاست که به صدا درآمده؛ اسرائیل در همین نزدیکی هاست؛ جمهوری آذربایجان و ترکیه و کردستان عراق، حیات خلوت صهیونیست هاست. فی الحال دشمنی با اسرائیل عین حمایت از منافع ایران اسلامی است. غرض آنکه با وجود تمام چندجبهگی های موجود در نبرد با دشمن صهیونیستی نباید از اصل فارغ شد و می باید ریشه این شجره ملعونه را منقطع کرد. فلذا هم اینک شیشه عمر ام الفساد خاورمیانه ترک برداشته و تنها تلنگری کوچک آنرا خواهد شکست.

نیز برای احقاق حقوق از دست رفته شان دست به احتجاجات و تظاهرات گسترده ای زدند اما با بی اعتنایی و بی توجهی همان رسانه هایی مواجه شدند که تظاهرات در سوریه را انقلاب و اعتراضات در سایر کشورها را درگیری هایی آرام و پراکنده توصیف می کردند! در جبهه بعدی «موضوع هسته ای» جمهوری اسلامی ایران در دستور کار آنان قرار گرفت. در همین ارتباط چندی سالی است که شائبه حمله قریب الوقوع اسرائیل به تأسیسات هسته ای ایران، به خبر فوری شبکه های صهیونی بدل شده است. در گزاف بودن این مدعا و کذب بودن این خبر همین بس که برخی از سران احزاب مخالف دولت نتانیاهو در نامه ای بر این امر اذعان داشتند: «در شرایط کنونی که اسرائیل در تأمین امنیت مرزهای خود با مشکلات عدیده ای روبروست، درگیری با کشوری هم چون ایران حماقت محض خواهد بود». موضوع دیگری که در حوزه هسته ای مورد تأکید این رژیم و رسانه های وابسته به آن قرار گرفت، بحث «تحریم نفتی» ایران و نیز «متناع جامعه بین الملل از مراودات اقتصادی» با جمهوری اسلامی بود اما آنان این نکته اساسی را از یاد برده بودند که تحریم اقتصادی جمهوری اسلامی که با ۱۶ کشور مرز مشترک داشته و به آب راه های مهم جهان دسترسی دارد، بی معنی خواهد بود و ایضاً ایران کشوری ست که با داشتن تنها یک درصد جمعیت جهان، دارای بیش از ۱۲ درصد منابع معدنی و زیرزمینی دنیاست. با این حساب بایکوت اقتصادی چنین کشوری به تحریم کنندگان آن

جبهه مقاومت در بزنگاهی سرنوشت

علی دلمی :: دانشگاه اراک



آمریکا به عنوان بزرگترین حامی رژیم صهیونیستی، اکنون با مشکلات عمده ای دست به گریبان است. مشکلات اقتصادی، اجتماعی و بین المللی باعث شده اند تا ایالات متحده آمریکا هم زمان هم در حال شکست در اقتصاد جهانی باشد و هم حوزه نفوذش هر روز کوچکتر شود. تا جایی که فقط هشت کشور کوچک و غیر مهم حاضر شدند تا واشنگتن را در اعلام قدس به عنوان پایتخت رژیم جعلی اسرائیل همراهی کنند. اروپا نیز که همواره دوست و دشمن خود

و قیام هزاران کاوه در کالبد مدافعین حرم باعث شد تا پرچم جمهوری اسلامی ایران به مثابه درفش کاویان تمام آزادی خواهان را زیر بیرق خود جمع کند و جهان اسلام بتواند دوست را از دشمن بشناسد. حال که سربازان ما پشت مرزهای اراضی اشغالی ایستاده اند و دیگر دوست از دشمن و شهید از جلاد شناخته شده است و بعضی از فریب خوردگان نیز به مقاومت برگشته اند، وقت آن رسیده تا با چند حرکت خردمندانه دشمن را کیش و مات کنیم.

بی گمان در حال حاضر، محور مقاومت فرصتی بی نظیر پیش روی خود دارد. فرصتی برجسته و حاصل خون تعداد بی شماری شهید. به جرئت می توان گفت که طی صد سال گذشته و از زمان صدور اعلامیه بالفور، کمتر زمانی وجود داشته است که فلسطینیان این چنین به پیروزی نزدیک بوده باشند، چرا که در طول سالیان مبارزه علیه رژیم اشغالگر قدس، هر زمان که ظفر نزدیک بوده دو عامل مانع کامیابی شده اند. اختلاف میان مسلمین و دشمنان دوست نما. همانطور که شهید دکتر مصطفی چمران در سخنرانی پیش از خطبه های نماز جمعه تهران، مورخ ۵ اردیبهشت ۵۹ فرمودند: «ما در مصر با جمال عبدالناصر مباحثه مفصلی داشتیم و به او نشان دادیم که این بازی استعمار است تا فکر خلیج عربی و شعارهای افراطی نسیونالیستی را میان برادران عرب توسعه دهد و عرب را به جان ایرانی و ایرانی را به جان ترک و ترک را به جان عرب بیندازد تا بتواند از اختلاف میان این برادران استفاده کند». حال به لطف الهی از یک سو شاهد وحدت کلمه میان شیعه و سنی و عرب و عجم هستیم و از سوی دیگر شاهد رسوایی خائنینی چون آل سعود و آل خلیفه. همچنین ظهور ضحاکي چون داعش و به صحنه آمدن سپاه قدس چون فریدون

مقاومت مردم ویتنام در کنار اعتراضات گسترده مردم آمریکا باعث پایان جنگ شد. و نقش رسانه‌ها در این امر بسیار جدی بود. در حال حاضر جامعه آمریکا مانند دهه ۶۰ میلادی آماده انفجار است و ما باید از این قضیه به نفع خودمان استفاده کنیم تا کاخ سفید برای کمک به تل آویو از ناحیه خود جامعه آمریکا به طور گسترده مورد بازخواست و سرزنش قرار بگیرد. برای مثال تصور کنید که در جنگ بعدی میان مقاومت و رژیم صهیونیستی، که پیشتر از احتمال وقوع آن صحبت کردیم، یک فروند جنگنده اف-۳۵ توسط سامانه پدافندی ساخت ایران سرنگون شود. جنگنده‌ای که ساخت آن بیش از ۴۵۰ میلیارد دلار هزینه داشته است توسط یک موشک بسیار ارزان منهدم شود. در این صورت ما می‌توانیم با صحبت از اختلاف طبقاتی وحشتناک در جامعه آمریکا در حالی که بودجه پنتاگون ۷۰۰ میلیارد دلار است و این بودجه نظامی عظیم عملاً کاربردی هم ندارد، جامعه آمریکا را متقاعد سازیم تا دولت خود را برای ماجراجویی‌های نظامی و ایضا کمک به رژیم صهیونیستی مورد سرزنش قرار دهد.

در مسیر حمایت از مبارزه مردم فلسطین تنها چیزی که می‌تواند جلوی ما را بگیرد خودمان هستیم. همانطور که حافظ شیرازی میگوید:

**میان عاشق و معشوق هیچ حائل نیست
تو خود حجاب خودی حافظ از میان بر خیز**

اگر از خودمان ضربه نخوریم، آینده قدس و اسلام روشن است.

ضعف سامانه‌های دفاعی مقاومت، که عمدتاً ایرانی هستند. به خصوص سامانه‌های پدافندهوایی، موشک‌های بالستیک و کروز و موشک‌های ضدتانک که طی سالیان اخیر پیشرفت‌های زیادی در این زمینه‌ها داشته‌ایم.

در حال حاضر آینده سرزمین فلسطین، آینده یک تفکر است. تفکری که امام راحل آن را بنیان نهادند. تفکری برگرفته از فرهنگ عاشورا و برپایه مهدویت. تفکری که باعث شد تا مقاومت شیعیان در برابر اشغالگران قدس، علیرغم جوان تر بودن، موفق‌ترین باشد. اکنون که فلسطینیان دریافته‌اند کنفرانس مادرید و پیمان اسلو جز برای فریب دادن آنها نبوده و لبنان هم آماده تر از همیشه است و سوریه نیز با پشت سر گذاشتن بحرانی بزرگ آماده پس گرفتن سرزمین‌های اشغالی خود شده و عراق هم به فتوای مرجع گرانقدر آیت الله سیستانی، مانند ایران بسیج مردمی تشکیل داده است و قطعنامه‌های سازمان ملل هم متأسفانه نمی‌توانند جلوی رژیم صهیونیستی، این ماشین کشتار و غده سرطان، را بگیرند، ما می‌توانیم با رهبری این جنبش (فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم)، مخصوصاً اینکه با تکمیل راه آهن غرب در آینده نزدیک و اتصال به راه آهن عراق و سوریه می‌توانیم خیلی راحت تا بندر لاذقیه سوریه نیرو بفرستیم. البته در این مسیر نباید از قدرت رسانه‌ها غافل شویم. فعالیت رسانه‌ای همیشه یکی از بزرگترین نقاط ضعف جمهوری اسلامی ایران بوده است. فراموش نکنیم که در جنگ ویتنام،

را براساس منافع تعیین می‌کرده و می‌کند، طی یک سال گذشته با آمریکا از در ناسازگاری وارد شده و گویا منافعی با منافع کاخ سفید به تضاد رسیده است. دونالد ترامپ هم به عنوان یک تاجر از همان ابتدا می‌دانست که رفقای قدیمی واشنگتن دیگر چک آمریکا را پاس نمی‌کنند. روسیه و چین هم حتی اگر ظاهر دوستانه نشان بدهند از هر فرصتی برای خالی کردن جیبش استفاده خواهند کرد. ترامپ در چنین شرایطی؛ به دنبال یک پادوی جدید به خاورمیانه آمد و ناتوی عربی را بنیان نهاد. اینگونه با یک تیر سه هدف را نشانه رفت. هم حوزه نفوذ جدیدی برای کاخ سفید دست و پا کرد، هم پول سرشاری به جیب زد و مهم‌تر از همه موقعیت مناسبی برای مقابله با ایران و محور مقاومت فراهم ساخت.

امریکا به خوبی می‌داند که هدف محور مقاومت پس از پاکسازی سوریه از گروه‌های تکفیری، آزادسازی جولان است. پس هر اقدامی می‌کند تا مانع این کار شود. و گویا دوباره به سراغ همان روش اختلاف بیانداز و حکومت کن رفته است. فتنه بارزانی، استعفای حریری، حمایت از گروه‌های مخالف دولت سوریه، تلاش برای اعلام قدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی و ایجاد آشوب در ایران نمونه‌ای از این تلاش‌ها بودند که به لطف پروردگار هیچکدام به سرانجام نرسیدند. اقدام بعدی شاید شروع دوباره جنگ علیه ائتلاف ۸ مارس لبنان و در راس آن حزب‌الله باشد. جنگی که در آن علاوه بر تضعیف حزب‌الله یک هدف دیگر را هم دنبال می‌کند؛ شناسایی نقاط قوت و



یکصدا! قدس

رضاخسروی :: دانشجوی دانشگاه بیرجند



که نه تنها برای مردم خودش بلکه برای مردم جهان خطرناک است. ۴- سرنوشت مشترک: امروزه هر اتفاقی که در فلسطین رخ می دهد به طور مستقیم بر سرنوشت کشورهای اسلامی اثر می گذارد امروزه باید ملت های اسلامی جهان هر کاری که می توانند انجام دهند تا یک قدم در جهت آزادی فلسطین از چنگال این رژیم غاصب صهیونیستی برداشته شود که این امر به نفع خودشان نیز هست.

در پایان باید گفت که کشورهای اسلامی باید یک سری کارها در راستای ارتقا موضوع فلسطین در سطح جهان انجام دهند که در نهایت به آزادی فلسطین منجر شود:

باید به توانمندسازی گروه های فلسطینی از جمله حماس و جهاد اسلامی در ابعاد مختلف از جمله سیاسی، اقتصادی و نظامی پرداخته شود و این حمایت ها از این گروه های فلسطینی تداوم یابد؛ که توانمندسازی این گروه های بایستی از طریق بازسازی مجدد آن ها در راستای ایفای نقش های جدید در حوزه فرهنگی، سیاسی، تبلیغاتی، دیپلماتیک باشد. همچنین باید توجه داشت که این گروه ها عمدتاً در شرایط تغییر نسل و وضعیت جانشینی در آستانه تعویض قدرت هستند.

سپس افزایش ارتباط با تمامی گروه های فلسطینی: که باید تمام کشورهای اسلامی ضمن اینکه برای تداوم مقاومت نمی تواند از گروه هایی چون حماس و جهاد اسلامی بی نیاز باشد، اما با توجه به بروز نگرش های منفی در حماس و گرایش های این گروه به ترکیه، قطر و بعضاً عربستان، باید ارتباط بیشتری با سایر احزاب و شخصیت های سیاسی فلسطینی صورت داد. عدم ارتباط با جریانات مختلف در فلسطین موجب کمرنگ شدن فعالیت های درباره فلسطین می شود. در این زمینه گروه فتح علیرغم فاصله با مواضع کشورهای از جمله ایران باید مورد توجه ویژه تری قرار گیرد.

اکنون دنیای اسلام با مشکلات فراوانی مواجه است و وحدت کلید رفع این مشکلات است. باید همه کشورهای اسلامی و عربی منطقه اختلافات را کنار بگذارند و مسئله فلسطین اولویت اول کشورهای مسلمان و محور اصلی مسائل جهان اسلام قرار گیرد.

علیرغم گذشت ۷ دهه از اشغال سرزمین فلسطین توسط اسرائیل غاصب جامعه بین الملل هیچ کاری برای پایان دادن به اشغال فلسطین انجام نداده است همچنین در برخی از این موارد سازمان ملل با کشورهای غربی در جهت پایداری رژیم اشغالگر صهیونیستی هم اقداماتی انجام داده است از جمله حضور نماینده اسرائیل در سازمان ملل و برخی امتیازات دیگر که به این رژیم اشغالگر داده شده است. امروزه جامعه فلسطین از ساده ترین حقوق انسانی از جمله تعیین حق سرنوشت و داشتن یک کشور مستقل در سرزمین خود و حق امنیت محروم اند و کودکان فلسطینی با توجه به بمب باران رژیم اشغالگر اسرائیل بسیاری از مدارس آن ها خراب شده اند و اکنون بسیاری از این کودکان از تحصیل محروم هستند.

باوجود همه این جنایات رژیم اشغالگر صهیونیستی همواره تحت حمایت گسترده کشورهای غربی و ایالات متحده آمریکا بوده است و در مقابل، مردم مظلوم فلسطینی در اثر اختلافات کشورهای مسلمان تنها مانده اند. به همین جهت مسلمانان و آزادگان جهان باید همراه با وحدت و با حمایت خود از مردم فلسطین به این ظلم پایان دهند و زمینه را برای احقاق حق مردم فلسطین و کشوری مستقل و خالی از اشغالگران صهیونیستی فراهم کنند.

کشورهای غربی با ایجاد درگیری داخلی و اختلافات درونی در کشورهای جنوب غرب آسیا (به قول خودشان خاورمیانه) قصد دارد تا افکار عموم مسلمانان جهان را از مسئله فلسطین منحرف کنند تا از این طریق امنیت و پایداری اسرائیل را تأمین کنند.

متأسفانه در متن این سیاست خطرناک که کشورهای غربی به دنبال آن هستند بسیاری از بازیگرانی از کشورهای جهان اسلام و منطقه در جهت همکاری در ایجاد ناامنی با دشمن شریک شده اند که در نتیجه عملکرد آن ها شاهد ناامنی و درگیری وسیع در کشورهای همچون سوریه، عراق، یمن، افغانستان و لبنان بوده و هستیم. تکفیری های داعش سربازان اصلی عمل کننده این میدان بازی بودند و در سطح منطقه هم رژیم هایی همچون ترکیه، عربستان، قطر و اردن در این بازی که در جهت گسترش ناامنی در منطقه ساخته و پرداخته شده بود همکاری می کنند و از تمامی امکانات و ظرفیت خود در جهت بقای رژیم اشغالگر صهیونیستی استفاده می کنند.

حالا باید همه کشورهای اسلامی، فلسطین را موضوع مشترک خود قرار دهند دلایل آن از جمله:

۱- به خاطر توطئه استعمار: هیچ یک از ملت های جهان با چنین توطئه روبه رو نبوده اند که در یک توطئه مردم یک کشور را از سرزمین مادری خود بیرون کنند و مردم سایر مناطق جهان به آنجا سفر کنند و در آنجا ساکن شوند.

۲- نقشه دشمن برای کشورهای اسلامی: نقشه صهیونیست این بود که از نیل تا فرات را بگیرند. قرار بود آن ها ابتدا جای پای خود را در سرزمین های اشغالی محکم می کنند و بعد به دیگر کشورهای اسلامی که در مسیر نقشه آن ها است به ترفندهای مختلف از جمله حمله به آن کشور یا ایجاد گروه های تندرو در آن ورود پیدا کنند تا دستپایی به نقشه خود در آن سرزمین ها.

۳- پایگاه نظامی برای استکبار: این رژیم اشغالگر در حساس ترین نقطه از جهان اسلام سکنا گزیده است. این سرزمین می تواند برای کشورهای استکبار جهانی که همیشه در فکر نابودی مسلمین هستند پایگاه نظامی خوبی باشد تا در زمان خطر یا حمله نظامی بتوانند از این سرزمین برای خود استفاده کنند؛ و همچنین رژیم اشغالگر فلسطین یکی از تولیدکننده های سلاح هسته ای است

قدس شریف فریاد یک امت

عبدالله نایاب :: دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه شیراز

هستند.

صبغت‌الله مجددی، رئیس شورای احزاب سیاسی و جهادی افغانستان:

هیچ‌گاه قبول کرده نمی‌توانیم که بیت المقدس مرکز یهود باشد، زیرا این منطقه از زمان‌های سابق مرکز مسلمانان بوده است.

مردم فلسطین در برابر این کار امریکا تنها نخواهند، تا آخرین قطره خون خود برای دفاع از فلسطینی‌ها دفاع و از آنان حمایت خواهد کرد.



عبدالرب رسول سیاف از شخصیت‌های شناخته شده و رئیس حزب دعوت اسلامی افغانستان:

در واکنش به رسمیت شناختن قدس به عنوان پایتخت اسرائیل گفته که اقدام امریکا در مورد به رسمیت شناختن قدس به عنوان پایتخت اسرائیل، یک اشتباه بزرگ و جبران ناپذیر است و از عواقب ناگوار آن هشدار داد. عبدالرب رسول سیاف انتخاب شدن بیت‌المقدس را به عنوان پایتخت اسرائیل به زدن سیلی به روی تمام مسلمانان تشبیه کرد و گفت که امریکا باید برای خوش ساختن دولت اسرائیل دست به این اقدام نمی‌زد. امریکا نه تنها مسلمانان تمام جهان بل که مردم خود را نیز خفه کرده و خاطر نشان ساخت که باید آن کشور درباره این تصمیم خود غور کند، در غیر آن با نتایج خیلی ناگوار روبرو خواهد شد.



دکتر عبدالله رئیس اجراییه دولت افغانستان:

بیت‌المقدس، پایتخت فلسطین است نه رژیم اسرائیل، افغانستان هیچ‌گاه بیت‌المقدس را به عنوان پایتخت رژیم اسرائیل به رسمیت نمی‌شناسد و همواره از حقوق ملت فلسطین حمایت خواهد کرد.



حجت الاسلام والمسلمین حسینی مزاری رهبر حزب اسلامی تبیان و صاحب امتیاز خبرگزاری صدای افغان (آوا):

برگزاری تظاهرات روز جهانی قدس و توجه به موضوع اهمیت



قدس، قبله نخستین و حرم دوم مسلمانان جهان، وطن میلیون‌ها آواره فلسطینی است که استکبار جهانی آن سرزمین را از دست ساکنانش خارج ساخت و تحت سلطه نیروهای اشغالگر قدس قرار داد.

از همان نخستین سال‌های اشغال پاره تن اسلام با مقاومت فلسطینیان و اعتراض مسلمانان و دیگر انسان‌های آزاده جهان، نهضت مقابله با اسرائیل و حمایت از فلسطین مظلوم شکل گرفت. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، ملت‌های مسلمان به ویژه پس از صدور پیام تاریخی امام خمینی (رحمت الله علیه) در سال ۱۳۵۸ مبنی بر نام گذاری آخرین جمعه ماه رمضان به عنوان روز جهانی قدس، مسئله آزادسازی فلسطین مرزها را در نوردید و فریاد یک امت شد، از این رو، همه ساله، روز قدس را به روز فریاد کشیدن امت اسلام و آزادگان جهان بر سر ستمکاران تاریخ تبدیل کرد. روز جهانی قدس به عنوان نمادی از وحدت و یکپارچگی امت اسلامی در برابر استکبار جهانی به هدف آزاد سازی فلسطین از چنگال رژیم غاصب اسرائیل هر سال باشکوه تر از سال گذشته در سراسر جهان با راه اندازی گردهمایی‌هایی بزرگ برگزار می شود. آزادی قدس، قبله نخستین و حرم دوم مسلمانان جهان و سرزمین میلیون ها آواره فلسطینی به آرزوی هر مسلمان و انسان های آزاده تبدیل شده و همه ساله با فرارسیدن روز قدس فریاد عدالتخواهی از سراسر جهان بلند می شود. مردم افغانستان نیز که در کشور خود سابقه خونبار تجاوز را دارند و قربانی چندین متجاوز در تاریخ معاصر خود می‌باشند، بدون شک بیشتر از دیگران رنج و درد ملت مظلوم فلسطین را احساس می کنند. و هر سال همزمان با فریاد عدالت خواهانه امت اسلامی و ملت های آزاده در شهرهای مختلف افغانستان ندای حمایت از قدس شریف سر داده می شود.

در اینجا دیدگاه برخی از شخصیت های افغانستان را در مورد قدس شریف و ملت مظلوم فلسطین می آوریم.

محمد اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان:

قدس، هسته هویت مسلمانان است و افغان ها از حق مردم فلسطین در مورد بیت المقدس



حمایت می کنند. مسجد الاقصی به عنوان هسته هویت مسلمانان جهان نام برد و خاطر نشان کرد که مردم افغانستان در این زمینه با فلسطینی ها همدردی می کنند و هم دل

چند بعدی بیت‌المقدس و تلاش برای آزادی این سرزمین نه تنها برای مردم افغانستان چالش برانگیز نیست که فرصتی برای افشای چهره استکبار، تبیین شیوه های مبارزه با ظلم و ستم و روشنگری پیرامون خطر بالفعل و بالقوه منطقه ای و جهانی اسرائیل و فراهم کردن زمینه وحدت شیعه و سنی در کشور است. روز جهانی قدس به همت والای شخصیت عالیقدر جهان اسلام حضرت امام خمینی (ره) بنیانگذاری شد، شخصیتی که توطئه ها و دسیسه های مسموم کننده و شکننده صهیونیسم جهانی را در برابر اسلام و مسلمین به خوبی درک کرده بود، در ادامه این مبارزات سنگین و کوبنده ی حضرت امام خمینی (ره) خلف صالحش حضرت امام خامنه ای امروز در راس این حرکت قرار دارد و نه تنها تاکید دارد بلکه فرمان جدی خویش را در ادامه برگزاری هر چه با شکوه تری این روز جهانی اعلام کرده است.



آیت الله ساجدی، عضو شورای علما و موسس مدرسه زینبیه کابل:

روز قدس به عنوان روز وحدت مسلمانان است، که آخرین جمعه ماه مبارک رمضان توسط امام خمینی (ره) به عنوان روز قدس مسمی شد و امروز از برکت این روز وحدت مسلمین بیشتر شده است. آقای ساجدی در ادامه تاکید کرد که همه ما مسوولیت داریم که در مقابل گناه و منکرات ایستادگی کنیم و اگر در مقابل منکرات سکوت کنیم، همان منکر به ما مسلط خواهدی شد. ساجدی از اسرائیل به عنوان منکر ترین منکرات یاد کرد و افزود که در میان منکرات اگر جلو یکی از منکرات گرفته نشود از اسلام و دین چیزی باقی نخواهد ماند. آن منکر در زمان کنونی اسرائیل و حامیان آن می باشد. امروز برخی مسلمانان در خدمت مسلمانان و برخی دیگر در خدمت طاغوت و امریکا است. افرادی که شامل گزینه دوم می شوند با آنکه می دانند امریکا و اسرائیل دشمن مسلمانان و مردم مظلوم فلسطین هستند، اما با ذلت تمام از آنان پذیرایی می کنند.

مولوی مختار مفلح رهبر نهضت اسلامی افغانستان:

می‌خواهم رک و راست بگویم که ما در برابر قضایای جهان اسلام تا حدود زیادی بی تفاوت باقی مانده ایم و



حساب خود را از برادران خود در کشمیر، سومالی، الجزایر، عراق، فلیپین، بوسنیا، کوسوفو و در رأس همه، قضیه قدس شریف جدا کرده ایم و یا به تعبیر دیگر جدایمان کرده اند! اکنون عزیزان بجا می‌دانیم تا به اصل خود برگردیم و روزگار وصل خویش را باز بجویم.

آنچه برای ما به عنوان ملتی که با جهاد آشنا و با الفبای مقاومت بلد است به عنوان وجیهه مطرح است این است که با زنده نگه داشتن روحیه جهاد، از فلسطین به حمایت برخاسته و همواره از طرق مختلف بر حامیان این رژیم، خطرناک بودن حمایت بی قید و شرط از آن را گوشزد نماییم. در برابر آنچه به نحوی به منافع رژیم اسرائیل بر می‌گردد، حساس بوده و این تحریم را از عرصه سیاسی شروع تا عرصه های اقتصادی و اجتماعی تداوم بخشیم.

در برابر آنچه به تحریک و دسیسه سازی رژیم در منطقه ذریعه کشور هایی که در نقش پیش مرگ آن نظیر امریکا و انگلیس و حلفای آن کار می‌نمایند، بسان آشوب آفرینی و تنش و تشنج زایی مقاومت کرده و نا بسامانی ها و هرج و مرج در عالم اسلام را فقط کار و توطئه سازمان یافته اسرائیل دانسته و به جدیت خطر این دشمن انسانیت اذعان کرده و راه های جلوگیری آن را بسنجیم.

ژنرال عطا محمد نور رئیس اجرای حزب جمعیت اسلامی افغانستان و استاندار بلخ:



مقاومت ملت مظلوم فلسطین و تحولات جهانی سبب شده تا اکنون گام‌های ولو محدود در مسیر حل مشکل فلسطینی‌ها برداشته شود، شکست ارتش اسرائیل در مقابل با حزب‌الله در لبنان سخت‌ترین تکانه برای خروج اسرائیل از آن رؤیای فریبده بود، اما تا رسیدن مسلمانان و فلسطینی‌ها به پیروزی و آزادی قدس شریف هنوز راه درازی باقی است که پیگیری و مجاهدت متحدانه و مداوم می‌خواهد، از جانبی هم با توجه به اینکه امروز ایالات متحده آمریکا به عنوان قدرت عظیم دنیا در پی دوستی با جهان اسلام و عرب از یک سو، و هزینه بر دوش اصلی مبارزه علیه تروریسم از سوی دیگر است، یقیناً باید به این نتیجه رسیده باشد که تا زمان حل نهایی معضله فلسطین، احقاق کامل حقوق آن ملت مظلوم و رهایی قدس از اشغال صهیونیسم، نه تنها ریشه‌های حرکت‌های افراطی موسوم به تروریسم نخواهد خشکید بلکه این گونه حرکت‌های خطرناک و خشم‌آلود در بستر یک میلیارد نفری جهان اسلام، باز هم گسترش خواهد

یافت و کره زمین را سراسر به یک کانون ناامنی، تنش، بی‌اعتمادی و خونریزی مبدل خواهد ساخت.

مولوی محمد شاه عادل رئیس شورای علمای و رئیس شورای اخوت اسلامی استان بلخ:



روز جهانی قدس محدود به یک ملت و قلمرو نمی‌باشد بلکه مرتبط به همه مسلمانان جهان اسلام می‌باشد.

فلسطین یک کشور مجروح و زخمی می‌باشد که فریاد فلسطین در آسمان بلند است و از همه مردم مسلمانان جهان می‌خواهد که با این فریاد همنوا شده و برای مبارزه با رژیم صهیونیست همقدم با مردم مظلوم فلسطین شوند.

فلسطین و نخستین قبیله مسلمانان در تصرف و اشغال یک رژیم کفار می‌باشد اما برخی رهبران دنیای اسلام تنها در فکر کرسی و موقف شان اند.

دکتر هاشم عصمت اللهی استاد دانشگاه کابل و مشاور پیشین ریاست جمهوری افغانستان:



روز قدس؛ فرصت و فضایی برای بلند کردن فریاد مشترک بر بنیاد «درک» و «درد» دینی در دنیای اسلام است، اعلام روز قدس بستری به وجود آورده است که تمامی مسلمانان جهان در وقت معینی برای دفاع از مردم فلسطین بیدیشند، بنویسند، بگویند و فریاد مشترک سر دهند. مطرح کردن مسئله دفاع از مردم فلسطین از سوی امام خمینی (ره) نشان داد که در تکرار ناب و نوین امام خمینی اختلاف مذهبی مانع همسوی سیاسی دنیای اسلام نمی‌شود بلکه مظلومیت فلسطین، مظلومیت تمام مسلمانان جهان و دفاع از مردم فلسطین وظیفه تمام مسلمانان جهان است.

موسی فریور استاد دانشگاه کابل:



دین اسلام به ما حکم می‌کند که مسلمانان یک امت واحده هستند گذشته، آینده و در همه

حال درد مشترک دارند. بیت المقدس مربوط تمام امت اسلامی و قدس قبیله اول مسلمانان و مورد احترام همگان است.

صهیونیسم جنایتکار از سال ۱۹۴۴ تاکنون از مسلمانان جهان قربانی می‌گیرد که این قربانی بیشتر شامل کودکان و زنان و محاسن

سفیدان می‌شود. امروز وظیفه امت اسلامی و سردم داران کشورهای اسلامی است که از آرمان فلسطین و امت اسلامی که آزاد سازی قدس شریف است، با تمام قوا حمایت کنند. هر چند تاکنون کمک مادی چندان به مردم مظلوم فلسطین صورت نگرفته است؛ اما راه اندازی تظاهرات و راهپیمایی اثرات روانی بر طرفین درگیر دارد و این تظاهرات ها می‌تواند مردم فلسطین را روحیه بدهد و روحیه تجاویز گری رژیم اسرائیل را ضعیف کند.

محمد ظریف استاد دانشکده حقوق دانشگاه کابل:



مسئله فلسطین از سوی صهیونیست ها و اسرائیل بیشتر سیاسی پنداشته می‌شود اما از سوی مسلمانان این مسئله هدف دینی و اسلامی دارد و جنگ تورات با مسلمانان و قدس شریف است.

از سال های قبل به این طرف همبستگی کشورهای مختلف اسلامی با ملت مظلوم فلسطین وجود داشته و همه ساله همایش های مختلف و گردهمایی های خوبی به حمایت از مردم فلسطین و رهایی قدس شریف برگزار می‌گردد. در حال حاضر در تعداد کشورهای اسلامی، جمعه آخر ماه مبارک رمضان روز همبستگی همه مسلمانان جهان و حمایت از مظلومین فلسطین است، و مردم مسلمان و جهادی افغانستان نیز از این روز با برگزاری همایش ها و برنامه ها حمایت شان را از مردم فلسطین اعلام می‌کنند. از دوجبهت وظیفه هر انسان است که از مردم فلسطین و قدس شریف دفاع نمایند یکی به خاطر اینکه حق انسانی مردم فلسطین زیر پا گردیده است و دیگر اینکه فلسطین به عنوان یک کشور مسلمان ملتش از آزادی برخوردار نیست و حق مسلم شان از سوی اسرائیلی ها تلف می‌شود.

مولوی حبیب الله حسام رئیس شورای اخوت اسلامی افغانستان:



غربی‌ها در سوریه، عراق، لبنان و یمن با شکست روبرو شده‌اند. و در حال حاضر برای جبران شکست خود در سوریه، عراق، یمن و لبنان با طرح جدیدی تلاش می‌کنند تا جهان اسلام را تحت فشار قرار دهند. جهان غرب با استفاده از تروریسم جهاد را هدف قرار داده است و افکار ضد جهادی از اتاق فکر کشورهای غربی در جوامع اسلامی بیرون می‌آید. مسجد الاقصی برای همیشه باقی خواهد ماند زیرا فلسطین پاره جدا نشدنی از پیکره اسلام است. اگر



مسلمانان با هم متحد شوند آمریکا ناکام خواهد شد.

استاد محمد اکبری
عضو مجلس نمایندگان
افغانستان:



آزادی فلسطین باید محور و مرام اصلی ایده های آزادی خواهانه مسلمانان باشد. روز قدس مناسب ترین فرصت است که در آن مسلمانان جهان متحد و منجسم، هماهنگ و هم صدا علیه فشار های فزاینده رژیم غاصب صهیونیستی بر مردم مظلوم فلسطین فریاد زده و اعلام انزجار کنند. تاجهان باقیست، انگیزه آزادی خواهی نمی میرد و آزادی فلسطین تحت الشعاع هیچ مسئله ای قرار نمی گیرد.

داود اساس عضو مجلس
سنای افغانستان:



جوامع اسلامی نیازمند همکاری، همدلی و برادری است که روز قدس می تواند آغاز گر تحقق این خواست ها باشد، برون رفت از چالش های به وجود آمده میان کشورهای اسلامی ایجاد وحدت ملی است که این مهم می تواند در آئینه روز قدس بیشتر تجلی یابد.

مسئله قدس محور وحدت جهان اسلام

سجاد استیری :: دانشجوی دانشگاه بیرجند

آن زمان که اشغالگران خود را قیام و تصمیم گیرنده برای یک ملت خواندند! ملت های مسلمان با اذ لحاظ دانش به حد امروزی نرسیده بودند، با خود تحت تأثیر جنگ اول جهانی اشغال شده بودند، یا فقر و ضعف مملکتی، اجازه مداخله را نمی داد، حتی زمانی که سازمان ملل اشغالگر را دولت مستقل دانست هم ملت های مسلمان تحت تأثیر استعمار توان پاسخگویی نداشتند.

ملل مسلمان در تمام این سال ها مانند حال کسی که استخوان در گلوئی او گیر کرده، دمل چرکینی که در دامن اسلام رشد کرده و خود را دولت اسرائیل می نامد را تحمل کردند، اما با تنفیری در قلب هایشان از این همه کشتار، ظلم و بی حرمتی.

اسرائیل وصله ناجوری است که با کودک کشی و اصلاحات نژادی و مذهبی سعی دارد خود را در گوشه ای از تاریخ این منطقه جای دهد و کل فلسطین را نابود کرده، خاک آن را غصب کند و سر فرصت برای آرزوی بزرگ «از نیل تا فرات» اش نقشه بکشد، و حکومتی فاسد، نامشروع، با تفکرات نادرست مذهبی و نژادپرستانه و خرافاتی را بر تمام ملل آسیای جنوب غربی تحمیل کند، معادن و منابع انرژی را به دست آورد و به جهان خواری خود ادامه دهد.

اما امروزه وضع برای مسلمانان جهان متفاوت است، آن ها متحد شده اند، استعمار را نمی خواهند و استقلال طلب شده اند و از همسایگان مستقل و پیشرفته خود درس گرفته اند، آن ها آماده پیروزی هستند، اما ...

اما غول جهان خوار و قدرت طلب، شیطان بزرگ، متحد

بی تردید فلسطین آزاد خواهد شد.

وقتی به فلسطین و اتفاقاتی که بر آن گذشته فکر می کنم و خود را به جای آن مردم قرار می دهم، قلبم درد می گیرد، با خود فکر می کنم اگر این اتفاق برای ایران من می افتاد، اگر هر روز شاهد غصب سرزمین و قتل هم وطنانم و توهین به مقدسات می بودم، چگونه تحمل می کردم، و اگر من قدرت و تسلیحات لازم را نمی داشتم، چه می کردم، چه انتظاراتی از همسایه هایم، و آزادی خواهان جهان داشتم، آیا منتظر کمک و واکنش ترکیه، شاید پاکستان، مصر یا عراق و سوریه به من و ضد رژیم غاصب سرزمینم نمی بودم، مطمئناً بعد از پروردگار تمام چشم امیدم در مقابل جهان ستمگر و ظالم به این همسایگان هم کشم بود.

آیا من فردی می بودم که در مقابل دریایی از اسلحه با دست خالی می ایستادم و آن ها نظاره می کردند؟ چه حالی می شدم وقتی می فهمیدم یکی از همسایگانم، بعد از دیدن قتل عام مردم من با دشمن غارتگر من پیمان دوستی می بندد و باهم رقص شمشیر می کنند. و حال اینکه او از نژاد من و هم زبان من است!

نمی توانم بیش از این را تحمل کنم، و در خیال پیش روم، آخر مگر می شود، این همه ظلم به یک مردم و این همه سکوت در قبال آن، مردم دنیا فطرت خود را به چه چیزی فروخته اند؟ به پول سرشار سرمایه داران غارتگر، یا قدرت ابر قدرت های حامی او؟ و یا اختلافات مذهبی نژادی و قومی؟

بزرگ کودک کشان، به این راحتی‌ها کنار نمی‌رود. او از ضعف و بی‌هوشی امت مسلمان راضی است و سود می‌برد، و حتی متحدانی فریب‌خورده در بدنه جهان اسلام دارد که بر روی صحنه او نقش بازی می‌کنند.

پس تفرقه می‌آفریند، دروغ می‌گوید، مذاهب را به جان هم می‌اندازد، جنگ داخلی درست می‌کند، تا حواس‌ها از محور مقاومت به مشکلات و جنگ‌های داخلی پرت شود.

جنگ‌هایی که به نام شیعه سنی را و به نام سنی شیعه را می‌کشند و به نام دولت اسلامی هردو را می‌کشند و بعد از بریدن هر سر، از هر بدن الله‌اکبر می‌گویند، و هر گروهی جز خود (و نه تنها مخالفان) را تکفیر می‌کنند، و این‌گونه می‌شود که مسلمانان می‌باید از امان خود چند لکه سیاه را از بین ببرند.

مسلمانان باید بدانند دشمنان اصلی آن‌ها آمریکا و اسرائیلی هستند که دین و سرزمینشان را تهدید می‌کنند، و باید در از بین بردن مشکلات داخلی متحد شده و به فکر پیروزی نهایی باشند.

پیروزی نهایی آزادی تمام سرزمین فلسطین، از نهر تا بحر است. نباید ناامید شد زیرا دشمن در پی سیاست کثیف «به مرگ بگیر تا به درد راضی بشود» است. نباید دل خوش به قدس شرقی-غربی

یا هر ترفند دیگر از سوی دشمن شد.

حال و روز امروز اسرائیل هم گواهی پیروزی ما است، نیروی تا دندان مسلحی که رویای فتح از نیل تا فرات را داشت حالا از ترس گروه‌های مقاومت؛ مانند حزب الله و حماس، دور خود حصار کشیده است، و تا سر حد مرگ از چند هزار جوان مومن و مخلص حزب اللهی و حماسی می‌ترسد.

باید دنیای مستقل اسلامی را دوباره و با قدرتی بیشتر بسازیم و عدالت و قوانین اسلامی را در آن حاکم کنیم، خائنین را مجازات و دشمنان را بیرون کنیم تا بتوانیم آزاد و پیشرفته باشیم.

دولت‌های عرب مسلمان باید به تجربه همسایه قدرتمند و مستقل خود، ایران، اطمینان کرده و راه موفق انقلاب اسلامی را پیش ببرند تا زیر بیرق مقاومت ریشه استعمار را خشکانده و فلسطین عزیز را از چنگال خون‌خوار صهیونیسم نجات داده و قیله اول خود را باز یابند.

به راستی که این امر شدنی، حتمی و نزدیک است، اگر این اتحاد شکل گیرد و منافع در راستای منافع امت واحد اسلام باشد. مطمئناً این تازه اول راه شکوفایی و پیشرفت اسلام و مسلمانان بعد از چند قرن عقب‌افتادگی و استعمار است، با اتحاد پیرامون مقاومت و آزادی قدس شریف. به راستی که با اتحاد کلمه پیروزی نزدیک خواهد بود.

بزرگ کودک کشان، به این راحتی‌ها کنار نمی‌رود. او از ضعف و بی‌هوشی امت مسلمان راضی است و سود می‌برد، و حتی متحدانی فریب‌خورده در بدنه جهان اسلام دارد که بر روی صحنه او نقش بازی می‌کنند.

پس تفرقه می‌آفریند، دروغ می‌گوید، مذاهب را به جان هم می‌اندازد، جنگ داخلی درست می‌کند، تا حواس‌ها از محور مقاومت به مشکلات و جنگ‌های داخلی پرت شود.

جنگ‌هایی که به نام شیعه سنی را و به نام سنی شیعه را می‌کشند و به نام دولت اسلامی هردو را می‌کشند و بعد از بریدن هر سر، از هر بدن الله‌اکبر می‌گویند، و هر گروهی جز خود (و نه تنها مخالفان) را تکفیر می‌کنند، و این‌گونه می‌شود که مسلمانان می‌باید از امان خود چند لکه سیاه را از بین ببرند.

مسلمانان باید بدانند دشمنان اصلی آن‌ها آمریکا و اسرائیلی هستند که دین و سرزمینشان را تهدید می‌کنند، و باید در از بین بردن مشکلات داخلی متحد شده و به فکر پیروزی نهایی باشند.

پیروزی نهایی آزادی تمام سرزمین فلسطین، از نهر تا بحر است. نباید ناامید شد زیرا دشمن در پی سیاست کثیف «به مرگ بگیر تا به درد راضی بشود» است. نباید دل خوش به قدس شرقی-غربی

مکر مکرر صهیونیسم

محمد صالح زندی :: دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه علوم تحقیقات تهران

و در لفافه دین و مذهب و نوع دوستی و...؛ دنیاپرستی و گرایش صرف به مادیات را ترویج داد و از طریق زدوبندهای سیاسی با قدرت‌های شرق و غرب و بواسطه جهل و نادانی برخی از افراد نابخرد، که از عمق فاجعه‌گسترش تفکرات این جریان بدطینت ناآگاه بودند، توفیقاتی را نیز کسب کرد. (۱)

اما این برنامه می‌بایست زمانی عملی می‌شد و یهودیان متعصب و افراطی - که بعدها انشعاق صهیونیسم را در یهود ایجاد کردند- به تدریج ثمرات حاصل از این فرآیند طرح ریزی چند صد ساله را برداشت می‌کردند. و چه زمانی مناسب تر از قرن یازدهم میلادی؛ که بهترین موقع برای عرض اندام یهودیان بود. آنها اولین قدم‌ها، برای اجرای طرح خود را از اروپای کاتولیک آن زمان برداشتند.

«تفرقه بیانداز و حکومت کن.» عبارت و یا شعاری است صهیونیستی، که به غلط در اکثر جوامع گوناگون (مخصوصاً ایران) از آن به عنوان اسلوب و روش سیاستمداران انگلیسی برای استعمار و استعمار کشورها در قرون سابق بکار می‌رفته و می‌رود.

جنگ‌های صلیبی بین مسلمانان و مسیحیان، که چند صد سال به طول انجامید مصداقی بر این مدعا است.

یهودیان صهیون صفت برای اولین بار این شیوه را با تحریک مسیحیان تندرو به بازپس‌گیری اراضی فلسطین که در اختیار مسلمین بود، پیاده کردند. البته غرض آنها از به راه انداختن این جنگ‌های به اصطلاح صلیبی دو چیز بود:



بوجود آمدند که بدون در نظر گرفتن نظریات ادیان مختلف توحیدی، بالاخص اسلام - که دینی برای تمام دوران بوده و راه حل‌های موجود در این دین ضامن رستگاری انسان‌ها تا ابد است- مطالبی را عنوان کردند که در تضاد و تناقض آشکار با معارف مذهبی و هنجارهایی بود که سالیان سال در بطن جامعه وجود داشت و مردم نیز به واسطه گرایش به ادیان الهی، بدان خو گرفته بودند.

یکی از این جریان‌های منحنی و التقاطی، جریان صهیونیسم می‌باشد که در قیاس با دیگر گروه‌های منحرف، دارای آراء و نظریاتی بسیار خطرناک تر است. این جریان از بدو وجود بنای خود را بر برنامه ریزی بلند مدت در جهت تثبیت و تحکیم موقعیت خود در بین تمامی ملت‌ها گذاشت و در همین راستا با طرح و اجرای تفکرات و عقاید منحرف خود به شیوه‌ای فریبکارانه

اصولاً پیدایش مکاتب گوناگون حاصل برداشت‌های متفاوت از مسائل اجتماعی و سیاسی زمان بوده است؛ که هر کدام از آنها به نوعی سعی در تحلیل دقیق این موضوعات دارند.

در ابتدا چالش و دغدغه اصلی بشر، چگونگی و چرایی خلقت و آفرینش جهان و طرح سؤالات و مسائلی درباره توحید و خداشناسی بوده است که ادیان چون؛ یهودیت، مسیحیت و در نهایت اسلام - که کامل ترین و آخرین مکتب الهی است- هر کدام بنابر فراخور زمان و سطح ادراک مردم عصر خویش، راه حل‌هایی را ارائه کردند که تا به امروز نیز اکثریت ملل مختلف، همین شیوه را در جهت ارضاء وجدان خداجوی خویش در پیش گرفته‌اند.

اما با گذر زمان و طرح و ظهور مسائل جدید؛ مکاتب و جریان‌هایی پوچ و میان تهی هم چون؛ مارکسیسم، لیبرالیسم و...

۱- در صورت پیروزی مسیحیان بر مسلمین و با توجه به نفوذ گسترده یهود در بین مسیحیان و بالاخص حکام آنان؛ به راحتی پس از فتح فلسطین به دست صلیبیون، می توانستند به ارض موعود بازگشته و بنیان نامشروع کشور یهود را پایه ریزی نمایند.

۲- در صورتی که مسیحیان در جنگ با مسلمین توفیقی نیافتند؛ با توجه به تضعیف هر دو جبهه در اثر جنگ های فرسایشی و طولانی مدت صلیبی، موجبات تقویت و تحکیم خویش را از لحاظ مادی، سیاسی و... فراهم کنند؛ عیناً همانند روشی که چند صد سال بعد در آمریکا و در زمان جنگ بین الملل دوم، توسط همین صهیونیست ها پیاده شد. (بدین صورت که آمریکا به دلیل دوری از محل منازعه جنگ دوم جهانی، نه تنها آسیب چندانی از این درگیری ندید؛ بلکه منفعت زیادی نیز عایدش شد).

فرجام کار نیز چنین بود و نهایتاً پس از چند صد سال منازعه و کشمکش؛ مسیحیان نه تنها در جنگ موفقیتی کسب نکردند بلکه پس از فارغ شدن از درگیری با مسلمانان، اکثریت منابع و شریان های حیاتی خویش را در دست همان یهودیانی دیدند که با تحریک و تشویق آنها به این جنگ های بی ثمر تن داده بودند. اما صهیونیست ها به همین هم اکتناع نکرده و پروژه تخریب از درون را برای اروپاییان درپیش گرفتند. در اروپای قرن شانزدهم میلادی به علت بدعت هایی که توسط کلیسا و کشیش ها در آیین اصیل مسیحیت پایه گذاری شد، به مرور زمان پیروان خویش را مردود کرد و به شک واداشت که آیا واقعا این آیین باحق است یا باحق؟!

همین شک و تردید، زمینه لازم را برای اجرای برنامه صهیونیستی فراهم آورد. یهودیت صهیونیسم که از دیرباز آرزوی شکاف و اختلاف بین توده مردم و مبلغین دینی مسیحیت را داشت؛ از فرصت به وجود آمده نهایت بهره را برد و با طرح مسائل و شبهاتی در اصول اساسی آیین مسیح، صراحتاً مردم را به مخالفت علنی و آشکار با کلیساها برانگیخت و سرانجام با حمایت، تلمیع و پشتیبانی از عده ای بنام گروه به اصطلاح معترض یا پروتستانتیسم که رهبری آنها را «مارتین لوتر» برعهده داشت، طومار حکومت کلیسا بر اروپا را برچید و زمینه را برای نفوذ مطلق خویش مهیا کرد.

صهیونیسم اما نه فقط به مسیحیت که به آیین اسلام نیز چشم داشت؛ چراکه دشمنی، کینه توزی و غرض ورزی یهودیان نسبت به مسلمانان سبقه ای دیرینه دارد. با نگاهی اجمالی و گذرا به تاریخ صدر اسلام، نمونه های فراوانی از این مخاصمات را به

وضوح می توان دید. یهودیان شبه جزیره عرب که از نفوذ و استقبال بی بدیل مردم حجاز از آیین محمد(ص) به خشم آمده بودند؛ از همان ابتدا بنای ناسازگاری را با این مکتب الهی نهاده و مترصد فرصتی برای تخریب وجهه اسلام بودند و از هیچ کوششی در این راستا دریغ نکردند.

آنان که موقعیتشان را متزلزل می دیدند، با به را انداختن جنگ خیبر - به خیال خام خود- می خواستند مکتب استوار اسلام را در نطفه خفه کنند؛ اما در روزی که -بنابر روایات معتبر- علی(ع)، تعداد کثیری از یهودیان را به تیغ ذوالفقار به درک واصل کرد؛ آنچنان شکست سختی خوردند که تا به امروز نیز مؤسسان مسجد ضرار و پیروان مسلک کعب الاحبار، به فکر انتقام از سربازان جان بر کف علی(ع)، در خیبرند. هنگامی که یهودیان دریافتند که با قوه

قهریه و به صورت رودرو نمی توان از پس ایمان راسخ مسلمین برآمد به همان شیوه اسلاف ملعون خود بازگشته و روش و شیوه ای دیگر را در پیش گرفتند که تا به امروز نیز ادامه دارد. آنان در صدهای اخیر و به تبع تجربه موفق انشقاق در مسیحیت؛ روشی مشابه را در میان مسلمین طرح ریزی کرده و اجرا نمودند.

بدین صورت که با دامن زدن به اختلافات جزئی مذهبی (بالاخص در اثنای تحکیم اساس حکومت آل سعود که حامی اصلی وهابیون و پیروان مکتب سلفی گری ست) در میان اهل تسنن و تشیع، بذر نفاق و کینه را در دل این دو طیف نهادند. همچنین در راستای همین برنامه، نیاز به مکاتب منحرف و ظهور در میان این دو طیف از مسلمین به شدت احساس می شد؛ که ایجاد دو جریان منحط وهابیت به رهبری محمد بن عبدالوهاب در شاخه حنبلی اسلام سنی و جریان بهائیت به رهبری علی محمد شیرازی در اسلام شیعه در همین جهت بود. در عین حال جریان صهیونیستی برای مقابله با مسلمین با دو قشر گسترده مواجه بود؛ اهل تسنن و اهل تشیع.

جریان صهیونیسم با آگاهی کامل از تفکرات و اعتقادات اهل تسنن، وارد صحنه شد. اهل سنت به دلیل اعتقاد به اطاعت بی قید و شرط و بی چون و چرا از فرامین حکام زمان؛ حکومت را امری ولایی از جانب خداوند دانسته و بدان به دیده تقدس می نگرند؛ فارغ از اینکه فرد یا افراد زمام دار حکومت شایسته و لایق حکمرانی بر آنان می باشند یا خیر؟ به همین علت آنان هیچ گونه اعتراض و تذکر نسبت به نظام حکومتی را جایز ندانسته و آن را تقبیح می کنند که این نگرش و اعتقاد هم از اساس نامبارکی است که توسط همین شبه

مسلمانان یهودی الاصل، در زمان سلطه امویان و عباسیان لعین پایه گذاری شد. بدین ترتیب راه برای نفوذ و رخنه هرچه آسان تر صهیونیسم هموار شد و آنان با بدست آوردن رأی و نظر حکام ابن الوقت عرب، علاوه بر حکومت غیرمستقیم (به شیوه استعمار نو) بر بلاد اسلامی، مردم را نیز تحت کنترل و فرمان خویش داشتند. اگرچه امروزه باعث خوشحالی و شعف است که برادران و خواهران اهل سنت، در کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا، لب به اعتراض گشوده و خواستار تغییر این رویه اند.

در این بین اما تنها مکتبی که صهیونیسم در مقابله با آن به مشکل برخورد مکتب تشیع بود. تشیع مذهب تفقه، تدبر، تأمل و تعمق در مسائل مختلف می باشد و همین امر، راه را بر نفوذ عقاید انحرافی مسدود کرده است. شیعیان به واسطه پیروی از راه و صراط راستین ائمه اطهار (ع) پیرو حق و حقیقتند که این نگرش راه را بر رخنه اندیشه صهیونی کاملاً بسته است. همچنین فقها و علمای مذهب تشیع در طول تاریخ، با همت و مجاهدت های خویش نه تنها از اشاعه فرهنگ صهیونیستی در بین شیعیان جلوگیری کردند؛ بلکه مردم را نیز به مقابله و معارضا با این جریان منحط ترغیب نمودند.

از همین روست که امام خمینی(ره) به تنهایی، رشته هایی که صهیونیسم در طول چند صد سال رسیده بود را پنبه کردند و موجی جهانی علیه این رژیم به راه انداختند. با این حساب می توان گفت؛ صهیونیسم که با به سیطره درآوردن تمامی مکاتب دنیا، برای امپراطوری جهانی صهیون دورخیز کرده بود؛ در مواجه با شیعیان نتوانست به مقصود خویش برسد و کاری از پیش ببرد.

مصادق عینی این امر نیز در شکست مفتضحانه این رژیم در جنگ ۳۳ روزه با حزب الله لبنان، که تشکیلی شیعه مذهب در لبنان می باشد، بر همگان واضح و مبرهن است.

همچنین شکست ها و عدم کسب توفیقات این رژیم در صحنه بین الملل، مسائل فلسطین اشغالی و نیز از دست دادن متحدین عربی خود به وسیله بیداری اسلامی در منطقه، در همین راستا و در جهت اضمحلال این رژیم محسوس است.

آری شیعه وام دار بزرگمردی چون علی(ع) است که فرمودند: «اگر تمام عالم در طرف باطل بوده و من به طرف حق باشم؛ به تنهایی از آن دفاع خواهم نمود.» لذا حق در عصر کنونی چیزی نیست بجز نابودی کامل اسرائیل و اسرائیلیات، که آن شاء الله و بزودی زود واقع خواهد شد.

اتحاد؛ رمز پیروزی امت اسلامی

مهندس شیردست :: دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه مازندران



((و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنکر و یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة و یطیعون الله و رسوله اولئک سیرحهم الله.))

به نام آن هایی که با سرخی خونشان، درس عشق را به ما آموختند. در شرایط بسیار حساس کنونی جهان اسلام، بدون تردید حل بخش عمده‌ای از مشکلات کشورهای اسلامی در گرو مشارکت واقعی مردم در امور جاری تاملات کشورشان با سایر کشورها، بخصوص کشورهای ستم دیده اسلامی است. در جهان امروز، امت های اسلامی نسبت به یکدیگر وظیفه برادری دارند و بایستی در قبال انجام آن احساس دین کنند. ایران نیز همواره سعی کرده مرهم و تسلی خاطری باشد بر رنج و درد و ناراحتی های مردمان مظلوم فلسطین؛ اما در این زمینه نمیتوان نقش ارزشمند اتحادیه مجالس کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی در تقویت وحدت و اخوت اسلامی و تبادل تجربهها میان اعضای آن را انکار کرد. بدون تردید، تداوم اینگونه حمایت ها تأثیری شگرف بر تقویت روح برادری و توسعه در جهان اسلام و هماهنگی امت اسلامی در سطح جهان، برجای خواهد گذاشت. ما مردمان شریف ایران بر این باوریم همه ما از یک ارزش و جایگاه در دنیا برخورداریم، بنابراین بر ماست حمایت از ستم دیدگان و سرکوب ظالمان و زورگویان، چرا که نابرابری و ظلم در هیچ دین و مذهبی راه نفوذی ندارد.

امروز جهان اسلام با چالش ها و معضلات متعددی از جمله: تلاش قدرتهای خارجی برای تسلط بر امور مسلمین و دست اندازی به منابع خدادادی، فقر و مشکلات اقتصادی و اجتماعی، توسعه نیافتگی و اختلافات میان کشورهای اسلامی روبرو است. چنانچه تاریخ معاصر به ما می آموزد که راه مقابله با این چالشها، نگاه و توسل به قدرتهای خارجی نیست، که این قدرتها صرفا به فکر منافع خود و آن هم به هزینه استعمار دیگران هستند و قدمی جهت کاهش آلام دیگران بر نمیدارند.

برای پرداختن به مشکلات و چالش های پیش رو و یافتن راهحل برای آنها، نگاه ما باید به درون باشد تا به بیرون و این به معنای انزواطلبی نیست؛ به عکس، ما حامی تعامل سازنده و از موضع برابر جهان اسلام، با دیگران هستیم. بی شک حلقه ی ۷۲ تن امام حسین را سرلوحه قرار می دهیم و متکی به باورهای راستین خود بر تداوم حرف ها و قول هایمان خواهیم بود و بر استقامت هایمان

می افزاییم.

برخی قدرت ها تمایلی به روابط سازنده و برابر با دیگران ندارند. نگاه آنها به دیگران نگاه از بالا به پایین است لذا ما باید اختلافات خود را کنار گذاشته و با هم افزایی و اتکا به ظرفیتهای داخلی و بهره گیری از سرمایههای انسانی و اجتماعی و منابع غنی خود، وابستگی به بیگانگان را کاهش داده و در جهت بالندگی و توسعه و پیشرفت روزافزون جهان اسلام، حرکت کنیم. ما باید این باور را در خود تقویت کنیم که تنها از طریق عدم اتکا به بیگانگان و همبستگی بیشتر امت اسلامی، قادر خواهیم بود بر معضلات جهان اسلام فائق آییم.

در این عرصه برجیش های دانشجویی نیز واجب است تا از ظرفیت آینده ساز و جوانی خود در این راستا استفاده کنند. همچنین طبق فرازهایی از فرمایشات رییس جمهور کشورمان دکتر روحانی:

((کشورهای اسلامی امروزه بیش از هر زمان دیگری نیاز به توجه و استقرار مردمسالاری دارد ما به عنوان مسلمان باید میراث عظیم فقهی و شرعی و تاریخی خود را پاس بداریم. بنابراین ایجاد حکومتهای مردم سالار سازگار با دین، از یک سو سبب میشود حضور سیاسی و اجتماعی دین، شکل و صورت قانونی و مردمی به خود بگیرد و از سوی دیگر میراث دینی و اسلامی را به بهترین صورت پایدار و استوار خواهد کرد. برای ما بهترین الگو در مردمی بودن حکومت، شیوه حکومت پیامبر اسلام (ص) است؛ همانطور که محمد (ص) امین و امانت دار مردم بوده ما نیز بکوشیم تا امانت دار حفظ پیروان او در این کره خاکی باشیم.))

و چه بسا در این زمینه هر قشری از ملت ایران کم نگذاشته اند و به قول شاعر که می گوید: ((درد من، درد مردم زمانه است.))

جمهوری اسلامی ایران ضمن احترام به تمامیت ارضی و حاکمیت سیاسی کلیه کشورها، راه حل ریشهکن کردن معضلات امت اسلامی را تحقق همدلی و همکاری تمامی کشورهای اسلامی و روابطی بر پایه مودت و رافت دانسته است و همواره در تحقق هر چه محکم تر ریسمان وحدت کوشیده است.

باشد که در حفظ آرمان های انقلاب و جهان اسلامی متحد، همدل و هم صدا باشیم و شعار آزادی را در نقطه نقطه جهان به کرسی بنشانیم...

تحولات انتفاضه فلسطین از دیروز تا امروز

کمیته پایش تحولات فلسطین مجمع دوستی جوانان جهان اسلام



مقدمه

انتفاضه نماد استقامت و پایداری حق علیه ظلم، شکوه ماندگاری خیر علیه شر و تبلور خروش ملت متهد اسلام علیه استکبار است. فارغ از شعار های کلیشه ای همیشگی چنین به نظر می آید که در شرایط حساس و پر تنش کنونی منطقه لزوم همبستگی و اتحاد ملل مسلمان و نیروهای جوان و مستعد جهان اسلام علیه صف آرای و هژمونی فرهنگ استعمار غرب و سکولاریسم افراطی سازمان یافته در گستره جهان کنونی بیش از پیش احساس می گردد. که این همبستگی تنها با وفاق و دوستی رهبران، سیاستمداران، جوانان و دانشجویان جهان اسلام میسر خواهد بود. در همین راستا خالی از لطف نیست نگاهی به تاریخ انتفاضه و تحولات فلسطین داشته باشیم.

تعریف انتفاضه

انتفاضه واژه ای است که از همان سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) همزمان با آغاز قیام مردم مسلمان و تحت ستم فلسطین وارد واژگان انقلابی- سیاسی جهان شد. از لحاظ لغوی انتفاضه به معنی جنبش و لرزش است که همراه با نیرو و سرعت باشد، اما از نظر انقلابیون جهان، انتفاضه حکایت از عملکرد معترضان و شجاعانه مردم غیر مسلح فلسطین در برابر رژیم اشغالگر قدس دارد. بدیهی است که عامل تعیین کننده انتفاضه متکی به حضور آگاهانه و عملی مردم است و اگر نقش مردم را از قیام حذف نماییم، قیام عملاً مفهومی نداشته و در واقعیت به منصفه ی ظهور نخواهد رسید.

علل ظهور انتفاضه

اگر چه بررسی همه علل و عوامل انتفاضه مردم فلسطین نیاز به گذشت زمان بیشتری دارد، اما چند عامل مهم بروز انتفاضه را می توان بدینگونه فهرست کرد: ۱. تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر مردم فلسطین: یکی از دلایل اصلی شروع انتفاضه نگاه ملت فلسطین در تحولات

بیرونی در منطقه و انقلاب اسلامی ایران بود که در این باره رهبر سازمان جهاد اسلامی فلسطین، شهید دکتر فتحی شقاقی توضیحات جامعی دارد: «هیچ چیز به اندازه انقلاب امام خمینی (ره) نتوانست ملت فلسطین را به هیجان آورد و احساسات آنها را برانگیزد و امید را در دلها پاشان زنده کند. با پیروزی انقلاب اسلامی، ما به خود آمیدیم و دریافتیم که آمریکا و اسرائیل نیز قابل شکست هستند. ما فهمیدیم که با الهام از دین اسلام می توانیم معجزه کنیم».

۲. سیاستهای سرکوبگرانه اسرائیل: اقدامات وحشیانه حاکمان اسرائیلی و همچنین عناصر و گروههای نژادپرست و افراطی صهیونیست نسبت به اهالی و مردم فلسطینی، از جمله قتل، شکنجه، غارت، تخریب منازل، بازداشت های گسترده دسته جمعی، حبس های طولانی و توهین به مقدسات، کاسه صبر فلسطینی ها را لبریز نمود تا اینکه باعث شد آنها در مقابل تجاوزات و زورگویی های رژیم صهیونیستی ایستادگی نمایند و منطقی ترین پاسخ به چنین سیاستهایی آغاز قیامی مردمی به دور از دخالت سیستم دولتی بود.

۳. ناامیدی توده های فلسطینی از دولتهای حامی: یکی از دلایل مهم آغاز انتفاضه تقویت این حس در مردم فلسطین بود که انتظار هرگونه کمکی از بیرون بویژه در قالب دولتهای عربی که تا آن زمان آنها انتظار آن را داشتند عبث و بیهوده است. کشورهای عربی پس از شکستهای سهمگین از ارتش اسرائیل، روحیه خود را از دست دادند و در مقابل فلسطینی ها بیشتر به شعار تکیه کردند تا عمل.

به تعبیر ابویاد تمام انقلابهایی که در فلسطین شکل گرفته اند در پایتختهای عربی دفن شده اند. دولتهای عربی نسبت به فلسطینی ها علاقه افلاطونی ابراز داشتند، وعده و وعید فراوان دادند، اما اقدام واقعی و عملی هیچ، با مشاهده این بی توجهی آشکار رژیم های عربی به اوضاع فلاکت بار فلسطینیان، آخرین امیدها از حمایتها و کمک های دولتهای عربی و کارساز بودن

انتفاضه دوم

انتفاضه دوم مردم فلسطین که به (انتفاضه الاقصی) مشهور است در روز پنجشنبه ۷ مهر ۱۳۷۹ (۲۸ سپتامبر سال ۲۰۰۰) آریل شارون رهبر حزب لیکود و قصاب معروف اردوگاههای فلسطینی صبرا و شتیلا و وزیر دفاع وقت دولت باراک قصد دارد در اقدامی توهین آمیز و تحریک کننده همراه با تی چند از مقامات رژیم صهیونیستی وارد حریم مقدس مسجد الاقصی شود.

تا پیش از این هیچ یک از رهبران رژیم صهیونیستی به خود اجازه ورود به صحن مسجد الاقصی را نداده بودند، ولی آریل شارون با این حرکت می خواست نشان دهد که این منطقه که از سال ۱۹۶۷ تحت کنترل رژیم صهیونیستی است، جزئی از اسرائیل است.

با تصمیم شارون مبنی بر حضور در مسجد الاقصی، وی از اعضای حزب لیکود دعوت کرد تا او را همراهی کنند.

به دنبال این تصمیم، مجلس قانون گذاری تشکیلات خودگردان با صدور بیانیهای، ضمن محکوم کردن تصمیم رئیس حزب لیکود برای آلوده کردن مسجد الاقصی، این تصمیم را تحریک آمیز خواند و اعلام کرد که رژیم صهیونیستی را مسئول پیامدهای وخیم اقدام شارون می داند. در ادامه همین بیانیه حماس از مردم فلسطین دعوت کرد تا با حضور در مسجد الاقصی از ورود شارون جنایتکار به این مکان مقدس جلوگیری کنند و به هر بهایی نگذارند پای او به صحن مقدس مسجد الاقصی برسد.

ریشه های اصلی انتفاضه

هر چند جرقه شروع انتفاضه ی مسجد الاقصی با ورود توهین آمیز آریل شارون به این مسجد آغاز شد، ولی

ریشه‌های اصلی این قیام عبارتند از:
۱. تحقیر مستمر فلسطینی‌ها توسط صهیونیست‌ها در گفتار و عمل به‌ویژه طی دو سال قبل از آن؛
۲. عدم پابندی حاکمان رژیم اشغالگر قدس به توافقات و قراردادهای انجام‌شده با دولت خودگردان؛

۳. وضعیت وخیم فلسطینی‌ها در عرصه اقتصادی و ادامه‌ی تنگناهای معیشتی و مالی که رژیم صهیونیستی برای شکستن اراده و قدرت مقاومت فلسطینی‌ها که صاحبان اصلی سرزمین فلسطین هستند بر آنها تحمیل نموده و ادامه زندگی را برای آنها دشوار ساخته است؛

۴. افشای ماهیت و اهداف استراتژی رژیم غاصب اسرائیل برای فرقه فرقه کردن فلسطینی‌ها و گسترش تخصص‌های ساختگی میان آنها به منظور ایجاد جنگ فلسطینی با فلسطینی؛

۵. شکسته شدن اسطوره‌ی شکست‌ناپذیری ارتش اسرائیل با فرار خفت‌بار آنان از مقابل رزمندگان شهادت طلب حزب الله؛

۶. پیروزی حزب الله لبنان در مقابل اسرائیل، که بارقه‌های امید را در ملت فلسطین متجلی کرد در حالیکه اسرائیلی‌ها پیروزی حزب الله و موفقیتش را در بیرون راندن ارتش اسرائیل، دارای دو پیامد منفی، لطمه به اعتبار و اقتدار اسرائیل در منطقه و نفوذ اندیشه مقاومت به بیرون از مرزهای لبنان، می دانستند؛

۷. در تنگنا قرار گرفتن رهبران ساف و تشکیلات خودگردان و اثبات بیهوده بودن مبارزه با رژیم صهیونیستی و به تمسخر گرفته شدن روند صلح از سوی اسرائیل؛
۸. به تعویق انداختن اعلام کشور مستقل فلسطین؛

۹. شدت بخشیدن به سیاست‌های تبعیض آمیز و سرکوب‌گرانه از سوی اسرائیل؛
۱۰. یدار شارون از مسجدالاقصی؛
۱۱. اقدامات وحشیانه‌ی حاکمان اسرائیلی و همچنین عناصر و گروه‌های نژادپرست و افراطی صهیونیست نسبت به اهالی و مردم فلسطینی، از جمله قتل، شکنجه، غارت، تخریب منازل، بازداشت‌های گسترده ی دسته‌جمعی، حبس‌های طولانی و توهین به مقدسات.

ویژگی‌های انتفاضه‌ی مسجدالاقصی

انتفاضه الاقصی دارای خصوصیات ویژه ای است که آن را از قیام‌های گذشته‌ی ملت فلسطین کاملاً متمایز می‌سازد؛ این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱. گسترش امواج انتفاضه در تمام سرزمین‌های فلسطین بخصوص مناطق اشغالی؛
۲. از بین رفتن تفرقه و تشتت در

میان گروه‌ها و احزاب و مردم فلسطین به‌طوری‌که نوعی وحدت در میان آنها به‌وجود آمده است؛

۳. انتفاضه مسجدالاقصی تنها تظاهرات مردم علیه اشغال‌گران نیست بلکه حالتی کاملاً هجومی دارد؛

۴. ورود قدرتمندانه حزب‌الله به معادله‌ی انتفاضه که باعث تقویت روحیه‌ی مردم و احزاب مبارز فلسطینی گردید؛

۵. امواج گسترده و عظیم انتفاضه باعث مهاجرت معکوس در سرزمین‌های اشغالی شده است و سبب بازگشت یهودیان از اسرائیل به اروپا و آمریکا گردیده است؛

۶. حمایت وسیع ملت‌های مسلمان منطقه از قیام مردم فلسطین که تا آن زمان بدین گستردگی صورت نپذیرفته بود؛

۷. شکست اسرائیل، آمریکا و متحدان غربی و عرب آنها علی‌رغم حاکمیت و تسلط بسیار مستحکم و قوی بر دستگاه‌های ارتباط‌جمعی و رسانه‌های گروهی؛



۸. انتقال خطر از مرزهای فلسطین اشغالی به قلب حکومت نظامی رژیم صهیونیستی و ایجاد بحران سیاسی، اقتصادی در اسرائیل؛
۹. انتفاضه‌ای که در سال ۲۰۰۰ با بی‌حرمتی به مسجدالاقصی آغاز شد، مردم فلسطین و مسلمانان کشورهای مختلف جهان را علیه اسرائیل و حامیانش متحد کرد و با رسواسازی ماهیت فریبکارانه صهیونیست‌ها و غربی‌ها، روند عادی‌سازی روابط دولت‌های سازشکار با اسرائیل را متوقف کرد و دور جدیدی از شکست‌های رژیم صهیونیستی را رقم زد.

انتفاضه سوم انتفاضه مردم فلسطین:

زمینه‌ها و موانع

انتفاضه سوم یا انتفاضه قدس به سومین نبرد فلسطینیان گفته می‌شود که در سال ۲۰۱۵ آغاز شد و مربوط به بازپس‌گیری اورشلیم بطور کاملاً انحصاری دارد. انتفاضه سوم یک بسیج مردمی گسترده است که فقط اعضای گروه‌های مقاومت فلسطین

حضور ندارند. دلیل نامیدن این خیزش مردمی، هتک حرمت و اهانت‌هایی بود که صهیونیست‌ها به ساحت مقدس مسجد الاقصی روا می‌داشتند و همین مسئله موجب شد که فلسطینیان به پا خیزند و برای دفاع از ارزش‌ها و مقدسات خود با رژیم صهیونیستی مقابله کنند. تا کنون ده‌ها نفر شهید و صدها نفر زخمی یا اسیر شده‌اند ولی فلسطینی‌ها همچنان مصمم و قاطع، امواج کوبنده قیامی را که اگر به همین صورت پیش برود به انقلاب تبدیل خواهد شد پیش خواهند برد.

از آنجایی که دولتهای غربی در راس آنها آمریکا با اقدامات خصمانه خود مانع از به ثمر رسیدن انتفاضه‌های ملت فلسطین طی سالهای متمادی گردیده است؛ لزوم ارایه راهکارهای اثر بخش توسط رهبران و متفکران جهان اسلام به وضوح احساس می‌گردد تا شاهد رسیدن ملت فلسطین به حقوق حقه‌ی خویش باشیم.

در ادامه کمیته پایش تحولات فلسطین چند راهکار راهبردی جهت اثر بخشی و تحقق آرمانهای انتفاضه ملت فلسطین ارایه می‌نماید.

۱- ضرورت حفظ مسئله فلسطین به عنوان اولویت نخست جهان اسلام و کشورهای عربی و مرکز توجه افکار عمومی جهانی و نیروهای متحد و دوست، در جهت محقق ساختن حقوق حقه‌ی مردم فلسطین برای آزادی کل سرزمین فلسطین.

۲- تاکید بر ضرورت اتحاد ملت فلسطین و پذیرش گزینه مقاومت به عنوان تنها راه محقق ساختن حقوق مشروع این ملت که موفقیت خود را در آزادی جنوب لبنان و نوار غزه و قدرت بازدارندگی در برابر اطماع دشمن ثابت کرده است و همچنین بر ضرورت یکپارچه کردن صفوف امت اسلامی و ملت‌های آزادیخواه برای یاری رساندن به ملت مظلوم فلسطین.

۳- تجلیل از انتفاضه و مقاومت ملت مظلوم فلسطین بویژه انتفاضه سوم به عنوان تنها راه ثمربخش مقابله با اشغالگری رژیم صهیونیستی و استفاده از تمام ظرفیت‌ها برای حمایت و تقویت مبارزات مشروع و رهایی بخش این ملت در بازپس‌گیری حقوق حقه‌ی خود.

۴- تشکیل کمیته وحدت دانشجویان در حمایت از فلسطین در تمامی دانشگاههای جهان اسلام.

۵- تشکیل کارگروه‌های دوستی جوانان مسلمان و دیگر ادیان و مذاهب در جهت حمایت از فلسطین.

۶- راه‌اندازی جنبش مجازی در حمایت از ملت مظلوم فلسطین در سراسر جهان.

۷- تشکیل نهاد رسمی بین‌المللی در جهت حمایت از ملت فلسطین.

قدس تنها پایتخت فلسطین است

راضیه احمدی :: دانشجوی مدیریت دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

چه حرفی برای گفتن ندارد اگر هر کداممان سطل آبی به این سرزمین بریزیم آن را آب خواهد برد. نیازی به سلاح و سنگ هم ندارد رمز پیروزی مسلمانان تحقق کلمه وحدت است. کلمه ای که خدا عدم آن را عامل شکست مسلمین میدانند و پیروزی جز با همدلی و یک صدا شدن تمام ملت های مسلمان دست نمی یابد.

جمعه ظهور

شاید جمعه ظهور همان جمعه ای باشد که ما آن را روز قدس می دانیم، روز فریاد و اعتراض ما به بدخواهان اسلام و مسلمین، روزی که برای رهایی مظلوم همه یک صدا می شویم و تکبیر می گوئیم. چه زیبا می شود جمعه ای که متجیمان تکبیر بگویند و ما در صف لشکرش قیام کنیم. روزیست که انتظار مردم به پایان می رسد و آیه ۱۰ سوره انفال را که بشارتی است برای مسلمانان با گوشت و خون خود درک می کنند.

«وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْلُبْنَ بِهِ فَلَوْلَكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (۱۰) و این اوعده را خداوند جز نویدی ابرای شما قرار نداد و تا آنکه دل های شما بدان اطمینان یابد و پیروزی جز از نزد خدا نیست که خدا شکست ناپذیر [و حکیم است (۱۰)]

مردم فلسطین به آن روز امیدوارند و مقاومتشان تجلی همین امید به آینده است.

ما ایستاده ایم

ما ایستاده ایم تا فلسطین را دوباره بسازیم و بر نقشه جهان ترسیم کنیم.

ما ایستاده ایم تا دوباره صدای اذان را از مسجد الاقصی بشنویم.

ما ایستاده ایم تا شاهد تجلی حق در سرزمین انبیاء باشیم.

ما ایستاده ایم تا پرچم آزادی را در سومین سرزمین بهشتی طنین انداز کنیم.

ما ایستاده ایم تا شاهد پیروزی حق بر باطل باشیم.

ما ایستاده ایم و همچنان ایستادگیمان را به دنیا ثابت می کنیم.



قدس پایتخت ایستادگی است. قدس پایتخت ناله کودکان مظلومی است که کوچه های شهرشان را با پای پیاده برای یافتن خانه و خانواده خود قدم میزنند. قدس پایتخت زنانی است که دلیرانه همسران و فرزندان خود را رهسپار میدان نبرد حق و باطل می کنند و لحظه ای هراس به دلشان راه نمی دهند. قدس پایتخت مردانی است که غیرت دارند و اجازه نمی دهند هیچ غریبه ای به خانه هایشان نزدیک شود حتی اگر سلاحی در دست ندارند با همان سنگی که زمین به آن ها هدیه داده است هم در مقابل ظلم می ایستند. مگر می شود قدس پایتخت مردمانی دیگر باشد، قدس همیشه پایتخت فلسطین باقی می ماند.

چگونه می توان سکوت کرد؟

مگر می شود جنبش دانشجویی در یک کشور اسلامی در مقابل چنین ظلمی سکوت کند. مگر می شود بصیرت را از یک دانشجوی مسلمان گرفت. ما که خود را مسلمان می دانیم به فرموده پیامبر «هر کس صدای فریاد مسلمانی را بشنود و به کمک او نشتابد مسلمان نیست.»

امام خمینی: اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود

سخنان امام خمینی (ره) پیرامون قدس باعث میشود برای همیشه مسئله فلسطین را به خاطر داشته باشیم. ایشان در رابطه با قدس چنین گفته اند:

«در حالی که اسلام و اماکن مقدسه آن مورد تهدید به تجاوز قرار گرفته است هیچ فرد مسلمانی نمی تواند در مقابل آن بی تفاوت باشد»

«مسئله قدس یک مسئله شخصی نیست و یک مسئله مخصوص به مسلمین جهان در عصر حاضر نیست بلکه حادثه ای برای موحدین جهان و مومنان اعصار گذشته و حال و آینده»

«باید برای آزادی قدس از سلسل های متکی بر ایمان و قدرت اسلام استفاده کرد و بازی های سیاسی را که از آن بوی سازش کاری و راضی نگه داشتن ابرقدرت ها به مشام می رسد کنار گذاشت»

«فلسطین پاره تن اسلام است».

مقام معظم رهبری نیز درباره قدس چنین بیان کرده اند:

«ما حقیقتاً صهیونیسم را دشمن اسلام می دانیم»

«هر یک وجب از خاک فلسطین، یک وجب از خانه مسلمین است. هر حاکمیتی غیر از حاکمیت فلسطین و حاکمیت مسلمین بر کشور فلسطین، حاکمیت غاصب است»

«مسلمانان جهان باید روز قدس را روز همه مسلمین بلکه مستضعفین بدانند».

«روز قدس باید تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین باشد»

«رژیم صهیونیستی در سرزمین مغضوب فلسطین یک رژیم نژادپرست است»

«مسئله فلسطین امروز مسئله اول جهان اسلام است»

«تنها راه ریشه کن کردن این غده سرطانی خطرناک، مقاومت و مبارزه است»

«مساله فلسطین در صدر مسائل بین المللی اسلامی است»

این سخنان جای هیچ گونه بهانه ای برای سکوت کردن را به ما نمیدهد.

سلمان فارسی امروز

سلمان فارسی امروز همان سردار سلیمانی است که داعش را با تدابیر خود به زانو درآورد و با آمدن اسمش رعشه به اندامشان می افتد. ما در ایران سردار سلیمانی هایی داریم که اگر آقا دستور جهاد صادر کند ظالمی را در جهان باقی نخواهند گذاشت. اسرائیل

بررسی ابعاد حقوقی اعلام تصمیم ترامپ بر تعیین بیت المقدس به عنوان پایتخت رژیم جعلی اسرائیل

حمید رضا پهلوی زاد :: دانشجوی دوره دکتری رشته حقوق خصوصی دانشگاه علم و فرهنگ (جهاد دانشگاهی)



تصمیم اولیه برای انتقال سفارت آمریکا به بیت المقدس در سال ۱۹۹۵ و در کنگره آمریکا به تصویب رسید، اما از آن زمان تا امروز همه روسای جمهور این کشور با وجود اینکه در جریان انتخابات قول عملی کردن این مصوبه را داده بودند، به بهانه «بحران خاورمیانه و حساسیت آن» و تأثیری که می توانسته بر «امنیت ملی آمریکا» داشته باشد، پس از ورود به کاخ سفید از به اجرا گذاشتن این مصوبه طفره رفته اند.

اما دونالد ترامپ که انتقال سفارت کشورش به بیت المقدس را به جامعه قدرتمند یهودیان در آمریکا وعده داده بود، بارها از وفا کردن به عهدش سخن گفته و از همان روزهای نخست ورود به کاخ سفید جرارد کوشنر، مشاور ارشد ویژه و داماد خودش را مأمور پیگیری مسائل مربوط به صلح خاورمیانه کرده بود.

از لحاظ حقوقی اگر آمریکا کل قدس شرقی و غربی را به عنوان پایتخت اسرائیل معرفی نماید، چنین تصمیمی از جنبه بین المللی به این معنا خواهد بود که اشغال قسمت شرقی قدس توسط رژیم جعلی دیگر اشغالگری محسوب نمی شود. در این صورت شهرک سازی اسرائیل در اراضی قدس شرقی هم به رسمیت شناخته خواهد شد که خلاف موازین حقوق بین الملل و حتی مواضع اتخاذی دولت آمریکا خواهد بود. زیرا بخش شرقی بیت المقدس همراه با اراضی کرانه باختری رود اردن در جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ به تصرف اسرائیل درآمد، اما سازمان ملل متحد این بخش از شهر را هم مصداق تعریف اراضی اشغالی می داند و دخل و تصرف اسرائیل از جمله ایجاد شهرک های یهودی نشین در این بخش از شهر را از لحاظ حقوق بین الملل غیرقانونی اعلام کرده است.

تصمیم آمریکا مخالف قطعنامه ۴۷۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد است. قطعنامه ی ۴۷۸ شورای امنیت سازمان ملل در ۲۰ اوت ۱۹۸۰ در محکومیت اعلام بیت المقدس از سوی رژیم صهیونیستی به عنوان پایتخت این رژیم غاصب است. در متن این قطعنامه ذکر شده است که با عطف به قطعنامه ی ۴۷۶ این شورا در ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰، مجدداً تأکید می شود که کسب مالکیت یک سرزمین با زور غیرقابل قبول است. نگرانی عمیق درباره ی تصویب حقوق پایه (Basic Law) در کنست اسرائیل که مدعی تغییر در ویژگی و وضعیت شهر مقدس اورشلیم (بیت المقدس) و برقراری لوازم خاص تأمین طرح و امنیت آن شده است، وجود دارد. با توجه به این که اسرائیل به قطعنامه ی ۴۷۶ شورای امنیت عمل

نکرده است (۱۹۸۰) و با تأکید مجدد بر این که (اسرائیل) روش ها و ابزارهای عملی منطبق با شروط منشور سازمان ملل برای تضمین اجرای کامل قطعنامه ی ۴۷۶ (۱۹۸۰) را عملی نکرده است. بعد از قطعنامه شماره ۴۷۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد، ۱۳ کشور که بیشتر آنها در آمریکای لاتین بودند، سفارت خود را از قدس به تل آویو منتقل کردند. با وجود اینکه در حال حاضر حدود ۸۶ سفارت خانه در اسرائیل وجود دارد، اما هیچ یک از آنها در قدس اشغالی نیست و این نوعی تنگنا برای دیپلماسی آمریکا به شمار می رود، این در حالی است که دولت های اتحادیه اروپا و روسیه و چین یا ژاپن و کمیته چهارجانبه تمایلی به انتقال سفارت خود بدون حل و فصل موضوع فلسطین ندارند.

ایالات متحده تصمیم الحاق قدس (به اراضی تحت اشغال رژیم صهیونیستی) را قبول ندارد. این عدم مقبولیت به صورت خودداری کردن این کشور از دادن رای منفی به قطعنامه ۴۷۸ شورای امنیت که با رای مثبت ۱۴ کشور به تصویب رسید و توسعه سرزمین های اشغالی به این شهر را که مغایر قوانین بین المللی است قابل اثبات است. پس از صدور قطعنامه شماره ۴۷۸ شورای امنیت سازمان ملل، ۱۳ کشور که اکثر آن ها از کشورهای آمریکای لاتین بودند، سفارت خانه های خود را از قدس به تل آویو منتقل کردند و با وجود این که در حال حاضر، ۸۶ سفارت خانه خارجی در فلسطین اشغالی فعالیت می کنند، هیچ کدام از آن ها در قدس نیستند و این چالشی برای دیپلماسی آمریکاست؛ به ویژه که تمامی

کشورهای عضو اتحادیه اروپا، چین، روسیه، ژاپن و کمیته چهارجانبه حاضر نیستند قبل از حل و فصل مساله فلسطین، سفارت خانه های خود را به قدس منتقل کنند. طرح الحاق یک تبصره به قانون حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین، در پاسخ به این اقدام توسط مجلس شورای اسلامی ۶ دی ماه ۱۳۹۶ به تصویب مجلس رسید. براساس ماده ۱ این قانون؛ سرزمین فلسطین به ملت فلسطین تعلق داشته و دارد و رژیم اشغالگر قدس و حکومت غاصب صهیونیستها که با ظلم و غصب و قتل عام و جنایت بر این سرزمین و بیت المقدس مسلط گردیده اند غاصب و ظالم و محکوم اند و بر همه ملتها و انسانهای حق طلب جهان خصوصاً مسلمانان و بالخصوص مردم و حکومت جمهوری اسلامی ایران لازم است از مردم ستمدیده و آواره و مبارز فلسطین تا رسیدن به حقوق حقه خویش به هر نحو ممکن حمایت و دفاع نمایند.

هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی موظف است از طرق مختلف این حمایت را تعمیق و گسترش بخشد و در اسرع وقت کنفرانسی از نمایندگان کشورهای اسلامی و

صاحب نظران در این راستا تشکیل دهد. تبصره: بیت المقدس پایتخت همیشگی کشور فلسطین خواهد بود. توضیح آقای فلاحت پیشه به گزارش خانه ملت چنین بود: «براساس این تبصره و قانون دولت مکلف است از همه بیت المقدس به عنوان پایتخت همیشگی کشور فلسطین حمایت کند. از زمانی که رژیم صهیونیستی شکل گرفت، سرزمین فلسطین از ۱۰۰ درصد در دهه ۱۹۴۸ به ۵۲ درصد و یک دهه بعد به ۴۶ درصد و اکنون سهم فلسطین به ۹ درصد رسیده است. این موضوع چند اتفاق و پیامد را به دنبال دارد، افزود: مخالفت تمام و کمال آمریکا با حقوق بشری و رسوایی خط سازش دو پیامد مهم این اتفاق خواهد بود، چرا که خط سازش از سال ۱۹۴۸ تاکنون روز به روز به خاطر منافع خود اقدام به سازش با اسرائیل کرده و اکنون بیت المقدس را به عنوان آخرین خاکریز خود در برنامه گرفته اند.

همچنین بسیاری از کارشناسان و دیپلمات های آمریکایی نسبت به انتقال سفارت از تل آویو به قدس و واکنش های شدید عربی و اسلامی نسبت به این اقدام

هشدار دادند. آنها نسبت به ارزش دینی شهر قدس در نزد مسلمانان آگاهی دارند. برخی از این افراد معتقدند این تصمیم می تواند ادبیات جریان های سیاسی عربی و اسلامی که نسبت به انگیزه های اصلی آمریکا و جدیت آن در پیشبرد روند سازش مسالمت آمیز تردید دارند را تقویت کند. این موضوع همچنین ممکن است به منافع آمریکا در منطقه آسیب برساند و مواضع متحدان این کشور را تضعیف کرده و همچنین موضع این کشور به عنوان یک میانجی در تلاش برای حل و فصل سیاسی بحران عربی اسرائیلی را نیز به چالش بکشاند. این روند همچنین می تواند مواضع جریان هایی که گروه های آمریکایی آنها را تندرو می خوانند، تقویت کرده و گفتمان طرف هایی نظیر حماس و جهاد اسلامی و ایران را در افکار عمومی عربی و اسلامی تقویت کند. شاید اظهارات جان کری وزیر خارجه دولت باراک اوباما ناظر بر این واقعیت بود که گفت انتقال سفارت می تواند انفجاری در سطح منطقه ای به شمار رود.

نجات فلسطین؛ صلح؟ یا سلاح؟

هومان خدایتلی :: کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه پاسوج



فروپاشی و اضمحلال شد شروع شد. دولت های فرانسه و بریتانیا بر اساس موافقت نامه ی دو جانبه (سایکس - پیکو) مناطق تحت نفوذ عثمانی ها را بین خود تقسیم کردند. فلسطین تحت الحمایه و اشغال دولت بریتانیا قرار گرفت. هر چند که از قبل به اعراب قول داده شده بود که اگر آنها علیه عثمانی ها اعلان جنگ کنند با سقوط امپراطوری عثمانی استقلال دولت های عربی را به رسمیت بشناسد. اما هرگز این اتفاق رخ نداد و با انحلال دولت عثمانی سرزمین های عربی بین دول فرانسه و بریتانیا تقسیم شدند.

فلسطین به دست انگلیسی ها افتاد و تحت نفوذ و سیطره استعمار پیر (بریتانیا) قرار گرفت. آنها برای سلطه ی مداوم بر مستعمرات از کمک های مالی و دلارهای یهودیان استفاده می کردند. همین ارتباطات باعث شدند یکی از سران صهیونیسم «هربرت صموئیل» به مجلس انگلستان نامه ای بنویسد که یک دولت یهودی زیر نظر انگلستان در فلسطین به وجود آید و یهودیان به آنجا مهاجرت کنند تا در نتیجه آن یک دولت دست نشانده و حافظ منافع انگلیس در کنار مصر و کانال سوئز ایجاد شود.

با حمایت های دولت انگلیس بر اساس اعلامیه بالفور از صهیونیست ها و سرازیر شدن یهودی ها به سمت فلسطین و تصرف اراضی آنها اولین نطفه رژیم صهیونیستی در فلسطین بنا شد. به این ترتیب از زمان اشغال فلسطین در سال ۱۹۱۶ توسط بریتانیا در جنگ جهانی اول و بعد از آن حمایت های همه جانبه ایالت متحده آمریکا از صهیونیست ها بعد از جنگ جهانی دوم زمینه های به رسمیت شناختن رژیم غاصب اسرائیل در سال ۱۹۴۸ فراهم شد.

از زمان موجودیت رژیم غاصب صهیونیستی تاکنون نه تنها فلسطین، بلکه سایر ملت های خاورمیانه آب خوشی از گلویشا پایین نرفته است. آنها روزگار تیره و تاری را پشت سر گذاشته اند و روزی

برای بررسی یک رویداد، مسئله و یا موضوع می توان از یک متد یا روش علمی قاعده مند استفاده کرد. در همین راستا با توجه به فضای حاکم بر مناسبات بین المللی و تئوری های مطرح شده در این حوزه می توانیم مسئله فلسطین را بر اساس تئوری واقع گرایی (رئالیسم) تجزیه و تحلیل کنیم.

واقع گراها بر این باورند که روابط حاکم بر نظام بین المللی بر اساس قاعده زور است. مهم ترین مفروضه های آنها برای بقاء و حیات در این شرایط آناششی گونه؛ صحه گذاشتن بر قدرت طلبی، بدبینی نسبت به دیگری، خودیاری (Self-help) و همین طور کم اهمیت جلوه دادن نقش نهادهای بین الملل است. در واقع اگر به مسئله و معضل فلسطین اشغالی از آغاز تاکنون نگاه مختصری داشته باشیم خواهیم دید که قدرتمندان و زورگویان بر اساس نگاه خود برتربینی و نژاد پرستی چه فجایع انسانی و غیر انسانی را در این کشور انجام داده اند.

اشغال کشور فلسطین از زمانی که امپراطوری عثمانی دچار

نیست که خون انسانی در این سرزمین توسط صهیونیستها ریخته نشود و بی‌گناهی به دست نظامیان این رژیم کشته نشود. رژیم صهیونیستی همواره ناقض بدیهی‌ترین اصول حقوق بشری بوده است و طی قطعنامه‌ی ۲۴۲ در سال ۱۹۶۷ از سوی شورای امنیت سازمان ملل به عنوان رژیم اشغالگر شناخته شد. ولی سران رژیم از پذیرش این قطعنامه امتناع ورزیدند و هیچ تنبیه بازدارنده‌ای از سوی نهادهای بین‌المللی برای تجاوزگری آنها در نظر گرفته نشده است. در واقع تأثیر این قطعنامه بخاطر حضور ایالت متحده آمریکا و انگلیس به عنوان دو حامی اصلی اسرائیل در این شورا در حد همان کاغذ پاره باقی مانده است که باعث شد بعد از آن صهیونیست‌ها در جنگی شش روزه در سال ۱۹۶۷ با حمله به بلندی‌های جولان از سوریه، نوار غزه و صحرای سینا از مصر و همین‌طور کرانه باختری رود اردن بازپس بردن تصمیمات این شورا را بیش از پیش آشکار کند. اسرائیلی‌ها به این حد از تجاوزات هم قانع نشدند آنها در سال ۱۹۸۲ به لبنان حمله نظامی کردند و پایتخت آن بیروت را محاصره کردند ولی پس از سه سال شکست ناباورانه‌ای از یک گروه کوچک لبنانی به نام حزب الله به رهبری سید حسن نصرالله خوردند. در واقع از این زمان به بعد بود که شیوه مبارزه با صهیونیست‌ها تغییر کرد و حزب الله لبنان به عنوان سردمدار این حرکت، متأثر از انقلاب اسلامی ایران راه پیروزی بر صهیونیست‌ها را یافت و توانست در جنگ‌های ۳۳ روزه، ۲۲ روزه و ۸ روزه بر اسرائیلی‌های اشغالگر پیروز شود. این شیوه مبارزه بر خلاف آن شیوه‌های مرسوم بود که جنبش آزادی بخش فلسطین (ساف) به رهبری یاسر عرفات و یا سایر گروه‌های مبارز فلسطینی دنبال می‌کردند. آنها تصورشان بر این بود که می‌شود با اسرائیل کنار آمد و با رسمیت دادن به آن، امنیت و آسایش را دوباره برای فلسطین به ارمغان آورد اما نتیجه آن همه اعتماد، جز بن بست سازش و مرگ مشکوک عرفات حاصل دیگری نداشت.

برای نگارنده واضح و روشن است که راه نجات فلسطین نه از در صلح و سازش که جنبش ساف آن را دنبال می‌کرد بلکه از طریق مبارزه و مقاومت آن هم به صورت مداوم و مستمر میسر است. رهبر ساف (عرفات) این قاعده را فراموش کرده بود که اشغالگرانی که با سلاح‌های سخت و خشن به سرزمینشان حمله کرده‌اند نباید انتظار داشت که با شاخه‌های زیتون که نماد صلح و سازش‌اند از این کشور خارج شوند. این یک نگاه واقع‌بینانه است که از سوی عرفات و همفکرانش نادیده گرفته شده بود.

گروه‌های مبارز و خط مقدمی فلسطینی باید بدانند هنوز هم با گذشت بیش از چند دهه اشغال کشورشان تنها راه نجات و رهایی آنها همان مسیری است که حزب الله لبنان طی کرده است یعنی مقاومت، مبارزه و پیروزی؛ البته ملت فلسطین هم از سال ۱۹۸۷ راه درست مبارزه و مقاومت را یافته است اما لازم است این شیوه مبارزه که در قالب انتفاضه نمایان شده است تقویت شود و با امید به آینده‌ای روشن تداوم یابد. انتفاضه مردم فلسطین شیوه جنگی است که متناسب با بافت و فرهنگ آن کشور شکل گرفته است که اگر در ذیل هر کدام از جریان‌های داخلی تعریف شود و یا محدود به شاخه و جریان خاصی شود به مانند گذشته محکوم به شکست است. لذا می‌طلبید این خیزش همگانی علیه رژیم غاصب اسرائیل با سرعت بیشتری حرکت کند تا زودتر به نتیجه برسد در غیر این صورت مانند انتفاضه اول که منجر به قرار داد اسلو شد انتفاضه از مسیر اصلی خود خارج می‌شود و نتیجه‌ای جز شکست نخواهد داشت. هر چند که این اواخر با انتفاضه دوم و سوم شیوه مبارزاتی به ریل اصلی خود بازگشته است و حتی ابزار مبارزه آنها از سنگ به چاقو تغییر کرده است و مسلماً این حرکت اگر با سلاح‌های پیشرفته‌تر و آموزش‌های مستشاری هدفمندتری صورت بگیرد حتی در کمتر از آن ۲۵ سالی که رهبری معظم انقلاب فرمودند رژیم صهیونیستی محو خواهد شد.



مُقاومت
RESISTANCE

مسئله قدس، محور وحدت جهان اسلام

مجتهد مهدی حاج شریفی :: دانشجوی رشته روانشناسی دانشگاه قم

محل اسراء و معراج پیامبر اکرم (ص) و نمازگاه همه پیامبران الهی بوده است. مسجد الاقصی مرکز حیات فکری شهر قدس، دارای نقش های سیاسی و اجتماعی و از مهم ترین و کهن ترین اماکن اسلامی می باشد.

انتفاضه اقصی توانست برون از مرزهای جغرافیایی فلسطین، عموم ملت های مسلمان و عرب را به صحنه بکشد و تظاهرات میلیونی ملت های مسلمان نشان داد که مردم فلسطین می توانند بر حمایت های آنان حساب نموده و نقش قابل توجهی را در ایجاد وحدت مسلمانان ایفا نمایند. اینک مسئله قدس محور وحدت و همدلی جهان اسلام می باشد و ایجاد و تحکیم این یکپارچگی اسلامی وظیفه هر فرد مسلمان، آزادمنش و عدالت خواه است. در این میان حاکمان و مسئولان جوامع اسلامی وظیفه ای به مراتب سنگین تر داشته و هدایت این جریان انسانی و گسترده نیازمند همراهی متعهدانه آنان می باشد.

امید است با همراه شدن هر چه بیشتر مسلمانان بر محور وحدت، توکل آنان بر پروردگار عالمیان و استفاده بیش از پیش از آموزه های انسانی دین مبین اسلام، قدس شریف به آغوش جهان اسلام بازگردد و این وحدت ایجاد شده زمینه ای برای ظهور یگانه عدالت گستر گیتی حضرت بقیه الله الاعظم (عج) گردد.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تَعَزِّبُهَا الْإِسْلَامُ وَأَهْلُهُ وَتُذِلُّ بِهَا التَّفَاقُ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدَّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ»

پیش وحدت در بین جوامع اسلامی را شاهد هستیم، که ثمره این اتحاد و یکپارچگی، برچیده شدن سایه ظلم و استکبار از نخستین قبله گاه مسلمانان جهان است. «اخوت و وحدت اسلامی» از جمله احکام فراموش شده ی اسلام است. اخوت در اسلام به سه معنا می باشد:

نخستین معنا، «برادری میان مسلمانان» است که در قرآن نیز به این مفهوم اخوت در آیه ی «لَمَّا الْمُؤْمِنُونَ أَخُوهُ»؛ در حقیقت مؤمنان با هم برادراند. اشاره شده است.

بنابراین در اسلام همه مردان مسلمان، برادر دینی و همه زنان مسلمان خواهر دینی یکدیگر به شمار می روند.

اگر ما امروز خواهان بازگشت عظمت و عزت از دست رفته ی خود هستیم، باید باری دیگر اخوت اسلامی را در جوامع احیاء نماییم و بدانیم که ریشه تفرقه و از بین رفتن وحدت و یکپارچگی مسلمانان، همانا غربی ها و مستکبرین می باشند.

معنای دوم، «اخوت انسانی» است که اسلام این نوع از اخوت و هم دلی را تأکید فراوان نموده است.

آیات قرآن کریم و احادیث بسیار حضرات معصومین (علیهم السلام) خودگواهی بر این مدعا است.

معنای سوم، «اخوت ایمانی» است. «لِلْمُؤْمِنِ أَخَوَالُ الْمُؤْمِنِ». مسلمان جهان نیازمند «امت واحد اسلامی» می باشند تا بتوانند در مقابل استعمارگران و هم پیمانانشان ایستادگی نموده و از حقوق به حق خود دفاع نمایند.

مسجد الاقصی اولین قبله، حرم شریف

شکفتن غنچه های بوستان آزادی بر اساس حرکت های بیدارگرانه ی اسلامی به قرن ها پیش باز می گردد؛ در این میان به عللی این حرکت ها نتیجه بخش نبوده و همواره سایه ی شوم استبداد و استعمار در برابر توسعه ی پرشتاب فتاوری و دستاورد های مادی مغرب زمین، منطقه خاور میانه اسلامی را وابسته به غرب و شرق نگاه داشته است.

تداوم مسیر پیشرفت و شکوفایی ایران اسلامی، الگویی نهضت ها و ملت های منطقه از حرکت انقلابی ملت ایران، موفقیت های بسیار مقاومت اسلامی در لبنان و شکست ارتش اسرائیل، روحی دوباره را در جسم مقاومت و ایستادگی اسلامی در میان ملت ها دمید.

خوشبختانه بیداری اسلامی ملت فلسطین، افق های آینده را تا حدود زیادی روشن کرده است. امروز نسل نوین ملت فلسطین، با نام خدا و تمسک به ایمان اسلامی مبارزه می کنند و این مبارزه ای بسیار امید بخش است.

مسئله قدس، مهم ترین مسئله جهان اسلام، بلکه مهم ترین مسئله بشریت و مغناطیسی برای ایجاد وحدت بین مسلمانان می باشد.

اکنون که مبارزات اسلامی ملت فلسطین، خواب را از چشم دولت های استعمارگر بوده است، بزرگترین وظیفه همه دولت ها و ملت های مسلمان و آزادمنش، حمایت از این مبارزات است.

امروز جوانان فلسطین و نسل های نو دریافته اند که راه عزت و سعادت چیست. راه عزت یعنی به پا خواستن و خیزش در برابر بی عدالتی، اشغال گری و ظلم؛ راه سعادت یعنی الگویی از سیدالشهداء (ع) و اصحابی گرانقدر که مرگ با عزت را برای مقابله با بی عدالتی و ستمگری، از غسل شیرین تر می دانستند!

اقدام های فداکارانه و جوانمردانه مسلمانان سربلند لبنان، که بارها صهیونیست ها و حامیانشان را در موضع ضعف و انفعال قرار داده اند، گواه صادقی است که ملت فلسطین در صورت ایستادگی، افزایش روز افزون ایمان اسلامی و ارتباط خویش با سایر ملت های مسلمان، خواهند توانست کشور خویش را از وجود استعمارگران پاک ساخته و آینده روشنی را برای کشورشان به ارمغان آورند.

امروز دنیای اسلام نسبت به مسئله فلسطین بسیار حساس تر و پرنگیزه تر گشته است. این امر خود دارای پتانسیل ها و ظرفیت های مثبتی می باشد که در صورت استفاده مناسب از آن، افزایش بیش از



نماد تأثیر بر مبارزات ضد صهیونیستی

محسن توکلی :: دانشجوی آزاد خراسان



صحنه مبارزات ضد صهیونیستی مرتفع شد، زیرا تأثیرات شگرف حرکت حول محور اسلام و توکل بر خدا، هویت جدیدی به ملت‌ها و مبارزان راه آزادی بخشید و بازگشت ملت فلسطین به خویشن خویش با تکیه بر اعتقادات اسلامی و اتکا به خداوند متعال، نور امید را در صحنه مبارزات ضد صهیونیستی متجلی کرد و مبارزات اعتقادی مبنای تحرکات در تمام ابعاد قرار داد. از این پس ملت فلسطین به جای اتکا بر سلاطین و حکومت‌های عربی عملاً توکل بر خداوند متعال را در دستور کار قرار داد و به جای مبارزات ناسیونالیستی و پان عربیستی، مبارزات اعتقادی و مکتبی را وارد عرصه زندگی سیاسی و اجتماعی کرد.

به این ترتیب در صحنه مبارزات ضد صهیونیستی تحولات زیر ایجاد شد:

حرکت مقاومت اسلامی فلسطین با نام اختصاری «حماس» در صحنه مبارزات ملت فلسطین ظهور کرد و چهره مبارزاتی را در رویارویی با اشغالگران رژیم صهیونیستی دگرگون ساخت.

سازمان جهاد اسلامی فلسطین قدم به عرصه مبارزات ضد صهیونیستی گذاشت و اعلام موجودیت کرد؛ این تشکیلات که به شدت تحت تأثیر انقلاب اسلامی و نگرش‌های امام راحل (ره) قرار داشت ضمن ایجاد هماهنگی با حماس و سایر جنبش‌ها و گروه‌های اسلامی تحولات عمیق و ژرفی را در عرصه مقاومت اسلامی ایجاد کرد.

حزب الله لبنان با تمسک به اسلام ناب به عنوان یک تشکیلات قوی اعلام موجودیت کرد و به یک‌تازی ارتش رژیم صهیونیستی در لبنان خاتمه بخشید. جنبش‌های اسلامی تحت نام «انتفاضه ملت فلسطین» در صحنه مبارزات ضد صهیونیستی ظهور کردند و صفحه نوینی در تاریخ مبارزات ملت فلسطین گشوده شد؛ لبنان به مرکز ثقل و کانون مبارزات ضد استکباری و ضد صهیونیستی مبدل گشت و رژیم صهیونیستی ضربات سهمگینی در این زمینه متحمل شد. بیداری اسلامی در جهان اسلام، جنبش‌های متعددی را علیه رژیم‌های زیر سلطه ایجاد کرد و افکار عمومی ملت‌های مسلمان به شکل بی‌سابقه‌ای به حمایت از مبارزات تشکیلات حزب الله در لبنان و جریان‌های اسلامی در فلسطین پرداختند که نام نهادن آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به نام روز جهانی قدس توسط امام راحل عظیم‌الشأن در ترویج این تفکر نقش به سزایی ایجاد کرد.

با توجه به این شرایط می‌توان گفت که حضور گسترده ملت ایران در روز جهانی قدس در حالی که استمرار حمایت از فلسطین است، پاسخی قاطع به تحریم و تهدیدات اخیر آمریکا و شرکای منطقه‌ای آن خواهد بود که همچون سال‌های اخیر نه تنها در عرصه داخلی و مقابله با آمریکا دستاوردهای بسیاری برای ایران رقم خواهد زد که همچنان نام ایران را در جایگاه پیشگام حمایت از مظلومان در جهان طنین‌انداز خواهد کرد.

بازگشت ملت فلسطین به خویشن خویش با تکیه بر اعتقادات اسلامی و اتکا به خداوند متعال، نور امید را در صحنه مبارزات ضد صهیونیستی متجلی کرد و مبارزات اعتقادی مبنای تحرکات در تمام ابعاد قرار گرفت.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در برابر قدرتمندترین رژیم خاورمیانه و بزرگ‌ترین متحد آمریکا و رژیم صهیونیستی، بارقه‌های امید را در میان تمام مبارزان راه آزادی و استقلال جلوه‌گر ساخت و بحران هویت ناشی از شکست خط مشی بسیج حول محور ناسیونالیسم عربی را مرتفع کرد؛ زیرا امام خمینی (ره) و مردم شریف و قهرمان ایران بر اساس تعالیم قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص) اسلام را مبنای بسیج توده‌های مردم در راه مبارزه با ظلم و طاغوت قرار دادند و اندیشه اتحاد بر اساس تعالیم انسان‌ساز و رهایی‌بخش اسلام برای حاکم ساختن قوانین الهی و فرمان‌های وحی را بر جوامع انسانی مطرح کردند و تنها راه رهایی بشریت از ظلم و ستم ستمگران را پیمودن راه انبیا با الگو قرار دادن حضرت امام حسین (ع) در راستای مبارزه با ظلم و رهایی از ذلت معرفی کردند.

امام سعادت واقعی و حقیقی در دنیا و آخرت را در چهارچوب ایجاد حکومت اسلامی و حاکم ساختن وحی برای ایجاد جامعه‌ای مرفه نوام با معنویت دانستند و به طور صریح اعلام کردند که حکومت جهانی واحد باید تحت زعامت منجی عالم بشریت، حضرت مهدی (عج) برپا شود نه تحت حاکمیت نظام سلطه جهانی و صهیونیست‌های غاصب حول محور نظام تک قطبی آن هم به رهبری سردمداران ظالم و ستمگر کاخ سفید.

رهنمودهای امام خمینی (ره) ساختار مبارزه علیه رژیم صهیونیستی را دگرگون ساخت و انقلابی عظیم در صحنه مبارزات پدید آورد و پرچم اسلام و مبارزات اعتقادی را به اهتزاز درآورد، امام خمینی (ره) همانگونه که ملت ایران را با احیای اسلام زنده ساخت ملت‌های فلسطین، لبنان و... را نیز متحول ساخت؛ امام با زدودن زنگارهای تحریف از چهره اسلام ناب خون تازه‌ای در رگ‌های به خواب رفته جهان اسلام به جریان انداخت و با احیای مجدد تعالیم رسول اکرم (ص) و سنت ائمه اطهار (ع) روح تازه‌ای در کالبد مسلمانان جهان دمید چرا که امام راحل (ره) رژیم صهیونیستی را غده سرطانی خواند و بر ضرورت نابودی «رژیم صهیونیستی» تأکید کرد و هویت اسلامی را در صحنه مبارزات متجلی ساخت و کلام حیات‌بخش سیدالشهدا (ع) را به قلوب مستضعفان جهان زنده ساخت.

پیروزی انقلاب اسلامی در این طومار تمام محاسبات و معادلات استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل را در هم پیچید و استراتژی‌های توسعه‌طلبانه و هژمونیک سلطه جهانی و رژیم صهیونیستی را ناکام با مشکلات عظیم و موانع بسیاری مواجه ساخت و بارقه‌های پیروزی بر دشمن قدر صهیونیستی و حامیان جهانی‌اش را در قلوب مؤمنان و آزادگان جهان زنده ساخت و فلسطینی‌های آواره و اسیر را در سرزمین‌های اشغالی به حرکت درآورد.

مقام معظم رهبری نیز تحقق تشکیل کشور فلسطین و نابودی رژیم غاصب صهیونیستی را در گرو حرکت انتفاضه جدید فلسطین می‌دانند و می‌فرمایند: «حرکت و انتفاضه جدید فلسطین در صورت سرکوب نیز متوقف نخواهد شد و همانگونه که بسیاری از مسائل در ظاهر بعید بوده ولی اکنون تحقق یافته است و تشکیل کشور فلسطین و نابودی رژیم صهیونیستی هم قطعاً تحقق خواهد یافت.»

بدین ترتیب پیروزی انقلاب اسلامی ایران در برابر رژیم ستم‌شاهی که به شدت از سوی کاخ سفید و صهیونیسم بین‌الملل و رژیم صهیونیستی و سرکردگان آن‌ها حمایت می‌شد امواج بسیار وسیعی از بیداری اسلامی را در میان ملت‌های زیر سلطه منتشر کرد و نقش تعیین‌کننده‌ای در تغییر استراتژی‌های مبارزاتی جنبش‌های جهان اسلام داشت. با ظهور انقلاب اسلامی در ایران، خلأ بی‌هویتی در

فلسطین؛ اثبات حقانیت مقاومت به جای سازش

حمزه دستیار :: دانشجوی دانشگاه هرمزگان

به مقاومت پیدا کردند! مشکل روند سازش فقط در این نیست که با کوتاه آمدن از حق یک ملت، به رژیم غاصب مشروعیت میدهد، که خود خطائی بزرگ و نابخشودنی است، بلکه مشکل در آن است که اساساً هیچ تناسبی با شرایط کنونی مسئله‌ی فلسطین ندارد و خصلتهای توسعه‌طلبانه و سرکوبگرانه و آزمندانه‌ی صهیونیست‌ها را در نظر نمیگیرد؛ و صد البته روند سازش - و به طور مشخص طرح اسلو - موجب تفرقه فلسطینیان گردید که این خود بزرگترین ضربه به راه و آرمان مقدس فلسطینیان است. موفقیت مقاومت، در تحمیل یک جنگ فرسایشی به دشمن است، یعنی توانسته برنامه‌ی اصلی رژیم صهیونیستی را که

عنوان فلسطین میتواند و باید، محور وحدت همه‌ی آنان باشد، درحالیکه تضعیف جایگاه مسئله‌ی فلسطین و تلاش برای خروج آن از اولویت، هدف شیاطین غربی است. بحرانهای موجود در چندین کشور اسلامی منطقه موجب شده است تا حمایت از مسئله‌ی فلسطین و آرمان مقدس آزادی قدس کبرنگ شود! اساساً روش و طریقه‌ی شکل‌گیری رژیم صهیونیستی به گونه‌ای است که نمیتواند از توسعه‌طلبی و سرکوبگری و تضعیف حقوق حق‌های فلسطینیان دست بردارد؛ زیرا موجودیت و هویت آن در گرو نابودی تدریجی هویت و موجودیت فلسطین است. این غده‌ی سرطانی، از هنگام آغاز،

پیروزی یعنی گذر از فکر کمپ دیویدسم به انتفاضه

ناپاک‌ترین صفحه تاریخ توسط رذل‌ترین موجودات جهان بگونه‌ای رقم میخورد که موجودیتی حقیقی نادیده گرفته شود و موجودیتی جعلی بر جای آن بنشیند! و تمام جهان دموکرات و مدرن بنشیند و نظاره گر این وحشی‌گری‌ها باشد! فلسطین یکی آشکارترین و محکم‌ترین دلایل برای ایجاد، توسعه و قدرتمند شدن تمدن نوین اسلامی است، تمدنی که انسانیت را با تکنولوژی، فناوری و مدرنیته آشتی بدهد! تمدنی که فلسطین را نه به اسلام بلکه به انسانیت برگرداند. اسرائیل بوجود آمده تا علاوه بر رسیدن



سیطره بر کل منطقه بود، به شکست بکشاند. نمیتوان حتی نقش مقاومت را در پیروزی ولو مختصر جنگ سال ۱۳۵۲ نادیده انگاشت، از اوایل دهه‌ی ۶۰ هجری شمسی مصادف با دهه‌ی ۸۰ میلادی به بعد، دیگر نه تنها رژیم صهیونیستی قادر نبوده است به سرزمین‌های جدیدی دست‌اندازی کند، بلکه عقب‌گرد آن با خروج ذلت‌بار از جنوب لبنان آغاز شد و با خروج ذلت‌بار دیگر از غزه استمرار یافت که تحقق دو هدف مرحله‌ای مهم در روند آزادی فلسطین به شمار میرود که توانسته است روند گسترش جغرافیایی رژیم صهیونیستی را معکوس گرداند. هیچ‌کس نمیتواند منکر نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ی مقاومت در انتفاضه‌ها باشد، مقاومتی که در نهایت، رژیم صهیونیستی را

مرحله‌ای رشد کرده و به بلای کنونی تبدیل شده و درمان آن نیز باید مرحله‌ای باشد، که چند انتفاضه و مقاومت پیگیر و مستمر توانسته است اهداف مرحله‌ای بسیار مهمی را محقق سازد و همچنان توفنده به پیش میتازد تا دیگر اهداف خود را، تا زمان آزادی کامل فلسطین محقق سازد. مردم فلسطین در کارنامه‌ی خود، دو الگوی متفاوت را تجربه کرده‌اند و میزان تناسب آن با شرایط خویش را دریافته‌اند، در مقابل روند سازش، الگوی مقاومت قهرمانانه و مستمر انتفاضه‌ی مقدس قرار دارد! ملت فلسطین تجربه کرده‌اند که با کسی که اسلحه بیخ‌گلویشان گذاشته و اساس وجودش، نابودی فلسطینیان و گرفتن استقلال و آزادیشان است با سازش نه تنها به نتیجه نمی‌رسند بلکه روز به روز عقب‌تر رانده میشوند، درنتیجه میل جمعی و درونی

به آزادی واهی نیل تا فرات و تضعیف دول اسلامی از ایجاد همبستگی و اتحاد اسلامی جلوگیری کند! رژیم صهیونیستی را در این منطقه به وجود آوردند تا از طریق تحمیل یک درگیری طولانی‌مدت، مانع از ثبات و استقرار و پیشرفت منطقه شوند، اینک نیز در پس فتنه‌های موجود قرار دارند، فتنه‌هایی که موجب شده است تا توانمندی‌های ملتهای منطقه در درگیری‌های عبث و بیهوده به خنثی کردن یکدیگر مصروف شود و با فشل شدن همه، آنگاه فرصت برای قدرت‌گیری هرچه بیشتر رژیم غاصب صهیونیستی فراهم آید. باوجود اختلافاتی که کشورهای اسلامی با یکدیگر دارند که برخی از آنها طبیعی و برخی دیگر توطئه‌ی دشمن و برخی دیگر ناشی از غفلت است، لیکن همچنان

راه دوم، حمایتهاست. همه دنیا باید از اینها حمایت کنند. لیکن دولتها باید به وظیفه خود عمل کنند. از همه واجبتر، دولتهای اسلامی و بالخصوص دولتهای عربی هستند. پارلمانها بنشینند برای سرنوشت فلسطین تصمیم گیری کنند و آن را از دولتها بخواهند. روشنفکران و نویسندگان بنویسند و افکار عمومی را بیدار کنند. دانشجویان و جوانان آماده باشند، تا با صدای بلند خواست ملت را اعلام کنند.

ما در جمهوری اسلامی ایران راهی عادلانه و کاملاً دموکراتیک را پیشنهاد کرده ایم: همه فلسطینی ها، چه ساکنان کنونی آن، و چه کسانی که به کشورهای دیگر رانده شده و هویت فلسطینی خود را حفظ کرده اند، اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی، در یک همه پرسی عمومی، با نظارتی دقیق و اطمینان بخش شرکت کنند و ساختار نظام سیاسی این کشور را انتخاب نمایند و همه فلسطینیانی که سالها رنج آوارگی را تحمل کرده اند، به کشور خود باز گردند و در این همه پرسی و سپس تدوین قانون اساسی و انتخابات، شرکت نمایند. آنگاه صلح برقرار خواهد شد.

راه روشن است، فلسطینیان پیروزند و قدس آزاد خواهد شد.

إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوًّا
أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادُ الصَّالِحِينَ
برگرفته از صحبت های مقام معظم رهبری از ابتدا تا اکنون!

ناسیونالیستی!

این شهادت طلبی از روی احساسات نیست؛ از روی اعتقاد به اسلام و روز قیامت و ایمان به زندگی بعد از مرگ است. مقاومت و فلسطین، ارزشمندتر و والاتر از آن است که در اختلافات میان کشورهای اسلامی و عربی و یا اختلافات داخلی کشورها و یا اختلافات قومی و مذهبی درگیر شود. ایستادگی غزه با وجود محاصره کامل، سقوط رژیم خائن و فاسد حسنی مبارک، پدید آمدن موج پرفرودت بیداری اسلامی در منطقه، برافتادن پرده نفاق و تزویر از چهره آمریکا و انگلیس و فرانسه و تنفر روزافزون ملت های منطقه از آنان، گرفتاری های پی در پی و بیشمار رژیم صهیونیست، از مشکلات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی داخلی اش گرفته تا انزوای جهانی و انزجار عمومی و حتی دانشگاه های اروپایی از آن، همه و همه مظاهر نصرت الهی است.

رژیمی که به وسیله قدرتمندان سیاسی و اقتصادی دنیا به وجود آمده است، اصلاً برای این به وجود آمده است که نگذارد دنیای اسلام، اتحادی به خود ببیند؛ عزتی به خود ببیند؛ نگذارد مسلمانها یک واحد عظیم تشکیل دهند که مبادا خطر بشوند. امروزه دو راه اصلی و اساسی برای پیروزی فلسطینیان وجود دارد:

راه اول، ادامه انتفاضه و ایستادگی مردم فلسطین است، که اوج این ایستادگی، همین عملیات استشهادی است.

وادر کرد تا از غزه خارج شود. جنگ ۳۳ روزه لبنان و جنگ های ۲۲ روزه، ۸ روزه و ۵۱ روزه در غزه، همگی صفحات درخشانی از کارنامه مقاومت است که موجب افتخار تمام ملت های منطقه، جهان اسلام و همه انسان های آزادی خواه جهان است. مقاومت، این روزها با توطئه دیگری نیز دست به گریبان است و آن تلاش دوست نمایانی است که میکوشند مقاومت و انتفاضه مردم فلسطین را از مسیر خود منحرف ساخته و آن را هزینه معاملات سری خود با دشمنان ملت فلسطین بنمایند. این تحركات که آغاز آن به دست جانشین خائن و ناخلف جمال عبدالناصر در پیمان ننگین «کمپ دیوید» اتفاق افتاد، همواره خواسته است نقش سوهان را در عزم پولادین مقاومت ایفاء کند.

از آن پس تا قرارداد «سلو» در سال ۱۹۹۳ - ۱۳۷۲ هجری شمسی - و پس از آن در طرح های تکمیلی که با میانداری آمریکا و همراهی کشورهای استعمارگر اروپایی، پی در پی بر دوش گروه های سازشکار و بی همتی از فلسطینیان گذاشته شد، که پادشاه همگی این بازی های خیانت آمیز تاکنون، روحیه مقاومت در گروه های اسلامی و ملت فلسطین بوده است. «و لِنَصْرَ اللَّهِ مِنْ بَنَصْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»

جوهره مقاومت اسلامی، شهادت طلبی است. نه ایدئولوژی چپ و یا صرفاً احساسات

نگاهی به آینده فلسطین با توجه به تحولات اخیر منطقه

محمد یوسف :: دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه:

تحولات به وقوع پیوسته اخیر در منطقه ((از جمله اقدام اخیر رئیس جمهور ایالات متحده دونالد ترامپ در به رسمیت شناختن بیت المقدس به عنوان پایتخت رژیم اشغالگر صهیونیستی، به علاوه عادی سازی روابط بین برخی کشورهای عربی از جمله: عربستان، امارات عربی متحده و بحرین با رژیم صهیونیستی و علنی شدن این روابط)) نقش بسیار خطرناکی در تاریخ قضیه فلسطین دارد و مستلزم ابتکار روش های جدید برای مبارزه با وضعیت موجود است. ما امروز با ۳ اتفاق اساسی مواجهیم که تاثیر حتمی بر آینده قضیه فلسطین دارد، که در ادامه این موارد بررسی، و روش های لازم برای مبارزه با این اتفاقات ارائه خواهد شد.

اولا: صفقه القرن «تسویه قرن»

این مسئله از طرف ترامپ مطرح شده که عاملی باشد برای اختلاف بین فلسطین و رژیم صهیونیستی، این تسویه شامل نکات زیر است:

۱. به رسمیت شناختن بیت المقدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی (که اخیراً از سمت ایالات متحده اتفاق افتاد).
۲. منع بازگشت فلسطینی های آواره یا تبعیدی به فلسطین.
۳. قانونی کردن شهرک سازی در کرانه باختری و ضمیمه ی آنها





های مقاومتی و تقویت رژیم صهیونیستی، اثرات خطرناک در آینده فلسطین دارد و اگر ما روشهای مبارزه با این تحولات را ابتکار نکنیم و عملیاتی نکنیم حتما شکست بزرگی خواهیم خورد.

روش های لازم برای مبارزه با رژیم صهیونیستی :

ابتکار BDS در مقیاس جهان اسلام در حوزه های اقتصادی، اجتماعی و ورزشی

رژیم صهیونیستی در دهه های اخیر تلاش های وسیعی در راستای کسب پرستیژ و مشروعیت در جهان اسلام و کشورهای عربی از طریق دیپلماسی های غیررسمی دنبال نموده است.

به طور نمونه می توان به مسئله دیدارهای ورزشی و تلاش های اخیر رژیم صهیونیستی برای شرکت در مسابقات در کشورهای عربی پرداخت. با نگاهی دقیق تر می توان دریافت که دیپلماسی ورزشی بیش از آنکه برای رژیم صهیونیستی فرصت باشد، ابزاری جهانی برای مخالفان این رژیم اشغالگر در عرصه جهانی و عمومی برای تحت فشار قرار دادن و حمله به مشروعیتش است.

راه حل این چالش، تعریف یک BDS جدید، خلاقانه و فراگیر در درون جهان اسلام است. یک جنبش مردمی در اروپاست که در راستای تحریم کالاهای صهیونیستی که به اروپا صادر می شود فعالیت های گوناگونی انجام داده و در این راستا بسیار موفق هم بوده است. وجود یک نهاد غیردولتی فراگیر، به منظور تحریم اقتصادی، فرهنگی، ورزشی و علمی آثار صهیونیستی، اقدامی است که جای آن در جهان اسلام بسیار خالی است.

اقدامات حقوقی و سیاسی علیه رژیم صهیونیستی

بنا به پیشنهاد مقام معظم رهبری: «طرح جمهوری اسلامی برای حل قضیه فلسطین و التیام این زخم کهنه، طرحی روشن، منطقی و منطبق بر معارف سیاسی پذیرفته شده افکار عمومی جهانی است. ما نه جنگ کلاسیک آرتش های کشورهای اسلامی را پیشنهاد می کنیم، و نه به دریا ریختن یهودیان مهاجر را، و نه البته حکمیت سازمان ملل و دیگر سازمانهای بین المللی را؛ ما همه پرسی از ملت فلسطین را پیشنهاد می کنیم. ملت فلسطین نیز مانند هر ملت دیگر حق دارد سرنوشت خود را تعیین کند و نظام حاکم بر کشورش را برگزیند. همه مردم اصلی فلسطین، از مسلمان و مسیحی و یهودی - نه مهاجران بیگانه - در هر جا هستند؛ در داخل فلسطین، در اردوگاه ها و در هر نقطه دیگر، در یک همه پرسی عمومی و منضبط شرکت کنند و نظام آینده فلسطین را تعیین کنند».

از سال ۱۹۴۸ تاکنون حدود ۱۰۰ مصوبه، هر سال تقریباً ۱/۵

به حدود مرزی قلمرو رژیم صهیونیستی.

۴. تحویل دادن سلاح جنبش های مقاومتی به رژیم صهیونیستی و منحل کردن این جنبش ها.

۵. اقامه نیم دولت فلسطینی در غزه و بعضی مناطق سیناء (مصر)، که از حاکمیت مستقل و تمامیت ارضی برخوردار نیستند.

۶. دولت فلسطینی متشکل بعد از این اتفاق بایستی حتی الامکان سعی کند فعالیت های مقاومتی و حملات علیه اشغالگران و نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی را ممنوع کند.

دوما: علنی شدن عادی سازی روابط بین کشورهای

عربی و رژیم صهیونیستی

قبل از این، روابط بین برخی کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی در خفا انجام میگرفت، اما امروزه شاهد تحول بسیار خطرناک در علنی شدن این روابط هستیم تا آن جا که این موضوع، بارها توسط سران و مقامات دولت عربستان و امارات عربی متحده و بحرین مطرح شده است. در ادامه شواهدی در این باره ذکر خواهد شد:

۱. مفتی اعظم عربستان سعودی اعلام کرد که «حماس و حزب الله گروه های تروریستی هستند و قتال آنها واجب است حتی اگر نیازی احساس شود، ممکن است به ارتش رژیم صهیونیستی برای مبارزه با جنبش های مقاومتی متوسل شویم»^(۱)

و بعد از این فتوا، وزیر مخابرات رژیم صهیونیستی، ضمن عرض خوشحالی، مفتی اعظم عربستان را جهت دیدار با مقامات رژیم صهیونیستی و زیارت اماکن مقدس در فلسطین اشغالی دعوت کرد. ۲. ۲۵ نفر از سران دولت بحرین به فلسطین اشغالی اعزام شدند برای دیدار با مقامات صهیونیستی، جهت عادی سازی روابط بین بحرین و رژیم صهیونیستی^(۲)

۳. روزنامه هآرتس در گزارشی، دیدار وزیر امور خارجه امارات عربی متحد با نتانیاهو را در دسامبر ۲۰۱۲، فاش کرد که در این دیدار، مواردی از جمله: مبارزه با ایران و عادی سازی روابط بین کشورهای حاشیه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی و سرکوب جنبش های مقاومتی مطرح شده است.^(۳)

سوما: عدم پیروی رژیم صهیونیستی از قطعنامه های

مکرر صادره از سوی شورای امنیت و سازمان ملل متحد در محکومیت رژیم صهیونیستی

در ۶۰ سال اخیر بیش از ۱۰۰ قطعنامه در سازمان ملل متحد علیه رژیم صهیونیستی صادر شده است، این رژیم اشغالگر و مستکبر هیچ گاه قطعنامه ها را اجرایی نکرد و همواره آن ها را زیر پا گذاشت. در ادامه به دو قطعنامه ی شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل در راستای محکومیت شهرک سازی در سرزمین های اشغالی و به رسمیت شناختن بیت المقدس توسط ایالات متحده امریکا اشاره خواهد شد.

۱. از میان ۳۹۱ کشور عضو سازمان ملل ۸۲۱ کشور با قطعنامه عدم تغییر در وضعیت بیت المقدس موافق بودند، ۵۳ کشور رای ممتنع دادند و ۹ کشور مخالف بودند و بقیه کشورها نیز در رای گیری شرکت نکردند.^(۴)

۲. شورای امنیت سازمان ملل در اقدامی بی سابقه به قطعنامه در محکومیت شهرک سازی رژیم صهیونیستی و درخواست برای توقف آن رأی مثبت داد.

این برای اولین بار از ۳۶ سال گذشته به این سو است که آمریکا قطعنامه ای درباره شهرک سازی رژیم صهیونیستی را وتو نمی کند.^(۵)

نگاهی به آینده فلسطین در پرتو تحولات اخیر و روش های مبارزه با این تحولات

تسویه قرن، عادی سازی روابط، عدم پیروی از مقررات و حقوق بین الملل، روند تحولات اخیر در منطقه جهت سرکوب کردن جنبش

رام و مطیع و سازش کارانه، هیچ کاری به نفع فلسطینی‌ها انجام نخواهد گرفت»

جمع بندی:

تحولات اخیر در منطقه مستلزم ایجاد تنوع در روش های مبارزه با رژیم صهیونیستی است؛ طرح تحریم و قطع روابط اقتصادی، فرهنگی، علمی و ورزشی، توجه ویژه به اقدامات سیاسی و حقوقی با تشکیل یک جنبش دولتی یا غیر دولتی، از روش های مبارزاتی است که شاید جدی گرفته نشده اما تاثیر گذاری آن بسیار واضح و مسبوق به سابقه است.

تلاش برای بازگرداندن محور مبارزه شیعه-سني به محور اسلام-صهیونیست، تقویت حس مشترک انسانی در مبارزه با رژیم صهیونیستی در سطح بین المللی، و دیپلماسی نظامی روش های که با توجه به شرایط فعلی پیگیری هر روش لازم و ضروری میباشد

۱. حدود ۸ میلیون فلسطینی های آواره و تبعیدی وجود دارد که اکثرشان در سوریه، مصر، لبنان و اردن زندگی می کنند
۲. دولتی که آرتش ندارد وزیر نظر رژیم صهیونیستی باید باشد
۳. ایوب قرا
۴. شورای امنیت و مجمع عمومی
۵. دیپلماسی پزشکی، دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی ورزشی، دیپلماسی دیجیتالی، و دیپلماسی علمی

مصوبه، توسط سازمان ملل علیه رژیم صهیونیستی تصویب شده است. بنابراین قطعنامه های مکرر مجمع عمومی و سایر نهادهای حقوقی علیه اسرائیل نشان می دهد که عدم توجه و اجرای این قطعنامه ها توسط اسرائیل، تهدید علیه صلح، نقض صلح و اقدامات تجاوز کارانه می باشد.

با توجه به تداوم سیاست های غیر انسانی رژیم صهیونیستی، جمهوری اسلامی ایران نیز همواره در مجامع بین المللی بر مبارزه خود با این رژیم تاکید و با عدم شناسایی این رژیم به عنوان یک کشور، عدم حضور مشترک در محافل بین المللی، موافقت با مصوبات مربوط به محکومیت این رژیم و... به مبارزات سیاسی و حقوقی خود ادامه داده است.

دیپلماسی نظامی

بی اعتنائی های رژیم صهیونیستی به حقوق انسانی و قواعد بین المللی، باعث شده است تا جمهوری اسلامی ایران و گروه های مقاومت، تحقق آرمان فلسطین را تا زمانی که این رژیم به روند قبلی خود ادامه می دهد، در طرز نظامی پیگیری نمایند. از این رو مقام معظم رهبری می فرمایند:

« این اعتقاد ما است که کرانه باختری هم مثل غزه باید مسلح بشود. دست قدرت لازم است. کسانی که علاقه مند به سرنوشت فلسطینند، اگر می توانند کاری نکنند، کار این است؛ تنها چیزی که ممکن است از محنت فلسطینی ها بگاهد، عبارت است از همین که دست قدرت داشته باشند، بتوانند قدرت نمایی نکنند؛ والا با برخورد

بررسی ابعاد حقوقی قدس

فائزه اسلامی :: دانشجوی کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی دانشگاه سیستان و بلوچستان

مقدمه

تا قبل از قیومیت انگلستان بر سرزمین فلسطین در سال ۱۹۲۲، این سرزمین تحت حاکمیت امپراطوری عثمانی قرار داشت. با پایان جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراطوری عثمانی، سرزمین فلسطین از این امپراطوری جدا شده و بر اساس ماده ۲۲ میثاق جامعه ملل تحت قیومیت انگلستان قرار گرفت که تا زمان دستیابی به حاکمیت مستقل و تشکیل دولت مستقل فلسطینی از کمک ها و حمایت های دولت قیم برخوردار شود.

سیاست های دولت انگلستان در ایجاد دولت یهودی در سرزمین فلسطین موجب شد تا پایان یافتن قیومیت انگلستان در سال ۱۹۴۸ زمینه ایجاد دولت اسرائیل در این سرزمین ایجاد گردد. با تشکیل دولت اسرائیل مردم فلسطین جنبش آزادی خواهانه خود را برای تعیین سرنوشت و دستیابی به استقلال، حکمیت سیاسی و تاسیس کشور فلسطین آغاز نمودند که این جنبش با فراز و نشیب های فراوانی ادامه داشته و مردم فلسطین همچنان بر حق خود و تعیین سرنوشت و تشکیل دولت فلسطینی تاکید دارند.

در حال حاضر حق تعیین سرنوشت مردم و تلاش برای کسب استقلال و آزادی از جمله قواعد الزام آور حقوق بین الملل محسوب



المللی مشخص گردیده است. این مقاله سعی دارد تا با تبیین دیدگاه های حقوق بین الملل در خصوص حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین، عملکرد دولت اسرائیل در سرزمین های اشغالی فلسطین را که نقض آشکار حقوق بین الملل بشر دوستانه می باشد مورد ارزیابی قرار دهد.

۱- حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین

به موجب ماده ۱ منشور ملل متحد یکی از اهداف سازمان ملل متحد توسعه روابط میان ملت ها بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و تعیین سرنوشت ملت

می شود. جنگ های آزادی بخش که در راستای حق تعیین سرنوشت علیه نیروهای اشغالگر، رژیم استعماری و نژادپرست صورت می گیرد از جمله مخاصمات مسلحانه بین المللی محسوب میگردند و لذا بخش عمده قواعد حقوق بین الملل بشر دوستانه مندرج در کنواسیون های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی آن مصوب ۱۹۷۷ که ناظر بر مخاصمات مسلحانه بین المللی است نسبت به مبارزات آزادی بخش نیز اعمال می گردد. و به این ترتیب حقوق و تکلیف طرفین درگیری در مخاصمات مسلحانه بین

ها می باشد. منشور ملل متحد در ماده ۵۵ این اصل را مورد تاکید مجدد قرار داده و در ماده ۵۶ به تعهد اعضا سازمان در انجام اقدامات فردی و جمعی و همکاری با سازمان در تحقق اهداف مذکور اشاره نموده است. حق تعیین سرنوشت از حقوق بشر محسوب می شود حقی که به تمامی ملل جهان اعطا شده است تا قادر باشند آزادانه وضعیت سیاسی خود را تعیین نمایند. بدیهی است که اعمال اجرای حق تعیین سرنوشت مردم مستلزم مبارزات آزادیخواهانه و در مواردی توسل به زور در مقابل به دولتهای استعماری، اشغالگر و یا رژیم های نژادپرست است. در سازمان ملل متحد توسل به زور به عنوان یکی از روشهای اجرایی حق تعیین سرنوشت مورد تاکید قرار گرفته است. در این مورد می توان به قضیه نامیبیا و فلسطین اشاره کرد، مجمع عمومی در سال ۱۹۸۳ مبارزات مردم نامیبیا با توسل به مبارزات مسلحانه علیه اشغال غیرقانونی آن سرزمین را مورد تایید قرار داد.

قطعنامه های متعدد مجمع عمومی سازمان ملل متحد در خصوص مبارزات فلسطین ضمن تاکید بر حق این ملت در تعیین سرنوشت بر مشروعیت بکارگیری زور در این مبارزات تاکید نموده است. از جمله مهمترین این قطعنامه ها می توان به قطعنامه ۳۲۷۴ مصوب ۱۹۷۴ اشاره کرد که مبارزات مردم فلسطین را برای دستیابی به استقلال و حاکمیت ملی و رفع سلطه بیگانه با توسل به تمامی شیوه های ممکن از جمله توسل به زور و مبارزات مسلحانه مورد تاکید قرار داده است. نکته قابل توجه در این قطعنامه ها دعوت از تمامی دولتها برای کمک و مساعدت به مردمی است که برای دستیابی به استقلال و حاکمیت ملی تلاش می کنند.

۲- مبارزات آزادی بخش ملت فلسطین: مخاصمه مسلحانه بین المللی

یکی از دستاوردهای مهم کشورهای جهان سوم در تلاش برای به رسمیت شناخته شدن حق تعیین سرنوشت مردم تحت استعمار، تحت حاکمیت دولت های اشغالگر، تصویب پروتکل اول الحاقی به چهار کنوانسیون ژنو مصوب ۱۹۴۹ بوده است. بند چهار ماده ۱ پروتکل الحاقی اول که ناظر بر مخاصمات مساحانه بی المللی است مقرر می دارد مخاصمات مسلحانه ای که در آن ملت ها جهت احقاق حق تعیین سرنوشت خود به نحو مندرج در منشور ملل متحد و اعلامیه اصول حقوق بین الملل راجع به روابط دوستانه و همکاری میان دولت ها بر اساس منشور ملل متحد به مبارزه با سلطه استعماری و اشغالگری پردازند در حکم مخاصمات مسلحانه بین المللی می باشند. با توجه به مصوبات آن مبارزات مردم

فلسطین در راستای حق تعیین سرنوشت که به صورت مبارزه با دولت اشغالگر اسرائیل و به منظور دستیابی به حاکمیت سیاسی و تشکیل دولت فلسطین تجلی یافته است مخاصمه مسلحانه بین المللی محسوب می گردد و دولت اسرائیل به عنوان دولت اشغالگر مکلف به رعایت مقررات مندرج در کنوانسیون های ژنو و پروتکل الحاقی آن در خصوص رفتار با رزمندگان، افراد غیر نظامی و سایر موارد آن است.

۳- تکالیف دولت اسرائیل در سرزمین های اشغالی فلسطین

مقررات مندرج در کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه ضمن پذیرش حکمیت دولت اشغالگر نسبت به اموال و اماکن دولتی از دولت اشغالگر می خواهد تا ضمن حفظ سرمایه های ملی، مالکیت خصوصی افراد غیر نظامی را محترم شمرده و در هنگام اشغال ضمن توجه به شان، شرافت و کرامت انسانی از اقدامات ناقض حقوق بشر و آزادی های فردی خودداری نماید.

کنوانسیون های ژنو ۱۹۴۹ مقررات جامعی در خصوص برخورد با غیر نظامیان و رعایت حقوق قربانیان جنگ دارد و از طرفین درگیری می خواهد که با افراد نظامی و غیر نظامی رفتاری انسانی داشته و از ارتکاب اعمال مغایر با کرامت انسانی خودداری نمایند.

بخش سوم کنوانسیون چهارم ژنو راجع به حمایت از افراد غیر نظامی در جنگ مقررات جامعی در خصوص برخورد با افراد غیر نظامی در اراضی اشغالی دارد از جمله مقررات مربوط به توجه به مالکیت خصوصی افراد و عدم تعرض به اموال خصوصی افراد در سرزمین های اشغالی. در همین ارتباط می توان به اقدامات اسرائیل در تخریب

منازل افرادی اشاره کرد. اقدام دیگر دولت اسرائیل که بارها از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد و کمیسیون حقوق بشر این سازمان محکوم گردیده است، احداث شهرکهای یهودی نشین در اراضی اشغالی است که به موجب ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو انتقال اجباری دسته جمعی یا انفرادی و نقل مکان اشخاص مورد حمایت از اراضی اشغال شده به خاک دولت اشغال کننده یا به خاک هر دولت دیگری اعم از اینکه اشغال شده یا نشده باشد به هر علتی ممنوع است. علاوه بر آن دولت اشغالگر نمی تواند به نقل مکان و یا انتقال قسمتی از نفوس کشوری خود به اراضی اشغالی مبادرت نماید.

نتیجه گیری:

در حال حاضر علی رغم تعهدات دولت اسرائیل در رعایت حقوق مخاصمات مسلحانه مندرج در کنوانسیون های چهارگانه ژنو و پروتکل آن متأسفانه عملکرد این دولت بیانگر نقض مکرر تکالیف بین المللی آن دولت در مقابل به نیروهای آزادی بخش و مردم فلسطین در سرزمین های اشغالی فلسطین می باشد کشتار غیرنظامیان و ترورهای هدفمند، تخریب اموال منقول و غیر منقول از جمله منزل افراد غیر نظامی، احداث شهرکهای یهودی نشین و انتقال یهودیان به مناطق اشغالی فلسطین و...

از آنجا که این اقدامات نقض شدید کنوانسیون های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی آن می باشد ارتکاب آن جنایت جنگی محسوب گردیده و عاملان آن قابل تعقیب، محاکمه و مجازات در محاکم بین المللی از جمله دیوان بین المللی کیفری می باشند.



حمایت از انتفاضه فلسطین از طریق راهبردها و ظرفیت ها و تعاملات جنبش دانشجویی

فاطمه سادات پاد :: دانشجوی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان



پس از اشغال سرزمین فلسطین توسط صهیونیسم، جنبش هایی در فلسطین برای مقابله با دشمن و مقاومت به وجود آمد، که اولین آن جنبش ها جنبش فتح بود. که در ابتدای تاسیس، هدف خود را مقاومت اعلام کرد اما در دهه ی ۷۰ متحول شد و اهداف خود را تغییر داد و با صهیونیسم به همکاری پرداخت.

پس از چندی از تاسیس فتح، جنبش حماس تاسیس شد که گروه مقاومتی از جنبش اسلامی بود که از تجربه ی فتح و تجربه ی منازعه اعراب با فلسطین مثل مسئله ی رویکرد مصر در قبال اسرائیل بهره برد، بهره گیری از آن جهت که با بررسی عواملی که موجب تغییر جهت جنبش فتح شد، خود دچار آن عوامل نشود و دچار سستی در راه مقاومت نشود که از آن جمله ی عوامل :

۱. ورود افراد مرتبط با صهیونیسم به کمیته ی مرکزی فتح بود
۲. نگرش این جنبش از تاریخ ملی و تلاش مبارزاتی دور بود
۳. ارتباط آن با مردم در حد پرداخت حقوق بود که آن براساس امور ملی و اندیشه ی انقلابی نبود
۴. و منحل کردن نیروهای مقاومت

در نتیجه، جنبش حماس با در نظر گرفتن این موارد، افرادی به کمیته ی مرکزی آن راه یافتند که اولویت آنها پایداری، مقاومت و پابندی به حقوق ثابت فلسطینیان بود. همچنین به حفظ زیر ساخت مقاومت پرداخت و اساس باورش را پابندی به مقاومت قرار داد و با گروه های دیگر مقاومت همکاری کرد.

لازم به ذکر است که مقاومت فقط جنگ و گریز نیست و ایده ی درست و صادقانه هم، مقاومت تلقی میشود و تفاوت حماس و فتح هم در این بود که فتح ایده ای درست و صادقانه نداشت و همین موجب تغییر نگرش شد اما حماس برعکس فتح از این ایده برخوردار بود.

مورد دیگر این که جنبش حماس در غزه بحث مقاومت و اداره امور مردم را به طور همزمان پیگیری میکند که این خالی از اشکال نیست اما سود آن بیشتر از زبان آن است از این جهت که:

۱. دولت حمایت می کند از مقاومت؛
۲. از راه آموزش و تمرین، محافظت از زیر ساخت مقاومت را هموار میکند؛

۳. جلوگیری میشود از اینکه اداره ی نواره غزه به دست جنبش فتح و کسانی بیافتد که مخالف مقاومت و حامی صهیونیسم هستند. و همچنین جنبش حماس پس از آزاد سازی غزه و عقب نشینی دشمن در سال ۲۰۰۵ که موجب شد درگیری مستقیم با دشمن از بین برود، به شلیک موشک رو آورد که از نظر سیاسی در منطقه و جهان برای غزه ناخوشایند بود و غزه نمیتوانست به طور نامحدود با دشمن مقابله کند چون علاوه بر موارد ذکر شده:

۱. مرز مشترکی با کشورهای حامی مقاومت نداشت؛
۲. مرز مشترک آن با مصر بود که مصر هم حامی اسرائیل و مخالف مقاومت بود؛
۳. از نظر طبیعی ناهمواری مناسب نداشت، وسعت منطقه محدود بود، تراکم جمعیت بالایی داشت.

خب این شرایط ذخیره سازی سلاح را برای مقاومت سخت می کرد و رویارویی پیاپی مقاومت را تضعیف میکرد در صورتی که دشمن حامی داشت و ذخیره سازی سلاح میتوانست انجام دهد و میداد .

خب جنبش حماس با توجه به این مسئله پس از آزاد سازی غزه هرچند که هنوز در محاصره بود دریافت که برای جلوگیری از آسیب دیدن مردم و مقاومت و اشغال مجدد غزه باید از مقابله و رویارویی بپرهیزد و استفاده از موشک، به عنوان سلاح بازدارنده را در دو مورد قرار داد:

۱. در یورش و تجاوز گسترده علیه غزه؛
۲. در حالت رویارویی گسترده که بیش از یک طرف سیاسی وجود دارد و همچنین مقاومت به گونه ای شد که با وحدت ملت و سرزمین در تعارض نباشد و به بازسازی جامعه و افزایش و هوشیاری ساکنان و افزایش توانمندی نظامی مقاومت پرداخت و تلاش کرد تا جلوگیری کند از نفوذ این نگرش دشمن در ذهن مردم که به خاطر دستیابی به رفاه و خوشگذرانی از حقوق ثابت خود چشم پوشی کنند.

مواردی در باب حمایت از انتفاضه فلسطین، در محور راهبردها و ظرفیت ها و تعاملات جنبش دانشجویی مسلمان؛

برای ادامه ی مقاومت و حمایت از مقاومت مهم تر از توانمند سازی نظامی آن، محکم کردن و ترویج تفکر مقاومت و حمایت از آن و ترویج تنفر از صهیونیسم و تضعیف سازی آن است در میان:

۱. خود فلسطینیان و به خصوص جوانان فلسطینی
۲. در میان کشور هاو گروه های حامی مقاومت و به خصوص جوانان آنان مثل ایران و حزب الله لبنان
۳. در میان کشور های عربی و غیر عربی که یا مخالف با مقاومت غزه یا بی تفاوت نسب به آن هستند در اینجا هم به خصوص در جوانان آنها است.

دلیل اینکه بنده تاکید میکنم بر مسئله جوانان این است که آنها انعطاف پذیر تر هستند و بیشتر میتوان بر آنها تاثیر گذاشت تا بر سالخوردهگان و کهن سالان و آنها بیشتر حق را میپذیرند و آینده کشور بدست آنهاست.

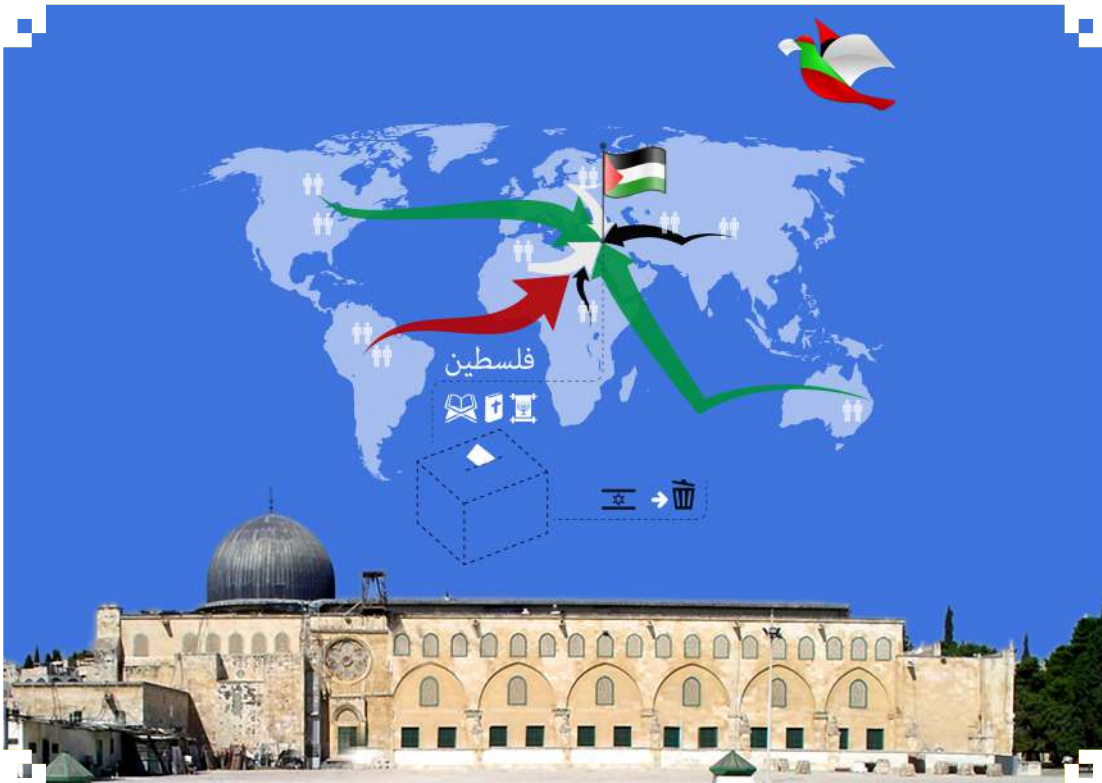
خب با توجه به این موارد وظیفه ی جنبش دانشجویی برگزاری کنفرانس هایی با موضوع حمایت از فلسطین حداقل یکبار در سال است با حضور دانشجویان و حتی دانش آموزان از سه گروه کشور های ذکر شده است (فلسطین، کشور های حامی، کشور های مخالف یا بی تفاوت) با راهبرد قانع کردن آنها، ارتباط گیری مستمر با آنها بعد از کنفرانس، حمایت از آنها، تربیت نیروهای انقلابی و حامی مقاومت است در هر دین و آیینی؛ و هم چنین ایجاد صفحات مجازی به منظور تسهیل روند ارتباط گیری با افراد شرکت کننده در جلسه و بحث و تبادل نظر با آنها و همچنین به اشتراک گذاری اندیشه ی مقاومت و کنفرانس حمایت هم میتواند کاری خوب و موثر باشد که از طرف جنبش دانشجویی مسلمان صورت گیرد.

و همچنین تعامل این کنفرانس در قالب جنبش جهانی مقاومت دانشجویی که از هر دین و ملیتی را شامل میشود با کشور های حامی مقاومت میتواند به تقویت جبهه ی مقاومت بیش از پیش کمک بکند و حمایت بیشتری از انتفاضه فلسطین بشود.

به امید اینکه ...ان شاء الله بیداری مردم را به دست جوانان شاهد باشیم و ملت ها به خصوص ملت های عربی نگرش حمایت گر خود را از اسرائیل تغییر بدهند و رگ عربیشان به جوش بیاید. و به امید خدا که اسرائیل را از صفحه ی روزگار محو کنیم.

«فراندوم»؛ راهی برای آینده فلسطین بر اساس طرح صلح مقام معظم رهبری

حسین علی پور :: دانشجوی ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی آیت الله آملی



خطاب، خلیفه دوم هویتی اسلامی یافت و اهالی آن به دین اسلام گرویدند و از سوی دیگر، با ادغام قبایل عربی که زیر لوای تمدن اسلامی از جزیره العرب به این منطقه آمده بودند، زبان عربی را به عنوان زبان اصلی خود برگزیدند و در طول این دوران؛ هم حکومت اسلامی بود و هم مردم، مسلمان بودند و سراسر فلسطین تحت کنترل دولت اسلامی قرار داشت.

بسیاری از سرزمین های مسلمانان؛ بلاد شام و فلسطین، مصر، عربستان، عراق واردن که از ایلات تابعه دولت (خلافت اسلامی) امپراتوری عثمانی بود با دسیسه فریکارانه پادشاهی بریتانیا به کشورهای عربی کوچک تجزیه و همزمان با شروع جنگ جهانی اول (۱۸-۱۹۱۴م) با پیمان محرمانه سایکس پیکو (۱۹۱۶م) فلسطین توسط انگلستان اشغال و در ادامه با وعده بالفور (۱۹۱۷م) و طرح قیمومیت جامعه ملل (۱۹۲۲م) از یک سو و توطئه مهاجرت صهیونیست های نژادپرست غربی از سوی دیگر فلسطین و بیت المقدس زیر سلطه پلید دشمنان قرار گرفت وبا حمایت غرب وامریکا غده سرطانی اسرائیل در منطقه اعلام و رشد کرد

پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ م) وشکل گیری جمهوری اسلامی باشعار بازگشت به اسلام ناب محمدی (ص) وبیداری

جهات متعددی برای مسلمانان حائز اهمیت است؛ ابتدا این که زمانی قبله ی اول مسلمین و از جهت دیگر سرزمین پیامبران، وبویژه معراج گاه پیامبر اسلام (ص) و به فرموده خالق جهان (سرزمینی مبارک) و بعد از مکه و مدینه سومین شهر مقدس اسلام معرفی شده است.

پیامبر اکرم (ص) در اواخر عمر با برکت خود، فرمانده جوانی را به نام اسامه بن زید، برای فتح شام مأمور نمود که همزمان با حرکت سپاه اسلام، خاتم النبیین (ص) رحلت فرمودند، بعد از وفات آن حضرت، هنگامی که دوره ی فتح کشورهای بزرگی مانند مصر، ایران و روم رسید، بیت المقدس نیز از جمله شهرهایی بود که در دست رومیان بود و سپاه اسلام بعد از پیروزی بر بلاد شام (دمشق) شهر ایلیا (۱) را به محاصره در آورد و بدلیل قداست و جایگاه آن در نزد مسلمانان مایل بودند به نحوی مسالمت آمیز و بدون خونریزی و تسلیم ساکنان آن (مسیحیان)، شهر را به تصرف در آورند و سرانجام بعد از ۴ ماه (محاصره) کلید دروازه های آن را تحویل و آن را بیت المقدس نام نهادند

عمر حکومت اسلامی در فلسطین ۱۲۰۰ سال به طول انجامید و تا سال ۱۹۱۷ م ادامه داشت. این کشور بدست عمر بن

پیشنهاد ما یک راهکار کاملاً منطبق بر مردمسالاری است که می تواند منطق مشترک همه ی افکار جهانی باشد. آن پیشنهاد این است که همه ی صاحبان حق در سرزمین فلسطین اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی در یک «همه پرسی»، ساختار نظام خود را انتخاب کنند و همه ی فلسطینی هایی که سال ها مشقت آوارگی را تحمل کرده اند نیز در این «همه پرسی» شرکت کنند. دنیای غرب باید بداند که نپذیرفتن این راه حل نشانه ی پابند نبودن به دموکراسی است که پیوسته از آن دم می زند

(بیانات مقام معظم رهبری در چهارمین کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین ۱۳۸۷/۱۲/۱۴)

سرزمین قدس محل عروج انبیاء و مورد احترام پیروان؛ یهودیت، مسیحیت و مسلمانان می باشد. جهانیان و محققان فلسطین راه سرزمین عربی و از قرن هفتم میلادی با «ظهور اسلام» سرزمین اسلامی می شناسند نزدیک به شش قرن پس از حضرت مسیح (ع)، دین اسلام ظهور و پیامبر اعظم، حضرت محمد (ص)، نماز خود را به سوی قدس و سپس بعد از ۱۷ ماه رو به سوی کعبه نمودند می خواندند، مسجد الاقصی، از

مسالمت آمیز و راهپیمایی، اعتصاب عمومی و صدور بیانیه ها و قیام های سال های شروع اشغال و قیومیت انگلیس ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۹ م؛ نبردهای مسلحانه اعتراض های خو در به جهانیان و مراجع بین المللی اعلام ولی تمامی آنها سرکوب گردید و اما اکنون خواست عمومی ملت فلسطین همچون دیگر ملت ها؛ حقوق اولیه خصوصی، عمومی و حقوق روابط بین المللی (سرزمین) که برای جامعه بشری پذیرفته شده برای آنان باید مورد توجه قرار گیرد و «رفراندوم» در فلسطین، همانند بسیاری از کشورهای که «همه پرسی» در آنان به اجرا درآمد، برگزار گردد. (مانند: سودان، جزیره کریمه، یاهمانند جمهوری های اتحاد جماهیر شوروی (سابق) ، اسکاتلند، تیمور شرقی، مونته نگرو ، الجزایر و ...).

«همه پرسی» راهکاری حقوقی و دمکراتیک برای حل بحران ها با مراجعه به آرای مستقیم مردم می باشد و اجرای آن در فلسطین، تحقق حقوق اولیه برای همه و در راستای حفظ هویت ملی آنان خواهد بود در طرح صلح دمکراتیک رهبری، زمینه برای تعیین تکلیف فلسطین توسط ملت آن و انتخاب نظام دلخواه آنان مهیا می شود؛ «بازگشت آوارگان» به سرزمین مادری خود، برگزاری «همه پرسی» با مشارکت مردم اصلی فلسطین اعم از مسلمان، مسیحی و یهودی؛ «تعیین نوع نظام سیاسی» (منتخب اکثریت) و در نهایت «تصمیم گیری برای مهاجرت» صهیونیست که از دیگر کشورها کوچ نمودند.

کشورهای عربی بدست آورد طرح صلح و سازش اسلو ناموفق و ناعادلانه بود و راهی را که پیمودند نه تنها به حل بحران کمک نکرد بلکه چالش هایی را بدنبال داشت و در بررسی وضعیت موجود؛ ادامه ساخت شهرک های یهودی نشین، مجهول ماندن سرنوشت آوارگان، ساخت دیوار حائل بتنی، عدم عقب نشینی از محدوده قدس شریف (شرقی) سرکوب مردم، جنگ و محاصره ساکنین غزه و دهها نواقص و کارشکنی های دیگر (بعد از پیمان با ساف) برقرار که متأسفانه از سوی رژیم صهیونیستی ادامه دارد حل بحران یک صدساله فلسطین و پایان اشغال آن (که از قدمت و پیچیدگی خاصی برخوردار است) به صلحی پایدار، راه حلی عادلانه و جامع نیازمند است تا همه ی فلسطینیان بطور مساوی به حقوق ابتدایی تعیین سرنوشت خود برسند «همه پرسی» پیشنهادی مقام معظم رهبری که همزمان با اوج گیری انتفاضه دوم (۱۳۷۹ ه.ش) اعلام گردید، طرحی راهبردی، دمکراتیک و مطابق با قوانین بین المللی و بهترین راهکار برای ایجاد امنیتی ماندگار و فراگیر و حل مناقشه دیرین فلسطین است که براساس یک تکلیف انسانی و اسلامی بر مدار حق و عدالت، جهت خارج نمودن مردم از اشغال بغرنج صهیونیسم ارائه شده است. تاکنون در هیچ یک از طرح های صلح و سازش و قراردادهای (عبری، عربی و غریبی) به نقطه نظرات مردم فلسطین و آرای آنان مراجعه ننموده و خواسته آنان را مورد توجه قرار نداده اند در حالی که از ابتدای اشغال؛ مردم مظلوم فلسطین از راه های

و همگرایی مسلمانان، زمینه ساز شکست سنگین سیاست های صهیونیستی گردید. امام خمینی (ره) با روشنگری اندیشه های تاریک مسلمانان، اولویت اصلی و مهمترین مسئله جهان اسلام را، فلسطین اعلام و با ابتکار روز جهانی قدس؛ افکار عمومی را بسیج و پشتیبان اصلی ملت فلسطین قرار داد. مبارزان فلسطینی با الهام از افکار امام راحل (ره) و انتخاب مثنی جهادی در آزادسازی سرزمین مادری خود، از سال ۱۹۸۲ م (۱۳۶۱ ش) خوش درخشیدند و انقلاب مسجدها یا انتفاضه را آفریدند رشد و گسترش انتفاضه (سنگ والا قصبی)، پیروزی فلسطینی ها در جنگ (های غزه ۸) ، ۲۲ و ۵۱ روزه و موفقیت حزب الله لبنان در جنگ سی و سه روزه، فشار مجامع بین المللی و افکار عمومی از یک طرف؛ بحران های سیاسی داخلی، شکست روانی و آسیب پذیری پی در پی ارتش اسرائیل از طرف دیگر؛ حکومت آپارتاید و حامیان غربی را بر آن داشت تا برای فرار از بن بست و حفظ بقای رژیم در آینده، رویکرد خود را تغییر داده و (با هدف مهار انتفاضه و سرکوب آن) سلسله پیمان های صلح و سازش با کشورهای عربی و سازمان ساف را با رهبرد تضمین امنیت و حفظ موجودیت خود پذیرفته و بعد از قرارداد اسلو (۱۹۹۵ م)؛ با خود مختاری (ساف) در غزه که از طرح های قدیمی (۲۰۰۳ م) شارون بود او کرانه باختری تحت عنوان حکومت خودگردان فلسطین موافقت کرد و رژیم صهیونیستی در چهارچوب منافع سلطه گری اش، ضمن سرپوش گذاشتن بر اقدامات خصمانه و جنایات هفت دهه، سعی نمود مشروعیتی در بین

بررسی ابعاد اهمیت مسئله فلسطین برای جهان اسلام

زینب جالمحمدی :: دانشجوی دانشگاه بیرجند



و در زمان سلطان عبدالحمید عثمانی گروهی از یهودیان به او پیشنهاد فروش سرزمین فلسطین را جهت اسکان یهودیان دادند که عبدالحمید عثمانی در جواب شان گفت: ما تا کنون نشنیده ایم که یک ادم زنده را کالبد شکافی کنند.

این پیشنهاد یهودیان نشان دهنده این است که یهودیان از قبل برای فلسطین نقشه کشیده بودند و در ابتدا میخواستند با معامله به این هدف خود برسند؛ اما بعدا برای رسیدن به هدف خود متوسل به زور شدند چرا که این منطقه، منطقه ای ثروتمند و بسیار حساس بود. اما چرا حمایت از فلسطین واجب است:

از زمانی رنگ شادی و طراوت در فلسطین رنگ باخت، که رژیم جعلی اسرائیل با زمین خواری و زورگویی اولین جرقه های دشمنی خود را آغاز کرد و به تعرض به مقدس ترین مکان های مذهبی مسلمانان، قبله ی اول مسلمین و نوامیس و همچنین قتل عام و کشتار های بی رحمانه زنان و کودکان بی گناه، آتش زدن روستاها و بیرون راندن مردم از خانه و کاشانه شان پرداخت؛ در مقابل اما فلسطینیان جهت دفاع از حق قانونی خود و علیه اقدامات نژاد پرستانه اسرائیل به میدان جنگ با دشمن رفتند و تا کنون نیز این مقابله ادامه دارد. اما چرا فلسطین: معروف است که پیش از جنگ جهانی اول

اولا :

مانند:

عقب نشینی صهیونیست ها از غزه بعد از ۳۸ سال اشغال که عده ای بسیار تلاش کردند تا این فرمول موفقیت را نادیده بگیرند و میخواستند این عقب نشینی را بر اثر مذاکره جلوه دهند؛ درحالیکه عامل اصلی شکست صهیونیست ها، مقاومت مردم غزه بود و مذاکره جایی را آزاد نکرد و جایی را هم آزاد نخواهد کرد.

همچنین پیروزی لبنان در جنگ ۳۳ روزه علیه رژیم صهیونیستی فقط با مبارزه و مقاومت بود درحالیکه وزیر خارجه ی آمریکا در آن روزها گفت:

این درد زایمان منطقه ی جدید خاورمیانه است که متولد خواهد شد اما آمریکا و اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه چنان سیلی محکمی از جوانان مومن لبنان خوردند که فراموش نشدنی است.

پس این دو کشور را میتوان شاهد زنده ی این حقیقت دانست.

هیچ یک از کشورهای اسلامی نباید در برابر فلسطین بی تفاوت باشند و باید با گرد همایی ها، کنفرانس ها و اجلاس ها به فلسطین امید بدهند چرا که این ها تاثیر گذار است، همنطور که رهبر کبیر انقلاب با نامگذاری جمعه ی آخر ماه رمضان به نام قدس در حقیقت هم نشان دادند که مسئله قدس مهم است و هم اینکه باید برای پیروزی های آینده عزم خود را جزم کنیم و راه را برای آیندگان باز کنیم و در حقیقت آینده را پیش بینی کردند.

حتی سازمان ملل هم نسبت به مساله صهیونیست ها علیه آنان قطعنامه صادر کرد که آن را رد کردند چرا که آن ها از قطعنامه ترسی ندارند و به آن پایبند هم نیستند، اما با زور و سلاح و مبارزه عقب نشینی کردند. فلسطین به فلسطینیان برخودارگشت:

با نگاهی به تاریخ می توان گفت که فلسطین با پیروزی می تواند دوباره هویت اسلامی و عربی خود را بازیابد و به آغوش اسلام بازگردد همانطور که کشورهای بالکان و قفقاز و آسیای جنوب غربی پس از ۸۰ سال بی هویتی، هویت خود را پس گرفتند. پس محور وحدت همه کشورها باید اسلام باشد، حول محور محو شدن اسرائیل و پیروزی فلسطین.

غم فلسطین غم اسلام است و غم اسلام غم ماست پس ما تا آخر ایستاده ایم غزه و لبنان و یمن و سوریه و ... هم ندارد چرا که تحقق تمدن نوین اسلامی که زمینه ساز ظهور حضرت حجت(عج) هدف اسلام است و لازمه ای این هدف اتحاد تمام کشورهای اسلامی علیه تمدن پوشالی غرب است.

و آینده منتظر تصمیم ها و همت پولادین ماست. به امید روزی که در تقویم جهان پیروزی فلسطین ثبت شود که قطعا آن روز دیر نیست.

ما به عنوان یک کشور اسلامی و طبق دستورات خداوند و قران کریم و توصیه های پیامبران و ائمه و بر حسب اعتقاد و اصولی که داریم باید از مظلوم دفاع کنیم؛ چرا که یقینا اگر پیامبر اکرم (ص) زنده بودند اولویت اول رسیدگی به اوضاع فلسطین بود چرا که ایشان فرمودند: ((هر کس صدای مظلوم را بشنود و یاری اش نکند مسلمان نیست.)) علاوه بر وظیفه ی اسلامی ما وظیفه انسانی هم هست چرا که حقوق بشر به فجیع ترین حالت ممکن نقض می شود.

ثانیا:

کشور فلسطین در یک نقطه ی خاص واقع شده است چرا که نقطه اتصال غرب اسلامی (آفریقا) به شرق اسلامی (شرق و خاورمیانه) است که یک اتصال طلائی است که خود یک وحدتی بین کشورهای مسلمان به وجود آورده است؛ در حقیقت می توان گفت فلسطین قلب جهان اسلام است، چرا که نه تنها هدف رژیم غاصب اسرائیل فقط فلسطین نیست؛ بلکه کلیدی جهت دسترسی به کشورهای اسلامی و مسلمین و نابودی اسلام و مسلمین است؛ پس در بحث فلسطین منافع جهان اسلام نهفته است که مربوط به یک کشور و ملت هم نیست بلکه بحث اسلام است که همه کشورهای اسلامی در قبال فلسطین مسئول اند و بحث شیعه و سنی هم نیست بلکه دشمن می خواست با ایجاد اختلاف، اتحاد جهان اسلام را بر هم بزند و به شعار پوشالی خود که از نیل تا فرات بود برسد و چرا که هدف والای اسرائیل توسعه رژیم اسرائیل بود و علاوه بر فلسطین به اردن و سوریه و مصر و... تجاوز کرده بود تا شعارش را محقق کند اما نه تنها به هدف خود دست پیدا نکرد، بلکه در برابر کشورهای اسلامی مانند فلسطین و اردن و... که از نظر روحی به خدا متکی بوده و از نظر اجتماعی بر قدرت مردم، شکست خورد و در حال حاضر برای حفاظت از خودش به دور خود حصار کشیده و در منطقه در حال منزوی شدن است. پس همه کشورهای اسلامی وظیفه دارند هم افزایی کنند، به وحدت برسند، با هماهنگی به فلسطین کمک کنند، او را در وسط میدان رها نکنند، از فشارهای تبلیغاتی و مطبوعاتی نترسند و در مقابل دشمن بایستند چرا که در قران کریم آمده: ((ان کید الشیطان کان ضعیفا)) یعنی مکر شیطان ضعیف است و باید استقامت کرد، حتی ممکن است این جهاد طولانی باشد اما این پیروزی حتمی است.

راه حل فلسطین برای خروج از بحران:

تنها راه حل مساله ی فلسطین مقاومت و مبارزه است چرا که این الگوی کشورهای اسلامی، مشی موفقیتی در قبال دشمن بوده



آزادی قدس طلیعه تمدن نوین اسلامی

قدس؛ تقابل تمدن غرب و جهان اسلام

|| زهرا مقدم منلی :: دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر دانشگاه قم ||

بنابراین اسرائیل برای کشورهای منطقه و جهان اسلام تهدیدی بسیار جدی به شمار میرود.

و همچنین شهید مطهری در مورد اهمیت قضیه فلسطین میگویند: «اگر پیغمبر اسلام (ص) زنده میبود امروز چه میکرد؟ درباره ی چه مسئله ای می اندیشی؟ والله ! قسم میخورم که پیغمبر اسلام در قبر مقدسش امروز از یهود بزرزد، این یهودیانی که شما اسمشان را میشنوید از کجای دنیا آمده اند؟ مدعی هستند که این سرزمین ، سرزمین ماست ، هدف مگر تنها همین است که یک دولت کوچک تشکیل شود؟ او میدانند که یک دولت کوچک بالاخره نمیتواند آنجا زندگی کند؛ یک اسرائیل بزرگ که دامنه اش از این طرف شاید به ایران خودمان هم کشیده شود. مگر اینها ادعای عراق و سرزمین های مقدس شما را ندارند ؟ والله وبالله ما در برابر این قضیه مسئولیم، قضیه ای که دل پیامبر را امروز خون کرده است، این قضیه است ...امروز اگر امام حسین بود میگفت: اگر میخواهی برای من عزاداری کنی، برای من سینه و زنجیر بزنی شعار امروز تو فلسطین باشد. شمر هزار و سیصد سال پیش مرد، شمر امروز را بشناس...»

امت اسلامی نمیتواند به راحتی زندگی کند در حالی که برادران مسلمانش در کشورهای دیگر زیر بار ظلم کمر خم کرده اند و به هر طریقی که میتواند باید از ملت مظلومی مانند فلسطین حمایت کند و سخن امام صادق که میفرمایند: «هر کس شب را به صبح برساند و به کارهای مسلمانان اهتمام نداشته باشد، مسلمان نیست» مصدق آنست.

اصلا مگر به امتی میتوان مسلمان گفت در حالی که وضع دیگر کشور های مسلمان برایش مهم نباشد.

یکی از اجزای تمدن نوین اسلامی وسعت آن میتواند باشد، تمدن اسلامی نیاز به گسترش و جهانی شدن دارد تا زمینه ساز ظهور امام زمان (عج) باشد و فلسطین یک کانون تمدنی برای اسلام است و این تمدن سازی باید دلهای تمام مسلمین جهان را با خود همراه کند. طبق فرموده ی امام این انقلاب تنها محدود به مرزهای خودمان نیست و از فرمایشات ایشان اهمیت کمک و همراه کردن ملت های مسلمان محرز میشود و ایشان میفرمایند فلسطین پاره ی تن اسلام است.

و باید دانست که مسئله ی فلسطین یک مسئله ی اسلامی نیست بلکه مسئله ای انسانی و بشری است که باید در مقابل آن واکنش نشان داد.

میدانیم که حق همیشه پیروز است و با اتحاد و همبستگی باید جلوی دشمن ایستاد و مبارزه کرد.

«اللهم عجل لولیک الفرج»

تمدن نوین اسلامی آن جامعه ایست که در آن انسان بتواند به راحتی و در محیطی کاملاً آزاد به رشد برسد، چه رشد معنوی و چه رشد در امور دنیوی!

یکی از مهمترین لازمه های شکل گیری تمدن اسلامی رهایی از سلطه ی ظلم و استکبار جهانی و شکل گیری یک حکومت توحیدی است که نفی عبودیت غیر خدا در تمام رگ های این تمدن جاری باشد و همین تفکر توحیدی در دولت، حکومت و جامعه نیز موجب رشد و تعالی این تمدن و جلوگیری از فساد آن بشود.

از جمله پیشرانهای تحقق تمدن اسلامی جرقه ی یک انقلاب است؛ یعنی حرکتی سریع و انفجاری که همراه با تغییر نظام سیاسی و تغییر ارزش های حاکم بر جامعه است، که این همان مرحله نخستین است. پس از شکل گیری انقلاب باید نظام و پس از آن دولت و جامعه اسلامی تشکیل شوند.

در مقایسه کشورمان با این مراحل میتوان گفت که سی و چند سال پیش مردم ایران علیه ظلم زمانه قیام کردند و به خوبی میدانستند که کشور باید از این وابستگی به غیر رها شود و نظام شاهنشاهی را که از پایه غلط بود را براندازد. پس از آن با شکل گیری جمهوری اسلامی نظام و طرح مهندسی حاکم بر کشور تغییر یافت و نظام مبتنی بر مردم سالاری دینی شکل گرفت!

اما ارتباط این تمدن سازی با آزادی قدس چیست؟

یکی از کشورهای جهان اسلام که از اهمیت دو چندان برخوردار است فلسطین اشغالی است که صهیونیست خائن سالهاست همچون کرکسی شوم بر سر این سرزمین و مردمانش سایه افکنده و آرامش را از مسلمانان روده ، تا جایی که قدس اول قبله گاه مسلمین را به عنوان پایتخت خود قلمداد میکند که البته خیالی واهیست.

اما نکته حائز اهمیت اینست که حاکمیت یهود خود سدی برای تمدن اسلامی است چراکه یهود تمام تلاشش برای سلطه ی جهانی است و هر آنچه را سر راه خود است برمیدارد و مسئله ی فلسطین رویارویی جهان غرب با جهان اسلام است.

اشغال فلسطین هرگز اشغال یک سرزمین و کشور نیست؛ بلکه ایجاد یک کانون استعماری -آن هم در قلب جهان اسلام - در جهت نابودی جهان اسلام و جلوگیری از شکل گیری تمدن نوین اسلامی است، به همین جهت قضیه فلسطین علاوه بر بعد دینی، با استقلال، امنیت و منافع ملی سایر کشورهای اسلامی نیز در ارتباط است. این واقعیتی است که هم از آرمانها، اصول و برنامه های نژاد پرستانه و توسعه طلبانه رژیم صهیونیستی (شعار گسترش اسرائیل از نیل تا فرات و ادعای تصاحب بسیاری از مکان های اسلامی) هم از نظر تاریخی و عملکرد آن رژیم در قبال مردم فلسطین و کشورهای هم جوار آن و بالاخره جهان اسلام، به خوبی قابل اثبات است.



بررسی ابعاد حقوقی قدس به عنوان پایتخت فلسطین و نقد ادله صهیونیزم

محمّد جواد معتمدی :: دانشجوی معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع) | علیرضا تقی پور :: دانشجوی فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق(ع)



الجزایر است و تحقیقات دیگری که در فهرست منابع به آنها ارجاع شده است، لکن به این موضوع با کیفیت و طبقه بندی مطرح شده در این مقاله پرداخته شده است. از سویی وجود ابهامات و رفع نشدن معضلات موجود در قوانین بین المللی سبب تفسیرهای متفاوت به مسئله فلسطین می شود و رد نتیجه فعالین بین الملل نمی توانند به پاسخ واحد، روشن و مقبولی در این زمینه برسند. پاسخی که قانون گذار بین المللی و مجامع جهانی را وادار به تبعیت از آن و اصلاح وضعیت کنونی فلسطین نماید. پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه دعای صهیونیست ها و ادله حقوقی موجود در عرصه بین الملل انجام گرفت. اولین یافته ای که از پژوهش حاضر به دست آمد، این بود که با تدقیق تعریف حق تعیین سرنوشت، به مفهومی با چهارچوب معنایی خاص در عرصه حقوق بین الملل رسیدیم که در بحث های آتی مبنایی غیرقابل عدول خواهد بود. دومین یافته ای که از پژوهش حاضر به دست آمد، این بود که ادله صهیونیست ها در ادعای مالکیت فلسطین تبیین و طبقه بندی شد و نقد هر یک نیز به تفصیل تبیین و متقابلاً طبقه بندی گشت. سومین یافته ای که از پژوهش حاضر به دست آمد، این بود که اهمیت بیت المقدس بررسی شد و مراحل تهوید قدس به دست صهیونیست ها از منظر حقوقی تبیین شد. و آخرین یافته ای پژوهش حاضر این بود که، از منظر حقوق بین الملل غیرقانونی بودن تصرف بیت المقدس توسط صهیونیست ها را اثبات کردیم. در طرح ادله چهارگانه تاریخی، مذهبی، حقوقی و نژادی صهیونیست ها؛ نقد بی اساس بودن ادله با توجه به حق تعیین سرنوشت اثبات حقوقی پیدا میکند. صهیونیست ها نه اولین قوم و نه آخرین قوم در سرزمین فلسطین بوده اند و در نهایت دعای خود می توانند به عنوان قسیم اعراب از منظر اقسام نژادی و مسلمانان و مسیحیان از منظر اقسام مذهبی؛ مطرح گردند و نه بیشتر. بیت المقدس نیز اولاً بوسیله قراردادهای بی اعتبار تقسیم شده است و در ثانی به همین قراردادهای بی اعتبار نیز عمل نشده و تخلفات فاحشی چه از طرف سازمان ملل متحد و چه نهادهای بین المللی دیگر در مورد عدول این رژیم غاصب از معیارها ثبت شده است.

در نهایت مولف متن برای پژوهش های آینده، پیشنهاد به بررسی تاریخچه کشورهای اسلامی در زمینه استفاده از موارد حقوقی ذکر شده در احقاق حقوق فلسطینیان و بررسی ضعف ها و قوت های نخبگان جهان اسلام و آسیب شناسی آن می کند.

مسئله فلسطین که حدود یک قرن پیش به وجود آمده مسئله ای اول جهان اسلام است. موضع گیری های جانبدارانه دولتهای استعمارگر به خصوص آمریکا و انگلیس در حمایت از رژیم صهیونیستی زمینه ایجاد پایگاهی استعماری-استثمار را در غرب آسیا برای تسلط بر نهایی ترین رغیب تمدنی غرب یعنی تمدن اسلامی مهیا کرده است. در این تقابل دوجانبه از یک سو جهان مدرن در تلاش برای مغلوب ساختن جهان اسلام به عنوان آخرین گفتمان معارض با گفتمان غرب مدرن است و از سوی دیگر جهان اسلام در صدد است با فتح بیت المقدس و اخراج رژیم صهیونیستی از آن شروع گشایش مشکلات خود را با به ثمر رسیدن تمدن اسلامی شاهد باشد، تا با تسلط بر آن حکومت دنیوی خود را تا ابد تضمین نماید اکنون که این رژیم با حمایت استعمارگران حقوق مسلم ملت فلسطین را نقض کرده است، وظیفه ی نخبگان جهان اسلام اعم از عالمان دینی و عاملان سیاسی اقتناع افکار عمومی دنیا در برابر «مارپیچ سکوت» رسانه های جهان در اثبات حق تعیین سرنوشت فلسطینیان است.

یکی از مشکلات اساسی جهان اسلام در حوزه حقوقی، مسئله فلسطین است که حقوق دانان مسلمان به میزان کافی به رد ادله صهیونیست در یک چهارچوب سازمان یافته نپرداخته اند. یکی از این ادله، حق مذهبی یهودیان در تملک بیت المقدس است که ابهامات و سوالات فراوانی در خصوص این ادعا وجود دارد. از جمله اینکه حق تعیین سرنوشت چیست و چگونه ارزیابی می شود؟ ملاکهای اطلاق لفظ «ملت» بر مجموعه ای از افراد چیست؟ آیا میتوان یهودیان را یک ملت نامید و در نتیجه «فلسطین را سرزمین بدون ملت و یهودیان را ملت بی سرزمین» دانست؟ آیا انگلستان در زمانی که فلسطین را تحت قیمومت خود داشت امکان واگذاری آن به یهودیان را داشت؟ آیا میان یهودیان و صهیونیست ها وجه تمایز وجود دارد؟ و آیا بیت المقدس به عنوان پایتخت فلسطین از لحاظ حقوقی متعلق به رژیم صهیونیستی است؟ علت بی اعتباری قراردادهای بین المللی همچون اساسنامه ی تقسیم بیت المقدس به دو قسمت شرقی و غربی چیست؟ اهمیت این مشکل به حدی است که اگر این ابهامات رفع نشود و به سوالات مذکور پاسخ داده نشود، ادعای صهیونیست ها در دادگاه ها و مجامع بین المللی اثبات و در نتیجه حقانیت فلسطینیان نزد افکار عمومی دنیا خدشه دار خواهد شد.

از لحاظ سابقه بحث درخصوص سبقه تاریخی و ضرورت موضوع هر چند کتب و مقالاتی به رشته ی تحریر درآمده است، از قبیل؛ (مبشری، ۱۳۵۰) که ترجمه ی کتابی از کنفرانس حقوق دانان عرب در



انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه شیراز

شهادت شاخص سال ۱۳۹۷
انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شیراز



شهد
آریس در کس

رسالت دانشجوی در این است که انقلابی بماند و همچنان پیشگام و پیشتاز
انقلاب باشد. دانشجوی بریده از عوام و عامه مردم، هر قدر هم پرتحرک
و پویا و پیشتاز باشد، نمی تواند خود را خلاق و آفریننده یک انقلاب بیاورد.
دانشجو رسالتش در این است که در برابر دردهای جامعه، برای همیشه
حساس بماند؛ نه اینکه تا فارغ التحصیل شد و یک شغلی پیدا کرد
هر قدر شغلش بهتر می شود حساسیتش کمتر بشود.

راه‌های ارتباطی با ما:

- www.mostaghel.ir ■
- www.int.mostaghel.ir ■
- www.anjomanshu.ir ■
- int.anjoman.shu@gmail.com ■
- @jebhevahed ■
- ۰ ۹ ۱ ۷ ۸ ۳ ۶ ۳ ۷ ۲ ۶ ■

